
پرس و جو
با موضوع
اقتصاد

بسم الله الرحمن الرحیم

اقتصاد

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اقتصاد

مشخصات کتاب

نویسنده : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

نظام اقتصادی اسلام

آیا قوانین اقتضادی ربطی به ایدئولوژی دارد؟ فی المثل در عملیات بانکی اگر بخواهیم قوانین فقهی را اجرا کنیم , داد و ستد رونق نمی یابد, چون مثلاً شخصی مبلغی را به بانک می دهد و سود آن را دریافت می کندو با آن زندگی می کند و هیچ کار اقتصادی نمی کند.

پرسش

آیا قوانین اقتضادی ربطی به ایدئولوژی دارد؟ فی المثل در عملیات بانکی اگر بخواهیم قوانین فقهی را اجرا کنیم , داد و ستد رونق نمی یابد, چون مثلاً شخصی مبلغی را به بانک می دهد و سود آن را دریافت می کندو با آن زندگی می کند و هیچ کار اقتصادی نمی کند.

پاسخ

قوانین اقتصادی , بخش عظیمی از فقه اسلامی و جزء دستورهای دینی است , مانند بیع (خرید وفروش) و اقسام آن و اجاره و مساقات و مضاربه و جعاله و شرکت و حواله و کفالت و غیره , که برای هر کدام ازموضوعات فوق , در فقه اسلامی , کتابی اختصاص یافته است و بخش عظیمی از فقه را مکاسب (کسب ها) تشکیل می دهد.

دربارهء عملیات بانکی می توان به نحوی عمل کرد که صحیح باشد و مشکلی به وجود نیآید, مثلاً همان طور که درمضاربه شخصی پانصد هزار تومان پول دارد و توان کار اقتصادی ندارد, می تواند پول را به شخص مطمئّنی بدهدو با هم قرار داد مضاربه ببندند که او با آن پول به کاسبی بپردازد و هر چه از آن استفاده برده , نیمی , از آنِ صاحب پول و نیم دیگر از کاسب (عامل) باشد. این معامله و قرار داد مضاربه صحیح است . همین طور بانک می تواند طرف قرارداد اشخاص باشد, مثلاً آقای پول را به بانک به عنوان سپردهء ثابت کوتاه یا بلند مدّت به عنوان مضاربه بدهد و بانک با آن کارهای اقتصادی کند و از منافع آن , مقداری را طبق قرارداد به صاحب پول پرداخت نماید. اگراین طور عمل

بشود, اشکالی ندارد و باعث رونق اقتصادی شده است . بنابراین عملیات بانکداری اسلامی باعث رونق اقتصادی می شود, چون پول گذاردن در بانک به عنوان سپردهء ثابت یک کار اقتصادی است , درست مانند این که شخص با پولش برنج و حبوب بخرد و در مکانی در معرض فروش بگذارد و با فروش آن ها استفاده ببرد, در حالی که شخص کاری نکرده و پول را فرستاده و برنج و حبوب برایش فرستاده اند و ایشان در مغازه نشسته و دیگری برایش می فروشد.

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

پرسش

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

پاسخ

متأسفانه یکی از آسیب های دین شناسی آن است که برخی خاستگاه چالش ها و نارسایی های مربوط به مسلمانان را دین و آموزه های آن می دانند، حال آن که عقب ماندگی و مشکلات مسلمانان مربوط به خود آنان بوده و اسلام چیزی است و مسلمان بودن چیزی دیگر.(۱)

در اسلام مسلمانان به فعالیت های اقتصادی فرا خوانده شده و از فقر و هر گونه تن پروری و بیکاری نهی شده اند تا آن جا که کار در راه تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، ارزش جهاد در راه خدا را پیدا کرده است.(۲) یکی از نویسندگان در ذیل تفسیر آیه ۲۰ مزمل می نویسد: "در آیه تلاش برای زندگی در کنار "جهاد فی سبیل الله" قرار داده شده و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است. چرا چنین نباشد، در حالی که یک ملّت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت؟! اصولاً "جهاد اقتصادی" بخشی از "جهاد با دشمن" است.(۳)

امام صادق(ع) در خصوص اهمیت کسب روزی فرمود: "لا تکسلوا فی طلب معایشکم فأنّ آبائنا کانوا یرکضون فیها و یطلبونها؛(۴) در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران ما در این راه می کوشیدند و روزی را طلب می کردند".

بر این اساس، اسلام مسلمانان را نه تنها به دوری از فقر فرا خوانده، بلکه آن را مانند جهاد دانسته است. اما فقر مسلمانان ریشه در عوامل دیگر دارد. یکی از علل مهم، سیاست هایی است که در طول تاریخ

توسط حاکمان ستمگر به کار گرفته شده و دشمنان نیز از آن حمایت می کردند. دشمنان می دانند که استقلال اقتصادی مسلمانان، با منافع آنان در تضاد است.

آنان ذلت و وابستگی جهان اسلام را می خواهند! داده های تاریخی نشان از آن دارد که یکی از وابستگی هایی که شدیداً جامعه اسلامی را آسیب پذیر نمود، وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمار گر است.

برداشت های انحرافی از دین

یکی از علل گسترش فقر در جهان اسلام برداشت های انحرافی از دین می باشد. برخی تصور می کنند که دین انسان ها را به آخرت فرا خوانده و از تلاش و فعالیت در دنیا بر حذر داشته، که غلط بودن این پندار کاملاً روشن است.

در برخی از روایات یکی از مؤلفه های جامعه آرمانی امام زمان(عج) پیشرفت های اقتصادی و علمی بیان شده است. این نشان می دهد که یکی از اهداف مهم اسلام فقر زدایی و فرا خوانی به فن آوری و پیشرفت های اقتصادی است. پیامبر اسلام و ائمه به فعالیت های اقتصادی می پرداختند و در صدد تشکیل جامعه بدون فقر بودند. امام علی(ع) یکی از وظایف حاکمان را فقر زدایی دانست.(۵)

البته در اسلام همان گونه که به فعالیت های اقتصادی سفارش شده، به تقوا و معنویت گرایی نیز سفارش شده است، زیرا همه خوشبختی ها در داشتن مال و ثروت ظهور نمی کند.

این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزگاری، غرق در ناز و نعمت هستند، اشتباره بزرگی است؛ زیرا اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم، دردهای جانکاهی (که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد) می

ببینیم و قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن ها از بیچاره ترین مردم روی زمین هستند،(۶) زیرا معنویت مهم ترین سرمایه زندگی است.

اگر در اسلام از درآمدها و ثروت اندوزی غیر مشروع نهی شده، بدین جهت است که مردم از معنویت فاصله نگیرند و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

خود باختگی

یکی از علل مهم فقر جوامع اسلامی خود باختگی است، بدین معنا که امروزه مسلمانان توانایی ها و قابلیت های خویش را فراموش کرده و تصور می کنند فقط دیگران توان اقتصادی و خلاقیت های علمی دارند. روحیه خود باختگی موجب شده است که در جوامع اسلامی از نیروهای انسانی کشورهای بیگانه استفاده شده و این رویکرد فقر اقتصادی و وابستگی را در پی دارد.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳ (الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸.

اسلام با اقتصاد چند گونه پیوند دارد؟

پرسش

اسلام با اقتصاد چند گونه پیوند دارد؟

پاسخ

اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیرمستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات ها، حجرها، ارث، هبات و صدقات ،وقف، مجازاتهای مالی یا مجازاتهایی در زمینه ثروت و غیره دارد. اسلام کتاب البیع، کتاب الاجاره، کتاب الوکاله، کتاب الرهن، کتاب الارث،کتاب الهبه و کتاب

الوقف دارد.

و از طرف دیگر می دانیم اصل «نُـو ءمِنُ بِبِعْضٍ و نَکْفُر ُبِبَعْضٍ» همـان طور که قرآن کریم می فرمایـد مطرود است. علیهـذا یا باید اسلام را دربست بپذیریم و یا باید دربست رد کنیم.

پیونـد غیر مسـتقیم اسـلام بـا اقتصـاد از طریق اخلاـق است. در این جهت برخی مـذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین می باشـند. اسـلام مرد م را توصـیه می کنـد به امانت، عفت، عـدالت، احسان، ایثار؛ منع دزدی و خیانت و رشوه. همه اینها در زمینه ثروت است و یا قسمتی از قلمرو این مفاهیم، ثروت است. تا حدود مسائل اقتصادی روشن نشود، حدود عدالت، امانت، عفت، احسان و همچنین حدود دزدی، خیانت و رشوه روشن نمی شود.

اصول متعارفه و موضوعه اقتصاد اسلامی چیست؟

پرسش

اصول متعارفه و موضوعه اقتصاد اسلامی چیست؟

پاسخ

: عبارت است از:

الف. اقتصاد بایـد به نحوی باشد که موجب ازدیاد ثروت عمومی بشود، راکد و ثابت نباشد، متکامل باشد، حداکثر اسـتفاده از عامل طبیعت و عامل انسانی بشود.

ب. عدالت و مساوات رعایت گردد، به معنی اینکه تبعیضها و اولویتهای بیجا در کار نباشد.

ج. فردی فرد دیگر را استثمار نکند.

د. عدالت به معنی اینکه حقوق طبیعی افراد باید رعایت شود؛ هم به این معنی که حق طبیعی یک فرد به او داده شود، نه به فرد دیگر، یـا همه افراد دیگر و دولت، و هم به معنی اینکه آزادی یک فرد محترم شـمرده شود. می توانیم آزادی را اصل علیحـده بشماریم.

و. احترام آزادی افراد در انتخاب کار

ز. آزادی افراد که خود یـک اصـل است و همچنین ازدیاد ثروت عمومی که خود اصل دیگر است، بایـد محـدود شود به سایر مصالح بشر؛ یعنی باید منحصر به اخلاق عموم و معنویات بشر باشد.

اسلام چه نوع درآمدهایی را ممنوع کرده است؟

پرسش

اسلام چه نوع درآمدهایی را ممنوع کرده است؟

پاسخ

آنچه اسلام از رشته های درآمد منع کرده است چند قسم است:

الف. درآمد از طریق اغراء به جهل و تثبیت جهالت مردم و تحکیم عقاید سخیف و خرافی نظیر بت فروشی و صلیب فروشی.

ب. نوع دوم تحصیل درآمد، از طریق اغفال و اضلال است. بیع کتب ظلال از این قبیل است. در اسلام شکستن سکه تقلبی و از بین بردن کتاب تقلبی واجب است. البته خرید و فروش آنها برای کسانی که قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل دارند مانعی ندارد اما برای کسانی که فاقد این قدرتند صحیح نیست. (امروز به نام آزادی عقیده و فکر، نشر هر کتابی و خرید و فروش هر کتابی را صحیح می دانند، اما اسلام این راه درآمد را به روی پیروان خود بسته است. تدلیس ماشِطه و نجش از این قبیل است. مدح مَنْ لایَستَحِقُّ المدح از این قبیل است. کهانت نیز از این قبیل است، بلکه تحریم ساختن و مبادله مجسمه نیز از این قبیل است و لو آنکه جنبه حریمی و مقدّمی دارد.)

ج. تقویت دشمنان به هر نحوی باشد از این نوع است. بیع سلاح به اعداء دین، بلکه هرگونه خرید و فروشی که سبب شود دشمن، قوی و دوست ضیعف شود در اسلام ممنوع است. اگر خرید و فروشی سبب شود که بنیه نظامی یا اقتصادی یا فرهنگی دشمن قوی و متقابلاً ـ بنیه نظامی، اقتصادی، فرهنگی خودی ضعیف شود ممنوع است. فروش نسخ خطی قیمتی به آنها از این قبیل است. فروش موادی از قبیل نفت به آنها از این قبیل است.

د. تحصیل درآمد از

راه تولید یا خرید و فروش و مبادله موادی که استعمال آنها برای بشر زیان دارد و یا فایده ای ندارد و از نوع هوسهای کودکانه است. مبادله شراب، اعیان نجسه، آلات قمار و غش از این قبیل است.

ه. پای ماده مضری در کار نیست، بلکه نوع کاری که فرد در مقابل آن واقع می شود بیهوده یا مضر است، مثل لهو و غنا یا قمار قیادت یا هجو مؤمن.

و. نوع دیگر کاری است که از نظر اسلام فوق مسائل اقتصادی است، از قبیل اجرت در قضاوت، تعلیم دین و قرآن، اجرت بر اذان یا افتاء. اذان شعار است، شعار راستی و ایمانی، پیام دل است به دل؛ این زشت است که کسی پول بگیرد و بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لاـ اِلهَ اِلاَّ اللّٰه»؛ این کار، فروشی نیست، همچنانکه از نظر اسلام سربازی نیز مزدوری نیست، اجباری هم نیست، قصد قربت می خواهد. حتی بیع مصحف. این گونه کارها باید بلاعوض صورت گیرد، ولی بودجه عامل از بیت المال تأمین شود. (بعضی علت حرمت اجرت [در این موارد را] تضاد اجرت با قصد قربت دانستهاند، ولی به عقیده ما این است که این گونه کارها در اسلام فوق مبادله و خرید و فروش می داند. افتاء و ارشاد هم از این قبیل است.

ز. کارهایی که منجر به تجمل پرستی مفرط بشود، مثل ساختن یا مبادله ظروف طلا و نقره.

رابطه « اخلاق » و « اقتصاد » در اسلام چگونه است؟

پرسش

رابطه « اخلاق » و « اقتصاد » در اسلام چگونه است؟

پاسخ

بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مادّی، تفاوت فراوانی وجود دارد. مهمترین فرق بین این دو، این است که اقتصاد اسلامی، با اخلاق و اصول انسانی آمیخته و توأم است؛ در حالی که اقتصاد مادّی، نه تنها از عاطفه و اخلاق خالی است، بلکه اصل حاکم بر آن منافع مادّی است. ولی اصل حاکم بر اقتصاد اسلامی اخلاق است؛ و تحصیل منافع باید در سایه حفظ ارزشهای اخلاقی باشد؛ بر همین اساس اسلام معاملهای را که منشأ فساد باشد، حرام شمرده است؛ مثلاً اگر تأسیس مراکز فحشا در اسلام ممنوع است؛ یا اگر شراب فروشی و دایر کردن قمارخانهها در اسلام حرام اعلام شده و یا اگر تأسیس بانکهای رباخوار در اسلام جایز نیست، همه و همه بدین جهت است که این گونه کارها منشأ مفاسد زیادی است و با اخلاق اسلامی سازگار نیست.

آیا احکام اقتصادی اسلام بیشتر بیانگر تجارت است و توجّهی به کشاورزی ندارد؟

پرسش

آیا احکام اقتصادی اسلام بیشتر بیانگر تجارت است و توجّهی به کشاورزی ندارد؟

پاسخ

در احادیث اسلامی به کشاورزی اهمّیت بسیار داده شده است; از جمله در روایتی از امیرمؤمنان((علیه السلام)) چنین آمده است: «هر کس با وجود داشتن آب و خاک، فقیر باشد از رحمت یا نعمت خدا دور است». در روایت دیگر آمده است که شخصی از امام معصوم((علیه السلام)) درباره کشاورزان پرسید; امام فرمود: «کشاورزان گنج های خدا در زمینند.

خداوند هیچ کاری را بیشتر از زراعت دوست نمی دارد. خدا هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه زارع بوده است، جز «ادریس» که خیاط بود».

آیا در قرآن کریم در مورد ربا خواری و پول ربوی آیاتی آمده است عذاب های دنیوی و اخروی رباخوار چیست

پرسش

آیا در قرآن کریم در مورد ربا خواری و پول ربوی آیاتی آمده است عذاب های دنیوی و اخروی رباخوار چیست

پاسخ

بله قرآن کریم در آیاتی رباخواری را حرام دانسته و رباخواران را وعده عذاب های شدید داده است از جمله

۱. خداوند متعال می فرماید: "الَّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبَوٰاْ لَا یَقُومُونَ إِلَّا کَمَا یَقُومُ الَّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطَٰنُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓاْ إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبَوٰاْ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَوٰاْ فَمَن جَآءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَیٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَی اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِکَ أَصْحَٰبُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَٰلِدُونَ یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَوٰاْ وَیُرْبِی الصَّدَقَٰتِ وَاللَّهُ لَا یُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ أَثِیمٍ ; (بقره ۲۷۵ و ۲۷۶) کسانی که ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند]گاهی زمین می خورد، گاهی بپا می خیزد[این به خاطر آن است که گفتند بیع هم مانند ربا است]و تفاوتی میان آن دو نیست در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام]زیرا فرق میان این دو بسیار است و اگر کسی اندرز الهی به او برسد و]از رباخواری خودداری کند سودهایی که در سابق]قبل از نزول حکم تحریم به دست آورده مال او است و کار او به خدا واگذار می شود; ولی کسانی که باز گردند]و مجدداً مرتکب این گناه شوند[اهل آتش خواهند بود و همیشه در آن می مانند. خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد".

۲. در آیه ای

دیگر می فرمایـد: "ای کسانی که ایمان آورده ایـد از خـدا بپرهیزیـد و آن چه از]مطالبات ربا باقی مانده رها کنید، اگر ایمان داریـد، اگر]چنین نمی کنیـد بدانیـد با جنگ با خـدا و رسول او روبرو خواهیـد بود و اگر توبه کنید، سـرمایه های شـما از آن شماست .." (بقره ۲۷۸، ۲۷۹)(ر.ک تفسـیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲، ص ۲۶۹ ۲۸۲، دارالکتب الاسلامیه تهران)

۳. همچنین در جایی دیگر می فرمایـد: "ای کسانی که ایمان آورده ایـد ربا]و سود پول را چند برابر نخورید از خدا پروا کنید تا رستگار شوید". (آل عمران ۱۳۰) و نیز آیات ۱۶۱، سوره نسأ و...(ر.ک ربا در اسلام شهید آیت اللّه دکتر بهشتی ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

ربـاخواری و ربـاخواران در روایـات اسـلامی نیز به شـدت مورد سـرزنش قرار گرفته است چنـان که حضـرت امـام صـادق می فرماید: رباخوار از دنیا بیرون نمی رود مگر آن که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد".(بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰، مؤسسه الوفأ، بیروت)

پیـامبر اکرم می فرمایـد: "هنگامی که به معراج رفتم دسـته ای را دیـدم به حـدی شـکم آنان بزرگ بود که هر چه جـدیت می کردند، برخیزند و راه روند، برای آنان ممکن نبود، و پی در پی به زمین می خوردند. از جبرئیل سؤال کردم این ها چه افرادی هسـتند؟ جرم شان چیست جواب داد این ها رباخواران هستند."(همان ص ۳۴۹ / ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲، ص ۲۷۱۲۷۳، دارالکتب الاسلامیه

(

فرق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری چیست و آیا برنامه های اول و دوم دولت با اقتصاد اسلامی هماهنگ است ؟

پرسش

فرق بین اقتصاد اسلامی و سرمایه داری چیست و آیا برنامه های اول و دوم دولت با اقتصاد اسلامی هماهنگ است ؟

پاسخ

به طور معمول هر ایدئولوژی و مکتبی به بیان اصول کلی و جهت گیری های اساسی و سیاست گذاری های کلان می پردازند و آیین نامه های اجرایی بر عهده کارشناسان است. در اسلام نیز خطوط کلی اقتصاد بر محور عدالت اجتماعی و حداکثر مشارکت مردمی بنیان گذاری شده است که دراین باره می توانید به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱- اقتصاد ما، شهید سید محمد باقر صدر

۲- بانکداری بدون ربا، شهید سید محمد باقر صدر

۳- بانکداری داخلی۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی

۴- زمین در فقه اسلامی، طباطبایی

۵- طراح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مهدی بناء رضوی

۶- نظری به نظام اقتصادی اسلام، شهید مطهری

۷- نظام اقتصادی و اجتماعی، عبد الکریم عبداللهی

سیستم اقتصادی اسلام در سه محور عمده با نظام سرمایه داری تفاوت دارد که عبارتند از:

۱- مسأله مالکیت. ۲- نوع فعالیت های اقتصادی. ۳- توزیع ثروت.

مالکیت: مالکیت در اسلام با دیگر سیستم های اقتصادی تفاوت های اساسی دارد؛ زیرا:

۱- در نظام سوسیالیستی اصل نفی مالکیت خصوصی است. البته همه کشورهای اشتراکی بر خلاف این مبنا درعمل ناچار به پذیرش مالکیت خصوصی در موارد بسیار محدودی گردیده اند و هرگز قادر به اجرای این اصل نبوده اند؛زیرا در عمل به رکود فعالیت های اقتصادی و عدم بروز خلاقیت ها می انجامد.

۲- در کاپیتالیسم اصل تکیه بر مالکیت خصوصی و آزادی مطلق آن است جز آن که در موارد نادری باز دولت ها ناچار شده

انـد بر خلاـف این مبنـا برخی از سـرمایه هـا را عمومی اعلاـم نماینـد. این مبنا باعث رشـد بی رویه امپراتوران بزرگ اقتصادی گردیده که بدون

هیچ محدودیتی با حمایت دولت های خود به غارت سرمایه های ملت ها پرداخته اند.ضمنا در کاپیتالیسم دولت حق مداخله در فعالیت های سرمایه داران و محدودسازی آنان را ندارد و اساسا دولت درجهت منافع آنان سیاست گذاری می کند.

۳- اسلام قائل به اصل مالکیت مزدوج (مالکیت خصوصی عمومی و دولتی) است و در عین حال برای هر یک ازاقسام مالکیت حدود و مقرراتی را وضع کرده که در صورت اجرای صحیح آن معایب هر یک از دو سیستم دیگر برطرف شده و اقتصاد جامعه بالندگی و شکوفایی نوینی خواهد یافت. محدودیت هایی که اسلام برای مالکیت خصوصی قائل است از قرار زیر می باشد:

الف) محدودیت روشی: بر خلاف کاپیتالیسم در اقتصاد اسلامی پیمودن هر راهی برای کسب ثروت مجاز نیست وتنها از راه های قانونی و شرعی ویژه شخص آزادی فعالیت اقتصادی دارد. برخی از راه هایی که اسلام برای ازدیاد ثروت ممنوع ساخته عبارتند از: ربا، احتکار، انحصار و تولیدات حرام و ... (ر . ک : مکاسب محرمه).

ب) محدودیت مصرفی: نوع مصرف و استفاده از ثروت نیز در اسلام از آزادی مطلق برخوردارنیست و باید درچارچوب قانونی ویژه ای قرار گیرد. از جمله اموری که اسلام در این رابطه ممنوع ساخته عبارتند از: کنز، اسراف،تبذیر، خرید آلات حرام و از بین بردن ثروت بویژه مایحتاج عمومی.

ج) محدودیت موضوعی: از نظر اسلام بر خلاف سرمایه داری همه چیز نمی تواند تحت مالکیت خصوصی درآید مانند: جنگل ها، دریاها، معادن و منابع زیر زمینی، صنایع مادر و...

د) مشارکت اجتماعی: در اقتصاد اسلامی هر فرد پس از پیمودن راه های مشروع کسب ثروت چنان چه از او برنیازهای عادی خود و خانواده اش در آمدی کسب کرد

مسؤولیتی اجتماعی بر دوش دارد و باید مقداری از آن ثروت را برای تامین نیازمندی های جامعه صرف کند تا از رشد بی رویه ثروت او و عقب ماندگی جامعه جلوگیری شده وهمراه با فعالیت های اقتصادی او جامعه نیز بالندگی یابد (مالیات های اسلامی).

ه) اختیارات دولت اسلامی: دولت اسلامی ضمن آن که باید نسبت به اجرای موارد فوق بر فعالیت های اقتصادیبخش خصوصی نظارت نماید علاوه بر آن در صورتی که مشاهده کند که در گوشه ای ثروت هنگفتی تمرکز یافته و دربخش های دیگر جامعه نیازهای شدیدی وجود دارد و آن تمرکز موجب شکاف طبقاتی عمیق شده و برای جامعه زیانبار است می تواند هر مقدار که ضرورت داشته باشد مصادره نموده و در نیازهای جامعه صرف نماید.

نوع فعالیت های اقتصادی: در نظام اسلامی هر نوع کار و فعالیتی باید در جهت رفع نیازهای واقعی انسان ها و رشد و سلامت مادی و معنوی جامعه باشد. بنابراین فعالیت هایی که تأمین کننده نیازی نیست یا چه بسا موجب مفاسد و انحرافاتی در جامعه است مثل تولید مشروبات الکلی، تصاویر محرك و... در اسلام ممنوع می باشد برخلاف اقتصاد سرمایه داری که محدودیتی از این جهات قائل نیست.

توزیع ثروت: توزیع ثروت در اسلام براساس عدالت اجتماعی و بهره وری همه اقشار جامعه از اقسام مختلف مالکیتی است و نباید نظام توزیع به سمت بهره وری قشر خاصی بگراید. پس روشن شد که تنها وجه مشترك اقتصاداسلامی و کاپیتالیسم اصل احترام به مالکیت خصوصی است ولی حدود و مقررات آن زمین تا آسمان فرق دارد و دو ماهیت جدا از یکدیگرند.

برای آگاهی بیشتر ر . ك : اقتصاد ما شهید آیت الله صدر.

چرا در معارف اسلام مسائل اقتصادی کمتر مطرح شده

پرسش

چرا در معارف اسلام مسائل اقتصادی

کمتر مطرح شده

پاسخ

«اقتصاد» دارای دو بخش است: الف) نظام اقتصادی، ب) علم اقتصادی

در مقوله اول، بنیان هایی که بایستی نظام اقتصادی بر آن استوار گردد، در اسلام تبیین شده است؛ ولی در مقوله دوم که علم اقتصاد تا حدود زیادی به شرایط هر زمان وابسته است از این رو بایستی در هر عصری کارشناسان مسائلاقتصادی برای امور اقتصادی جامعه، برنامه ریزی کنند.

تا چند دهه پیش به دلیل آن که راهی برای پیاده کردن احکام اسلامی وجود نداشت، لذا افکار دانشمندان ومتفکران به این قضیه معطوف بود که مسائل اقتصادی اسلام را از منابع آن استخراج و مدون کنند، ولی در چند دهه اخیر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع شتاب فزاینده ای یافته و تحقیقات و پژوهش های عمیقی دراین زمینه انجام گرفته است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱ اقتصاد ما شهید سید محمد باقر صدر

۲ بانکداری بدون ربا شهید سید محمد باقر صدر

۳ بانکداری داخلی ۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی

۴ زمین در فقه اسلامی طباطبایی

۵ طراح تحلیلی اقتصاد اسلامی مهدی بناء رضوی

۶ نظری به نظام اقتصادی اسلام شهید مطهری

۷ نظام اقتصادی و اجتماعی عبد الکریم عبداللهی

اسلام و توسعه

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

پرسش

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

پاسخ

جواب اجمالی: (۴۲)

زهد و ساده زیستی از جمله کمالات اخلاقی است و در متون دینی ما در باب دل نبستن به تمنّیات دنیوی تأکیدات فراوانی شده است. اما افراط و تفریط در تفسیر زهد در طول تاریخ و نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته است. به فرموده ی امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از مانیست آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید.

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟ و لذا از لحاظ تاریخی و با استناد به روایات دینی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. مُدرنیته یعنی نو شدن و نو شدگی و در برابر هرگونه تعلق به گذشته و سنت قرار می گیرد.

نکته حائز اهمیت این است که ترقی و پیشرفتی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند.

جواب تفصیلی: (۴۲)

یکی از کمالات اخلاقی انسان زهد و ساده زیستی است و در متون دینی ما در باب مخالفت با تجمّلات دنیوی و دنیاگرایی تأکیدات فراوانی شده است. در قرآن کریم خدای بزرگ به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)می فرماید: به شکوفه هایی که در دست دیگران است و ما به آنان داده

ایم چشم مدوز؛ زیرا ما می خواهیم آنان را با آن شکوفه ها بیازماییم ولی رزق پروردگار تو بهتر و ماندنی تر است.

شکوفه های دنیا برای کسی میوه نخواهد داد. عالم طبیعت چنان سرد است که تا این شکوفه ها بخواهند به بار نشینند و به ثمر تبدیل شوند، سرمای زودرس طبیعت از راه می رسد و شکوفه ها می ریزند.

اما دیدگاه های مختلف در باب زهد و پارسایی در طول تاریخ موجب بروز تفاسیر گوناگون در

عرصه ی فرایندهای اجتماعی گشته است و متأسفانه برداشت های ناروا از منابع دینی و یا نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام نحله های گوناگونی را پرورانده که جمعی در مسیر افراط و گروهی در وادی تفریط، چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته اند. به گونه ای که گاهی با شنیدن واژه ی زهد انزوا، تنهایی، دوری از مردم و تمدن و پیشرفت و ترقی، و دعا و عبادت و در گوشه ای آرام و فارغ از مشغله های زندگی در ذهن انسان تداعی می گردد، در حالیکه این معنا واژگونه ساختن حقیقتی ارزشی و آلوده ساختن مفهومی ملکوتی است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زهد نه آنست که مال دنیا را تباه کنی و نه آنکه حلال آن را بر خود حرام گردانی. بلکه زهد آنست که اعتمادت به آنچه نزد حق است، بیش از آن باشد که در نزد خودت یافت می شود.

و به فرموده ی حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): زهد در یک آیه از قرآن بیان شده است، آنجا که می فرماید: تا آنکه به خاطر

از دست دادن چیزی متأسف و متأثر نشوید و بر آنچه به دستتان رسیده فرحناک نباشید.

و لذا پارسایی و زهد، دل بستن به امر باقی و نومید گشتن نسبت به امور فانی است. جدایی از تعلّقات دنیوی و قرب به ملکوت است. سبک بال گشتن برای پرواز در آسمان فضایل و ملکات انسانی است.

حال آیا رشد و کمال و تعلیم و تربیت و سعادتمندی مانع پارسایی است یا یاور آن؟

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟

مگر نه اینست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: علم را طلب نمائید ولو اینکه در چین باشد.(۳) و فراگیری آن را بر همگان ضروری دانستند.

در روایتی مولی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تمام مواضع دنیا را جهل می نامد مگر جایگاه علم را که

روشنی و فروغ است(۱)، و این به صراحت قدر و شایستگی علم و حقارت دنیا و دلبستگی به آن را بیان می سازد.

اما در باب نسبت بین دین اسلام و پیشرفت باید گفت: از لحاظ تاریخی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. واژه مدرنیته از واژه ی لاتین (Modernus) به معنای نو و تازه گرفته شده است. مدرنیته یعنی نو شدن و نوشدگی و در برابر هر گونه تعلّق به گذشته و سنت قرار می گیرد، هر چند وجوه اشتراکی نیز با آن دارد. برای نمونه می توان به علم گرایی جهان اسلام که یکی از الگوهای نوشدن غربی بود اشاره کرد.

توجه به حقوق بشر، عقل گرایی، مدارا با مخالفان و غیر هم کیشان که همگی از مظاهر نو شدن غربی به شمار آمده اند ریشه در تمدن اسلامی داشته و برگرفته از آن هستند. بحث آزاد در حوزه ی معارف دینی و گریز از جزمیّت نیز از دیگر آموخته های تجدّد غربی از جهان اسلام است.

اما نکته ی حائز اهمیت این است که ترقّی، پیشرفت و نو شدنی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند. به فرموده ی امام علی (علیه السلام): هر آن علمی که مورد تأیید و امضاء عقل نباشد گمراهی و ضلالت است.(۳) وقتی تساوی دو روز انسان از منظر اسلام غبن و خسران محسوب گردد این بهترین معنای رشد و بالندگی است.

برای اطلاع بیشتر روایاتی چند درباره موضوع بحث ذکر می گردد.

امام صادق (علیه السلام): کسی که از مقتضیات زمان خود آگاه است مورد هجوم اشتباهات واقع نمی شود.

امام علی (علیه السلام): سزاوار است انسان عاقل رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و دانش علما را بر دانش خویش اضافه نماید.

امام علی (علیه السلام): تجارب آدمی پایان ندارد و معلومات انسان عاقل به وسیله ی تجربه همواره در افزایش و فزونی است

امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از ما نیست آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید

راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

پرسش

راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

پاسخ

یکی از راههای مشکل فقر توصیهها و راه حلهای « دین مبین اسلام » است که عمل بدانها، سبب پر شدن شکاف فقر و کم شدن فاصلههای طبقاتی مردم میشود.

همان گونه که صدر اسلام و در زمان پیامبر (ص) با عمل به فرمانهای الهی و دستورات دینی، چنان شد و برای اولین بار در تاریخ بشر، جامعهای بیطبقه یا دست کم با فاصله طبقاتی بسیار اندک، عملاً پدیدار شد.

امروزه هم، اگر بتوانیم در جامعه خود و حتی همه جوامع بشری، ابن دستورالعملها را به کار بندیم، توزیع ناعادلانه ثروت و فاصله فقیر و غنی و به طور کلی نابرابری در جوامع بشری از میان خواهد رفت.

یکی از این توصیه‌ها و دستورالعملهای با ارزش در اسلام، مسأله «انفاق» است. قرآن مجید بر موضوع انفاق تأکید بسیاری کرده و آیات فراوانی در این زمینه آورده است. تعداد آیاتی که کلمه «انفاق» یا مشتقاتش در آن به کار رفته است، بیش از هفتاد آیه است؛ البته اگر آیاتی که مضمون آنها، دلالت بر انفاق دارد، ولی کلمه انفاق یا مشتقاتش در آن ذکر نشده است را اضافه کنیم، مجموع آیات انفاق بیش از این تعداد خواهد شد.

خداوند متعال در قرآن مجید، انسان را به پرداخت قسمتی از آنچه نصیب او می گردد و در اختیارش میباشد، فرمان داده است. در آیه ۱۹ سوره ذاریات تعبیر زیبایی از این مطلب شده است وَ فِی اَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائلِ وَ الْمَحْرُوم» [و در اموال آنان (پرهیزگاران) حقی برای سائل و محروم بود.]

برابر این آیه، مؤمن برای فقرا و مساکین

در اموالش حقی قائل است.

در قرآن مجید برای تشویق مردم به انفاق تعبیرهای زیبا و جذّابی به کار برده شده است.

۱ – خداوند در آیه ۹۶ سوره نحل میفرماید «ما عِنْدكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللّهِ باقٍ» [آنچه نزد شماست فانی میشود، امّا آنچه نزد خداست باقی است.]

چه تعبیر زیبایی! چه عبارت کوتاه و پرمعنایی! یعنی اگر کسی میلیونها تومان پول خرج کند، تماماً از بین میرود، ولی اگر یک تومان برای رضای خداوند و در راه خدا هزینه شود، نزد خداوند و در خزانه غیب او باقی میماند؛ یعنی بر خلاف آنچه بیشتر مردم تصور میکنند، انفاق نابود نمیشود.

۲ – در آیه ۸۹ سوره نمل آمده است «مَنْ جاءَ بِالحَسَنَه ِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها...» [هر کس کار نیک و خوبی انجام دهد، بهتر از آن را پاداش میگیرد.] قصص/۸۴

برابر صراحت این آیه شریفه، نه تنها انفاق و صدقه از بین نمیرود و نزد خداوند باقی میماند، بلکه خداوند در عوض، چیزی بهتر به انفاق کننده میدهد.

۳ – آیه ۱۶۰ سوره انعام ارزش انفاق را فراتر برده است و خداوند در آن آیه میفرماید «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهَ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها...» [هر کسی کار خوبی انجام دهد، خداوند ده برابر به او پاداش میدهد.]

این آیه که به طور کلّی درباره «حسنات» است، انفاق» یکی از حسنات بزرگ را هم در برمیگیرد که برابر صراحت آن، ده برابر ثواب و پاداش دارد.

و سرانجام در (آیه ۲۶۱ سوره بقره) ارزش فوق العادهای برای صدقه و انفاق بیان میشود و در این آیه آمده است «مَثَل کسانی که انفاق میکنند و قسمتی

از اموالشان را در راه خدا به فقراء و مساکین میدهند، همچون یک دانه است که هرگاه در زمینی حاصلخیز و مستعد کاشته شود، رشد و نموّ میکند، به هفت خوشه تبدیل میشود و در هر خوشه یکصد دانه جای میگیرد » یعنی انفاق تا هفتصد برابر اجر و پاداش دارد و حتی بیش از این؛ زیرا که خداوند برای هر کس که بخواهد آن را مضاعف، دو برابر یا بیشتر، می کند.

قرآن کریم برای جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان چه راه هایی معین کرده است

پرسش

قرآن کریم برای جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان چه راه هایی معین کرده است

پاسخ

با ذکر این نکته که موضع اسلام نسبت به مال و ثروت منفی نیست بلکه اسلام ثروتی را می پسندد که به وسیله طلب سرای دیگر شود، اسلام ثروتی را می پسندد که در آن "نیکی به همگان باشد و مایه فساد در زمین و فراموش کردن ارزش های انسانی و گرفتار شدن در مسابقه جنون آمیز "تکاثر" نگردد و انسان را به "خود برتربینی و "تحقیر دیگران و حتی رویارویی با پیامبر خدا۶ نکشاند.

وسیله ای باشد، برای استفاده همگان برای پرکردن خلأهای موجود اقتصادی برای مرهم نهادن بر زخم های جانکاه محرومان و برای رسیدن به نیازها و مشکلات مستضعفان

قرآن کریم برای اجرای عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و محرومیت و پرکردن فاصله های طبقاتی و پاک سازی روح و جان از حب دنیا و مال پرستی و ثروت اندوزی به عنوان یک قانون کلی با پیامبر اکرم دستور می دهد: "خزمن اموالهم صدقه ..; از اموال آن ها صدقه ای]زکات بگیر...".

بنابراین خداوند، حقوق واجبی مانند زکات و خمس و سایر حقوق غیر واجب که همان صدقه و انفاق به مستمندان است در اموال مردم قرار داده تا کسانی که سخاوتمندند و دچار آرزوهای دور و دراز نیستند، مراقب حلال و حرام خویش باشند و به ارحام خود کمک کنند، که در این صورت غالباً اموال نزد آن ها جمع نمی شود، هر چند درآمدشان زیاد باشد.

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا۷ می خوانیم که فرمود: مال جز با پنج

خصلت در یک جا جمع نمی شود، بخل شدید، آرزوهای دور و دراز، حرص غالب قطع رحم و مقدم داشتن دنیا بر آخرت (نورالثقلین العروسی الحویزی ج ۵، ص ۶۶۸، ج ۷، نشر اسماعیلیان) ، در روایت دیگر از پیامبر اکرم در همین کتاب می خوانیم "تکاثر، جمع آوری اموال از طرق نامشروع و خودداری از ادای حق آن و بستن آن ها در خزینه ها و صندوق ها است "

هم چنین در قرآن کریم در آیه شریفه: "مَّآ أَفَآءَ اللَّه ُعَلَی ٰرَسُولِه ِی مِن ْأَهْل ِ الْقُرَی ٰفَلِلَّه ِوَ لِلرَّسُول ِوَ لِذِی الْقُرْبَی ٰوَ الْیَتَمَی ٰ وَالْمَسَ‍كِین ِوَ ابْن ِ السَّبِیل ِ کَی ْلاَ یَكُون ٰدُولَه ٰبَیْن ٰالا ْ ?غْنِیَآءِ مِنكُم (حشر،۷)، آن چه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و... است تا]این اموال عظیم دست به دست میان ثروتمندان شما گردد."، به یک اصل اساسی در زمینه اقتصاد اسلامی اشاره کرده است و آن این که جهت گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به "مالکیت خصوصی برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال و ثروت ها متمرکز در دست گروهی محدود نشود که پیوسته در میان آن ها دست به دست بگردد. اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و مالیات هایی هم چون خمس زکات خراج و غیر آن و احکام بیت المال و انفال درست پیاده شود، خود به خود جامعه از دو قطبی شدن به اقلیّتی ثروتمند و اکثریتی فقیر خارج می شود.(ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۱۷۴; ج ۸، ص ۱۱۸، ج ۲۰،

ص ۳۲۰; ج ۲۲، ص ۳۲۴، ج ۲۷، ص ۳۱۲، ۳۱۸; ج ۲۳، ص ۵۰۶، دارالکتب الاسلامیه)

۱ لطفاً در خصوص فقر و تلاش برای رفع آن توصیه هایی عنایت فرمائید؟

پرسش

۱ لطفاً در خصوص فقر و تلاش برای رفع آن توصیه هایی عنایت فرمائید؟

پاسخ

در روایاتی از پیامبر خواندم که پیامبر فرموده بودند خداوند خزائن و گنجینه های عالم را به من عرضه کردند و من در میان این گنجینه ها فقر را برگزیدم. لذا به بیان پیامبر فقر نوعی گنجینه است چرا که فقر اگر محدود باشد(و به سرحد احتیاج نرسد) انسان را از دلبستگی های به اموال بی نیاز می کند و رها می کند، انسانی که مالی برای حفظ ندارد نه تلاش برای جمع آوری می کند و نه ترس از دست دادن دارد و ربوده شدن و هزار چیز دیگر.

ولی در روایتی از آقا علی(ع) خواندم که از هر دری فقر بیاید از در دیگر ایمان می رود. این روایت اشاره دارد به فقری که انسان را به سر حد احتیاج به خلق خدا بکشاند. چرا که اگر انسان آنقدر فقیر باشد که برای زنده ماندن و پوشیده ماندن محتاج به غیر شود خطرناک می شود و ممکن است نشانه های عدم توکل در او دیده شود. لذا با جمع این روایات خدمت شما خواهر عزیز خواهم گفت که سعی کنید از رزق دنیا به قدر کفاف برگزینید که داخل در روایت پیامبر باشید و از آن طرف محتاج دیگران قرار نگیرید پس با توکل به خدا و با تشکر از خدا به وسیله بازوی پرتوان خودتان و با مراجعه به فهم و درک خودتان راه احتیاج به خلق خدا را ببندید، روی پای خود بایستید و به خدا توکل کنید، تمام تلاش خود را برای رزق حلال انجام دهید، فقر

را می توان با قناعت حاصل کرد با عدم اسراف، عدم وسواس با تدبیر و دقت در معیشت و نظم در کارها، هرچیزی را در جای خود صرف کردن، بی توجه به دنیا و دنیازدگان بودن، و به آنچه روزی انسان می شود شاکر بودن و راضی بودن و قانع بودن.

تأثیر علم و ثروت در پیشرفت انسان چگونه است ؟

پرسش

تأثیر علم و ثروت در پیشرفت انسان چگونه است ؟

پاسخ

علم و ثروت رابطهء مستقیم در پیشرفت انسان دارند. در روایات در زمینهء علم آمده است : . علم از کمالات محسوب می شود, لذا در روایتی امیرالمؤمنین عالم را به دو قسم تقسیم کرد و فرمود: . و می فرماید: و در معنای بی عمل می فرماید: .(۹) مراد از علمی که نافع و نور است , علمی است که از

آن معنویت و تقوا ببارد و همراه با عبودیت و بندگی خدا باشد. این گونه عالمان نورانی هستند و علمشان نور و چراغ و هدایتگر است . این گونه علم را می توان نامید و همان است که ابوذر می گوید: .(۱۰)

پیامبر۶فرمود: .(۱۱)

به جرأت می توان گفت : علم نافع در پیشرفت و کمال انسان بسیار مؤثر, بلکه لازم است .

ثروت نیز می تواند تأثیر مثبتی در کمال انسانی داشته باشد, تا بدان جا که در حدیث آمده : .(۱۲)

در مضامین دیگر آمده است : . در دعای ابوحمزه از امام سجاد۷آمده است :

الفقر; خدایا! از فقر, به تو پناه می برم >. در روایات گفته شده که عبادت هفتاد جزء است و بهترین آن ها به دنبال کسب حلال رفتن است .() و برکت ده جزء است و نُه جزء آن در تجارت است .(۱۳) در روایت دیگر آمده است :

کسب و کار مشغول شوید>.(۱۴) عمر بن یزید به امام صادق ۷گفت : مردی می گویدمن در خانه می نشینم و نمازمی خوانم و روزه می گیرم و خدا را عبادت می کنم و رزق و روزیم را خدا می رساند.

امام صادق ۷فرمود: .(۱۵)

باید انسان دنبال کار و کوشش برود.

پیامبر۶فرمود:

است >.

بنابراین علم و اقتصاد تأثیر به سزایی در کمال یا نقص انسان دارد.

(پاورقی ۱.حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۱۹

(پاورقی ۲.همان , ص ۱۹

(پاورقی ۳.همان , ص ۵۰

(پاورقی ۴.همان , ص ۱۸

(پاورقی ۵.همان , ص ۵۳

(پاورقی ۶.وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۵۱

(پاورقی ۷.علی اکبر مظاهری , جوانان و انتخاب همسر, ص ۱۳۶

(پاورقی ۸.وسائل الشیعه , ج ۱۴ ص ۴۲۴

(پاورقی ۹.بحارالانوار, ج ۲ ص ۱۰۶

(پاورقی ۱۰.بحارالانوار, ج ۲ ص ۵۱

(پاورقی ۱۱.همان , ص ۵۲

(پاورقی ۱۲.مجلسی , بحارالانوار, ج ۷۰ ص ص ۲۴۶

(پاورقی ۱۳.همان , ص ۳

(پاورقی ۱۴.شیخ حرعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۲ ص ۵

(پاورقی ۱۵.همان , ص ۱۴

دیدگاه قرآن درباره رسیدگی به مستضعفین چیست

پرسش

دیدگاه قرآن درباره رسیدگی به مستضعفین چیست

پاسخ

۱. با توجه به تقابل مستضعف و مستکبر، می توان به این نتیجه رسید که قانون شکنی ها و سرکشی های مستکبر است که با نافرمانی از قانون و شرع و تجاوز به حدود الهی و با کسب امتیازات نامشروع حقوق مستضعف را غصب می کند. قرآن کریم در این باره می فرماید: "إِن َّفِرْعَوْن َعَلاَ فِی الْ ?رْض ِوَ جَعَل َأَهْلَهَا شِیَعًا یَسْتَضْعِف ُطَآئِفَه ًمِّنْهُم ْیُذَبِّح ُأَبْنَآءَهُم ْوَ یَسْتَحْیِ نِسَآءَهُم ْإِنَّه ُکَان َمِن َالْمُفْسِدِین (قصص ۴)، فرعون در آن سرزمین برتری طلبید و اهل آن را گروه گروه گردانید; گروهی را زبون و پست می شمرد، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را زنده بر جای می گذاشت به راستی وی از تبه کاران بود."

۲. مستضعف در قرآن کریم به دو مفهوم استضعاف فکری و اجتماعی به کار رفته که به هم پیوسته اند. آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نسأ، به استضعاف فکری و هم چنین آیه ۷۵ همین سوره به استضعاف اجتماعی اشاره دارند.

۳. راه کار کلّی مقابله با پدیده استضعاف عبارت اند از: الف بالا بردن سطح آگاهی های مستضعفین ترسیم وظایف آنان در باز پس گیری حقوق از دست رفته خود، استوار ساختن حاکمیت مبتنی بر عدالت تعدیل ثروت و توزیع عادلانه ثروتهای جامعه و... است سفارش جدّی قرآن بر انفاق به محرومین ذاریات ۱۹.) و پرداخت مالیات های واجب اسلامی مانند خمس و زکات از این قبیل است ب چنان چه راه کارهای فوق نتوانست جلوی تبه کاری مستکبران را بگیرد، قرآن کریم می فرماید که باید با آنان به جهاد و پیکار برخاست

که آیه ۷۵ سوره نسأ، بدین مطلب اشاره دارد.

راه رسیدن به خودکفایی برای یک کشور از نظر قرآن چیست

پرسش

راه رسیدن به خودکفایی برای یک کشور از نظر قرآن چیست

پاسخ

قرآن کریم بهترین راه خودکفایی را اعتماد به نفس تکیه بر نیروهای خودی و تلاش و کوشش فراوان می داند.

خداوند متعال درباره اعتماد به نفس مؤمنان می فرماید: "ولا تَهِنوا ولا تَحزَنوا واَنتُم ُالاَعلَون َاِن کُنتُم مُؤمِنین (آل عمران ۱۳۹) و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید."

همچنین قرآن کریم درباره اعتماد بر نیروی مسلمانان و مؤمنان در راستای خودکفایی اقتصادی و... می فرماید: "ولا تَرکَنوا اِلَی الَّذین َظَلَموا فَتَمَسَّکُم ُالنّارُ وما لَکُم مِن دون ِاللّه ِمِن اَولیأَ ثُم َلا تُنصَرون (هود، ۱۱۳) و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فراگیرد، و در آن حال هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی شوید." از آیه مذکور برمی آید که در مسائل اقتصادی نظامی سیاسی و... مسلمانان نباید بر کفار و ظالمان تکیه کنند و باید از خود استقلال داشته و خودکفا باشند.(ر.ك نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۲۵۹ ۲۶۴، دارالکتب الاسلامیه تهران)

قرآن کریم درباره تلاش همت و پشت کار مسلمانان و مؤمنان می فرماید: "محمّد]ص فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند; پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند; نشانه آن ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است

همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد!]ولی کسانی از آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است " (فتح ۲۹)(ر.ك اسلام و مقتضیات زمان شهید مرتضی مطهری ، ج ۱، ص ۵۵، انتشارات صدرا، قم)

چرا مؤمنان همیشه در دنیا فقیر هستند, ولی ظالمان ثروتمند هستند؟

پرسش

چرا مؤمنان همیشه در دنیا فقیر هستند, ولی ظالمان ثروتمند هستند؟

پاسخ

این طور نیست که تمامی مؤمنان فقیر باشند. نیز صحیح نیست بگوییم تمامی ظالمان ثروتمند هستند.این برداشت از روی استقرا و جست و جوی ناقصی است که می کنیم . ما چند نمونه انسان های خوب و متدین رامی بینیم که وضعشان خوب نیست . آن وقت به طور کلّی می گوییم همهء مؤمنان فقیرند! مؤمنان نیز بیشماری در بین طرفداران ادیان هستند که ثروتمند می باشند. مؤمنان مانند حضرت داوود و حضرت سلیمان و حضرت خدیجه و نیزعبدالله بن جعفر بن ابی طالب و غیر اینان در تاریخ فراوانند.

البته فقر و ثروت درجاتی دارد. بعضی از مؤمنان خیلی ثروت دارند, بعضی کمتر و بعضی فقیرند و بعضی خیلی فقیرند, همین طر ظالمان .

نکتهء مهم در بحث این است که در اسلام فقر و غنا, زیبایی و زشتی , سلامتی و بیماری , هم زمینه های امتحان الهی است . چه بسا ثروتمندی به وظائف خود خوب عمل کند, ولی فقیری به وظائفش عمل نکند. در این صورت آن ثروتمند مؤمن و متعهد, بهتر از آن فقیر است . چه بسا فقیری به وظائف خود عمل نماید و ناسپاسی نکند, ولی ثروتمندی این طور نباشد. در این صورت آن فقیر بهتر از ثروتمند است .

البته وظیفهء فقیر از غنی سبک تر و کمتر است .

پیامبر۶فرمود: .(۱)

قال رسول الله ۶

است >.

پیامبر۶فرمود: .(۲)

باز پیامبر۶فرمود: .(۳)

(پاورقی ۱.آثار الصادقین , ج ۱۶ ص ۵۴ به نقل از کنزالعمال , ج ۶ ص ۴۷۷

(پاورقی ۲.همان , ص ۵۹

(پاورقی ۳.همان .

چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

پرسش

چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

پاسخ

آیات و روایات فراوانی مسلمانان را به کار و تلاش و تجارت و کسب مال حلال سفارش کرده و جامعه را از فقر و تنگدستی بر حذر داشته، فقر را خطرناک ترین دشمن تکامل انسانی و موجب عقب ماندگی فکری و انحطاط عقلی و اخلاقی و باعث از دست رفتن سلامت جسمی معرفی کرده است، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "از فقر به خداوند پناه ببرید که باعث عقب ماندگی و نارسایی در امور دینی و موجب پریشانی عقل و نارسایی فکر است".(۱)

نیز فرمود: "فقر و تنگدستی، زبان افراد زیرک و باهوش را می بندد و آنان را از بیان دلیل، گنگ و لال می گرداند، شخص فقیر در شهر خود نیز غریب است".(۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده کالا و ثروت، موجب حفظ کمال و عزت و تقوا است. (۳)

مسئله اقتصاد و فقر زدایی به قدری دارای اهمیت است که از آن حضرت نقل شده: "فلولا الخبز ما صلَّینا و لا صُمْنا و لا أدّینا فرائض ربّنا؛ (۴) اگر نان نبود - و شکم ها گرسنه بود - از نماز و روزه و انجام سایر فرائض و واجبات خبری نبود". با وجود این که اقتصاد و حل مشکل فقر و بیکاری اهمیت فراوانی دارد، ولی بدتر از فقر و نداشتن برنامه صحیح اقتصادی و جدولی متناسب با درآمدها برای مخارج و هزینه های زندگی است ، خطری که اسراف و ریخت و پاش ها، زندگی فرد و جامعه را تهدید می کند، به مراتب زیادتر از فقر است، کشورهای اسلامی همانند ایران به صورت طبیعی فقیر نیستند، اما سوء تدبیر و نداشتن برنامه ریزی

صحیح اقتصادی، وابستگی های همه جانبه را برای آنان فراهم ساخته است.

بنابراین گفتن این جمله که مسمانان فقیر هستند، صحیح نمی باشد، چون بیشترین منابع و ثروت طبیعی میان مسلمانان به خصوص در خاورمیانه وجود دارد، عدم برنامه ریزی صحیح و وابستگی اقتصادی و تنبلی و تن پروری عامل عدم استفاده صحیح از این منابع است که از آن به سوء تدبیر تعبیر می شود، عامل عقب ماندگی اقتصادی را باید در عوامل عقب ماندگی در امور دیگر مانند علمی و فرهنگی و تمدنی جستجو کرد.

پاورقی:

۱ - حسین نوری، اقتصاد اسلامی، ص ۹۶، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶،

۲ - همان،

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶.

۴ - همان، ص ۱۷.

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

پرسش

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

پاسخ

متأسفانه یکی از آسیب های دین شناسی آن است که برخی خاستگاه چالش ها و نارسایی های مربوط به مسلمانان را دین و آموزه های آن می دانند، حال آن که عقب ماندگی و مشکلات مسلمانان مربوط به خود آنان بوده و اسلام چیزی است و مسلمان بودن چیزی دیگر.(۱)

در اسلام مسلمانان به فعالیت های اقتصادی فرا خوانده شده و از فقر و هر گونه تن پروری و بیکاری نهی شده اند تا آن جا که کار در راه تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، ارزش جهاد در راه خدا را پیدا کرده است.(۲) یکی از نویسندگان در ذیل تفسیر آیه ۲۰ مزمل می نویسد: "در آیه تلاش برای زندگی در کنار "جهاد فی سبیل الله" قرار داده شده و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است. چرا چنین نباشد، در حالی که یک ملّت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت؟! اصولاً "جهاد اقتصادی" بخشی از "جهاد با دشمن" است.(۳)

امام صادق(ع) در خصوص اهمیت کسب روزی فرمود: "لا تکسلوا فی طلب معایشکم فأنّ آبائنا کانوا یرکضون فیها و یطلبونها؛(۴) در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران ما در این راه می کوشیدند و روزی را طلب می کردند".

بر این اساس، اسـلام مسلمانان را نه تنها به دوری از فقر فرا خوانده، بلکه آن را مانند جهاد دانسته است. اما فقر مسلمانان ریشه در عوامل دیگر دارد. یکی از علل مهم، سیاست هایی است که در طول تاریخ

توسط حاکمان ستمگر به کار گرفته شده و دشمنان نیز از آن حمایت می کردند. دشمنان می دانند که استقلال اقتصادی مسلمانان، با منافع آنان در تضاد است.

آنان ذلت و وابستگی جهان اسلام را می خواهند! داده های تاریخی نشان از آن دارد که یکی از وابستگی هایی که شدیداً جامعه اسلامی را آسیب پذیر نمود، وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمار گر است.

برداشت های انحرافی از دین

یکی از علل گسترش فقر در جهان اسلام برداشت های انحرافی از دین می باشد. برخی تصور می کنند که دین انسان ها را به آخرت فرا خوانده و از تلاش و فعالیت در دنیا بر حذر داشته، که غلط بودن این پندار کاملاً روشن است.

در برخی از روایات یکی از مؤلفه های جامعه آرمانی امام زمان(عج) پیشرفت های اقتصادی و علمی بیان شده است. این نشان می دهد که یکی از اهداف مهم اسلام فقر زدایی و فرا خوانی به فن آوری و پیشرفت های اقتصادی است. پیامبر اسلام و ائمه به فعالیت های اقتصادی می پرداختند و در صدد تشکیل جامعه بدون فقر بودند. امام علی(ع) یکی از وظایف حاکمان را فقر زدایی دانست.(۵)

البته در اسلام همان گونه که به فعالیت های اقتصادی سفارش شده، به تقوا و معنویت گرایی نیز سفارش شده است، زیرا همه خوشبختی ها در داشتن مال و ثروت ظهور نمی کند.

این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزگاری، غرق در ناز و نعمت هستند، اشتباره بزرگی است؛ زیرا اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم، دردهای جانکاهی (که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد) می

ببینیم و قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن ها از بیچاره ترین مردم روی زمین هستند،(۶) زیرا معنویت مهم ترین سرمایه زندگی است.

اگر در اسلام از درآمدها و ثروت اندوزی غیر مشروع نهی شده، بدین جهت است که مردم از معنویت فاصله نگیرند و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

خود باختگی

یکی از علل مهم فقر جوامع اسلامی خود باختگی است، بدین معنا که امروزه مسلمانان توانایی ها و قابلیت های خویش را فراموش کرده و تصور می کنند فقط دیگران توان اقتصادی و خلاقیت های علمی دارند. روحیه خود باختگی موجب شده است که در جوامع اسلامی از نیروهای انسانی کشورهای بیگانه استفاده شده و این رویکرد فقر اقتصادی و وابستگی را در پی دارد.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳ (الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸.

علت این همه فقر و بیکاری و نابسامانی در مملکت ما چیست ؟

پرسش

علت این همه فقر و بیکاری و نابسامانی در مملکت ما چیست ؟

پاسخ

مشکلات اقتصادی مملکت و بیکاری پنهان و آشکار در آن موضوعی نیست که کسی در آن تردید داشته باشد و دراین که فقر ریشه بسیاری از بدبختی هاست نیز تردیدی نیست. ولی باید مقداری ریشه های آن را بررسی کرد تا بتوانیم قضاوتی صحیح داشته باشیم. در آغاز به مسأله نفت می پردازیم.

ایران هم اکنون حدود ۵/۲ میلیون بشکه نفت در روز صادر می کند با جمعیتی فراتر از ۶۰ میلیون نفر و کشوری وسیع، حال آن که کویت با داشتن جمعیتی کمتر از یکی از استان های کوچک و مساحتی به اندازه یکی از شهرهای ایران بیش از این مقدار نفت صادر می کند.

البته آنها از سرمایه نسل های بعدی می خورند و روشن است که در آینده ای نه چندان دور، نفت و فرآورده های آن کالایی بسیار گرانقیمت خواهد بود و یا عربستان با حدود «یک چهارم» جمعیت ایران حدود ۷ میلیون بشکه نفت صادر می کند. علاوه بردرآمد فراوانی که از راه های دیگر دارد.

درآمد نفت در ایران، عمدتا صرف سرمایه گذاری های زیربنایی و نیز تحصیل ارز برای تأمین مایحتاج عمومی همانند نان، برنج و دیگر اقلام ضروری می گردد.

اما علل کاهش درآمدها و بروز تنگناهای اقتصادی. مشکلات اقتصادی کشور ما عوامل متعددی دارد ازجمله:

– تورم و رکوداقتصاد جهانی و تأثیر آن بر اقتصاد داخلی (که خود از عوامل کاهش تقاضا برای خرید نفت و پایین آمدن قیمت آن شدهاست).

– کاهش شدید قیمت نفت

– سرمایه گذاری برای توسعه که خود از عوامل تورم است

– تحریم های اقتصادی و آزارهای قدرت های جهانی

– مخارج سنگین جنگ تحمیلی و پی آمدهای آن در عرصه های مختلف

– هزینه سنگین بازسازی

–

الگوی نامناسب مصرف در جامعه و گرایش شدید به اسراف و تبذیر در برخی طبقات

– روند بی رویه رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای کار و کالا بدون فراهم بودن زمینه های دیگر

– نبودن اخلاق کار و جدیت در تولید

اینها تنها بخشی از عواملی است که دولت و ملت با آن درگیر بوده و هست. هر کدام از این عوامل می توانستهاساسی جامعه را متلاشی سازد ولی به فضل الهی و حمایت مردم و تحمل آنها دولت توانسته است بر بسیاری از این مشکلات تا حدودی فایق آمده و چرخه اقتصاد را به حرکت درآورد.

با وجود همه این مشکلات، پس از انقلاب پیشرفت عمده ای در خدمات رسانی به مناطق محروم صورت گرفته است. نگارنده این سطور که خود پیش از انقلاب به بسیاری از مناطق محروم سفر کرده است و اکثر قریب به اتفاق روستاها را فاقد آب، برق، راه مناسب و بسیاری از خدمات دیگر دیده است اکنون به دور افتاده ترین نقاط که گاه گذرمی افتد مشاهده می کنم که بسیاری از خدمات به دورافتاده ترین نقاط نیز راه یافته است و تا آنجا که ما اطلاع داریم همت دولت، مجلس و مجموعه نظام رسیدگی بیشتر به مناطق محروم بوده است.

البته این بدان معنا نیست که هیچ مشکلی در هیچ نقطه ای وجود ندارد. مسلما در مملکتی با این وسعت وپراکندگی جمعیت، مشکلات فراوانی برای برخی وجود داشته و دارد و بایستی برای رفع آن تلاش کرد.

از جمله همین کار مقدس شماست که از سر دلسوزی برای ما که البته هیچ کاره هستیم نامه نوشته اید، شما همین مشکلات را در نامه ای دیگر نوشته و با امضای عده ای از اهالی برای مسؤولین

استان، نماینده مجلس، دفتر ریاست جمهوری و بالاخره دفتر مقام معظم رهبری ارسال نمایید و پی گیری لازم را نیز انجام دهید که صد البته عبادتی بزرگ وخدمتی اساسی است.

مشکل بیکاری نیز در مملکت ما از تبعات همان عواملی است که ذکر شد. در همین شرایط فعلی صدها واحدتولیدی به خاطر مسائل ارزی و کمبود آن خوابیده و بسیاری بیکار شده اند. مسأله بیکاری، پی آمدها و مفاسد متعددی به دنبال دارد که خود برخی از آنها را نوشته اید.

ولی یک نکته مهم دیگر نیز وجود دارد که بسیاری از جوانان ما بخصوص تحصیل کرده ها توقع داریم که پس ازتحصیل، شغلی اداری پیدا کرده و درآمد مکفی نیز از این طریق داشته باشیم.

این روحیه گریز از کار واقعی، از معضلات اجتماعی ماست. چرا باید یک جوان، کار در مزرعه و یا کارگاه و... رابرای خود کسر شأن بداند؟ آیا کشورهایی مانند ژاپن و یا چین که توانسته اند در زمینه اقتصادی رشد چشمگیری داشته باشند همین گونه اند؟

آنها شبانه روز کار می کنند. بیش از مردم دیگر کشورها و دارای توقعی بسیار پایین ولی در کشور ما تقریبا کار بر عکس است و بسیاری به دنبال نازکی کار و کلفتی نان هستند؟!

امید است که عنایات الهی باز هم شامل مردم ما گردد و با درایت مسؤولین مشکلات به تدریج حل گردد تا جوانانی همانند شما دغدغه کار و درآمد نداشته باشند و بتوانند با آسودگی خیال به سازندگی مملکت خود بپردازند.

اما درباره مسؤولین؛ ما نیز از مسؤولینی که تنها به فکر خود و منافع خود باشند و با استفاده از امکانات عمومی به نشخوار اموال مردم بپردازند و از این طریق خود را

فربه کننـد بیزاریم شـما نیز بیزار باشـید. البته نبایـد حسـاب چنـد نفر رابـابت همه نوشت. وقتی رهبر انقلاب در کمـال سادگی زندگی کرده و همواره مسؤولین را توصیه به دوری از تجملات می کنند ما نیز بایستی چنین روحیه ای داشته باشیم و این باور را در همه ایجاد کنیم که مسؤول باید همانند ساده ترین مردم زندگی کنند.

برای این که بتوانید مشکلات خود را با مقام معظم رهبری و نیز ریاست جمهوری مطرح سازید با آدرس زیر مکاتبه فرمایید:

تهران – خیابان پاستور – دفتر مقام معظم رهبری.

تهران – خیابان پاستور – دفتر ریاست جمهوری.

چرا کشورهای اسلامی فقیر، ضعیف و عقب مانده اند؟

پرسش

چرا کشورهای اسلامی فقیر، ضعیف و عقب مانده اند؟

پاسخ

با تابش آفتاب اسـلامی در سـرزمین عربستان و آغاز تمدن اسلامی، اندک اندک مملکتی به وجود آمد که شکوه و جلال آن هنوز هم در میان ملل مختلف مثال زدنی است. در آغاز و سده های نخستین تاریخ اسـلام کشورهای اسـلامی جزو پیشـروترین سرزمینهای آن روزگاران به حساب می آمدنـد و در هنگامه ای که در قرون وسـطی جهان غرب در تباهی و سـیاهی غوطه ور بود تمـدن درخشان اسـلامی جهان را از تابش خویش خیره ساخته بود اما متأسـفانه رفته رفته، عوامل متعـددی باعث شد تا آن شکوه و جلال از دست برود و کشورهای اسـلامی تبدیل به سـرزمینهای فقیر و وابسـته گردد. این عوامل را می توان از زوایای مختلفی بررسـی کرد و نیز شایسـته است برای رهایی از وضـعیت موجود این عوامل به دقت بررسـی و معضـلات ناشـی از آنها برطرف شود. بنابراین و در پاسخ به پرسش مطرح شده این عوامل به صورت مختصر مورد بررسی قرار می گیرد.

این عوامل را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) – عامل اقتصادی و انحراف از مسیر واقعی اسلام

۱ – عوامل اعتقادی فردی

تا مدتی پس از ظهور اسـلام کم و بیش اسـلام واقعی و دسـتورات آن در بین مسلمانان به شکل ناب و واقعی آن وجود داشت ولی انـدک انـدک انحراف از مسـیر اصـلی اسـلام در میان مسـلمانان پدیـد آمد. و بخشـی از عقاید راستین تبدیل به انحرافها، خرافه گریهـا و توجیهات نادرست گردیـد و این تحول، تمـدن اسـلامی را تحت تأثیر قرار داد. در این مرحله بسیاری از برنامه های زندگی ساز اسلام نادیده گرفته شد و توجیهات نادرست مردم

را از مسیر پیشرفت و ترقی باز داشت.

برخی از این توجیهات نابجا ارتباط تنگاتنگی با عوامل عقب ماندگی رفته کشورهای اسلامی دارد چنان که عقیده به سرنوشت و ملازم دانستن آن با چیره گرایی باعث شده و می شود که عده ای گمان کنند، وضعیت آنان غیر قابل تبدیل و بهبود یافتن است و آنچه نصیب آنان شده تغییرناپذیر است و بنابراین تلاش برای پیشرفت و ترقی بی فایده می باشد.

عده ای دیگر اعتقاد به آخرت را به معنای محرومیت از زندگی دنیا و زهد را به معنای پلید دانستن تمامی زندگی مادی انگاشته و با این توجیهات مسیر زندگی خود را از جامعه جدا می نمودند.

عده ای دیگر نیز صبر را به معنای تحمل مشکلات و عدم انجام هرگونه تلاشی برای رفع آنها و انتظار فرج را به معنای تحمل انواع بی عدالتیها و ستمها دانسته و اینها همگی از عوامل اعتقادی انحطاط تمدن اسلامی و کشورهای اسلامی بوده و هست {۱}.

۲ – عوامل اعتقادی جمعی

خوش گذرانی و توجه بیش از حد به لذایذ دنیا در میان عده ای و بی توجهی به پیشرفتهای علمی و مسؤولیت افراد در قبال اجتماع از عوامل دیگری است که تمدن اسلامی را به انحطاط کشانده است {۲}.

مرحوم سید جمال الدین اسد آبادی معتقد است که اساساً روح و روان انسانها و جوامع و افکار و عقاید آنان، بسته به نوع در کیفیت آن در زمان و بقای و یا انحطاط و ترقی فرد و جامعه نقش حساس و تعیین کننده ای دارد و مفاسد اخلاقی اجتماعی با بقای هر جامعه رابطه داشته و ظهور و رواج آن جامعه را به انحطاط خواهد کشانید {۳}.

ب) عوامل سیاسی

عوامل

سیاسی انحطاط تمدن اسلامی و به تبع آن فقر و عقب ماندگی کشورهای اسلامی را می توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد.

۱ – عوامل سیاسی داخلی

یکی از اساسی ترین عوامل افول تمدن اسلامی زمامداران نالایق و رهبران گمراهی بوده اند که در طول تاریخ بر جامعه اسلامی حکم رانده و رهبریهای نادرست آنان و کارگزارانشان جامعه را از ترقی بازداشته است {۴}.

بارزترین نمونه این حکمرانان را می توان در حکومت امویان جستجو کرد چنان که مشخصات این دوران چیزی جز رواج عیاشی و فساد، رواج عقاید نادرست و انحطاط عقیدتی و ایجاد جو خفقان و سرکوب چیز دیگری نیست {۵}.

۲ – عوامل سیاسی و خارجی

تمرد استعمار غرب و استیلای کشورهای غربی بر سرزمینهای اسلامی از دیگر عواملی است که باعث شده ثروت کشورهای اسلامی به یغما رفته و زمینه های خود باوری در میان مسلمانان از میان برود چنان که توجه به غرب و دنباله روی آن یکی از پیامدهایی است که همچنان گریبان کشورهای اسلامی را رها نساخته است و تمدن اسلامی را از حرکت بازداشته و مسیر حرکت آن را ناهموار و پویایی اش را کند کرده است.

ج) عوامل اجتماعی

با توجه به عوامل اعتقادی و سیاسی، رواج روحیه بی توجهی به پیشرفت و علم و دانش از عوامل اجتماعی عقب ماندگی و ضعف کشورهای اسلامی است.

جدایی دین از سیاست و در مقوله دانستن آن بی توجهی در دست داشتن زمام امور و نیز دو مقوله بودن علم و دین باعث بی توجهی به دانش شده و اینها همگی چرخ تمدن را از گردش بازداشته است. جهان بینی های نادرست از اقتصاد، ماده و علم تصویری شیطانی ساخته

و گروهی را از گرایش به آن بازداشته است. طرد و نفی ارتباط بین دین و دنیا، ماده و معنا، معاش و معاد، عقل و دین، عقیده و عمل و نیز دین و سیاست بر فرهنگ، اعتقادات، سنتها و آداب و رسوم ملل اسلامی سایه افکنده و در عقب ماندگی آنها نقش اساسی داشته است {۶}.

نتیجه - با بررسی عوامل مختلف انحطاط تمدن اسلامی و فقیر و عقب مانده شدن کشورهای اسلامی به راحتی می توان دریافت که دوری از اسلام راستین و تفسیرهای نادرست از آن، زمامداران نالایق، استعمار خارجی، رواج سنتها و آداب و رسوم و باورهای نا صحیح از ارتباط دنیا و مسایل اقتصادی با آخرت و دین مردم از اصلی ترین عوامل است که باعث شده کشورهای اسلامی در وضعیتی نا مساعد قرار گرفته، در فقر و ضعف به سر برده و همچنان عقب مانده، باقی بمانند و این در حالی است که در روزگاری تمدن اسلامی درخشان ترین تمدن زمان خویش بوده است و هیچ منعی در میان نیست که آن جلال و عظمت گذشته دوباره تکرار شود و این به دست نخواهد آمد جز با توجه ژرف و عمیق به علل و عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان و رفع آنها و نیز توجه به علل و عوامل پیشرفت دیگر کشورها و استفاده از آن عوامل در دل اصول و چهار چوبهای فرهنگ و تمدن اسلامی.

[۱]. علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، ص ۲۷۱، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۱.

[۲]. همان.

[۳]. علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه های سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی، سید احمد موثقی،

ص ۵۱، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۳.

[۴]. علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، ص ۳۴۵.

[۵]. همان، ص ۳۵۸.

[۶]. علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه های سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی، سید احمد موثقی تا ص ۵۴.

منظور از توسعهء اقتصادی چیست ؟

پرسش

منظور از توسعهء اقتصادی چیست ؟

پاسخ

توسعهء اقتصادی عبارت است از به کارگیری عوامل اقتصادی گوناگون به منظور افزایش درآمد سرانه و ارتقای سطح زندگی و بهبود شرایط زیست و برای رسیدن به توسعهء اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته نظریه وراه های متفاوتی وجود دارد.(۱)

(پاورقی ۱.روزنامه ابرار, مورخه ۷۴۱۰۱۳ ص ۸

در زمینه انباشتن ثروت از دیدگاه اسلام چه آمده است؟ آیا این امر خوب است؟

پرسش

در زمینه انباشتن ثروت از دیدگاه اسلام چه آمده است؟ آیا این امر خوب است؟

پاسخ

نمی توان گفت اسلام در برار مال و ثروت موضع منفی دارد و با آن صد در صد مخالف است.از طرفی اسلامفقر را هم نمی پسندد و در آیه ۱۸۰سوره بقره از "مال" به " خیر" تعبیر شده است.

در حدیثی از امام باقر(ع) می خوانیم: " نعم العون الدنیا علی طلب الآخرةْ؛[۱۷] دنیا (مال) کمک خوبی برای رسیدن به آخرت است".

و در روایت دیگر از امام صادق(ع) آمده است: "غنی عجزك عن الظلم خیر من فقر یحملك علی الاثم؛[۱۸] بی نیازی که انسان را از تجاوز به حق دیگران باز دارد، از فقری که انسان را به گناه وادار نماید ، بهتر است".

جوامع اسلامی باید بکوشند هر چه بیشتر غنی و بیناز گردند و به مرحله خود کفایی برسند و روی پای خود بایستند و شرف و عزّت و استقلال خود را بر اثر فقر، فدای وابستگی به دیگران نکنند. یک ملت فقیر نمی تواند آزاد و سربلند زندگی کند. فقر انسان ضعیف الایمان را می لغزاند و ممکن است او را به کفر و بی دینی بکشاند (کاد الفقر ان یکون کفراً).[۱۹]

همان طور که فقر خوب نیست و موجب لغزش می شود ، ثروت اندوزی نیز ممکن است باعث طغیان و سرکشی گردد. در بعضی از متون اسلامی از ثروت و از برخی از ثروتمندان مذمّت شده است. مذمّت از قارون ثروتمندِ مغرور شاهد گویایی بر این موضوع است، منتهی اسلام ثروتی را می پسندد که به وسیله آن مسیر بهشت هموار گردد، چنان که دانشمندان و بزرگان بنی

اسرائیل به قارون گفتند: "وابتغ فیما اتاک الله الدار الآخرةْ؛۲[۲۰] از این ثروتت برای خانه آخرت کاری بکن".

اسلام ثروتی را می پسندد که در آن نیکی به همگان باشد (احسن کما احسن الله إلیک).[۲۱]

اسلام ثروتی را مدح می کند که در آن "لا تنس نصیبک من الدنیا؛[۲۲] فراموش نکردن بهره دنیوی" تحقق یابد. بالاخره اسلام ثروتی را می پسندد که مایه فساد در زمین و فراموش کردن ارزش های انسانی و گرفتار شدن در سابقه جنون آمیز "تکاثر" (زیاده خواهی) نگردد و انسان را به "خود برتربینی" و "تحقیر دیگران" و حتی رویارویی با پیامبر و بزرگان دین نکشاند.

ثروت باید وسیله ای باشد برای استفاده همگان، پر کردن خلاء های اقتصادی؛ مرهم نهادن بر زخم های جانگاه محرومان و برای رسیدگی به نیاز ها و مشکلات مستضعفان. علاقه به چنین ثروتی با چنین هدفی، علاقه به دنیا نیست، بلکه علاقه به آخرت است.

یکی از یاران امام صادق(ع) به آن حضرت گفت : چکار کنم من دنیا را دوست دارم و به آن علاقه مندم! می ترسم دنیا پرست باشم. امام (ع) فرمود: " با ثروت دنیا چه می خواهی انجام دهی؟" گفت: هزینه خود و خانواده ام را تهیه کنم و به خویشاوندان کمک کنم. در راه خدا انفاق کنم و حج و عمره به جا آورم. امام (ع) فرمود: " لیس هذا طلب الدنیا هذا طلب الآخرةْ؛ این دنیا طلبی نیست ، بلکه طلب آخرت است".[۲۳]

۲[۱۷] تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷۴ ، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲[۱۸] همان، ص ۱۷۶، به نقل از وسائل، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲[۱۹]

میزان الحکمهْ ، عنوان ۳۲۲۰.

۲[۲۰] قصص (۲۸) آیه ۷۷.

۳[۲۱] همان.

۳[۲۲] همان.

۳[۲۳] تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷۵، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹.

از دیدگاه اسلام آیا سرمایه داری درست است؟ آیا حضرت علی(ع) سرمایده دار زمان خویش بودند؟ اگر جواب مثبت است، دلیل قناعتشان چه بوده است؟

پرسش

از دیدگاه اسلام آیا سرمایه داری درست است؟ آیا حضرت علی(ع) سرمایده دار زمان خویش بودند؟ اگر جواب مثبت است، دلیل قناعتشان چه بوده است؟

پاسخ

سرمایه داری یعنی مالداری و توانگری. این صفت در اصل امری خوب و ستودنی است، همچنان که فقر و تهیدستی، نکوهیده و مذموم است.

ثروت و سرمایه ذاتاً در اسلام پسندیده است. آن چه مذمّت شده، دل بستگی به ثروت و دنیا، هدف دانستن و تفاخر به آن، کسب نامشروع و ادا نکردن حقوق واجب است. اگر شخصی ثروت فراوانی داشته باشد، اما از راه حلال کسب نموده باشد و حقوق شرعی (خمس و زکات) را پرداخته و به نیازمندان توجه کرده و از آن ها دستگیری نماید، چنین ثروتی پسندیده است. در قرآن کریم از دو ثروتمند یاد شده است: حضرت سلیمان(ع) و قارون. یکی ثروت را وسیله ای برای رفع نیاز نیازمندان می دانست و هماره در راه خدا انفاق می نمود اما دیگری آن قدر ثروت او را مست نمود و مغرور که حاضر نبود هیچ تکلیف و مسئولیت دینی را در قبال سرمایه و ثروت خود بپذیرد و سرانجام با عذاب الهی با تمام ثروتش در زمین مدفون شد.

پیشوایان دین اسلام و از جمله حضرت علی(ع) با کار و کوشش، دارای سرمایه و ثروت بودند. املاک و باغ های امیرالمؤمنین(ع) در مدینه و ینبع مشهور است. روزی شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: مردم شما را مردی ثروتمند می دانند، حضرت فرمود: "مالدار بودن عیب نیست".(۱)

امیرمؤمنان فرمود: "بدانید از جمله نعمت های خدا که به بندگان ارزانی داشته، فراوانی مال و ثروت است".(۲) ثروت داشتن عیب نیست، بلکه نعمتی است که انسان

می توانـد آن را توشه ای برای آخرت قرار داده و بـا کمـک به بنـدگان، رضـایت الهی را جلب نموده و موجب تقرّب به خـدا شود.

امـا در تاریـخ غالبـاً سـرمایه داری بـار منفی داشـته واین بـدان خاطر است که غالباً سـرمایه داران یا از راه حرام آن را به دسـت آورده و یا دلبستگی به آن داشته و استفاده نامطلوب می کردند.

این لفظ غالباً یاد آور کسانی است که شـکمشان سـیر است و بهترین امکانات را دارند امّا به فکر فقیر و محرومی نیسـتند. اینان در موارد گوناگونی، مورد سـرزنش حضرت علی قرار گرفته اند و حتّی نشست و برخاست با آنان را مذمّت کرده(۳) و عاقبت بدی را برای آنان پیش بینی نموده است.(۴)

منافـاتی نـدارد که انسـان در عین داشـتن ثروت، در زنـدگی سـاده زیست باشـد. حضـرت در عین کار و کوشـش فراوان برای آبادانی نخلسـتان ها، حفر چاه و قنوات، و به دست آوردن دارایی فراوان، در راه خدا انفاق بسیار می نمود. در این باره داستان های فراوانی نقل شـده است، ولی خود به نان جو بسـنده می نمود و لباس مندرس می پوشـید و می فرمود: حاکم اسـلامی باید در سطح مردم جامعه زندگی کند.

حضرت علی(ع) سرمایه و مال دنیا را وسیله ای برای خوشبختی در جهان آخرت قرار داده بود، نه برای زندگی مرفه در دنیا.

یکی از بزرگ ترین صـفات انسانی این است که بشـر در عین توانگری، قناعت پیشه نمایـد و در حالی که می تواند مرفه ترین زندگی و بهترین وسائل عیش و نوش را برای خویشـتن و خانواده اش فراهم نماید، زندگی ساده ای داشـته باشد. این کارها از انسان های بزرگ ساخته است.

عامه مردم که معمولاً وضع خوبی نداشته اند،

اگر مشاهده می کردند که امامشان در خانه ای اشرافی زندگی می کند و با لباس های فاخر و بهترین غذاها، زندگی را می گذراند، زندگی بر آن ها بسیار سخت می گذشت و ایمان و باورشان به دین اسلام و امام معصوم(ع) می گشت و چه بسا منجر به کفر و بی دینی می شد، این نکته ای

است که همه حاکمان و زمامداران اسلامی باید بدان توجه داشته باشند.

پی نوشت ها:

۱. بحارالأنوار، ج ۴۱، ص ۱۲۵.

۲. نهج البلاغه دشتی، حکمت ۳۸۱.

۳. همان، نامه ۴۵، ص ۵۵۳.

۴. همان، ص ۲۴۹.

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

پرسش

آیا دین اسلام دین فقر و گرسنگی است؟ علت فقر اقتصادی جوامع اسلامی چیست؟

پاسخ

متأسفانه یکی از آسیب های دین شناسی آن است که برخی خاستگاه چالش ها و نارسایی های مربوط به مسلمانان را دین و آموزه های آن می دانند، حال آن که عقب ماندگی و مشکلات مسلمانان مربوط به خود آنان بوده و اسلام چیزی است و مسلمان بودن چیز دیگر.(۱)

در اسلام مسلمانان به فعالیت های اقتصادی فرا خوانده شده و از فقر و هر گونه تن پروری و بیکاری نهی شده اند تا آن جا که کار در راه تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، ارزش جهاد در راه خدا را پیدا کرده است.(۲) یکی از نویسندگان در ذیل تغییر آیه ۲۰ مزمل می نویسد: "در این آیه تلاش برای زندگی در کنار "جهاد فی سبیل الله" قرار داده شده و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است. چرا چنین نباشد، در حالی که یک ملّت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت؟! اصولاً "جهاد اقتصادی" بخشی از "جهاد با دشمن" است.(۳)

امام صادق(ع) در خصوص اهمیت کسب روزی فرمود: "لاـ تکسلوا فی طلب معایشکم فأنّ آبائنا کانوا یرکضون فیها و یطلبونها؛(۴) در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران و مادران این راه می کوشیدند و روزی را طلب می کردند".

بر این اساس، اسلام مسلمانان را نه تنها به دوری از فقر فرا خوانده، بلکه آن را مانند جهاد دانسته است. اما فقر مسلمانان ریشه

در عوامل دیگر دارد. یکی از علل مهم، سیاست هایی است که در طول

تاریخ توسط حاکمان ستمگر به کار گرفته شده و دشمنان نیز از آن حمایت می کردند. دشمنان می دانستند که استقلال اقتصادی مسلمانان، با منافع آنان در تضاد است.

آنان ذلت و وابستگی جهان اسلام را می خواهند! داده های تاریخی نشان از آن دارد که یکی از وابستگی هایی که شدیداً جامعه اسلامی را آسیب پذیر نمود، وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمار گر است.

برداشت های انحرافی از دین

یکی از علل گسترش فقر در جهان اسلام برداشت های انحرافی از دین می باشد. برخی تصور می کنند که دین انسان ها را به آخرت فرا خوانده و از تلاش و فعالیت در دنیا بر حذر داشته، که غلط بودن این پندار کاملاً روشن است.

در برخی از روایات یکی از مؤلفه های جامعه آرمانی امام زمان(عج) پیشرفت های اقتصادی و علمی بیان شده است. این نشان می دهد که یکی از اهداف مهم اسلام فقر زدایی و فرا خوانی به فن آوری و پیشرفت های اقتصادی است. پیامبر اسلام و ائمه به فعالیت های اقتصادی می پرداختند و در صدد تشکیل جامعه بدون فقر بودند. امام علی(ع) یکی از وظایف حاکمان را فقر زدایی دانست.(۵)

البته در اسلام همان گونه که به فعالیت های اقتصادی سفارش شده، به تقوا و معنویت گرایی نیز سفارش شده است، زیرا همه خوشبختی ها در داشتن مال و ثروت ظهور نمی کند.

این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزگاری، غرق در ناز و نعمت هستند، اشتباره بزرگی است؛ زیرا اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم، دردهای جانگاهی (که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد)

می بینیم و قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن ها از بیچاره ترین مردم روی زمین هستند،(۶) زیرا معنویت مهم ترین سرمایه زندگی است.

اگر در اسلام از درآمدها و ثروت اندوزی غیر مشروع نهی شده، بدین جهت است که مردم از معنویت فاصله نگیرند و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

خود باختگی

یکی از علل مهم فقر جوامع اسلامی خود باختگی است، بدین معنا که امروزه مسلمانان توانایی ها و قابلیت های خویش را فراموش کرده و تصور می کنند فقط دیگران توان اقتصادی و خلاقیت های علمی دارند. روحیه خود باختگی موجب شده است که در جوامع اسلامی از نیروهای انسانی کشورهای بیگانه استفاده شده و این رویکرد فقر اقتصادی و وابستگی را در پی دارد.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳ (الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله).

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۶۸.

چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

پرسش

چرا همیشه مردم مسلمان فقیر هستند.

پاسخ

آیات و روایات فراوانی مسلمانان را به کار و تلاش و تجارت و کسب مال حلال سفارش کرده و جامعه را از فقر و تنگدستی بر حذر داشته، فقر را خطرناک ترین دشمن تکامل انسانی و موجب عقب ماندگی فکری و انحطاط عقلی و اخلاقی و باعث از دست رفتن سلامت جسمی معرفی کرده است، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "از فقر به خداوند پناه ببرید که باعث عقب ماندگی و

نارسایی در امور دینی و موجب پریشانی عقل و نارسایی فکر است".(۱)

نیز فرمود: "فقر و تنگدستی، زبان افراد زیرک و باهوش را می بندد و آنان را از بیان دلیل، گنگ و لال می گرداند، شخص فقیر در شهر خود نیز غریب است".(۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده کالا و ثروت، موجب حفظ کمال و عزت و تقوا است. (۳)

مسئله اقتصاد و فقر زدایی به قدری دارای اهمیت است که از آن حضرت نقل شده: "فلولا الخبز ما صلَّینا و لا صُمْنا و لا أدّینا فرائض ربّنا؛ (۴) اگر نان نبود - و شکم ها گرسنه بود - از نماز و روزه و انجام سایر فرائض و واجبات خبری نبود". با وجود این که اقتصاد و حل مشکل فقر و بیکاری اهمیت فراوانی دارد، ولی بدتر از فقر و نداشتن برنامه صحیح اقتصادی و جدولی متناسب با درآمدها برای مخارج و هزینه های زندگی است ، خطری که اسراف و ریخت و پاش ها، زندگی فرد و جامعه را تهدید می کند، به مراتب زیادتر از فقر است، کشورهای اسلامی همانند ایران به صورت طبیعی فقیر نیستند، اما سوء تدبیر و نداشتن برنامه ریزی

صحیح اقتصادی، وابستگی های همه جانبه را برای آنان فراهم ساخته است.

بنابراین گفتن این جمله که مسمانان فقیر هستند، صحیح نمی باشد، چون بیشترین منابع و ثروت طبیعی میان مسلمانان به خصوص در خاورمیانه وجود دارد، عدم برنامه ریزی صحیح و وابستگی اقتصادی و تنبلی و تن پروری عامل عدم استفاده صحیح از این منابع است که از آن به سوء تدبیر تعبیر می شود، عامل عقب ماندگی اقتصادی را باید در عوامل عقب ماندگی در امور دیگر مانند علمی و فرهنگی و تمدنی جستجو کرد.

پاورقی:

۱ – حسین نوری، اقتصاد اسلامی، ص ۹۶، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶،

۲ – همان،

۳ – وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶.

۴ – همان، ص ۱۷.

آیا اسلام پول و ثروت را محکوم کرده است؟

پرسش

آیا اسلام پول و ثروت را محکوم کرده است؟

پاسخ

اسلام پول پرستی را محکوم کرده است اما پول و ثروت را محکوم نکرده است، زیرا: به

الف. تولید ثروت (کشاورزی ،دامداری، صنعت و غیره) توصیه شده است.

ب. مبادله ثروت یعنی تجارت و دادوستد توصیه شده است.

ج. مصرف رساندن از نظر شخصی در حدود احتیاجات فردی خالی از هر نوع تجمل و اسراف که مفسد انسان است توصیه شده است. د. تبذیر و اسراف و تضییع آن ممنوع است.

ه . مقررات سخت قضایی و جزایی در مورد حیف و میلها و سرقتها و خیانتها وضع شده است.

و. دفاع از مال در حکم جهاد و کشته در این راه « شهید» تلقی شده است: اَلْمَقْتولُ دُونَ اَهْلِهِ وَمالِهِ...

ز. برای مال، بر انسان حقوقی قائل شده است.

ح. خود ثروت در کمال صراحت در قرآن کریم به عنوان «خیر» نامیده شده است:

«کُتِبَ عَلَیْکُمْ اِذا حَضَرَ اَحَدَ کُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَکَ خَیْراً الْوَصِیَّةُ لِلْوالِدَیْنِ وَالْاَقْرَبینَ» بقره/۱۸۰

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

پرسش

میان زهد (ساده زیستی) و پیشرفت چه ارتباطی است؟

پاسخ

جواب اجمالی: (۴۲)

زهد و ساده زیستی از جمله کمالات اخلاقی است و در متون دینی ما در باب دل نبستن به تمنّیات دنیوی تأکیدات فراوانی شده است. اما افراط و تفریط در تفسیر زهد در طول تاریخ و نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته است. به فرموده ی امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از مانیست آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید.

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟ و لذا از لحاظ تاریخی و با استناد به روایات دینی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. مُدرنیته یعنی نو شدن و نو شدگی و در برابر هرگونه تعلق به گذشته و سنت قرار می گیرد.

نکته حائز اهمیت این است که ترقی و پیشرفتی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند.

جواب تفصیلی: (۴۲)

یکی از کمالات اخلاقی انسان زهد و ساده زیستی است و در متون دینی ما در باب مخالفت با تجمّلات دنیوی و دنیاگرایی تأکیدات فراوانی شده است. در قرآن کریم خدای بزرگ به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)می فرماید: به شکوفه هایی که در دست دیگران است و ما به آنان داده

ایم چشم مدوز؛ زیرا ما می خواهیم آنان را با آن شکوفه ها بیازماییم ولی رزق پروردگار تو بهتر و ماندنی تر است.

شکوفه های دنیا برای کسی میوه نخواهد داد. عالم طبیعت چنان سرد است که تا این شکوفه ها بخواهند به بار نشینند و به ثمر تبدیل شوند، سرمای زودرس طبیعت از راه می رسد و شکوفه ها می ریزند.

اما دیدگاه های مختلف در باب زهد و پارسایی در طول تاریخ موجب بروز تفاسیر گوناگون در

عرصه ی فرایندهای اجتماعی گشته است و متأسفانه برداشت های ناروا از منابع دینی و یا نادیده گرفتن سنت و سیره ی حضرات معصومین علیهم السلام نحله های گوناگونی را پرورانده که جمعی در مسیر افراط و گروهی در وادی تفریط، چهره ی زیبای زهد و ساده زیستی را مشوش ساخته اند. به گونه ای که گاهی با شنیدن واژه ی زهد انزوا، تنهایی، دوری از مردم و تمدن و پیشرفت و ترقی، و دعا و عبادت و در گوشه ای آرام و فارغ از مشغله های زندگی در ذهن انسان تداعی می گردد، در حالیکه این معنا واژگونه ساختن حقیقتی ارزشی و آلوده ساختن مفهومی ملکوتی است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: زهد نه آنست که مال دنیا را تباه کنی و نه آنکه حلال آن را بر خود حرام گردانی. بلکه زهد آنست که اعتمادت به آنچه نزد حق است، بیش از آن باشد که در نزد خودت یافت می شود.

و به فرموده ی حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): زهد در یک آیه از قرآن بیان شده است، آنجا که می فرماید: تا آنکه به خاطر

از دست دادن چیزی متأسف و متأثر نشوید و بر آنچه به دستتان رسیده فرحناک نباشید.

و لذا پارسایی و زهد، دل بستن به امر باقی و نومید گشتن نسبت به امور فانی است. جدایی از تعلّقات دنیوی و قرب به ملکوت است. سبک بال گشتن برای پرواز در آسمان فضایل و ملکات انسانی است.

حال آیا رشد و کمال و تعلیم و تربیت و سعادتمندی مانع پارسایی است یا یاور آن؟

کدام مکتب و آیین همچون اسلام توصیه و تشویق نسبت به فراگیری علم و کسب معرفت و جوشش و بالندگی و تلاش عقلانی دارد؟

مگر نه اینست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: علم را طلب نمائید ولو اینکه در چین باشد.(۳) و فراگیری آن را بر همگان ضروری دانستند.

در روایتی مولی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تمام مواضع دنیا را جهل می نامد مگر جایگاه علم را که

روشنی و فروغ است(۱)، و این به صراحت قدر و شایستگی علم و حقارت دنیا و دلبستگی به آن را بیان می سازد.

اما در باب نسبت بین دین اسلام و پیشرفت باید گفت: از لحاظ تاریخی اسلام همواره به نو شدن تمایل نشان داده است اما این نو شدن لزوماً به معنای مدرنیسم و نو شدگی غربی نیست. واژه مدرنیته از واژه ی لاتین (Modernus) به معنای نو و تازه گرفته شده است. مدرنیته یعنی نو شدن و نوشدگی و در برابر هر گونه تعلّق به گذشته و سنت قرار می گیرد، هر چند وجوه اشتراکی نیز با آن دارد. برای نمونه می توان به علم گرایی جهان اسلام که یکی از الگوهای نوشدن غربی بود اشاره کرد.

توجه به حقوق بشر، عقل گرایی، مدارا با مخالفان و غیر هم کیشان که همگی از مظاهر نو شدن غربی به شمار آمده اند ریشه در تمدن اسلامی داشته و برگرفته از آن هستند. بحث آزاد در حوزه ی معارف دینی و گریز از جزمیّت نیز از دیگر آموخته های تجدّد غربی از جهان اسلام است.

اما نکته ی حائز اهمیت این است که ترقّی، پیشرفت و نو شدنی مورد نظر اسلام است که انسان را اسیر تمایلات نفسانی و تعلقات دنیوی نسازد بلکه او را از هوی و هوس برهاند. به فرموده ی امام علی (علیه السلام): هر آن علمی که مورد تأیید و امضاء عقل نباشد گمراهی و ضلالت است.(۳) وقتی تساوی دو روز انسان از منظر اسلام غبن و خسران محسوب گردد این بهترین معنای رشد و بالندگی است.

برای اطلاع بیشتر روایاتی چند درباره موضوع بحث ذکر می گردد.

امام صادق (علیه السلام): کسی که از مقتضیات زمان خود آگاه است مورد هجوم اشتباهات واقع نمی شود.

امام علی (علیه السلام): سزاوار است انسان عاقل رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و دانش علما را بر دانش خویش اضافه نماید.

امام علی (علیه السلام): تجارب آدمی پایان ندارد و معلومات انسان عاقل به وسیله ی تجربه همواره در افزایش و فزونی است

امام موسی بن جعفر (علیه السلام): از ما نیست آن کس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترک گوید

راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

پرسش

راه حل اسلام برای درمان فقر چیست؟

پاسخ

یکی از راههای مشکل فقر توصیهها و راه حلهای « دین مبین اسلام » است که عمل بدانها، سبب پر شدن شکاف فقر و کم شدن فاصلههای طبقاتی مردم میشود.

همان گونه که صدر اسلام و در زمان پیامبر (ص) با عمل به فرمانهای الهی و دستورات دینی، چنان شد و برای اولین بار در تاریخ بشر، جامعهای بیطبقه یا دست کم با فاصله طبقاتی بسیار اندک، عملاً پدیدار شد.

امروزه هم، اگر بتوانیم در جامعه خود و حتی همه جوامع بشری، ابن دستورالعملها را به کار بندیم، توزیع ناعادلانه ثروت و فاصله فقیر و غنی و به طور کلی نابرابری در جوامع بشری از میان خواهد رفت.

یکی از این توصیه‌ها و دستورالعملهای با ارزش در اسلام، مسأله «انفاق» است. قرآن مجید بر موضوع انفاق تأکید بسیاری کرده و آیات فراوانی در این زمینه آورده است. تعداد آیاتی که کلمه «انفاق» یا مشتقاتش در آن به کار رفته است، بیش از هفتاد آیه است؛ البته اگر آیاتی که مضمون آنها، دلالت بر انفاق دارد، ولی کلمه انفاق یا مشتقاتش در آن ذکر نشده است را اضافه کنیم، مجموع آیات انفاق بیش از این تعداد خواهد شد.

خداوند متعال در قرآن مجید، انسان را به پرداخت قسمتی از آنچه نصیب او می گردد و در اختیارش میباشد، فرمان داده است. در آیه ۱۹ سوره ذاریات تعبیر زیبایی از این مطلب شده است وَ فِی اَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَائلِ وَ الْمَحْرُوم» [و در اموال آنان (پرهیزگاران) حقی برای سائل و محروم بود.]

برابر این آیه، مؤمن برای فقرا و مساکین

در اموالش حقی قائل است.

در قرآن مجید برای تشویق مردم به انفاق تعبیرهای زیبا و جذّابی به کار برده شده است.

۱ – خداوند در آیه ۹۶ سوره نحل میفرماید «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللّهِ باقٍ» [آنچه نزد شماست فانی میشود، امّا آنچه نزد خداست باقی است.]

چه تعبیر زیبایی! چه عبارت کوتاه و پرمعنایی! یعنی اگر کسی میلیونها تومان پول خرج کند، تماماً از بین میرود، ولی اگر یک تومان برای رضای خداوند و در راه خدا هزینه شود، نزد خداوند و در خزانه غیب او باقی میماند؛ یعنی بر خلاف آنچه بیشتر مردم تصور میکنند، انفاق نابود نمیشود.

۲ – در آیه ۸۹ سوره نمل آمده است «مَنْ جاءَ بِالحَسَنَه ِفَلَهُ خَيْرٌ مِنْها...» [هر کس کار نیک و خوبی انجام دهد، بهتر از آن را پاداش میگیرد.] قصص/۸۴

برابر صراحت این آیه شریفه، نه تنها انفاق و صدقه از بین نمیرود و نزد خداوند باقی میماند، بلکه خداوند در عوض، چیزی بهتر به انفاق کننده میدهد.

۳ – آیه ۱۶۰ سوره انعام ارزش انفاق را فراتر برده است و خداوند در آن آیه میفرماید «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهَ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها...» [هر کسی کار خوبی انجام دهد، خداوند ده برابر به او پاداش میدهد.]

این آیه که به طور کلّی درباره «حسنات» است، انفاق» یکی از حسنات بزرگ را هم در برمیگیرد که برابر صراحت آن، ده برابر ثواب و پاداش دارد.

و سرانجام در (آیه ۲۶۱ سوره بقره) ارزش فوق العادهای برای صدقه و انفاق بیان میشود و در این آیه آمده است «مَثَل کسانی که انفاق میکنند و قسمتی

از اموالشان را در راه خدا به فقراء و مساکین میدهند، همچون یک دانه است که هرگاه در زمینی حاصلخیز و مستعد کاشته شود، رشد و نموّ میکند، به هفت خوشه تبدیل میشود و در هر خوشه یکصد دانه جای میگیرد » یعنی انفاق تا هفتصد برابر اجر و پاداش دارد و حتی بیش از این؛ زیرا که خداوند برای هر کس که بخواهد آن را مضاعف، دو برابر یا بیشتر، می کند.

روشن است که انسان فقیر گرفتار است، رهنمود دین برای نجات از فقر چیست؟

پرسش

روشن است که انسان فقیر گرفتار است، رهنمود دین برای نجات از فقر چیست؟

پاسخ

فقر مساوی با نیازمندی است و نیاز وقتی برطرف نگردد ممکن است انسان را از راه صحیح بیرون کند. امّا فقر دو نوع است:

فقر اجباری.

فقر اختیاری.

فقر اختیاری همانست که اولیاء دین و انسان های وارسته با بخشش و ایثار مال خویش خود را در سطح فقراء نگه می دارند.

امّا فقر اجباری علل متفاوتی دارند ممکن است استعمار و سلطه طلSِن...Ř□...ای را استثمار کنند و منابع آنان را غارت نمایند که دچار فقر شوند و ممکن است گاهی به خاطر عدم تلاش باشد. تلاش برای زندگی آن چیزی است که در دین عزّت است حتّی اگر انسان دارا باشد در حدیثی آمده است وقتی یکی از یاران امام صادق((علیه السلام)) به خاطر بی نیازی از کار دست کشیده و فقط به عبادت پرداخته بود فرمود به عزّت خویش باز گرد و نیازی را از دیگری برآورده کن.

امّا بعد از تلاش، البته رهنمودهایی در دین برای گسترش روزی آمده است که از جمله، دوام وضو – قرائت سوره واقعه بعد از نماز عشاء و بعضی دعاهای دیگر که البته اینها هرگز با اصل تلاش منافاتی ندارند.

صورت دیگری نیز ممکن است تصوّر شود و آن امتحانی است که سنّت لازم زندگی انسان مؤمن است هر جند فقیر با صبر و شکیبایی امتحان می شود. امّیا امتحان انبیاء نیز هست که شکر انبیاء برطرف کردن نیاز فقر است. و نردبانی برای کمال هر دو حساب

می شود. در قرآن از این سنّت با عنوان بلاء در سوره بقره و سوره دیگر یاد شده

است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

آیا امیدی به پیشرفت جامعه با توجه افزایش جمعیت وجود دارد؟

پرسش

آیا امیدی به پیشرفت جامعه با توجه افزایش جمعیت وجود دارد؟

پاسخ

مسلماً جامعه ما جامعه ای رو به پیشرفت، ترقی و توسعه در تمامی ابعاد معنوی و مادی بوده و این واقعیت با بررسی کارنامه عملکردها و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ارتقاء سطح علمی، صنعتی، تکنولوژیکی ونظامی و.. و پشت سرگذاشتن مشکلات و موانع بسیار، امری کاملاً آشکار می باشد که مراجعه به آمارهای منتشر شده از سوی سازمان های داخلی و بین المللی گویای همین واقعیت می باشد. البته در این روند پیشرفت مشکلات و موانع متعددی وجود دارد که یکی از آن ها افزایش جمعیت می باشد که این موضوع به خودی خود نمی تواند مشکل عمده ای در ادامه این روند محسوب شود بلکه چه بسا استفاده صحیح و سازنده از این منابع انسانی و هدایت آن به سوی اشتغال مولد یکی از نیازهای اساسی جامعه برای دستیابی به توسعه همه جانبه و استقلال اقتصادیو قطع وابستگی به نفت و... محسوب شده. چنانچه در بسیاری از کشورهایی که درصد جمعیت آنان نسبت به امکانات و منابع طبیعی و... بسیار بالاتر از کشور ما بوده مانند چین و... ولی به کارگیری صحیح این نیروها و اتخاذ سیاست های اصولی در این موضوع نه تنها جمعیت بالا،مشکلات چندانی را برای آنها ایجاد نکرده بلکه خود به عنوان یکی از عوامل پیشرفت و ترقی آنان محسوب شده و موفقیت ها و پیشرفت های چشمگیری را در صحنه های داخلی و بین المللی به همراه داشته است.

بله، همین جمعیت زیاد در صورتی که در سه مقوله ایدئولوژی و فرهنگ، اقتصاد و سیاست، پاسخ های مطلوب و منطقی از انقلاب اسلامی دریافت نکنند و نظام حاکم

نتواند خواسته ها و نیازهای مادی و معنوی آنان را از قبیل: اشتغال مولد، مسکن، ازدواج، رفاه عمومی،مشارکت سیاسی و... تأمین نماید، نه تنها در روند پیشرفت اخلال و توقف ایجاد می شود بلکه بسیاری از دستاوردهای بسیار با ارزشی را نیز از دست خواهیم داد.

در هر صورت پیشرفت ایران اسلامی بستگی به این دارد که آیا نظام اسلامی با همکاری مردم می تواند آسیب های متعددی که این انقلاب نوپا را تهدید می کند پشت سرگذاشته و با موفقیت از آنها بیرون آیند یا نه: این آسیبها را می توان در چند دسته خلاصه نمود:

الف آسیبهای فرهنگی اجتماعی عبارتند از:

۱ نفوذ اندیشه های بیگانه.

۲ تغییر جهت دادن اندیشه ها از اهداف و نیات خدایی به اهداف و نیّات غیر خدایی.

۳ جدا کردن دین از علم و سیاست و تفرقه بین حوزه و دانشگاه.

۴ بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی.

۵ دنیاطلبی و اشتغال به زینتهای دنیوی.

۶ اشائه فحشاء و مراکز فساد و تأثیر پذیری از جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن.

۷ تغییر ارزشهای انقلاب.

ب آسیب های سیاسی عبارتند از:

۱ ناتمام گذاشتن تحقق آرمانهای نهضت از قبیل، آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی، مبارزه با ظلم و اقامه قسط و عدل در سراسر جهان و اتحاد امت اسلامی.

۲ رخنه فرصت طلبان: استاد مطهری در این باره می فرمایند: «... هر چه از دشواریها کاسته می شود و موعد چیدن ثمر نزدیکتر می گردد، فرصت طلبان محکمتر و پرشورتر پای علم نهضت سینه می زنند، تا آنجا که تدریجا انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به درمی کنند...»، (مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضتهای اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲).

۳ تفرقه و درگیر شدن در گرداب اختلافات داخلی

و استفاده نکردن از نیروهای بالقوه مردمی.

۴ بی تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت اجتماعی خویش و غیر سیاسی شدن دانشگاهها.

۵ ایجاد تردید نسبت به آرمانهای انقلاب.

۶ جاه طلبی های غلط و نامشروع.

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن استقلال و آزادی.

۸ بازگشت استعمار به طریق آشکار و نهان و وابستگی نظامی و سیاسی به ابر قدرتها و...

ج آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی:

امام علی(ع) علل سقوط اقتصادی سیاسی حکومتها را چنین بیان می کند: یستدل الادبار باربع: سوء التدبیر، و قبح التبذیر و قله الاعتبار و کثره الاعتذار ؛ می توان چهار علت برای زوال دول برشمرد: سوء تدبیر و ضعف مدیریت تبذیر ناروا و هزینه های زیانبار اقتصادی عبرت نگرفتن از تجاربسودمند عذرخواهی مکرر به جای جبران خطاهای گذشته.{M»، (غرر و درر، ص ۳۵۴). مهمترین آسیبهای اقتصادی انقلاب اسلامی را می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱ وابستگی اقتصادی به ابرقدرتها، بالاخص آمریکا

۲ تحت الشعاع قرار گرفتن توسعه اقتصادی یا عدم توجه به بحرانهای ناشی از توسعه اقتصادی

۳ وابستگی به نفت به عنوان مهمترین اقلام صادرات و منبع ارزی کشور.

۴ عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی

۵ جدا شدن مردم از برنامه های دولت در طرح های سازندگی

۶ مال اندوزی و تکاثر ثروت اندوزان

۷ تحت الشعاع قرار گرفتن عدالت اجتماعی و زیاد شدن فاصله فقیر و غنی.

۸ بی توجهی به مستضعفین و ولی نعمتان انقلاب و عنایت علیحده به اغنیاء؛

۹ بی توجهی به خواسته های مشروع نسل جوان (از قبیل اشتغال مسکن، ازدواج و...) که آینده سازان انقلاب و ایران اسلامی بوده، و عدم شکل گیری روند کامل و صحیح جامعه پذیری در انتقال ارزش های انقلاب و اسلام به نسل جوان در جهت تقویت هویت اسلامی و

ملّیآنان و جلوگیری از آفات مخرب تهاجم فرهنگی و...

اما علیرغم آسیبهای فوق که انقلاب اسلامی را تهدید می نماید و آینده ای تاریک و مبهم را برای ما ترسیم می نماید نگاهی به موفقیتها و دستاوردهای مثبت و ارزنده انقلاب اسلامی در حل مشکلات و بحرانهای متعدد، وجود مردمی با ایمان و پایبند به ارزشهای اسلامی، خط امامو رهبری، وجود مسئولان آگاه، دلسوز، و متعهد و عزم جدّی آنها برای حل مشکلات و تلاش در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه و ارتقاء سطح علمی، فرهنگی، صنعتی، تکنولوژیکی و... می توان به آینده ای کاملاً درخشان برای ایران اسلامی امیدوار بود. زیرا جامعه ما پتانسیلبسیار قویی برای دستیابی به پیشرفت دارد؛ از آن جمله:

یکم. ما به معنی واقعی، کشوری مستقلیم که در همه زمینه ها سیاست خود را مانند کشورها مستقل دیگر، خود تعیین می کنیم.

دوم. ما دارای نیروی نظامی بسیار قوی، کارآمد و با تجربه بسیار ارزشمندیم که جنگی طولانی را اداره کرده است. فرماندهان تکنیک های نظامی ما در محدوده شرایط خودمان، با مهم ترین فرماندهان غربی رقابت می کنند. اینک برای نیروهای مهاجم، درگیری با ما بسیار هزینهدارد.

سوم. کشور ما، به برکت الهی، دارای ذخایر طبیعی زیادی است که امکان رشد اقتصادی را از هر نظر برای ما فراهم می سازد.

چهارم. مردم ما دارای پتانسیلی قوی و مؤثرند. آن ها حاضرند در سخت ترین شرایط همه چیز حتی جان و فرزندان خود را در راه خدا و میهن اسلامی خود نثار کنند.

پنجم. ما دارای مذهبی مترقی می باشیم که تأثیرات آن در عمق شخصیت افراد جامعه، ریشه دوانده است. برای فعال کردن این همه نیروی نهفته باید به نیازهای واقعی و خواسته های به حق

آن ها توجه کنیم و نقاط ضعف روش هایی را که تاکنون به کار برده ایم، اصلاحکنیم.

ششم. ما شرایط دستیابی به همه اهداف عالی را داریم ؛ زیرا منابع خدادادی به مردم با هوش و ایثارگر و رهبرانی با هوش، متفکر، با تقوا، شجاع داریم. آن ها هشیارند و در مواقع لازم اقدام می کنند. مردم و مسؤولین نیز با جان و دل از فرامین ولایت فقیه اطاعت می نمایند. باتوجه به مطالب فوق، می توان به آینده ای درخشان و امید بخش، همراه با پیش رفت و تکامل برای جامعه اسلامی و حل تمامی مشکلات امیدوار بود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: فرامرز رفیع پور: «توسعه و تضاد»، ص ۵۵۳.

آسیب شناسی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات، ص ۴۱۸.{J

چگونه می توان حس همکاری را میان مردم ایجاد کرد, تا باعث رشد و ارتقای کیفیت کالا و خدمات شود و از وابستگی به نفت خودکفا شویم ؟

پرسش

چگونه می توان حس همکاری را میان مردم ایجاد کرد, تا باعث رشد و ارتقای کیفیت کالا و خدمات شود و از وابستگی به نفت خودکفا شویم ؟

پاسخ

بررسی روند توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی , صنعتی , سیاسی و... در جوامع پیشرفته مانند جوامع غربی و ژاپن ما را به این نکته مهم رهنمون می سازد که یکی از عمده ترین عوامل پیشرفت فرهنگ و ارزش هایی است که به انگیزه های رفتاری و حرکت های جمعی مردم در این کشورها شکل بخشیده است . امروزه به عنوان مزیت نسبی برای ژاپنی ها در صفحه رقابت های تکنولوژیک محسوب می شود اصول و ارزش هایی است که ریشه در فرهنگ آن ها دارد و بر آمده از تعالیمی است که طی قرن ها توسط مکاتب فکری مهمی چون ((شینتویسم)) ((بودیسم)) و ((کنفوسیویسم)) تبلیغ شده است ارزش های اجتماعی مانند مفهوم خیرخواهی سازگاری و توافق که از اصول اساسی آیین کنفوسیوس اخذ شده از کشمکش های طبقاتی مختلف کاست و سبب تشکیل پیکره عظیم و واحد ملت ژاپن و تبدیل به یک خانواده بزرگ شده که نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه همه جانبه ژاپن ایفا نمود. در کشور اسلامی ایران نیز اگر بخواهیم در زمینه های گوناگون پیشرفت کنیم و بر بسیاری از مشکلات از جمله وابستگی به نفت فایق آییم باید انرژی احساسی جامعه را بر مذهب , ارزش های متعالی و مترقی اسلام , رهبری و محوریت ولایت فقیه متمرکز کنیم ; چنان که گذشته های تاریخی نیز بیانگر این مطلب است که رشد و پیشرفت علمی و

عملی مسلمانان در صدر اسلام و دوره های دیگر, پیروزی انقلاب شکوهمند ایران پیروزی در جنگ و فایق آمدن بر بسیاری از مشکلات بر اثر وحدت و همدلی همه افراد جامعه پرهیز از تفرقه و اختلاف و عمل به تعالیم و ارزش های حیات بخش اسلامی می باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد, ص ۴۲۳

۲- محمدنقی نظرپور, ارزشها و توسعه , ص ۱۸۲

آیا عمل به مستحبات و ترک مکروهات مانع کار و کوشش نمی شود؟

پرسش

آیا عمل به مستحبات و ترک مکروهات مانع کار و کوشش نمی شود؟

پاسخ

عمل به مستحبات و ترک مکروهات به امید ثواب، شایسته است. دعاها از آثار شگفت انگیزی برخوردارند که اگر کسی با دقّت، تحقیق و اخلاص به آنها عمل کند، به نتایج چشمگیری دست خواهد یافت.

دعا نباید جانشین فعّالیّت اجتماعی و اقتصادی شود. در کنار تلاش اجتماعی اگر به دعا و ارتباط با خدا نیز توجّه شود، مشکلات به گونه قابل توجّه برطرف خواهد شد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

حد ومرز سرمایه داری دراسلام را مشخص کنید؟ آیا احادیثی درمورد تشویق سرمایه داری دراسلام یا احترام به سرمایه داران داریم؟

پرسش

حد ومرز سرمایه داری دراسلام را مشخص کنید؟ آیا احادیثی درمورد تشویق سرمایه داری دراسلام یا احترام به سرمایه داران داریم؟

پاسخ

پرسشگر عزیز، اگر منظور از سرمایه داری جمع مال وثروت به عنوان هدف نهائی وبه عنوان سلطه جوئی واستثمار وانحصارگرائی باشد، به هرصورتی که باشد با ماهیت اسلام سازگاری ندارد، واسلام به شدت انسانها را ازآن نهی می کند.

زیرا باعث فساد جامعه وظلم به انسانها می گردد، وحقوق افراد اجتماع توسط یک عده سرمایه دارغارت می شود، همانطور که الان درنظام لیبرال، سرمایه داری غرب شاهد چنین غارتهای بزرگ وظلمهای ناروا هستیم. واما منظور از سرمایه داری واهداف اقتصادی، رسیدن به استقلال، خودکفائی، اقتدار، رشدو توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی وتحکیم ارزشهای معنوی واخلاقی درجامعه باشد این بسیار مطلوب بوده واسلام نه تنها ازآن نهی نمی کند بلکه به آن عنایت وتوجه هم داشته است که به یک آیه ویک روایت دراین زمینه اشاره می نماییم :

الف آیه ای که بیانگر استقلال وعدم وابستگی اقتصادی است "ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا""۱"

(هرگزخدا راهی برای کافران علیه مؤمنان قرار نمی دهد)

ب روایتی که بیانگر توسعه اقتصادی است : امام باقر"ع" می فرماید : "من طلب الرزق من الدنیا استعفافاً عن الناس وتوسیعاً علی أهله وتعطفاً علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه ووجهه مثل القمر لیله البدر" "۲"

(کسی که دنیا را برای بی نیازی خود ازمردم وگشایش برخانواده اش وابراز محبت به همسایه اش طلب کند خداوند عزوجل را درروز قیامت ملاقات می کند درحالی که چهره او همچون قرص کامل ماه نورانی است.)""۳"

(۱) سوره نساء/۱۴۱

(۲) فروغ کافی،ج۵،ص۷۸

(۳) کلام جدید،عبدالحسین خسروپناه،چاپ دوم،ص۲۳۶به

بعد،فصلنامه انتقادی،فلسفی فرهنگی کتاب نقدج۱۱،چاپ دوم

تورم

ارزش پول یک کشور به چه عواملی بستگی دارد و چگونه می توان آن را ارتقا داد؟

پرسش

ارزش پول یک کشور به چه عواملی بستگی دارد و چگونه می توان آن را ارتقا داد؟

پاسخ

معیارهای ارزش پول هر کشور به عوامل زیر بستگی دارد:

۱ سرمایه های ملی هر کشور.

۲ وفاداری نسبت به تعهدات بین المللی .

۳ قدرت و توانایی سیاسی .

۴ پیشرفت در صنعت و توانایی های علمی و تکنیکی .

۵ ثبات و امنیت کشور.

البته هر چه درصد این عوامل بیش تر باشد, کشور از ارزش پولی بیش تری برخوردار خواهد شد.

بنابراین اگر این عوامل را ایجاد کنیم یا ارتقا بدهیم , ارزش پول در سطح بین المللی ارزش بیش تری خواهد پیداکرد.(۱)

(پاورقی ۱.دکتر باقر قدیری , کلیات علم اقتصاد, ص ۱۹۲

علت تورم و گرانی در کشور ما چه می باشد؟

پرسش

علت تورم و گرانی در کشور ما چه می باشد؟

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ لازم است با معنای تورّم آشنایی اجمالی پیدا کنیم.

تورّم (tavarrom) افزایش بی تناسب مقدار پول رایج در یک کشور (خصوصاً از طریق انتشار پول کاغذیِ غیر قابل تبدیل

به مسکوک) یا افزایش بی تناسب اعتبارات، نسبت به احتیاجات اقتصادی است. نتیجه این افزایش آن است که ارزش پول پایین می آید و مردم می کوشند پول خود را به کالا تبدیل کنند، و این اقدام قیمت ها را بالا می برد.[۱۰]

تورم و گرانی عوامل متعددی دارد. مهم ترین آن ها بدین گونه است:

۱ تأثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی کشورها.

۲ توسعه؛ از نظر اقتصادی توسعه یکی از عوامل مهمّ تورم است، زیرا این کار سرمایه گذاری های کلانی را می طلبد، ولی در عین حال گریزی از آن نیست و بدیهی است بدون آن آینده شکوفایی نمی توان داشت.

۳ تحریم اقتصادی و موانع متعددی که استکبار جهانی فرا راه رشد اقتصادی کشورمان ایجاد می کند.

۴ کاهش تولید نفت و کاهش بسیار قیمت آن در برخی از سال ها که منبع اصلی ارزی و اقتصادی کشور است.

۵ مخارج سنگین بازسازی بر اثر خسارت های ناشی از جنگ تحمیلی.

۶ کاهش ارزش ریال در برابر دلار.

۷ رشد جمعیت و افزایش شدید "تقاضا" در حالی که سطح "عرضه مناسب" با آن نتوانسته رشد کند.

۸ افزایش نقدینگی در بین مردم و عوامل دیگر.

این ها همه عواملی است که روی هم رفته می تواند اقتصاد یک جامعه را متأثر کند و تورّم زا باشد. در برابر این مشکلات دولت فعّالیت بسیاری نموده و بیش از هر چیز بر

گسترش تولید داخلی تکیه کرده که نقش مهمّی در شکوفایی آینده اقتصاد و مهار تورم ایفا می کند.

[۱۰]غلامحسین مصاحب، دائره المعارف، ج ۱، ص ۶۸۴، چاپ ۱۳۴۵.

چگونه باید کمک کنیم که تورم کم شود؟

پرسش

چگونه باید کمک کنیم که تورم کم شود؟

پاسخ

تـورم و گرانی یکی از معضـلات و گرفتاریهـای اجتمـاعی جـامعه امروزی است که بسـیاری از جوامع انسـانی بـا آن دست به گریبان هسـتند و بر اثر فشار تورم شانه های بسـیاری از مردم خم شـده است. گرانی علل و عوامل گوناگونی دارد که برخی از آنها از حیطه قدرت داخلی، خارج است و بخشـی از تورم کشور ما ناشـی از تورم جهانی و نوسانات قیمت ها در سـطح جهان است. اگر گفته می شود جهـان امروز دهکـده جهـانی است یعنی آنقـدر ارتباطات و وابسـتگی ها زیاد شـده است که هرگونه تغییر و تحول در بخشی از کره خاک می تواند سایر بلاد و نقاط را تحت تأثیر قرار دهد. نوسانات قیمت ها، افزایش درآمدها، کاهش درآمـدها و قیمت ها در برخی کالاها و خدمات به دلیل وابسـتگی های جهانی در هر منطقه ای از جهان بوقوع بپیوندد سـایر منـاطق را نیز تحت تأثیر قرار می دهـد. به عنوان مثال وقتی در عراق بحران بوجود می آیـد و احتمال کاهش یا قطع نفت صادراتی این کشور مطرح می شود قیمت نفت افزایش می یابد طبیعتاً افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادر کننده افزایش درآمـد را در پی دارد ولی برای کشورهای مصـرف کننده افزایش هزینه ها را به دنبال خواهد داشت. طبیعی است که اگر این افزایش اسـتمرار یابـد موجب افزایش کالاها و خدمات در کشورهای مصـرف کننده خواهد شد لذا تمامی کسانی که مصـرف کننده کالاها و خدمات آن کشورها هستند با افزایش قیمت کالاها و خدمات مواجه خواهند شد.

بنابراین برخی از افزایش یا کاهش قیمت ها متأثر از شرایط جهانی و تورم جهانی است که چاره ای جز تحمل آنرا نداریم و

نمی توان مانع افزایش قیمت ها شـد بلکه می توان برای مقابله با آثار و عواقب آن تـدبیر و اندیشه کرد زیرا مهار آن از قدرت ما خارج است. بنابراین اگر تورم ناشـی از شـرایط جهانی باشـد باید تدبیرهای خاصـی برای کاهش اثرات آن توسط مسـئولان عالی رتبه دولتی اتخاذ گردد.

بخشـی دیگری از عوامـل تورم داخلی است که مهم ترین آن کاهش تولیـد یا ممکن است ناشـی از افزایش قیمت مواد اولیه و در نتیجه افزایش قیمت تمام شـده کالاها و خـدمات باشد در این صورت تولید کننده ناگزیر است کالای تولیدی خودش را با قیمت بیشتری ارایه نماید. در این صورت نیز مسئولان باید با تدابیر خاص و ویژه به حمایت از تولیدات داخلی بپردازند و بطور غیر مستقیم از مصرف کننده حمایت نمایند.

عامـل دیگری که موجب افزایش قیمت هـا می گردد افزایش نقـدینگی موجود در جـامعه است وقتی نقـدینگی در میـان مردم افزایش می یابـد افراد برای خریـد به بازار هجوم می برند و طبعاً وقتی تقاضا برای خرید یک یا چند کالا افزایش پیدا کند ولی تولیـد و عرضه بـا تقاضـا تنـاسب نداشـته باشـد قیمت ها افزایش خواهـد یافت و کمبود کالا، احتکار و گران فروشـی گسترش خواهد یافت. در این صورت مسـئولان اقتصادی و دست اندرکاران دولتی می توانند با اعمال سیاستهای پولی نقدینگی موجود در جامعه را کاهش دهند و برای تثبیت، کاهش و یا متعادل ساختن قیمت ها اقدام کنند.

عامـل دیگری که به افزایش قیمت هـا و تورم کمک می کنـد عامل روانی است. شایعه در ایجاد نیاز کاذب در جامعه و هجوم افراد جامعه برای خرید کالا یا کالاهایی خاص نقش مهمی دارد. افراد سودجو با استفاده از این حربه در مدت

زمان کوتاهی موفق می شونـد تعـداد زیادی کالهای خود را با قیمت های گزاف و چنـد برابر به جامعه عرضه کنند و از قبل به ثروت های باد آورده ای دست یابند. علل و عوامل دیگری نیز می توان بر شمرد که مجال بحث آن نیست.

چرا وقتی گرفتار جنگ بودیم اجناس گران نبود؟

پرسش

چرا وقتی گرفتار جنگ بودیم اجناس گران نبود؟

پاسخ

معمولاـ سیاست اقتصـادی پس از جنـگ با سیاست حاکم برزمان جنگ متفاوت است. در زمان جنگ دولت ها برای کاسـتن فشـار از دوش مردم سوبسیدهای زیادی پرداخت می کننـد. زیرا دو فشار برای مردم قابل تحمل نیست: یکی فشار جنگ – که خود تورم زاست – و دیگری فشار تورم ناشـی از توسعه و حذف سوبسید. به علاوه قادر به توسعه صنعتی و ... نیستند. زیرا هر تلاشـی در این زمینه امکان هدر دادن سـرمایه ها را دارد. ولی پس از جنگ به ناچار باید به بازسازی و توسـعه بپردازند از این رو ناچار به حـذف یا کاهش شدیـد سوبسـیدها می شوند. ازطرف دیگر برای انجام خدمات خود نیازمندی های مادی وسـیعی دارنـد که از طریق مالیات و ... تأمین می شود و تا رسـیدن به مرحله خودکفایی و توسـعه گردونه های اقتصادی عظیمی را طی می کنند و در این فرایند تورم فزاینده اولین مشـکل آنان است و رهایی از آن کار بسـیار دشواری است. سیاست دولت ما پس از جنـگ ایجـاد نـوعی مـوازنه بیـن رشـد وتوسـعه اقتصـادی و از طرف دیگر حفـظ رفـاه عمـومی است. لـذا هنـوز سیاسـت سوبسـیددهی را ادامه می دهد ولی تاحدی به کاهش آن پرداخته تا از طرفی روند توسعه به سمت جلو حرکت کند و از طرف دیگر فشار اقتصادی درحد قابل تحملی حفظشود.

تورم وسودهای کلان فاصله طبقاتی رازیادترمی کندواعمال ماباشعارهافاصله زیادی دارد وماامروز روی تبلیغات تکیه می کنیم و از واقعیتها دور هستیم ؟چه کنیم ؟

پرسش

تورم وسودهای کلان فاصله طبقاتی رازیادترمی کندواعمال ماباشعارهافاصله زیادی دارد وماامروز روی تبلیغات تکیه می کنیم و از واقعیتها دور هستیم ؟چه کنیم ؟

پاسخ

آنچه در این مکتوب آمده مشتمل بر چند مطلب است:

۱- برخی از آنها واقعیات تلخی است که لازم است با ارائه راهکارهای مفیـد و سازنـده در پی اصـلاح آن برآمد ودانشـجویان عزیز ضـمن بررسـی دقیق آنها بدون دخالت احساسات خام باید بیشترین اندیشه را در جهت بهبود واصلاح آنها به کار اندازند و با عرضه کردن آنها در ساختن جامعه سالم سهیم شوند.

۲- برخی نیز واقعیات نـامطلوبی است که چنـدان گریزی از آنهـا نیست و به تبع یکسـری شـرایط اجتمـاعی - بویژه درمراحل بحرانی پرتحول و دگرگون پذیر - رخ می نماید. بعضی از آنها دیرمان و ماندگار و بعضی گذرا وناپایدارند.

۳- بعضـی از نکات نیز ناشی از تحلیل نادرست مبانی اسلامی و یک سری واقعیات گریز ناپذیر انسان شناختی وجامعه شناختی است. در این قسـمت لازم است به مسأله طبقـات در جـامعه و تضادهای طبقاتی بادقت بیشتری نگریسـته شود. ابتـدا بایـد دید مقصود از طبقه چیست؟ در مباحث اجتماعی واژه طبقه دوگونه کاربرد دارد:

الف) گاه منظور از طبقه گروه ها و رده هایی بسـته در یک جامعه انـد. این گونه طبقات در جوامع خاصـی وجود دارنـد.مانند نظام شاهنشاهی حاکم برایران قبل از انقلاب که جامعه به چنـد طبقه تقسـیم می شد. در چنین جوامعی اولاطبقات فروتر از نظر حقوق اجتماعی با طبقات برتر مساوی قلمـداد نمی شدنـد و قانون به یکسان برآنان حکم نمی رانـدو ثانیا هیـچ یک از طبقات پایین نمی توانست به طبقه برتر راه یابد. هم چنان که در قضیه کفشگر و نوشیروان سیمای این

نظام طبقاتی به خوبی نمایان است. تصویری نیز که مارکسیسم از جوامع برده داری فئودالی و سرمایه داری دارد چنین است. این گونه نظام طبقاتی از نظر اسلام به کلی مطرود است و در جمهوری اسلامی ایران نیز به هیچ روی وجود نداردو به سمت آن نیز سو گیری نکرده است.

ب) گاه منظور از طبقه «اقشار مختلف اجتماعی» است بدون آن که دارای سیستمی بسته باشد یا گروهی ازامتیازات قانونی بیشتری برخوردار بوده و یا تضادی ذاتی بین آنها برقرار باشد. چنین چیزی امری کاملا طبیعی و لازمه زیست اجتماعی بشر می باشد و در اسلام نیز مورد تأیید است. این مسأله تا حدودی موجب می شود که برخی درجامعه از توان و امکانات بیشتر و موقعیت ممتازتری بهره مند گردند و بعضی دیگر در وضعیت پایین تری قرار گیرند.چنان که قرآن مجید می فرماید: « ورفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتاکم» (نسأ آیه ء ۶۵) و « والله فضلبعضکم علی بعض فی الرزق» (نحل آیه ء ۷۱) و « ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضم بعضا سخریا»(زخرف آیه ء ۳۲). لیکن چشم انداز اسلامی آن است که اولا ضمن پذیرش وجود این گونه طبقات – چنان که در اولینآیه فوق بیان شده – همه را از عوامل آزمایش الهی قلمداد می کند آن هم نه تنها برای طبقات برتر بلکه برای همه آنها.ثانیا آنچه ازنظر اسلام مطلوب است این است که با وجود این تفاوت های طبیعی و گریز ناپذیر شکاف ها به حداقلممکن برسد و قسط و عدل به یکسان برهمگان حکم فرما باشد و چنان نباشد که یکی آلاف الوف اندوزد و برایسگش هم اتومبیل مخصوص تهیه کند و یکی برای گرده نانی

دست روی دست گذارد و راه به جایی نبرد. برای رسیدنبه این مهم اسلام قوانینی وضع نموده که تا حدود زیادی آن را تأمین می کند و اختیاراتی نیز به دولت اسلامی می دهد تااز شکاف های شکننده طبقات اجتماعی جلوگیری کند. لیکن وضعیت موجود جامعه هرچند به شدت تصویر در فوقنیست لیکن چندان هم در حد مطلوبی نیست و چنان که گفته شد مقداری از آن معلول یک سری شرایط خاصاجتماعی بویژه گذر از مرحله عقب ماندگی به مرحله توسعه است.

از طرف دیگر زایش یک سری نیازهای نو به نو در سطح جامعه به گونه ای است که سطح درآمد اقشار آسیب پذیرباتنوع نیازهای جدید و تورم حاصله از توسعه و دیگر شرایط اجتماعی چندان سازگاری ندارد. این وضعیت مسلما درمرحله گذار موجود فشار شدیدی را به این طبقات وارد خواهد ساخت ولی به یاری خداوند به تدریج از سطح اقشارکم درآمد می کاهد و به رفاه نسبی درسطح اقشار مختلف خواهد انجامید. نیز اینکه وضعیت زندگی ائمه اطهار(ع) کهالگوی راستین همه ما هستند و تأسی به آنها درعمل بهترین راه سعادت ماست قابل انکار نیست لکن آن گونه زیستن نوعی عملی انتخابی است که تنها افراد بسیار برجسته از نظر معنوی قادر به پیمودن آن راه هستند و حتی بسیاری ازعناصر انقلابی و با ایمان همین که به امکاناتی برسند توان آن سان زیستن را ندارند. چنان که در سخنان حضرت امام(ره) و بیانات مقام معظم رهبری بسیار تذکر بر این گونه امور داده شده است. ولی جز خود آنها و تعداد قلیلدیگری کسی پوینده این راه نیست و از طریق فشار و قانون نیز نمی توان چنان چیزی را به

اجرا گذارد لیکن می توان گذراز حد معینی را که به شیوه های طاغوتی می ماند جلو گیری کرد. در رابطه با مسائل فرهنگی و غیره نیز گرچه مسائل ومشکلات فراوانی هست لیکن این به معنای آن نیست که هیچ فرقی نکرده است. مثلاً ـ با سخن یک استاد معارف نسبتبه دیگر اساتید و بالعکس نمی توان قضاوت کرد که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. بلکه مسائل متعددی وجودداشته که در حل برخی از آنها پیشرفت هایی حاصل شده و برخی نیز در مسیر بهبود قرار دارند ولی برخی همچنان لاینحل مانده و چه بسا برخی از آنها همیشه پابرجا باشند. به هر روی در تمام این موارد ما باید وظیفه خود را درست بشناسیم. یعنی با مطالعه و ارزیابی دقیق مسائل و مشورت و هم فکری با دیگران درصدد ارائه راه حل هایی مفید وسازنده خود نیز درحد توان درجهت اجرای راه کارهای معقول و پذیرفته شده گام برداریم.{J

مهم ترین علل تورم اقتصادی در ایران چیست ؟

پرسش

مهم ترین علل تورم اقتصادی در ایران چیست ؟

پاسخ

علل تورم در ایران: ۱- توسعه، ۲- محاصره اقتصادی، ۳- بازسازی، ۴- خسارت های ناشی از جنگ تحمیلی، ۵-کاهش فاحش قیمت نفت پس از پیروزی انقلاب آن هم با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد ایران که از سیاست هایاستعماری حاکم بر ایران بوده است، ۶- تاثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی، ۷- رشد جمعیت، ۸- تغییر الگویمصرف در جامعه و پدیدار شدن یک سری نیازها که در گذشته وجود نداشته است، تورم فرآیند مجموعه عوامل فوقاست اگر امکان تغییر آن عوامل باشد به همان اندازه اشکال مهار نیز وجود خواهد داشت.{

بانکداری اسلامی

آیا قانون بانکداری بدون ربا در جامعه ما اجرا می شود؟

پرسش

آیا قانون بانکداری بدون ربا در جامعه ما اجرا می شود؟

پاسخ

قانون بانکداری مصوب مجلس شورای اسلامی که مورد تأیید شورای نگهبان نیز می باشد اشکال شرعی نداشته و عمل به آن شبهه معاملات ربوی را ندارد ولی گاهی مشاهده گردیده بنام قانون، افراد تخلفاتی را مرتکب می شوند که در این صورت قانون مذکور تصحیح کننده عملکرد متخلفین نخواهد بود.

"حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در این خصوص می فرمایند: بطور کلی معاملات بانکی که بانکها بر اساس قوانین

مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تایید شورای محترم نگهبان انجام می دهند اشکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از بکارگیری سرمایه بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی ، شرعاً حلال است." (۱)

"اگر فرض کنیم ، مکلف علم پیدا کند که کارمندان بانک ، پول او را در معامله باطلی بکار گرفته اند ، دریافت و استفاده از سود آن برای او جایز نیست ولی با توجه به حجم سرمایه هایی که توسط صاحبان آنها به بانک سپرده می شود و انواع معاملاتی که توسط بانک صورت می گیرد و می دانیم که بسیاری از آنها از نظر شرعی صحیح هستند ، تحقق چنین علمی برای مکلف بسیار بعید است." (۲)

۱ رساله اوجوبه الاستفتائات، ج۲، ص ۳۳۰، س ۸۳۶

۲ همان منبع، ص ۳۳۷، ۳۳۸، س ۸۵۵

واحد پژوهش و تحقیق

نظام بانکداری بدون ربا، سرکاریهایی که مردم را می گذارند .

پرسش

نظام بانکداری بدون ربا، سرکاریهایی که مردم را می گذارند .

پاسخ

آشنایی با شیوه بانکداری ربوی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی درایران، پاسخی جامع و کامل به پرسش های بسیاری درباره تفاوت نظام مالی آلوده به ربا دررژیم گذشته با روش بانکداری بدون ربا در زمان کنونی است تا افزون برآگاهی از "حقیقت" مفاهیم ناب دینی فقاهتی، با "واقعیت" پدید آمده آشنا شویم ومیزان تأثیر آموزه های آسمانی اسلام رادراداره برتر جوامع درهر عصری وباهر نسلی به دست آوریم.

دریک نگاه عملیات بانکی ربوی درگذشته برمحورهایی این چنین استوار بود :

۱- نیاز به پول، مراجعه، دریافت

درنظام بانکی آلوده به ربا، هیچ توجهی به نوع مصرف وام دریافتی نمی شد، ومعیار دریافت پول، "نیاز وام گیرنده" بود تا در پی آن به بانک مراجعه کند ودر برابر وثیقه ای معتبر ملکی یا سفته وام را دریافت نماید.!! گرچه این پول درمسیری سالم ومشروع یا راهی ویرانگر وخانمان برانداز همچون قمار و فحشا ویا تأسیس مراکز فساد به کار گرفته شود .

۲-یک یا دو ابزار پرداخت وام

شیوه ربوی بانک ها در گذشته براساس یک یا دو روش برای پرداخت وام به مشتری انجام می شد که راه نخست دریافت

تقاضا و وثیقه وپرداخت پول بود ودیگری اعتبار درحساب جاری نام داشت . بدین بیان که بانک سقف اعتباری برا ی مشتری تعیین می کرد تـا پس از فعالیت پولی مشتری به بانک به صورت دریافت وواریز به حساب خود، درقبال دریافت وثیقه، هرگاه مشتری نیاز به پول داشت، مدتی از آن اعتبار استفاده می کرد وحتی چک هایی صادر می نمود وبانک بدون آن که پولی

درحساب جاری او باشد، پول چک را به آورنده آن پرداخت و پس از فرارسیدن زمان اعتبار، سود و مبلغ پرداختی چک، از صاحب حساب دریافت می شد، بدون آنکه بین بانک و مشتری معامله یا عقدی انجام گرفته باشد.

این درحالی است که سیستم بانکداری بدون ربا از حدود ۱۲ نوع عقداسلامی وشرعی مطابق با فتاوای مراجع بزرگوار تقلید استفاده می شود وتمامی دریافت ها و پرداخت براساس شیوه ای شرعی انجام می پذیرد.

۳- سود براساس میزان دریافت وام

درنظام بانکداری ربوی اضافه دریافتی بانک تنها براساس میزان پرداخت پول به مشتری، به دوراز هر گونه داد وستد شرعی یا قبض و اقباض سالمی بود، اما درنظام بانکی کنونی انجام معامله، عقد شرعی وتعهدات قانونی وام گیرنده که براساس هر یک خود را متعهد می داند وبا امضای خویش آنان را قبول می کند، انجام می پذیرد.

۴- تسهیلات بانکی بدون هدف مشخص ومقدس

درگذشته وام های پرداختی وتسهیلات بانکی به دور ازهر گونه آرمان ملی یا اهداف مقدس چون رسیدن به خودکفایی، راه اندازی واحدهای تولیدی، انجام پروژه های راهسازی، کشاورزی، صنعتی، دامداری ویا فعالیتهای آموزشی جهت حفظ باورهای دینی و فعالیتها ی فرهنگی بود ودربسیاری از موارد موجب واردات افزون برنیاز کالاهای خارجی، وابستگی بیش تر به بیگانگان، فلج کردن فعالیت های ملی جهت دستیابی به استقلال اقتصادی وفرهنگی، رفاه زدگی بدون مرز و یا فسادافسارگسیخته ای در کشور می گردید .

۵- عدم نظارت بر مصرف پول

درنظام بانکداری ربوی، بانک یک جا تمامی وام درخواستی را به مشتری پرداخت می کرد و هیچ نظارتی به صورت مرحله ای و درصدی برچگونگی مصرف نداشت؛ درحالی که درشیوه

کنونی، بانک ها نظارت عمـده ای بر پیشـرفت طرح ها، انجام مراحل مختلف نگاشـته شده در قراردادها دارند واین خود عامل بسیار مهمی در هدر رفتن ویا بیراهه رفتن وام های پرداختی خواهد بود .

۶- بیگانگی با قرض الحسنه

در شیوه بانکداری ربوی هیچ جایگاهی برای پرداخت وام های قرض الحسـنه وجود نداشت، آن چه هدف بود، دریافت ربا و نزول بود، درحـالی که درنظام بانکـداری بـدون ربا بانک ها از محل قرض الحسـنه های پس انـداز شـده مردم، میلیاردها ریال تسهیلات قرض الحسنه دراختیار متقاضیان مستضعف قرار می دهند .

۷- خصوصی بودن بسیاری از بانک ها

درنظـام گذشـته، بسـیاری از بانـک هـا دراختیـار سـرمایه داران زالوصـفت بود که سودهای کلان دریافتی را بین خود ودر راه ترویـج فسـاد و فحشا به کار می گرفتنـد، درحالیکه درنظام بـدون ربا بسـیاری از بانک ها دولتی است واگر سودی حاصل می شود، به خزانه کشور یا بیت المال اختصاص دارد .

۸- بیگانگی با فعالیت های دیگر

در بانکـداری گذشـته، تنهـا وظیفه بانـک هـا دریـافت و پرداخت پول و سود دهی بیش تربود، درحـالی که درنظام بانکـداری بـدون ربا سـرمایه گذاری های مسـتقیم وچشـمگیر گوناگونی همچون احداث مترو درکلان شـهرهای کشور، راه اندازی طرح های تولیدی، کشاورزی، صنعتی، دامداری، معدنی و ... به طور قابل توجهی وجود دارد .

برکاتی بی شـمار و آثاری بسـیار درشـیوه بانکداری سالم و بدون ربا موجب گردیده که اعتماد مردم روز به روز افزایش یافته وطرح هـای بزرگ ملی بـا تضـمین بانـک هـا درحـال گسترش باشـد. تجهیز منـابع و کمک به توسـعه اقتصادی کشور پس از ویرانی ایران عزیز درجنگ هشت ساله سرعت بسیاری یابد وآثار

سرشـار این روش، نگـاه دیگران را به آیین اسـلام جلب کنـد وبسـیاری از مسؤلاـن بانک های غربی و شـرقی مشـغول بررسـی بانکداری بدون ربا شده وکارشناسان خود را مأمور تحقیق و پژوهش درسیستم بانکداری ایران نمایند !

افزون برآن ۲۵ کارشناس از ۱۲ کشور طی یـک دوره ۱۵ روزه با آخرین شـیوه های بانکداری اسـلامی درایران آشنا شدند تا ضمن آگاهی از مبانی اقتصاد اسلامی به تأسیس بانک های اسلامی در کشورهای خود اقدام کنند."۱"

اجازه دهید پیش از شـروع سخن درباره بانکداری اسلامی و بدون ربا، تعریقی کوتاه وگویا نسبت به این شیوه ارایه دهیم وبیم ها و امیدهای این طرح را گوشزد کنیم.

دریـک نگـاه، بانکـداری بـدون ربـا]مجمـوعه عملیـات بـانکی اسـت کـه درقـالب یکی از عقـود شـرعی انجـام می گیرد ودو طرف(بانک ومشتری) ملزم به رعایت اصول و فروع قرارداد امضاشـده هسـتند .[بـدیهی است این "الزام" آنگاه به خوبی انجام می پذیرد که :

اولاً) مسؤلان بانک یا شعبه ا زیک سو ومشتری ازسوی دیگر "اعتقاد" به بدون ربا بودن قرارداد داشته باشند.

ثانیـاً) طرفین "آگـاه" از قـانون مورد نظریا نوع عقـد شـرعی نگاشـته شـده دربرگه درخواست باشـند، تا آن اعتقاد واین اطلاع گرچه به طور اجمالی وسربسته روشنگر استفاده صحیح، به جا وشایسته ا زعقد شرعی باشد.

بـا تأسف بسیار بایـد بگوییم درسال های پس از پیروزی انقلاب اسـلامی و بعـد از تصویب قانون بانکـداری اسـلامی، آن چه مـوفقیت آمیز نبوده است، درحوزه قـانون گـذاری ویـا گسـتره تئوری ونظر نیست بلکه در حوزه شـناخت واجراست زیرا عموم مشتریان تنها به دنبال دریافت مبلغی از بانک هستند تا مشکل خود را حل کنند و حتی نگاهی گذرا

به قوانین قرارداد نمی کننـد. مسؤلاـن بانـک نیز برای رفع مشـکل مشـتری و جـذب بیش تر افراد به شـعبه خود، پیشـنهاد یکی ازعقود شـرعی اقتصـادی را می دهنـد، مشتری نیز بـا عجله وشـتاب مـدارک لاـزم را تهیه می کنـد وبه طور مثال پولی درقالب مضاربه دریافت می کنـد درحالی که مسؤل بانک ومشتری هر دو به خوبی می داننـد مضاربه ای درکارنیست؛ مضاربه گیرنده نه جنسـی خریـداری می کنـد ونه می فروشد ونه از سود، سـهم بانک را پرداخت می کند! بلکه پس از گره گشایی از مشـکل خود پول و سود آن را از جای دیگری به بانک می پردازد.

واین ربـای خـالص وبـدون هرگونه تردیـدی است که دامان زنـدگانی بسیاری را آلوده به گناهی بزرگ کرده است . تأسـف بارتر این که جمع بیشـماری از دریافت کنندگان وام های این چنین، آنرا به حساب سرشناسی خودیا آشنایی با مسؤل شعبه ویا زیرکی وزرنگی خویش برای رفع و رجوع کارهای درآمد زا و پول آور می گذارند!!

بی اعتقادی ونا آگاهی طرفین قراردادها موجب گردیده است که بارها و بارها به هنگام گفتگواز بانکداری اسلامی این سخن را ازمردم کوچه و بازار بشنویم که :" چه فرقی کرد؟! این همان رباست، اسمش را عوض کرده اند!"

ودرپی آن ایرادهای مختلف مطرح کرده وسودهای کلان ویک سویی بانک ها را بیان کنند ودر پایان،اسـلامی بودن بانک ها درنظر آنها امری بیهوده دانسته شود!

درد آلودتر ازآن، سـخن بعضـی از مسؤلاـن و کارکنـان بانـک هـاست که ابتـدا پیشـنهادهایی برای گره گشـایی از کارمشتری مطرح می کنند و چون با اعتراض برخی از مراجعه کنندگان متدین روبه رو می شوند می

گویند :

" ای آقا! چه فرقی می کند، شما با این پول می خواهید مشکلتان را حل کنید والان هم نیاز به چنین پولی دارید. درخواست کنید ما هم موافقت می کنیم!"

بدون شک چنین شیوه نادرستی موجب می شودکه خواست دشمن یعنی ناکارآمدی نظام اسلامی از اداره بهینه امور هر روز بیش از گذشته در دل و دیده غافلان یا مغرضان پدیدار شود وآثار سوء، زشت وزیانبار ربا که در پاره ای ا زموارد دقیق وعمیق است واز نظر معنوی ماندگار خواهد بود درخانواده ها افزایش و گسترش یابد.

با توجه به آشنایی دیرین و تجربه های بسیار دراین زمینه، به نظر می رسد گام هایی چند درنوسازی شیوه ها باید برداشته شود .

مجله تازه های اقتصاد، ش ۳۱، خرداد۷۲؛روزنامه کیهان، ۵ دیماه۱۳۷۳،ش ۱۵۲۴۳و۲۷مرداد ماه ۱۳۷۵ شهریورماه ۱۳۷۲؛پیام بانک،ش۸۳

اصول بانک داری اسلامی چیست؟

پرسش

اصول بانک داری اسلامی چیست؟

پاسخ

اصول بانک داری و اقتصاد اسلامی بر این است که باید تمام فعالیت ها و داد و ستد ها و معاملاتی که از طرف بانک انجام می گیرد ، منطبق با یکی از عقود شرعیه مانند، بیع، مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، جعاله و سایر عناوین شرعیه باشد.

چنان چه مبنای بانک ها در جمهوری اسلامی ایران بر این است که عملیات بانکی خود را منطبق با یکی از عقود شرعیه انجام بدهند. وقتی معاملات بانک ها مطابق با موازین شرعی باشد، کسی با آن مخالفت ندارد.

چرا بانک ها مردم را تشویق به سپرده گذاری می کنند؟ مگر نه این که چرخ صنعت بایستی برای کشورهای اسلامی به حرکت در آید، پس چرا دولت مردم را تشویق به سرمایه گذاری و بی حرکت بودن سرمایه ملّی در بانک ها می کند؟

پرسش

چرا بانک ها مردم را تشویق به سپرده گذاری می کنند؟ مگر نه این که چرخ صنعت بایستی برای کشورهای اسلامی به حرکت در آید، پس چرا دولت مردم را تشویق به سرمایه گذاری و بی حرکت بودن سرمایه ملّی در بانک ها می کند؟

پاسخ

سرمـایه هـایی که در بانـک ها جمع می شود، بی حرکت و بی ثمر نمی مانـد، بلکه در اکثر موارد برای اهـدافی است که ذکر کرده ایـد و بانـک ها با جمع آوری سـرمایه های مردم باعث راحت شـدن زمینه سـرمایه گـذاری در امور زیر بنایی، تولیـدی، کشاورزی و صـنعتی می شوند. در ضـمن قسمتی از سود آن را به سپرده گزاران می پردازند و خدمات فراوان دیگری نیز ارائه می دهند.

آیا فعالیت بانکها بدون رباخواری ممکن است؟

پرسش

آیا فعالیت بانکها بدون رباخواری ممکن است؟

پاسخ

برخی بر این عقیدهانـد که در این عصـر اقتصـاد بـدون ربـا، قـادر به فعـالیت نیست. از این رو، منع از رباخواری توقف فعالیت بانکهـا را در پی خواهـد داشت و نتیجه این توقف رکود اقتصـادی است. به عبـارت دیگر، مسـئله ربـا آنچنان با اقتصاد آمیخته گشته که تفکیک ناپذیر است.

این نوع تفکر و باور غلط از ناحیه افرادی القاء میشود که خود باخته و غرب زده هسـتند. التبه جا دارد که کشورهای ثروتمنـد، چنین تبلیغـاتی را از طریق ایادی خود داشـته باشـند؛ زیرا این تفکر مطابق با منافع آنهاست و آنها مطالب را مطابق منافع خود به دیگران القاء میکننـد. در حالی که این تفکر نادرست است. بانکهای اسـلامی اگر بر اساس آیین نامههای مصوب عمل کنند و مردم هم از متن قرارداد مطلع گردنـد و بر آن وفادار بمانند، مشـکل ربا پیش نخواهد آمد. هم سپرده گذاران بهرهمند خواهند داشت و هم بانکها استفاده سرشاری خواهند برد و هم چرخ اقتصاد کشور به حرکت در خواهد آمد.

یکی از عقود اسـلامی عقـد «مضاربه» است، که تنها به تجارت اختصاص نـدارد، بلکه سـرمایه گـذاری در امر تولیـد، صـنعت، دامداری، کشاورزی، خدماتی... را نیز شامل میشود.

در عقد مضاربه، مشتری سرمایه خود را در اختیار بانک قرار میدهد و بانک با قرارداد مضاربه سود هر یک را مشخص میکند. البته تعیین سود بایـد درصدی از منفعت کار باشد نه درصدی از اصل سـرمایه. مشتری میتواند به بانک وکالت دهد تا سـهم او را از سود به مبلغ معینی مصالحه کند و هر ماه آن را دریافت نماید؛ لکن

در پایان قرارداد، سود پرداخت شده محاسبه گردد. آنگاه به بانک وکالت مطلق میدهد تا در هر یک از امور مذکور که مایل بود سرمایه گذاری صورت گیرد و بانک هم باید به آن عمل نماید. در این صورت بدون آن که مشکل ربا ایجاد شود هم صاحب پول بهرهمند میگردد و هم بانک نصیب خود را از سرمایه گذاری به دست میآورد و هم برای این که چرخ اقتصاد جامعه راکد نماند، تجارت سالمی صورت میپذیرد.

باید توجه داشت در این گونه موارد عقود شرعی باید تحقق پذیرد و گرنه به مجرد روی کاغذ آوردن، این عقود شرعی، چیزی را عوض نمیکند و مشکل ربا به قوت خود باقی میماند. بنابراین، قطعاً حذف ربا از بانکها امکان پذیر است. چنان که در صدر اسلام و در عصر ظهور پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه رباخواری رواج داشت و جزء اقتصاد آن زمان محسوب میشد، ولی با ظهور اسلام و حکم حرمت ربا، این پدیده شوم به دست فراموشی سپرده شد و در اقتصاد آنها هیچ وقفهای ایجاد نشد.

آیا می توان اعتقاد داشت که شـیوه کنونی بانکداری ماواقعاً اسلامی است ؟ مثلا درمورد انواع قراردادها , قرارداد مضاربه می باشد که همانطور که می دانید دو طرف باید درسود وزیان شریک باشند درحالی که بانک دراین نوع عقودفقط سود خود را (که آنهم تعیین شده و خالی از ا

پرسش

آیا می توان اعتقاد داشت که شیوه کنونی بانکداری ماواقعاً اسلامی است ؟ مثلا درمورد انواع قراردادها , قرارداد مضاربه می باشد که همانطور که می دانید دو طرف باید درسود وزیان شریک باشند درحالی که بانک دراین نوع عقودفقط سود خود را (که آنهم تعیین شده و خالی از اشکال است) دریافت می دارد خواه طرف دیگر سودکند خواه زیان ؟

پاسخ

اصل قانون بانکداری مصوب مجلس شورای اسلامی ومورد تایید شورای محترم نگهبان وانجام عملیات بانکی براساس آن صحیح وسود حاصله از آن حلال می باشد ولی توجه به دو نکته ضروری به نظر می رسد :

۱- درخصوص معین شدن سود ونداشتن ضرر برای سپرده گذار در قانون بانکداری تدابیری اندیشیده شده از جمله اینکه سود مورد نظر بعنوان علی الحساب پرداخت گردد ودرمورد ضرر شخص ثالث دولت و یا منابع اعتباری دیگر عهده دار زیان آن باشد واَشکال دیگری که درمجلس تصویب گشته و به تایید شورای نگهبان رسیده است که می توانید به مصوبات و بحث های مربوط به آن مراجعه نمایید .

۲- سلامت قانون , عملکرد ناروا وخلاف مسئولان بانکها ومشتریان مختلف راتصحیح خواهدنمود .

۳- انجام آن مصوبات د رخارج از مجموعه بانکهای جمهوری اسلامی نیز جایز و شرعی می باشد به شرط شناخت دقیق مقررات و مصوبات وتنظیم عملکرد برآن اساس .

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی درضمن پاسخ به سوالی دراین باره فرموده اند :

((س ۸۳۶)) : آیا معاملات بانکهای اسـلامی ایران محکوم به صـحت هستند ؟ خرید مسکن وغیره با پولی که از بانکها گرفته می شود چه حکمی دارد ؟

عسل کردن و نماز خوانـدن د رخانه ای که با این قبیل پولها خریـداری شده چه حکمی دارد ؟ وآیا گرفتن سود دربرابر سپرده هایی که مردم در بانک می گذازند , حلال است ؟

بطور کلی معاملات بـانکی که بانکهـا براسـاس قوانین مصوب مجلس شورای اسـلامی و مورد تاییـد شورای نگهبان انجام می دهند , اشـکال نداردومحکوم به صحت است وسود حاصل از بکارگیری سرمایه براساس یکی از عقود صحیح اسلامی , شرعاً حلال است , لـذا در صورتی که گرفتن پول از بانک برای خریـد مسـکن وماننـد آن تحت عنوان یکی از عقود باشـد , بـدون اشـکال است ولی اگر به صورت قرض ربوی باشـد , هر چنـد گرفتن آن از نظر حکم تکلیفی حرام است , ولی اصـل قرض از نظر حکم وضـعی صـحیح است وآن مالـک , ملک قرض گیرنـده می شود وجایز است درآن ودرهر چیزی که با آن می خرد تصرف نماید .(۱)

شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی درسـلسه مباحث مربوط به ربا که قبل از انقلاب اسـلامی صورت گرفته است دو شرط برای پرداخت سود به سپرده گذار معین کرده است :

۱- وجود حکومت صالحه (که این شرط درشرایط فعلی محقق شده است)

۲- پرداخت سود به میزان تورم .

بنـابراین درشـرایط کنونی که از نعمت حکومت صـالحی برخوردار هستیم معـادل نرخ تورم درهر سـال پرداخت سود براسـاس نظریه ایشـان جـایز است وهیچگـونه منعی وجود نـدارد زیرا سودی که سـپرده گـذار دریـافت می کنـد چیزی اضـافه بر سـپرده خودش نیست بلکه کاهشی ارزش سپرده خودش را دریافت کرده است .(۲) ۲۸/۲

(۱) اجوبه الاستفتائات , مقام معظم رهبری , جلد

دوم , ص ۳۳۰ و ۳۳۱

برای آگاهی بیشتر دراین خصوص به کتاب

به نظر جنابعالی آیا شایسته نمی باشد که حوزه علمیه در رابطه با مشکل سپرده گذاری پول در بانکها جواب شفاف و جامع بدهد؟

پرسش

به نظر جنابعالی آیا شایسته نمی باشد که حوزه علمیه در رابطه با مشکل سپرده گذاری پول در بانکها جواب شفاف و جامع بدهد؟

پاسخ

توضیح اینکه: فقها مبانی فقهی مسلمی دارند که باید از آن تبعیت کنند. نهاد بانک را به عنوان مؤسسه جمع آوری پول ها و تخصیص اعتبارات می پذیرند؛ اما ساز و کار این بانک ها باید تغییر یابد و طبعاً این تغییرات باید با قوانین و احکام اسلامی متناسب باشد، نه با قوانین غرب؛ به علاوه مطالعات اقتصاددانان نشان می دهد که نرخ بهره باعث بیماری های اقتصادی در غرب و موجب شکاف بین بازار کالا و بازار پول و بین طبقات اقتصادی و ایجاد طبقات فقیر و غنی ونیز عامل مهم تورم و عامل عدم تخصیص بهینه امکانات شده است؛ اکنون باید پرسید چرا ما باید آن چه را که در غرب تجربه کرده اند و به مشکلاتش واقف شده اند، به عنوان اصل مسلم و ضروری بپذیریم و بگوییم که فقه باید با آن سازگار شود؟

در قانون بانک داری بدون ربا، اهرم ها و ابزارهایی که برای جذب نقدینگی و دادن تسهیلات و تخصیص منابع پولی استفاده می شود، دو گونه اند: یکی مرابحه، دیگری مشارکت. در سیستم مرابحه، بانک، به عنوان قرض پول به متقاضی تسهیلات نمی دهد، بلکه فرض بر این است که آن چه را متقاضی به آن نیاز دارد، به صورت نقد برای او خریداری می کند و پس از افزودن سود معین، به صورت اقساط به او می فروشد؛ یعنی درصدی از پیش تعیین شده بر قیمت خرید می افزاید؛ مثلاً یک کارخانه دار به بانک

مراجعه می کنـد و می گویـد: من قصد خرید مواد خام را دارم. بانک مواد خام را مطابق با تقاضای او خریداری می کند (مثلًا صد میلیون تومان) و با افزودن سود مورد نظر برای فروش، به صورت قسطی به او می فروشد (مثلًا صد و بیست میلیون تومان). سـاز و کـار دیگر به صورت مشـارکت است. بـدین صورت که بانک، سـرمایه های سپرده گـذاران خود را به نحو شـرکت در اختیـار متقاضـیان قرار می دهـد و بـا سـرمایه های کارفرمایان اقتصادی شـریک می شود؛ یعنی کارفرمای اقتصادی، منابع مالی اختصاصـی دارد که متعلق به خود اوست. منـابع مـالی مشـارکتی را هم از بانک دریافت می کنـد و مجموع منابع را به صورت مشارکت، سـرمایه گـذاری می کنـد و هزینه های آن را کسـر می کنـد و سود خالص باقی مانده را به بانک اعلام می کند. بر اسـاس توافقی که قبلاً ـ بین بانـک و بنگاه اقتصادی شـریک صورت گرفته است، این سود تقسـیم می شود. اگر تقسـیم سود بر اساس مقدار سـرمایه باشد، مثلًا اگر پنجاه درصد سـرمایه خاص شـرکت بوده و پنجاه درصد سرمایه از ناحیه بانک تأمین شده باشد، سود هم بین بانک و کارفرمای اقتصادی به همین نسـبت تقسیم می شود. بانک بخشی از سود به دست آمده را به عنوان حق وکالت برمی دارد، و باقی مانده سود را بین سپرده هایی که مردم در بانک گذارده اند تقسـیم می کند. این دو ساز و کار (مرابحه و مشارکت) طبعاً با ساز و کار بانک های ربوی متفاوت است.

ظاهراً هر گونه نیاز مردم به منافع مالی بانک با استفاده از ابزارهای یاد شده

قابل تأمین است.

منابع و مآخذ:

برگرفته از کتـاب: دین و اقتصـاد، تـألیف: حجه الاسـلام دکتر مصـباحی، تهیه کننـده: مرکز مطالعـات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ص۵۹ و ۶۰ و ۶۴ و ۶۵

در نظام بانکداری اسلامی دریافت و پرداخت سود بر چه مبنائی انجام می گیرد؟

پرسش

در نظام بانکداری اسلامی دریافت و پرداخت سود بر چه مبنائی انجام می گیرد؟

پاسخ

مکانیسم تعیین شده برای بانک های جمهوری اسـلامی مبتنی بر عقود اسلامی و مورد تایید شورای نگهبان است وسود حاصله از آنها ربا نمی باشـد. عقود بانکی فعلی از این قرارند: ۱- قرض الحسنه اعطایی (بدون سود)، ۲- مضاربه،۳- مشارکت مدنی، ۴- مشـارکت حقوقی، ۵- سـرمایه گذاری مسـتقیم، ۶- فروش اقسـاطی بانـک ها، ۷- اجـاره به شـرط تملیک ۸- جعـاله، ۹- مزارعه، ۱۰- مساقات، ۱۱- خریـد دین، به عنوان وکیل از ناحیه سپرده گـذاران طبق هر یک از عقودفوق می توانند به تناسـب نوع نیاز تسهیلاتی درخواست کنندگان وارد معامله شوند و طبق اصول شرعی - به جز درمورد اول - سود دریافت دارند.

از طرف دیگر بانک سود مقرری را به سپرده گـذار می دهد؛ زیرا سپرده گذار با توکیل بانک طرف معامله اصـلی باتسـهیلات گیرندگان است. سپس بانک مازاد آن سود را به عنوان حق الوکاله برای خود بر می دارد.

برای آگاهی بیشتر ر . ک :

۱- بانکداری بدون ربا، ترجمه: البنک الاربوی فی الاسلام، سید محمد باقر صدر

۲- عملیات بانکی داخلی، چاپ موسسه بانکداری ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران {J

آیا سیســتم بانکداری کشور ما, اسلامی است ؟ چرا زمانی که امام خمینی (ره) قدرت و نفوذ کاملی برای اصلاح سیستم بانکی داشتند, آنرا اصلاح نکردند؟

پرسش

آیـا سیسـتم بانکـداری کشور مـا, اسـلامی است ؟ چرا زمـانی که امام خمینی (ره) قـدرت و نفوذ کاملی برای اصـلاح سیسـتم بانکی داشتند, آنرا اصلاح نکردند؟

پاسخ

بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی ایران تحولاـت مهمی در نظـام بـانکی کشور پدیـد آمـد که نقش قابـل توجهی در تغییر انون عملیات بانکی از بانکداری ربوی به بانکداری بدون ربا داشت؛ از جمله:

۱. ملی شدن بانک ها؛ بر اساس مصوبه ۱۷/۳/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی.

۲. ادغام بانک ها؛

۳. برقراری سیسـتم سود تضـمین شـده و کـارمزد. در جلسه ۳/۱۰/۱۳۵۸ شورای پول و اعتبـار بهره را از نظـام بـانکی حـذف و سیستم سود تضمین شده و کارمزد را جایگزین آن کرد.

۴. تصویب قانون عملیات بانکی بـدون ربا؛ عدم تطابق سیسـتم تضـمین شده و کارمزد با شـرع مقدساسـلام موجب شد مجلس شورای اسـلامی قانون عملیات بانکی بدون ربا را در هشـتم شهریور ۱۳۶۳ به تصویب نهایی برسانـد. این قانون در تاریـخ دهم شهریور مورد تأییـد شورای نگهبان نیز قرار گرفت. از تحولات بعـد از انقلاب اسـلامی مکانیسم بانک های جمهوری اسـلامی مبتنی بر عقوداسـلامی است و مـورد تأییـد شـورای نگهبـان است سـود حاصـله از آن ربـا نمی باشـد. عقود بـانکی فعلی از این قرارند:

۱- قرض الحسـنه اعطـایی (بـدون سود) ۲- مضاربه ۳- مشارکت مـدنی ۴- مشـارکت حقوقی ۵- سـرمایه گذاری مستقیم ۶- فروش اقساطی ۷- اجاره به شرط تملیک ۸-سلف ۹- جعاله ۱۰- مزارعه ۱۱- مساقات ۱۲- خرید دین ۱۳- ضمان.

بانک ها به عنوان وکیل سپرده گذاران طبق هر یک از عقود فوق می توانند به تناسب نوع نیاز تسـهیلاتی درخواست کنندگان وارد معامله شوند و طبق اصول شرعی – جز در مورد اول – سود دریافت دارند.

از طرف دیگر بانک سود مقرری را به سپرده گذار می دهد؛ زیرا در واقع سپرده گذار با توکیل بانک طرف معامله اصلی با تسهیلات گیرندگان است. سپس بانک مازاد آن سود را به عنوان حق الوکاله برای خود برمی دارد. به عنوان مثال در عقد مضاربه به طور معمول یک طرف عهده دارسرمایه می شود که او را «مالک» می گویند و طرف دیگر که تجارت با سرمایه را به عهده می گیرد «عامل مضاربه» نامیده می شود. بر طبق مقتضای اولیه این قرارداد عامل امین محسوب شده و در صورتی که از شرایط مندرج در قرارداد تخطی نکند زیان احتمالی شامل حال او نخواهد شد وفقط بر طبق قرارداد در نسبتی از سودی که به دست می آید سهیم می باشد. قرارداد ممکن است بین سپرده گذار به عنوان الک» و بانک به عنوان «عامل» و یا بین بانک به عنوان «مالک» و متقاضی تسهیلات به عنوان «عامل» منعقد شود و این احتمال نیز وجود دارد که بین ده گذار به عنوان«مالک» و متقاضی به عنوان «عامل منعقد شود. نقش بانک در ن میان فقط وساطت یا وکالت بین آنها باشد. در این صورت بانک فقط حق وکالت خود را دریافت می کند. در قانون تصریح شده است که بانک در به کار گرفتن سپرده های سرمایه گذاری مدت دار وکیل می باشد (عملیات بانکی داخلی ج ۲ ص ۲۳۱). نحوه دیگری نیز ممکن است تحقق یابد که به آن مضاربه سه جانبه گفته می شود. در این الگو سپرده گذاران با بانک قرارداد می بندند که در سود و زیان متعلق به بانک سهیم شوند. بانک نیز طی قراردادی با استفاده کننده از تسهیلات توافق می کند که وینسبت معینی از سود

حاصل از فعالیت های خود را به بانک رداند بانک بخشی از این سود را به سپرده گذاران انتقال می دهد. این الگو بر این اس استوار است که عامل بتواند تمام یا بعضی از قراردادی که مالک منعقد کرده دیگران واگذار کند. البته باید به این نکته توجه داشت که کاربرداین قرارداد است و نظایر آن در روابط بانکی از صورت فردی خارج است. پس هم در جانب سرمایه گذاران (مالک ها) و هم در جانب مجریان قرارداد (عاملین مضاربه) یک یا چند گروه یا موءسسه می توانند نقش داشته باشند و در بعضی از صورت ها ترکیبی حاصل از شرکت و مضاربه بهوجود خواهد آمد. مسأله دیگر درباره محدوده این عقد می باشد که به نظر فقهای امامیه منحصر در امور بازرگانی است؛ اما برخی از فقها فرموده اند: هرگاه همین عمل در امور دیگر مانند صنعت دامداری و... انجام گیرد - هر چند عنوان مضاربه ندارد - اما با توجه به «وفای به عقد» و«صحت معاملات» بعید نیست حکم به صحت آن شود و هم چنین بعید نیست بگوییم داخل در عنوان مضاربه هم می شود (عروه الوثقی ج ۱ ص ۶۴۱). از آنچه که گفته شد روشن می شود پول هایی که مردم به عنوان سپرده های کوتاه مدت و درازمدت در بانک ها می گذارند و سود دریافتمی دارند براساس عقد مضاربه است که بانک نقش عامل و سپرده گذار نقش مالک را دارا می باشد و در عقد لازم دیگری (غیر از این مضاربه مثل بیع و شرأ یک خودکار) مالک پول شرط می کند که من در ضرر شریک نباشم (به فتوای برخی از فقها مالک می تواند حتی در خود عقد مضاربههم چنین شرطی نماید). گاهی هم بانک به

عنوان مالـک در اختیـار اشـخاص سـرمایه قرار می دهـد و در سود حاصل از بازرگانی آن اشـخاص سـهیم می گردد در نتیجه مقدار بیشتری نسـبت به آنچه که به اشخاص پرداخته دریافت می کند و نام این عقد قرض نیست تا عنوان ربا پیدا کند.بنابراین یکی از متداول ترین راه هایی که بانک ها براساس آن سپرده های مردم را دریافت کرده و در اختیار بخش دیگری تسـهیلات قرار می دهنـد عقـد مضـاربه است. در این عقـد بانـک معمولاً به وکالت از جانب سپرده گـذاران با متقاضـیان تسـهیلات عقد مضاربه منعقـد می نماید. سود به دسـتآمده پس از کسـر مخارج بانک بین متقاضـی تسـهیلات و سپرده گذار تقسـیم می شود. بانک ممکن است از منابع خود تسـهیلاتی را در اختیار تقاضـیان قرار دهد که در این صورت خود مسـتقیما نقش مالک را در مضاربه دارد. این امکان نیز وجود دارد که قبل از تقسیم سود قطعی بانک بهطور علی الحساب سودی در اختیار سپرده گذاران قرار دهـد. از آنچه گفته شـد معلوم می شود که چنین عمـل از نظر ظـاهر شـرع محکوم به صـحت است و حکم به ربوی بودن نمی توان کرد. فروش اقسـاطی؛ همـان گونه که اشاره شـد یکی از انواع معاملات معامله نسـیه می باشـد. بـدین جهت بانکمی تواند بنا بر تقاضای متقاضـیان ابزار وسایل و... مورد نیاز آنها را خریداری کرده و به طور نسیه به قیمتی بالاتر به آنها تجهیزات بفروشـد. عقـد شـرکت؛ شـرکت عقـدی است که براساس آن دو یا چنـد نفر با هم رداد می بندنـد که با مال مشترک بین آنها تجـارت تولیـد و... انجام شود و در سود وزیان حاصل از آن - متناسب با سـرمایه خود - شـریک باشـند. در اصـطلاح این نوع رکت را

«شرکت عقدی» می گویند که احتیاج به ایجاب و قبول دارد و سایر شرایط عقود مالی از جمله بلوغ عقل قصد و... در آن معتبر است. متعلق چنین عقدی فقط اموال می تواند باشد – اعم از پول یاکالاـ – اما شرکت در اعمال صحیح نیست رکت أبدان)؛ یعنی این که درست نیست که دو یا چند نفر قرارداد ببندند که هر چه در آوردند و هر چقدر اجرت گرفتند بین آنان مشترک باشد (تحریرالوسیله ج ۱ ص ۶۲۳ و ۶۲۴ مسأله های ۳ ۲ و ۵). بر طبق نظر برخی از فقها همچون امام خمینی(ره) می توان در قرارداد شرط کرد که بیشتر ضرر یا تمام آن به عهده یک یا چند نفر باشد. اما اگر در عقد شرط شود که تمام سود برای یک طرف باشد صحیح نیست (رساله مراجع ج ۲ ص ۲۵۷ مسأله ۲۱۴۷). عقد شرکت در قانون مصوب بانکداری بدون ربا در ایران در دوشکل مشارکت حقوقی و مشارکت مدنی مطرح شده است. مشارکت حقوقی؛ بر طبق آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا مشارکت حقوقی عبارت است از: تأمین قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود. از تعریففوق نکات زیر استنباط می شود: الف) مشارکت حقوقی فقط با اشخاص حقوقی که به صورت شرکت های سهامی عام یا خاص تأسیس شده اند یا تأسیس می شوند امکان پذیر است و ارتباطی با اشخاص حقیقی ندارد. ب) بانک ها میتوانند فقط قسمتی از سرمایه شرکت ها را تأمین کنند ونه تمام آن را. ج) در صورتی که وجوه سهام بانک در این شرکت ها از محل سپرده های سرمایه گذاران أمین شده باشد

بانک به وکالت از آنان مبادرت به تشکیل شرکت می کند. در این صورت شرکت از جمله شرکت های دولتی محسوب نمی شود؛ اما اگر بیش از ۵۱درصد سهام شرکتمتعلق به وزارتخانه ها و سایر موءسسات دولتی باشد و یا وجوه سهام بانک از محل منابع خود بانک (سرمایه و حساب های قرض الحسنه) تأمین شده باشد شرکت دولتی محسوب می شود. توجه به این نکته ضروری است که بانک ها واسطه گردش وجوه هستند و نباید منابع خود را حبس ومعطل کنند؛ از تأمین نیاز مالی متقاضیان (از طریق مشارکت با آنان) و تأمین هدف مورد بلکه نظر بایستی وجوه را (با فروش سهام) جمع آوری نمایند و مجددا به مصرف برسانند (حقوق بانکی خاوری رضا ص ۲۳۲ - ۲۳۶). مشارکت مدنی؛ در ماده ۱۸ آیین نامه فصل سوم قانون عملیاتبانکی بدون ربا شرکت مدنی چنین تعریف شده است: «در آمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد». ویژگی های مشارکت مدنی عبارت است از: ۱- این عقد از لحاظ ماهیت عقدی جایز بوده و هر یکاز طرفین می تواند نسبت به گرفتن سهم خود اقدام نماید مگر این که ضمن عقد لازمی اختیار فسخ از طرفین قرارداد گرفته شود. ۲- سهم الشرکه می تواند وجه نقد باشد یا کالا و هم چنین ممکن است سهم یا شریک نقد و سهم دیگری کالا باشد. ۳- در مشارکت مدنی هم اشخاص حقیقیمی توانند حضور داشته باشند و هم اشخاص حقوقی. ۴- سهم الشرکه بانک و شرکا باید به هم آمیخته شده و به صورت مشاع در آید. ۵- میزان سهم الشرکه بانک نمی تواند بیش از ۸۰درصد کل سرمایه شرکت

مدنی باشد. ۶- سود حاصل از شرکت به نسبت سرمایه تقسیم می شود وبه همین ترتیب در صورتی که زیانی بدون ارتکاب تقصیر و یا تعدی و تفریط از ناحیه شریک متوجه شرکت مدنی شود به طور طبیعی این زیان هم بایستی مطابق سهم الشرکه بین شرکا تقسیم شود؛ اما بانک معمولاً در قراردادهای خود شرط می کند که در صورت ورود هرگونه زیان وضرری به سرم

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که کلا نظام ا قتصادی کشور را به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می نماید و در ذیل مواردی که شامل دولتی می گردد صریحا ذکر می کند موارد همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، بیمه، بانکداری و... دولتی می باشند ولی هم اکنون و

پرسش

با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی که کلا نظام ا قتصادی کشور را به ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می نماید و در ذیل مواردی که شامل دولتی می گردد صریحا ذکر می کند موارد همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی، بیمه، بانکداری و... دولتی می باشند ولی هم اکنون و از چند ماه پیش بحث به وجود آمدن بانک های خصوصی مطرح شده حتی به مرحله اجرا نیز آمده آیا این مورد نقض قانون نیست؟ و اگر مورد قانونی و یا اصلاحیه دارد چیست؟

پاسخ

روح کلی مستفاد از این اصل، تمرکز و قدرت غالب در این امور منظور است یعنی بانکداری، بیمه، بازرگانی، صنایع باید به گونه ای باشد که با رعایت حرمت نهادن به فعالیت های بخش خصوصی و یا تعاونی، دولت خلع سلاح و مقهور و تحت سلطه آن بخش ها واقع نشود چون در این صورت به حاکمیت آسیب می رسد زیرا اگر شریان اقتصادی کشور در قبضه قدرت دیگران باشد، به راحتی دولت را با چالش های بزرگی مواجه ساخته، در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها در جهت منافع خود نقش آفرینی می کنند و نظام اسلامی به جای این که براساس موازین عدالت اجتماعی و ارزش های اسلامی و کم کردن شکاف طبقاتی حرکت کند ناچار خواهد بود که در جهت خواست های قدرت های مسلط اقتصادی حرکت کند.

نتیجه سخن آن که فعالیت های اقتصادی دولت در بخش های مذکور انحصاری نیست، لیکن باید به گونه ای باشد که دولت تصمیم سازد و تصمیم گیر اصلی باشد و قدرت های مسلط اقتصادی نتوانند بدین

وسیله در نظام اجتماعی اخلال ایجاد کنند.

توضیح دهید آیا طریقه عملکرد بانکها و صندوقهای قرض الحسنه در کشور صحیح است ؟

پرسش

توضیح دهید آیا طریقه عملکرد بانکها و صندوقهای قرض الحسنه در کشور صحیح است ؟

پاسخ

اصل قانون بانکداری مصوب مجلس شورای اسلامی مورد تأیید شورای محترم نگهبان وانجام عملیات بانکی براساس آن صحیح وسود حاصله ازآن حلال می باشد ولی توجه به نکات زیر ضروری به نظر می رسد :

۱ درخصوص معین شدن سود ونداشتن ضرر برای سپرده گذار در قانون بانکداری تدابیری اندیشیده شده ازجمله اینکه سود مورد نظر بعنوان علی الحساب پرداخت گردد ودرمورد ضرر شخص ثالث دولت و یا منابع اعتباری دیگر عهده دار زیان آن باشد واَشکال دیگری که درمجلس تصویب گشته وبه تأیید شورای نگهبان رسیده است که می توانید به مصوبات وبحث های مربوط به آن مراجعه نمایید .

۲ سلامت قانون، عملکرد ناروا وخلاف مسؤولان بانکها ومشتریان متخلف را تصحیح خواهد نمود.

۳ انجام آن مصوبات درخارج ازمجموعه بانکهای جمهوری اسلامی نیز جایز وشرعی می باشد به شرط شناخت دقیق مقررات ومصوبات وتنظیم عملکرد برآن اساس .

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در ضمن پاسخ به سؤالی دراین باره فرموده اند:

" س ۸۳۶ : آیا معاملات بانکهای جمهوری اسلامی ایران محکوم به صحت هستند ؟ خرید مسکن وغیره با پولی که ازبانکها گرفته می شود چه حکمی دارد؟ غسل کردن ونماز خواندن درخانه ای که بااین قبیل پولها خریداری شده چه حکمی دارد ؟ وآیا گرفتن سود دربرابر سپرده هایی که مردم دربانک می گذارند ، حلال است؟

بطور کلی معاملات بانکی که بانکها براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی ومورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام می دهند ، اشکال ندارد ومحکوم به صحت است وسود

حاصل ازبکارگیری سرمایه براساس یکی ازعقود صحیح اسلامی ، شرعا حلال است ، لذا درصورتی که گرفتن پول ازبانک برای خرید مسکن ومانند آن تحت عنوان یکی ازعقود باشد، بدون اشکال است ولی اگر به صورت قرض ربوی باشد ، هرچند گرفتن آن ازنظر حکم تکلیفی حرام است ، ولی اصل قرض ازنظر

حکم وضعی صحیح است وآن مالک،ملک قرض گیرنده می شود وجایزاست درآن ودرهرچیزی که با آن می خرد تصرف نماید."(۱)

فلذا اگر خواسته باشیم دریک نگاه، بانکداری اسلامی بدون ربا را تعریف نمائیم خواهیم گفت :

]مجموعه عملیات بانکی است که در قالب یکی از عقود شرعی انجام می گیرد ودو طرف (بانک ومشتری) ملزم به رعایت اصول

و فروع قرارداد امضا شده هستند . [بدیهی است این "الزام" آنگاه به خوبی انجام می پذیرد که :

اولاً) مسؤلان بانک یا شعبه از یک سو ومشتری ازسوی دیگر "اعتقاد" به بدون ربا بودن قرارداد داشته باشند.

ثانیاً) طرفین "آگاه" از قانون مورد نظریا نوع عقد شرعی نگاشته شده دربرگه درخواست باشند، تا آن اعتقاد واین اطلاع گرچه به طور اجمالی وسربسته روشنگر استفاده صحیح، به جا وشایسته ا زعقد شرعی باشد.

با تأسف بسیار باید بگوییم درسال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از تصویب قانون بانکداری اسلامی، آن چه موفقیت آمیز نبوده است، درحوزه قانون گذاری ویا گستره تئوری ونظر نیست بلکه در حوزه شناخت واجراست زیرا عموم مشتریان تنها به دنبال دریافت مبلغی از بانک هستند تا مشکل خود را حل کنند و حتی نگاهی گذرا به قوانین قرارداد نمی کنند. مسؤلان بانک نیز برای رفع مشکل مشتری و جذب بیش تر

افراد به شعبه خود، پیشنهاد یکی ازعقود شرعی اقتصادی را می دهند، مشتری نیز با عجله وشتاب مدارک لازم را تهیه می کند وبه طور مثال پولی درقالب مضاربه دریافت می کند درحالی که مسؤل بانک ومشتری هر دو به خوبی می دانند مضاربه ای درکارنیست؛ مضاربه گیرنده نه جنسی خریداری می کند ونه می فروشد ونه از سود، سهم بانک را پرداخت می کند! بلکه پس از گره گشایی از مشکل خود پول و سود آن را از جای دیگری به بانک می پردازد.

واین ربای خالص وبدون هرگونه تردیدی است که دامان زندگانی بسیاری را آلوده به گناهی بزرگ کرده است . تأسف بارتر این که جمع بیشماری از دریافت کنندگان وام های این چنین، آنرا به حساب سرشناسی خودیا آشنایی با مسؤل شعبه ویا زیرکی وزرنگی خویش برای رفع و رجوع کارهای درآمد زا و پول آور می گذارند!!

بی اعتقادی ونا آگاهی طرفین قراردادها موجب گردیده است که بارها و بارها به هنگام گفتگواز بانکداری اسلامی این سخن را ازمردم کوچه و بازار بشنویم که :" چه فرقی کرد؟! این همان رباست، اسمش را عوض کرده اند!"

ودرپی آن ایرادهای مختلف مطرح کرده وسودهای کلان ویک سویی بانک ها را بیان کنند ودر پایان،اسلامی بودن بانک ها درنظر آنها امری بیهوده دانسته شود!

درد آلودتر ازآن، سخن بعضی از مسؤلان و کارکنان بانک هاست که ابتدا پیشنهادهایی برای گره گشایی از کارمشتری مطرح می کنند و چون با اعتراض برخی از مراجعه کنندگان متدین روبه رو می شوند می گویند :

" ای آقا! چه فرقی می کند، شما با این پول می خواهید مشکلتان را

حل کنید والان هم نیاز به چنین پولی دارید. درخواست کنید ما هم موافقت می کنیم!"

بدون شک چنین شیوه نادرستی موجب می شودکه خواست دشـمن یعنی ناکارآمدی نظام اسـلامی از اداره بهینه امور هر روز بیش از گذشـته در دل و دیـده غافلاـن یـا مغرضـان پدیـدار شود وآثـار سوء، زشت وزیانبـار ربـا که در پاره ای ا زموارد دقیق وعمیق است واز نظر معنوی ماندگار خواهد بود درخانواده ها افزایش و گسترش یابد.

با توجه به آشنایی دیرین و تجربه های بسیار دراین زمینه، به نظر می رسد گام هایی چند درنوسازی شیوه ها باید برداشته شود.

اجوبه الا ستفتائات ،مقام معظم رهبری ، جلد دوم ،ص ۳۳۰ و ۳۳۱ .

ربا در اسلام حرام است، سودهایی که بانکها اخذ و یا پرداخت می کنند حلال است یا حرام؟

پرسش

ربا در اسلام حرام است، سودهایی که بانکها اخذ و یا پرداخت می کنند حلال است یا حرام؟

پاسخ

اصل قانون بانکداری، مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای نگهبان و انجام عملیات بانکی بر اساس آن صحیح و سود حاصله از آن حلال می باشد، ولی توجه به دو نکته ضروری به نظر می رسد :

۱- در خصوص معین شدن سود و نداشـتن ضـرر برای سپرده گذار، در قانون بانکداری تدابیری اندیشـیده شده، از جمله اینکه سود مورد نظر بعنوان علی الحسـاب پرداخت گردد و در مورد ضـرر شـخص ثـالث دولت و یـا منابع اعتباری دیگر، عهـده دار زیان آن باشد و اشـکال دیگری نیز در مجلس تصویب گشته و به تأیید شورای نگهبان رسیده است، که می توانید به مصوبات و بحثهای مربوط به آن، مراجعه نمایید.

۲- سلامت قانون، علمکرد ناروا و خلاف مسؤولان بانکها و مشتریان مختلف را تصحیح خواهد نمود.

۳- انجـام آن مصوّبات، در خارج از مجموعه بانکهای جمهوری اسـلامی نیز جایز و شـرعی می باشـد، به شـرط شـناخت دقیق مقررات و مصوّبات و تنظیم عملکرد بر آن اساس.

حضـرت آیت ا... خامنه ای در ضـمن پاسخ به سؤالی در این باره فرموده اند : "بطور کلی معاملات بانکی که بانکها بر اساس قوانین مصوّب مجلس شورای اسـلامی و مورد تأیید شورای نگهبان، انجام می دهند، اشـکال ندارد و محکوم به صحت است و سود حاصل از بکارگیری سرمایه، بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است."(۱)

و ایشـان درجای دیگری، در مورد کار مزدی که بانکها می گیرنـد، می فرماینـد : "اگر مراد از گرفتن کارمزد، درجهت تأمین مخارج

مختلف صندوق قرض الحسنه یا بانک، مثل حقوق کارمندان، اجاره ساختمان، هزینه آب و برق و تلفن و ... باشد در این صورت حلال است واشکالی ندارد"(۲) و اگر مراد از کارمزد، همان سود قرض است، در این صورت ربا و حرام است."(۳)

شهید مظلوم، آیت ا...دکتر بهشتی، در سلسله مباحث مربوط به ربا، که قبل از انقلاب اسلامی صورت گرفته است، دو شرط برای پرداخت سود به سپرده گذار، معین کرده است :

۱. وجود حکومت صالحه

۲. پرداخت سود به میزان تورم

بنابراین در شرایط کنونی، که از نعمت حکومت صالحی برخوردار هستیم، معادل نرخ تورم در هر سال، پرداخت سود بر اساس نظریه ایشان، جایز است و هیچگونه منعی وجود ندارد. زیرا سودی که سپرده گذار دریافت می کند، چیزی اضافه بر سپرده خودش نیست، بلکه کاهش ارزش سپرده خودش را دریافت کرده است. (۴)

منابع و مآخذ :

۱. اجوبه الاستفتائات، مقام معظم رهبری، ج۲،ص ۳۲۰و ۳۳۱

۲. همان، ص ۴۲۲، سؤال ۱۷۸۶

۳. جامع المسائل، ص۳۱۷ ؛ رساله امام خمینی(، بخش استفتائات، ص ۴۳۰

۳. کتاب "ربا"، شهید بهشتی

جایگاه بانک و بهره بانکی در اسلام چیست؟

پرسش

جایگاه بانک و بهره بانکی در اسلام چیست؟

پاسخ

هدف اسلام از طرح مسائل اقتصادی بالابردن توان اقتصادی جامعه است، هدف اقتصاد اسلامی برطرف کردن نیازهای مادّی جامعه برای رسیدن به رفاه، استقلال اقتصادی و رهایی از وابستگی است؛ به همین دلیل براساس تعلیمات اسلام، سرمایه ها باید به کار بیفتد و متمرکز نشود. طرح مسائلی از قبیل: مشارکت، مزارعه، تجارت و... در اقتصاد اسلامی به همین دلیل است. براساس تعلیم اسلام اگر عدّه ای نیروی کار ندارند ولی پول و ثروت مشروع دارند و عدّه ای دیگر نیروی کار دارند ولی سرمایه ندارند، باید سرمایه ها و نیروها در هم ادغام شود تا هم سرمایه ها راکد نماند و هم بی کارها مشغول شوند. سود این فعّالیّت دو جانبه نیز باید عادلانه تقسیم شود. اسلام بین سود و پول رابطه ای بر قرار نمی کند، مگر آنکه میان این دو، چیز

دیگری از قبیل فعّالیّت جسـمی و فکری واسطه شود؛ در این صورت پول هم سهمی از سود می برد. ولی اگر صاحب سرمایه با در اختیار گذاشـتن سـرمایه خود در پس کسب سود باشد، رکود اقتصادی پیش می آید و نظام استثمار و بهره کشی رواج پیدا می کند و نتیجه آن اقلیّتی برخوردار و اکثریت محروم از همه چیز خواهد بود.

اسـلام پدیـده بانک را نیز براساس همین ضابطه تأییـد می کنـد: اگر بانک ها بـدون داشـتن تولید به صاحب پول مثلاً ۸٪ بهره بدهنـد و از وام گیرنده ۱۲٪ بهره بگیرنـد، تولیـد از میان خواهـد رفت، ناتوانی اقتصادی، بی کاری فقر بیداد خواهد کرد. ولی اگر بانک ها قسمتی از سرمایه خود را صرف تولید و سود به دست آمده را میان صاحبان سرمایه عادلانه تقسیم کنند از وام

گیرندگان جز به اندازه کار مزد، سودی دریافت نکنند، آن گاه تولید افزایش خواهد یافت، بی کاری از میان برخواهد رفت و وام گیرندگان نیز ناتوانی اقتصادی خویش را برطرف خواهند کرد. ممکن است گفته شود که اگر بهره حذف شود، مردم سرمایه خود را به بانک ها نمی سپارند و تولید از میان برداشته می شود؛ باید گفت مردم مسلمان و معتقد به قرآن می دانند که ربا و سودهای کلان ربوی حرام و باعث زیان جامعه است و هرگز چنین روشنی را نمی پسندد. دیگر آنکه با عمل به تعلیم اسلام درباره بانک اگر چه ممکن است سود، کم باشد، ولی سودی است براساس موازین اسلامی که نتیجه آن از میان رفتن استضعاف اقتصادی است. از این گذشته بانک های صد در صد اسلامی در زمان طاغوت و نیز در این زمان بدون گرفتن سود، خدمات ارزنده و صادقانه ای انجام داده اند؛ چگونه ممکن است مردم سرمایه خود را بدون سود در اختیار این بانک ها گذاشته باشند؟

عدالت اقتصادی

عوامل تعدیل کننده اوضاع اقتصادی، مالی و توزیع ثروت، در نظام اسلامی چیست؟

پرسش

عوامل تعدیل کننده اوضاع اقتصادی، مالی و توزیع ثروت، در نظام اسلامی چیست؟

پاسخ

۱ منع ربا خواری

۲ پرداخت مالیاتهای اسلامی مانند خمس و زکات، به خصوص زکات نقدین (طلا و نقره)

۳ مسأله ثلث مال که اگر چه استفاده از آن اجباری نیست، اما در محیط تربیت و ایمان اسلامی و ارشاد دینی، مانند یک واجب، اعتبار می شود و هر ثروتمند و هر کس هر چه داشته باشد، ثلث آن را از اختیار ورثه خارج می نماید و برای خیرات و مبرات و مصارفی که در نظر می گیرد اختصاص می دهد.

۴ مشاغل و کسب هائی که موجب جمع ثروت می شود، یا برای ثروتمندان، مصرف های بیهوده و غیر مفید به حال اجتماع می سازد، مانند قمار، شراب سازی، شراب فروشی، مجسمه سازی، خوانندگی، نوازندگی، دائر کردن مراکز فساد و کاباره ها و امثال آن ممنوع است.

۵ بطور کلی اسراف و تبذیر اموال که سرمایه داران و زن و بچه هایشان به آن گرفتار می شوند و اگر راهش بسته شود، سرمایه را در خیر اجتماع مصرف می نمایند، جایز نیست و اکیداً ممنوع است.

۶ از اسباب مهم تعادل ثروت و خرد شدن اموال قانون ارث است. با نظام دقیق، علیرغم قوانین جاهلیّت که ثروت را در دست فرد واحد نگهداری می کرد و حتی اگر ثروتمند فرزند نداشت به او اجازه داده می شد که دیگری را فرزند خوانده خود بنماید تا از او ارث ببرد و علیرغم قوانین کشورهای سرمایه داری که به سرمایه دار، اجازه می دهد ثروتش را برای گربه یا

سگش قرار دهد، در حالی که میلیونها مردم گرسنه باشند، اسلام اجازه چنین اموری را نمی دهد.

۷ تشویقات اکید به انفاقات و خیرات،

و مطلق صدقات و مبرات و صرف اموال در خیر و ترقی، رفاه عموم، تأسیس مدارس، بیمارستانها، دارالایتام، دارالعجزه، خدمات اجتماعی، پل سازی، راه سازی و مددکاری نیز یکی از وسایل مهمّ جلوگیری از تمرکز ثروت و مشوق صرف آن در مصالح اجتماعی است.

۸ قوانین مربوط به اراضی موات و جنگلها و اراضی مفتوح عنوه.

۹ وقف، که یکی از راه های صرف سرمایه در مصالح مشترک مردم است.

۱۰ دعوت به انصاف در معاملات، و اکتفا به سود کم و به مقدار کفایت و ترک غشّ و خیانت در معاملات نیز از عوامل کنترل کننده و تعادل بخش است.

۱۱ همچنین تشویق به قناعت و رضا به آنچه مقدر و فراهم می شود و اقتصاد و میانه روی در خرج.

۱۲ نکوهش از سرمایه و اندوخته بیش از حد کفاف و بطور کلی مذمت از اندوخته کردن و پس انداز نمودن که در تربیت اسلامی خلاف توحید در توکل و خلاف اعتماد به خدا است.

۱۳ مذمت و نکوهش از بخل و حرص، و مدح سخاوت تا آنجا که در روایات آمده: «بخیل از خدا و بهشت و مردم دور بوده و به آتش نزدیک است».

۱۴ تحریم استعمال ظروف طلا و نقره و آرایش مرد به آنها که علاوه بر اینکه دلیل بر حرمت این استعمالات است، نشانه محبوب بودن سادگی معاش و اثاث و لباس است.

بالأخره، مکتب اسلام و نظامات اسلام در شعب مختلف و متعدد، همه در کنترل وضع مالی و جلو گیری از مفاسد سرمایه داری، نقش بزرگ و حساسی را ایفا می کنند که در مجتمع اسلامی، هرگز از مفاسد تورم ثروت و تمرکز سرمایه

نباید بیم داشت.

آیا حقوق واجب مالی در اسلام، از قبیل خمس و زکوه، نیاز نیازمندان را تأمین میکند؟

پرسش

آیا حقوق واجب مالی در اسلام، از قبیل خمس و زکوه، نیاز نیازمندان را تأمین میکند؟

پاسخ

بلی، در صورت عمل به این قوانین ریشه فقر در جامعه خشکیده میشود. محمد بن مسلم، یکی از اصحاب عالیقدر امام ششم، از آن حضرت نقل میکند که فرمودند «اِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَراء فی مالِ الاَغْنیاء ما یَسعُهُمْ وَلَوْ عَلِمَ اَنَّ ذالِکَ لایَسعُهُمْ لَزادَهُمْ، اِنَّهُمْ لَمْ یُؤتَوا مِنْ قِبَلِ فَریضه اللّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلکِنْ اُتُوا مِنْ مَنْعِ مَنْ مَنعَهُمْ حَقَّهُمْ لا مِمّا فَرَضَ اللّهُ لَهُمْ، وَلَوْ اَنَّ النّاسَ ادّوا حُقُوقَهُمْ لَکانُوا عایِشینَ بِخَیْرِ» [خداوند عزیز و جلیل در مال ثروتمندان برای فقرا و نیازمندان مقدار حقّی قرار داده است که برای آنان کفایت میکند (یعنی اگر ثروتمندان حقوق واجب الهی خود را بپردازند، نیازمندان بی نیاز میشوند) و اگر آنچه را بر ثروتمندان واجب کرده است، برای رفع نیاز فقرا کافی نبود، خداوند آن را بیشتر میکرد. (یعنی اگر خمس و زکات از همه آنانی که برایشان واجب شده است گرفته شود و در مصارفش صرف شود، فقیری باقی نخواهد ماند). فقر فقرا از ناحیه نقصی در قانون الهی نیست، بلکه از ناحیه خودداری ثروتمندان از پرداخت حقوق واجب شده بر آنان است و اگر ثروتمندان حقوق واجب شده خود را بپردازند، [نه تنها فقر از جامعه رخت بر میبندد، بلکه] تمام مردم در آرامش زندگی خواهند کرد.] (وسایل الشیعه، جلد ۶، ابواب ما تجب فیه الزکاه، باب ۱، حدیث ۲و « من لا یحضر الفقیه»، جلد۲ ، ابواب الزکاه، باب ۱ ، (عله وجوب الزکاه))

اگر در جامعه فقر وجود داشته باشد، تنها فقیر

متضرّر نمیگردد، بلکه کـلّ جامعه آسـیب میبینـد؛ چه، فقر ریشه بسـیاری از گناهان از جمله دزدی، کارهای خلاف عفّت و... میباشد.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است «وَ لَو اَنّ النّاس ادّوُا زکاةَ اَمْوالِهِمْ، ما بَقِیَ مُسْلِمٌ فَقیراً مُحْتاجاً و لَاسْتَغْنِیَ بِما فَرَضَ اللّهُ وَ اَنّ النّاسَ مَـا افْتَقرُوا وَ لا ـ احْتـاجُوا وَ لا ـ جاعُوا وَ لا عَرَوا اِلّا بِذُنُوبِ الاغْنیا » (وسایل الشـیعه، جلـد ۶، ابواب مـا تجب فیه الزکاه، باب اوّل، روایت شـشم) [اگر مردم زکات اموالشان را پرداخت میکردند، حتی یک مسلمان فقیر و محتاج پیدا نمیشد و فقرا با همان حقوق واجب شـده [بر اغنیا] بینیاز میشدنـد. مردم به واسـطه گناه ثروتمنـدان (ندادن حقوق واجب مالی) محتاج، فقیر، گرسنه و برهنه هستند.]

با توجه به سفارش اسلام که از منابع طبیعی و معادن و نفت کشور اسلام بایدبه اندازه نیاز مردم برداشت شود

پرسش

با توجه به سفارش اسلام که از منابع طبیعی و معادن و نفت کشور اسلام بایدبه اندازه نیاز مردم برداشت شود

پاسخ

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول چهل و هشتم،

پنجاهم و پنجاه و دوم این مطلب ذکر شده که دولتمردان وظیفه دارند بر

اساس آن عمل نمایند، و مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اساس

آیات و روایات اسلامی طراحی شده است; مثلا در اصل پنجاهم آمده: ((در

جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد

باید در آن زندگی اجتماعی رو به رشدی داشته باشند. وظیفه عمومی تلقی

می گردد.)) و در اصول دیگر چنین آمده: ((در بهره برداری از منابع طبیعی و

استفاده از درآمدهای ملی باید به فراخور نیازها و استعداد رشد خود

برداشت شود)) و در اصل دیگر آمده ((دیوان محاسبات کشور که زیر نظر

مجلس شورای اسلامی می باشد بر کلیه دریافت ها و درآمدهای دولت در

خزانه داری کل متمرکز می شود و به همه پرداخت ها و حدود اعتبارات

مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.))

مالکیت در اسلام

آیا مالکیت امری فطری است ؟

پرسش

آیا مالکیت امری فطری است ؟

پاسخ

موجوداتی که روی کره زمین دیده می شوند - اعم از نبات , حیوان , انسان - عمومادر جنبش و فعالیت و کوششند و هر یک از آنها در خارج از دائره وجود خویش ,میکوشند که برای حفظ و بقاء خود , آنچه نافع و مورد استفاده است , بدست آورند . در جهان پهناور هستی , موجود غیر فعال , و آفریده ای ساکت دیده نمی شود , و درمیان این همه تلاشها , فعالیتی که بمنظور جلب منافع نباشد , وجود ندارد . فعالیتهائی که در انواع مختلف نباتات مشهود است , برای آنست که خود را ازمخاطرات حفظ کنند و راه رشد و ترقی را بپیمایند و تولید مثل نمایند , همچنین تلاشهای اقسام حیوانات و انسان , باین منظور انجام می گیرد که منافعی به خود جلب کنند , اگرچه آن منافع خیالی یا عقلی باشد , و این مطلب قابل تردید نیست . ملاک تلاشها و کشمکشهاموجودات فعال , به غریزه طبیعی و حیوان و انسان به نیروی فهم غریزی خود ,میفهمند که تصرف در مواد موجود , برای رفع حوائج طبیعی و انتفاع در حفظ وجود وبقاء میسر نیست مگر آنکه به یکی آنها اختصاص داشته باشد , و دیگران در آن متصرف نباشند , به این معنی که یک عمل نمی تواند , دو فاعل داشته باشد و ملاک این همه فعالیتها و کشمکشها همین است و بهمین جهت انسان , و سایر موجودات فعالی که ملاک فعالیتشان بر ما معلوم است , از مداخله و تصرف دیگران , در آنچه

مورد نظرآنها است , جلوگیری می کننـد , و این اصل مسـلم و غیر قابل تردیـد اختصاص و مالکیت است , که هیـچ انسانی در آن تردیـد نمی کنـد , و همین است معنای : لام اختصاص که به زبان عربی می گوئیم : هـذا لی , هذا لک , لی ان افعل کذا , لک ان تفعل کـذا . شاهـد صـحت این اصل مسـلم , نزاعی است که در حیوانات دیده می شود , آنها برای حفظخانه و آشـیانه خود با دشـمنان میجنگنـد و برای از دست ندادن غذا و صـید خود ,مبارزه می کنند , و اگر خطری متوجه همسـر یا فرزند آنها شد , قدم در میدان نزاع می گذارند . (۱)شاهد دیگر , مشاجره اطفال و خردسالان برای حفظ غذا و سایر متصرفات خود است , حتی دیده می شود که بچه شیرخواری بر سر پستان با شیر خوار دیگر نزاع می کند . آیا مالکیت فطری است ؟انسان به حکم فطرت و غریزه خود , قـدم ب جامعه می گـذارد و زنـدگی اجتماعی را آغازمینمایـد , ولی اساس زنـدگی اجتماعی انسان که زائیـده نیروی فطرت است , جز با همان نیرو پایـدار و برقرار نمی گردد , و تنها کاری که جامعه می توانـد انجام دهـد اصـلاح همـان اصول فطری و تنظیم آن بصورت نوامیس اجتمـاعی است . روی همین جهت , اصـل مزبور (اختصـاص و مالکیت) که بطور اجمال فطری او بوده ,انواع مختلفی پیـدا می کنـد و به نامهای گوناگونی خوانده می شود , اموال اختصاصـی بنام ملک , مختصات غیر مالی , بنام حق ,

خوانـده می شود . اگرچه ممکن است مردم در تحقق ملکیت , از جهت اسـباب آن اختلاـف نظر و عقیـده داشـته باشـند , مثلا وراثـت , خریـد و فروش , غصب و غیر آنرا سـبب تحقـق ملکیت بشناسـند , یانشناسـند و همچنین از جهت موضـوع , یعنی در شخص مالک ممکن است اختلافاتی بکنند که مالک باید بالغ یا صـغیر , عاقل یا سـفیه , فرد یا جامعه باشد و بواسـطه اختلاف نظر , بعضـی را مالک بشـناسد و برخی را نه , ولی اصل مالکیت فی الجمله از اموری است که بشـر ناچار بایـد آنرا بپـذیرد . و بهمین جهت است می بینیم که فرد بـدوی شـخصاتولید کرده یا ساخته است . لوی برول می نویسـد : این اموال جزو وجوه فرد بـدوی است و هرگز از او جـدا نمی شود , مثلاـ تصور بطوری که , تورنوال نـتیجه مشاهـدات خودرا , بین بومیـان گینه جـدید شرح می دهـد , فرد بدوی با اموال خود و آن چیزی که درنتیجه کار شخصـی بدست آورده است , بسـتگی گسـست ناپذیری دارد بطـوریکه ایـن امـوال نـه تنهـا جزء متعلقـات خصوصـی , بلکه جزء شخصـیت فردی محسـوب می شـود , بعبـارت دیگر : فردبدوی با داشـتن این اموال شخصیت خود را بالا برده است . مکتبهای مخالفین مالکیت , مانند مکتب کمونیسم , ملک را از فرد می گیرنـد و به اجتمـاع یـا به دولت انتقـال می دهنـد و در عین حال , نمی تواننـد ریشه مالکیت افرادرا کاملا قطع کننـد و هرگز قادر بر این امر نخواهند شد . بنابر این اصل مالکیت فطری انسان است

, و فناء فطرت , فناء انسان است .

آیا دیدگاه کسانی که می گویند برای رفع فساد و ایجاد قسط و برابری، باید مالکیت خصوصی لغو شود صحیح است؟

پرسش

آیا دیدگاه کسانی که می گویند برای رفع فساد و ایجاد قسط و برابری، باید مالکیت خصوصی لغو شود صحیح است؟

پاسخ

خیر زیرا اولاً نظام مالکیّت و اختصاص، ریشه فطری دارد و بشر فطرتاً به آن توجه دارد و مانند سایر غرایز، وجود آن و اشباع آن تحت نظم منطقی و عقلانی لازم است و فوائد بزرگ دارد و باید از آن مانند سائر فطریات و خواسته های فطری و غرائز استفاده کرد و ندیده گرفتن آن، مثل ندیده گرفتن غریزه جنسی و غرائز دیگر است.

چنانکه غریزه جنسی موجب تولید نسل است، این غریزه هم در تولید، مواد مورد نیاز و رفع احتیاجات بشر مؤثر است. و در حقیقت از قوه تولید حمایت می کند و پشتیبان آن است و آن را هر چه بیشتر به کار می اندازد و تنبلی و تن پروری را از شخص دور می سازد و به خصوص اگر خدای نخواسته بشر وجدان نداشته باشد و به معنویت و فضیلت ایمان نیاورده باشد و همه چیز و همه کارش اقتصاد و برای اقتصاد باشد و همه چیز را به ظاهر وضع اقتصادی و تحول آن بداند و تحولات را ناشی از آن بشمارد، اگر این غریزه اختصاص و مالکیت هم نباشد، چرا کار کند؟ و چرا بهتر کار را انجام دهد؟ هیچ دلیل معقولی ندارد.

لذا اصل مالکیّت را با همان قیود و حدود و شرایطی که اسلام برقرار کرده که نظامات فرهنگی و اخلاقی و تربیتی نیز در تعدیل و حسن استفاده از آن، سهم عمده و مؤثر را داشته باشد، باید پذیرفت.

ثانیاً: آن چیزی که موجب به وجود آمدن

نظام طبقاتی و فاصله های زیاد است، آزادی نامحدودی است که در کشورهای سرمایه داری به سرمایه داران داده شده است که امکانات تراکم ثروت را در آنها بطور نامحدود فراهم کرده و قانون و حکومت و مردم، هیچگونه نظارتی بر آن ندارند. در نتیجه سرمایه داران بر همه اوضاع سیاست، حکومت، اقتصاد، فرهنگ، مطبوعات و تبلیغات مسلط هستند و این سرمایه داران و کارتل ها و کارخانه دارها هستند که سیاست کشورهای سرمایهداری و کشورهای تحت نفوذ آنها را در اختیار گرفته اند و از رحم و وجدان و احترام به معنویات، در آنها خبری نیست.

ثالثاً: تفاضل و اختلاف، از نوامیس خلقت است که باید از آن استفاده شود و با یک نظام صحیح، از همه جانب کنترل گردد، شاید شما دو نفر را پیدا نکنید که در مجموع خصائص و استعدادها و مواهب و نیروی ذاتی، نتیجه و بازده عمل آنها یکسان باشد. این ناموسی از نوامیس خلقت است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، این یک واقعیت و حقیقت است.

لازمه مالکیّت چیست؟

پرسش

لازمه مالکیت چیست؟

پاسخ

این است که مالك حق هر گونه تصرفی را در مملوك خودش دارد. یعنی طبیعت مالکیت، هر گونه تصرفی را اقتضا می کند. البته قانون می توانـد از بعضـی تصـرفات منع کند و ما در اسـلام چنین چیزی داریم که در مواردی، از تصـرفاتی که به نظر می رسـد طبیعی است که مالـك در مال خودش بکنـد جلوگیری می کنـد. ریشه این منع تصـرف این است که در اسـلام مالکیت دیگری مقـدم بر مالکیت فرد اعتبار می شود و آن مالکیت خداست و در بعضـی تعبیرات، مالکیت عموم است که مالکیت فرد در درجه بعـد قرار می گیرد. پس در مواردی مانعی نـدارد که به خاطر حقی که عموم دارنـد، جلو تصـرف مالکیت فرد گرفته شود.

بنـابراین مالـك مـادامی که مالـك است، حـق هر گونه انتفـاع و بهره برداری و تصـرف و نقـل و انتقـال را دارد. حـتی طـبیعت مـالکیت اقتضـا می کنـد که حق اسـراف و تبـذیر و اعـدامش را هم دارد که اینها جزء همان مواردی است که به دلیل مالکیت خدا یا مالکیت عموم جلوگیری می شود.

دیدگاه اسلام در مورد مالکیت زمین چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام در مورد مالکیت زمین چیست؟

پاسخ

۱. زمین یا به نحوی است که مردم و مالکین اولیه آن بدون جنگ مسلمان شده اند؛ در این صورت ملک شخصی آنهاست و معامله مالکیت با آن می شود؛ و یا آنکه سرزمین عنوةً فتح می شود؛ در این صورت زمین به عموم مسلمین تعلق میگیرد، ولی به شرطی که آن زمین محیاه و در حقیقت مملوک کفار باشد. اینچنین سرزمینی بر خلاف سایر مملوکات کفار که به غنیمت برده می شود و تقسیم می شود، تقسیم نمی گردد و به عموم مسلمین، از آن جمله خود مالکان اولیه – اگر اسلام اختیار کنند – تعلق می گیرد. و اما اگر سرزمین فتح شده موات باشد، طبق فقه شیعه به امام تعلق می ..j......و صد در صد به نظر حکومت عادله حقه واگذار می شود.

اگر احیا کننده مالک مطلق بشود و خراج نپردازد و مشروط به مادام الاحیاء نیز نباشد، اثر اختیار امام فقط این است که اول به اجازه او باید داده شود و نظارت او برای همیشه ساقط می شود و زمین میان مالکان مستقل از نظر امام دست به دست می شود. اگر مادام الاحیاء را شرط کنیم اثر دیگر اختیار امام این است که هر وقت زمین بائر باشد دو مرتبه باید با نظر امام به افراد تفویض شود و اجازه احیاء داده شود. ولی اگر امام حق داشته باشد که خراج بگیرد باید گفت برای همیشه زمین در اختیار امام باقی می ماند و هر چند مُحیی مالک می شود و نظیر مزارع نیست و حق خرید و فروش دارد، اما حقی هم

از امـام برای همیشه بر زمین هست که به مـوجب آن خراج می گیرد. و اگر حـق خریـد و فروش هم سـلب شـود، عملاً ـ سـلب مالکیت از مُحیی شده و او فقط اولویت بهرهبرداری دارد و فرقی میان اراضی مفتوحه عنوه و اراضی موات که جزء انفال است باقی نمی ماند.

۲. زمینهایی که صاحبان آنها با صـلح، اسـلام اختیار کرده اند، مانند سـرزمین مدینه، به مالکین اصلی تعلق دارد و از این جهت فرقی میان زمین و غیر زمین نیست؛ و کانّه این امتیازی است که به اینها داده شده است؛ ولی البته اینها نیز مادام الاحیاء مالکند؛ به صـرف اینکه خرابه شـد از ملکیت آنهـا خـارج می شـود و ملـک امـام می شود. پس هر زمین که یـک بـار به حـالت موات درآمـد، از مـالکیت شخصـی علی الاطلاق خارج می شود و دو مرتبه مملوک علی الاطلاق نمی شود، مگر آنکه بگوییم معنی «مَنْ اَحیا اَرْضاً مَواتاً فَهِیَ لَهُ» مالکیت علی الاطلاق است.

۳. زمینهایی که معموره است و اهلش جلاء وطن میکننـد، بدون آنکه لشگرکشـی صورت گرفته باشد، یا صاحبان آنها بالطوع و الرغبه به مسـلمین تسـلیم می کنند، اینها «فیء» نامیده می شود و جزء انفال است و مانند اراضـی موات به امام تعلق دارد؛ یعنی این زمینهـا نه نظیر غنـائم است که میان افراد تقسـیم شود و نه نظیر اراضـی مفتوحه عنوه است که به عموم مسـلمین تعلق گیرد، بلکه نظیر اراضی اولیه است که مستقیماً تحت نظر ولیّ امر است.

پس سه قسم زمین داریم: زمینهایی که مالک شخصی دارد و نه عموم و نه ولیّ امر حقی و نظری در آنها

ندارنـد. دیگر زمینهـایی که به عموم مسـلمین تعلق می گیرد و ولیّ امر متصـدی خراج و مقاسـمه و احیاناً تنظیم واگـذاری آن زمینهـاست. این زمینهـا نظیر امـاکن عمومی از مسـجد و غیره می باشـند که هر کس تقـدم پیـدا کرد به او تعلق می گیرد. سوم زمینهـایی که نه به افراد تعلـق دارد و نه به عمـوم مسـلمین، بلکه به ولیّ امر تعلق دارد. قهراً ولیّ امر در این گونه زمینهـا اختیـار بیشتری دارد.

در اسلام مالکیّت مشروع را با چه معیاری می سنجند؟ می بینیم که هر کس مالکیّت خود را مشروع می داند؟

پرسش

در اسلام مالکیّت مشروع را با چه معیاری می سنجند؟ می بینیم که هر کس مالکیّت خود را مشروع می داند؟

پاسخ

اسـلام از سویی برای مـالکیّت فردی اسـبابی مقرّر کرده است،ماننـد: بیع، اجـاره، هبه، صـلح، مزارعه، مساقـات و...، و از سوی دیگر با تشـریع احکامی ماننـد: وجوب خمس و زکات و تحریم ربا و احتکار مالکیّت را محـدود کرده است. اجرای این برنامه در جامعه باعث تعـدیل ثروت و از میان رفتن اختلافات عظیم طبقاتی خواهد شد. اگر ناهماهنگی در نظام اقتصادی دیده شود، حـاکم اسـلامی(فقیه عـادل) که دارای ولاـیت است از دارایی ثروتمنـدان برای رفع نیازهای جامعه و جلوگیری از تراکم ثروت استفاده می کند.

آیا مالکیت خصوصی مورد تاءیید اسلام است ؟

پرسش

آیا مالکیت خصوصی مورد تاءیید اسلام است ؟

پاسخ

اسـلام در مکتب اقتصـادی خود گونه های مختلفی از مالکیت , شخصـی , دولتی و عمومی را پـذیرفته و برای هر یک اصالت قائل شده است و اسلام در این باره با سرمایه داری و سوسیالیسم در نوع مالکیتی که پذیرفته تفاوت اساسی دارد.

سرمایه داری به عنوان یک قاعده عمومی فقط به - مالکیت شخصـی - اعتقاد دارد و مالکیت عمومی را تنها در شرایط خاصی که ضـرورت هـای اجتماعی اقتضاء کنـد می پـذیرد, نقطه مقابل سـرمایه داری سوسـیالیسم است که قاعـده عمومی را مالکیت اشتراکی می داند و مالکیت شخصی را جز به صورت استثنا و در موارد نادر می پذیرد.

در این میـان مکتب اقتصـادی اسـلام یک امر التقاطی از این دو نوع مکتب اقتصادی - سـرمایه داری و سوسـیالیستی - نیست ; سرمایه داری مالکیت خصوصـی را نتیجه قهری و حق طبیعی انسان مداری می شـمارد. اما اسـلام مالکیت خصوصی را موهبتی از سـوی خـدای سـبحان کـه مالـک همه چیز است می دانـد; اسـلام در مـالکیت دولـتی نیز همین بینش را دارد, در حـالی که

سوسـیالیسم براسـاس اعتقاد به اصالت جامعه در مقابل فرد مالکیت دولت را به عنوان نماینـده جامعه می پـذیرد ولی در اسـلام آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصـی یکی از مبانی اقتصادی اسـلام است . هر فرد از دیدگاه اسـلام می تواند در انواع فعالیت هـای اقتصـادی برای رسـیدن بشـر به سـعادت و کمال است و این نیز محـدود به حـدود الهی است . با توجه به تعریف فوق در اسلام :

اولا", مالکیت خصوصی در اسلام امضا شده و مورد تائیید است

.

ثانیا", توسعه و گسترش اموال به دو صورت است : یک وقت هدف از ازدیاد ثروت حفظ آبرو, خدمت به دیگران و انجام نیکی هاست ; چنین توسعه ای هرگز مذمت نشده , بلکه مورد تشویق قرار گرفته است ; ولی اگر هدف حرص , لذت پرستی , جاه و شهوت و... باشد, چنین توسعه و ازدیاد ثروتی از نظر اسلام وخردمندان مورد مذمت و توبیخ است . حضرت علی (ع) می فرماید: ((یتنافسون فی دنیا دنیه و یتکالبون علی جیفه مریحه ; در به دست آوردن دنیای پست از هم سبقت می گیرند و بر سر مردار متعفنی با هم به نزاع می پردازند)), (نهج البلاغه , خطبه ۱۵۱).

ثالثا", همچنان که در اسلام به رشد و تکامل معنوی توجه شده , به گسترش زمینه های اقتصادی نیز تائکید شده است ; چون معنویت و مادیت با یکدیگر عجین شده اند. فرهنگ و معنویت یک جامعه , می تواند زمینه أا رفاه و رشد اقتصادی آن را فراهم کند ; همچنان که رشد و رفاه اقتصادی , می تواند زمینه ساز تعالی فرهنگ و معنویت باشد. باید توجه داشت که اسلام در نهایت رشد اقتصادی را وسیله أا شکوفایی استعداد و شخصیت معنوی انسان می داند. امیرموئمنان (ع) که در نهج البلاغه آن همه از دنیا مذمت فرموده اند, عائدات املاـکش در سال به چهل هزار دینار می رسید ; ولی همه أا این ثروت را وقف نیازمندان و فقرا می کرد (انساب الاشراف ((بلاذری)), ص ۲۹). رابعا", دقت در نکات گذشته , این حقیقت را به اثبات می رساند که گرچه

ارکان سعادت و کمال انسان در مسائل اقتصادی خلاصه نمی شود ولی بدون شک یکی از پایه های سعادت انسان , رشد و رفاه اقتصادی است . به تعبیر برخی دانشمندان ((پول خوشبختی نمی آورد ولی بی پولی بدبختی می آورد)). داشتن ثروت برای سعادت شرط کافی نیست ولی شرط لازم است . افزون بر بعد اقتصادی , انسان نیازمند اخلاق , علم , هنر, تعهد مذهبی و... نیز می باشد و از آن جا که اسلام به سعادت و کمال انسان می اندیشد, نمی تواند به بعد اقتصادی بی اعتنا باشد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- اقتصاد ما , ج ۱ و ۲, شهید آیت الله صدر

۲- اقتصاد, شهید آیت الله دکتر بهشتی

۳- مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی , ج ۱ - ۳, آیت الله مظاهری

۴- خلاصه کتاب اقتصادنا, غلامرضا مصباحی

۵- مکتب و نظام اقتصادی در اسلام , مهدی هادوی تهرانی

۶- مبانی اقتصاد اسلامی , دفتر همکاری حوزه و دانشگاه , نشر سمت

۷ درآمدی بر اقتصاد اسلامی , دفتر همکاری حوزه و دانشگاه , نشر سمت

دولت و اقتصاد اسلامی

فسادهای اقتصادی که در جامعه ما وجود دارد، ناشی از چیست؟ آیا عدم رعایت امانت نقش عمده ای در فساد اقتصادی ندارد؟ لطفاً درباره عوامل شکل گیری فساد اقتصادی توضیح دهید.

پرسش

فسادهای اقتصادی که در جامعه ما وجود دارد، ناشی از چیست؟ آیا عدم رعایت امانت نقش عمده ای در فساد اقتصادی ندارد؟ لطفاً درباره عوامل شکل گیری فساد اقتصادی توضیح دهید.

پاسخ

بی تردید رعایت امانت نقش اساسی در فساد اقتصادی دارد، ولی عدم رعایت امانت تنها علت فساد اقتصادی نیست و عوامل متعددی در شکل گیری فساد اقتصادی تأثیرگذار هستند.

۱ - جدایی از آموزه های مذهبی

یکی از عوامل مهم مفاسد اقتصادی فاصله گیری از معارف دین است. در آموزه های دینی به امانت داری و جلوگیری از

احتکار و درآمدهای غیر مشروع و... سفارش شده است. اگر دستورهای اسلام در خصوص با ناهنجاری های اقتصادی رعایت شود، فساد اقتصادی به وجود نمی آید.

۲ – سیاست های نامتعادل

یکی از عوامل مهم شکل گیری مفاسد اقتصادی، سیاست های غیر معقول و منطق است.

اتخاذ برخی از سیاست های زمینه ناهنجاری های اقتصادی را فراهم می کند، از این رو در اسلام با برخی از سیاست های اقتصادی مبارزه شده است، از سوی دیگر به فقر زدایی، و مبارزه با ثروت اندوزی و ربا و... توصیه شده است.

۳ – عدم مبارزه با مفاسد

یکی از عوامل مهم شکل گیری فساد اقتصادی، عدم مبارزه قاطعانه با مفاسد اقتصادی و رانت خواری است، برخورد قاطع با رانت خوران و سود جویان مهم ترین راهکار جلوگیری از مفاسد اقتصادی است. و رانت خواری است. برخورد قاطع با رانت خواران و سودجویان مهم ترین راهکار جلوگیری از مفاسد اقتصادی است. در آموزه های دینی سفارش شده است که با رانت خواران و در آمدهای غیر مشروع برخورد قاطعانه صورت گیرد تا امنیت اقتصادی به وجود آید و عدالت اجتماعی گسترش یابد.

۴ – عدم رعایت عدالت

اجتماعی

یکی از عوامل مهم شکل گیری فساد اقتصادی، تبعیض و عدم رعایت عدالت اجتماعی است. اگر جامعه ای در عدالت اجتماعی رعایت نشود، ناهنجارهای اقتصادی حاکم می شود، از این رو امام علی(ع) هم خود به عدالت اجتماعی اهمیت می دهد و هم مدیران خویش را به رعایت عدالت اقتصادی فرا خوانده است.(۱)

پی نوشت ها:

۱ – نهج البلاغه، نامه ۵۳.

دیدگاه فقها در مورد مالکیت دولت چیست؟

پرسش

دیدگاه فقها در مورد مالکیت دولت چیست؟

پاسخ

در مورد مالکیت دولت، در میان فقها دو نظریه وجود دارد. یک نظریه این است که دولت هم مثل فرد می تواند مالک باشد، می تواند ثروت داشته باشد و تمام احکامی که در شخص مالک هست در مورد دولت هم می تواند وجود داشته باشد و به اصطلاح امروز دولت شخصیت حقوقی دارد. مرحوم آقای بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی و بسیاری از مراجع، عقیده شان همین است که در مالکیت هیچ فرقی نمی کند میان شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی، و شخصیت حقوقی هم می خواهد دولت باشد یا غیر دولت، اعم از اینکه دولت ظالم باشد یا ظالم نباشد، یعنی دولت ظالم مثل فرد ظالم است که کار نامشروعش باطل است ولی کار مشروعش درست است، یعنی ظالم بودن سبب نمی شود که کار مشروعش هم نامشروع باشد.

بعضی دیگر فتواشان این است که ما شخصیت حقوقی نمی شناسیم، فقط شخصیت حقیقی درست است. برخی از فقهای معاصر مثل آقای خویی و صاحب کتاب البحوث الفقهیه چنین عقیده ای دارند. اینها معتقدند که دولت صلاحیت مالکیت ندارد و حتی اگر از راه مشروع هم کاری بکند نمی تواند مالک بشود. فقط شخص حقیقی می تواند مالک باشد.

پس هر مالی که در دست دولت است، خودش مالک آن نیست و در واقع مال افراد دیگر است و چون افراد دیگر را ما نمی شناسیم، مجهول المالک است. آنوقت در سرمایه های دولتی می آیند معامله مجهول المالک می کنند که آن دیگر از این حسابها خارج است، مثل مالی است که انسان پیدا کرده باشد. ولی کسانی که

دولت را مالـک می داننـد، قهرآ راه حلهـای آنهـا با راه حلهای کسانی که مالک نمی داننـد فرق می کنـد. و آنچه ما ذکر می کنیم و نظر بعضـی از مراجع تقلید این است که دولت صلاحیت مالکیت دارد. استدلالشان این است که شما می گویید دولت، یـا هر مؤسـسه عامی وجود حقیقی نـدارد و چیزی که وجود حقیقی نـدارد چطور می توانـد مالک باشـد؟ جواب این است که خود مـالکیت هم وجود حقیقی نـدارد و یـک امر اعتبـاری است. یـک وقت مـا می خواهیم یـک امر حقیقی را برای یـک امر اعتبـاری ثـابت بکنیم. دولت، وجـودش وجـود اعتبـاری است. مـالکیت هم وجـودش وجود اعتبـاری است . اینهـا یـک سلسـله اعتبارات، یعنی قراردادها و به قول روسو قراردادهای اجتماعی است که افراد بشـر این قراردادها را به منزله امر واقعی فرض می کننـد برای ترتیب دادن یک سلسـله آثار. هـدف، ترتیب دادن آن آثار است، ولی تا این امر قراردادی را اعتبار نکنند نمیتوانند آن آثار را ترتیب بدهند. مثال واضحش مسئله ریاست و مرئوسیت است در تشکیلات اداری به طور کلی.

خصوصی سازی در یک جامعه اسلامی آیا اشکال شرعی دارد یا خیر و چه منفعت و ضرری برای نظام دارد؟

پرسش

خصوصی سازی در یک جامعه اسلامی آیا اشکال شرعی دارد یا خیر و چه منفعت و ضرری برای نظام دارد؟

پاسخ

از این که می بینیم جوانـان برومنـد کشورمـان در مسایـل کلاـن سیاسـی، اقتصـادی و ... به تحقیـق و تفحص و جسـتجو و ابراز عقیـده و اظهار نظر می نمایند خدای را شاکر و سپاسـگزاریم و ابتدا قبل از هر چیز به شـما جوان برومند و خوش ذوق و علاقه منـد تبریـک می گـوییم که دربـاره یکی از مسایـل عمـده و مهم کشور سؤال کرده ای و مهم تر این که می خواهی رابطه این مسئله (خصوصی سازی) را با شرع انور بدانی. نفس این سؤال حاکی از آن است که جوانان عزیز کشور عموماً نسبت به تطابق زندگی خودشان در همه ابعاد (فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...) با دین مقدس، احساس مسئولیت و تفکیک می نماینـد و این خود پاسـخی است محکم به کسـانی که بـدون دلیل و جهت جوانان با صـفای کشور را متهم به بی دینی می کننـد. هر چنـد ممکن است تعداد اندکی از جوانان نسبت به برخی مظاهر مورد قبول عامه بی توجهی و بی اعتنایی بکنند ولی غالب جوانان و اکثریت قریب به اتفاق آنان اصل و اساس مذهب و دین مقدس اسـلام را موجب نجات جامعه بشـری می دانند و با خدای مهربان خویش در صلح و آشتی هستند.

اما دوست عزیز درباره سؤال شـما بایـد عرض کنیم از دیـدگاه اسـلام در خصوصـی سازی فی نفسه هیچ گونه اشـکال شـرعی وجود ندارد و قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران نیز اقتصاد کشور را متشـکل از بخش خصوصـی، تعاونی و دولتی دانسـته است. اسلام مالکیت خصوصی را کاملاً به رسمیت شناخته است

و قبول دارد و با سرمایه داری زالو صفتانه و نظام های سرمایه داری همانند غرب و نیز با نظام مارکسیستی که مالکیت خصوصی را تا جایی که با منافع و مصالح اجتماعی در تعارض و تضاد نباشد قبول دارد اما اگر در جایی مالکیت خصوصی منافع جامعه را به خطر اندازد آنرا به رسمیت نمی شناسد و سود و منفعت جمع را بر فرد ترجیح می دهد. بنابراین خصوصی سازی اگر به منافع و مصالح جمعی لطمه وارد نسازد نه تنها اشکال ندارد بلکه براساس تجارب جامعه بشری موجب رونق اقتصاد و توسعه جامعه می شود مهم این است که درست اجرا شود و در واگذاری به بخش خصوصی ظلم و بیعدالتی صورت نگیرد و نیز مواردی که مخالف مصالح عمومی جامعه است و باید در دست قدرت دولت قرار گیرد کماکان در اختیار دولت باشد تا منافع جمعی مورد تعرض قرار نگیرد. تشخیص موارد فوق امری سهل و آسان نیست و نیازمند کار دقیق کارشناسی است که مسئولان عالی رتبه کشور در هنگام تصمیم گیری به این نکات توجه دارند هر چند ممکن است برخی مخالف باشند ولی این به معنای آن نیست که تصمیم گیرندگان والا مقام و بلند مرتبه کشور به مصالح جمعی توجه نداشته اند. آنان نیز در تصمیم گیری به این مطلب توجه دارند هر چند ممکن است در تشخیص موضوع اشتباه بکنند که البته هیچ انسانی بری از خطا و اشتباه نیست. موفق و سربلند باشی

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست.

چرا دولت تلاش قابل توجهی جهت کاهش مفاسد اقتصادی کشور, انجام نمی دهد؟

پرسش

چرا دولت تلاش قابل توجهی جهت کاهش مفاسد اقتصادی کشور, انجام نمی دهد؟

پاسخ

متأسفانه به رغم تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری برای مقابله با مفاسد اقتصادی و نیز اقدامات عملی قوای سه گانه و سایر نهادها و دستگاه های حکومتی، برای مقابله با این پدیده هنوز دستاوردهای مثبت آن، آشکار نشده و کماکان اقشار محروم و مستضعف جامعه، از اثرات زیان بار فساد اقتصادی رنج می برند. مسلما بررسی ریشه ای مفاسد اقتصادی و علل ناکارآمدی اقدامات دولت در این خصوص، نیازمند ارائه تحقیقات گسترده و مفصّلی است که خارج از ظرفیت یک نامه است. آنچه که به صورت مختصر می توان از بررسی نظرات کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی، به دست آورد، این است که:

مفاسد و تخلّفات اقتصادی، محصول ساختار معیوب اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روند شکل گیری تدریجی آن است. از بین بردن آن نیز جز با تغییر و اصلاح این ساختارها آن هم با اقداماتی اساسی و در دراز مدت ممکن نیست.

مفاسد و تخلفات اقتصادی، رانت خواری، فعالیت های اقتصادی پنهان و معلول زمینه ها و شرایط متعددی است؛ از جمله:

۱. ساختار اقتصادی: اتکا به نفت، به عنوان اصلی ترین منبع درآمدهای دولت و تأمین هزینه های جاری آن از طریق فروش منابع طبیعی، زمینه های گسترش فعالیت های اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی را تسهیل می کند. در نتیجه حاکمان را از

مشارکت شهروندان، در تأمین هزینه های جاری بی نیاز می سازد؛ نظام مالیاتی را تضعیف می کند؛ رانت های گسترده ای فراهم می آورد؛ زمینه های رانت خواری را ترویج می کند؛ عدم پاسخ گویی را موجب می شود؛ نابرابری های عظیم در توزیع ثروت را پدید می آورد و وابستگی را تعمیق می بخشد.

۲. وجود بعضی از ضعفها و سوء مدیریت ها در

ساختار سیاسی و حقوقی (از قبیل دولتی بودن امور جامعه، فقدان سیاست مشخص اقتصادی) و یا بعضی از پیامدهای منفی سیاست خصوصی سازی در فرایند انتقال دارایی ها به مالکان خصوصی که به دلیل فقدان نهادهای ناظر مردمی، پاسخگو نبودن صاحب منصبان در استفاده از قدرت وجود بعضی نارسایی ها در دستگاه های قضایی و نظارتی، رواج و غلبه روابط بر ضوابط، فقدان قوانین دقیق و تعریف شده و... از عوامل مهم در شکل گیری این پدیده ی مخرب اقتصادی می باشند.

۳. تغییر جو ارزشی جامعه به سوی پول و ثروت و مصرفگرایی؛ بی اعتقادی و ضعف مبانی دینی و مذهبی افراد، بی اعتنایی برخی از مسؤولان و افراد نسبت به ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی، از دیگر عوامل این مسأله است.

علاوه بر مسائل یاد شده، عواملی از قبیل حمایت های جناحی و عدم برخورد با هم طیفها، اعمال نفوذ برای ممانعت از نظارت یا کیفردهی، سوء مدیریت ها و... بر عمق و پیچیدگی موضوع افزوده است. بنابراین تا زمانی که بسترهای فراوان و مستعدی در جامعه ی ما وجود دارد، نمی توان انتظار سریع و قاطع رفع این مشکل را داشت و پیامد این بسترها را از میان برداشت.

رشد نظام ارزشی مردم، اطلاع رسانی دقیق درباره ی پیامدهای وجود این پدیده ی مخرب، و آگاه کردن مردم از حقوقشان، با گسترش دستگاه های نظارتی و قضایی و بازگذاشتن دست این نهادها در برخورد عادلانه و بی طرفانه، رفع بعضی از دخالت های بی جای دولت در امر اقتصادی، ممنوعیت قانونی تجارت برای سیاست مداران و حتی اطرافیان نزدیک آنان، دخالت جدی تر نهادهای آموزشی، تربیتی و رسانه ای در امر جامعه پذیری و تشریح ابعاد گوناگون این مسأله برای مردم، رفع بسیاری ممنوعیت های بی دلیل

بازرگانی خارجی و... در کوتاه مدت در کاهش این مفسده مؤثر خواهد بود؛ لیکن تا عبور قطعی از دوران گذار و رسیدن به توسعه اقتصادی سیاسی مطلوب و موافق با ارزش های انقلاب اسلامی، ایجاد ثبات اقتصادی و امنیت شغلی که به ما امکان کنار نهادن راهبرد توسعه ی درون گرا و کوچک کردن محدوده ی دخالت های اقتصادی دولت را می دهد و تعیین تکلیف وضع الگوهای ما در بلند مدت، حل قطعی مسأله و رساندن آن به اندازه های مقبول میسّر نخواهد شد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. آسیب شناسی فساد مالی در ایران، سارا فقیری، پگاه حوزه، خرداد ۱۳۸۱، ش ۵۲، ص ۲.

۲. ریشه و سرآغاز مفاسد اقتصادی در یک جامعه ی اسلامی، گفتگو با صاحب نظران و اساتید دانشگاه، پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۲، ص ۲۲

وضعیت فعلی اقتصاد ایران را بیان نمایید.

پرسش

وضعیت فعلی اقتصاد ایران را بیان نمایید.

پاسخ(قسمت اول)

۱۱:۵۲:۰۲ ۱۳۸۳/۲/۲ AM به نقل از سایت بازتاب

رشد اقتصادی ایران: هم تراز چین، دو برابر آمریکا

صندوق بین المللی پول پیش بینی کرد، اقتصاد ایران در سال جاری، ۸ درصد رشد خواهد داشت.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از «بلومبرگ»، صندوق بین المللی پول، رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال جاری را به اندازه رشد اقتصادی چین، ارزیابی کرد که این رقم، دو برابر نرخ رشد اقتصادی آمریکا در سال جاری خواهد بود.

خبرگزاری «بلومبرگ» با اشاره به اینکه دو سوم جمعیت ۷۰ میلیونی ایران زیر ۳۰ سال سن دارند، افزود: اشتهای ایران برای کالاهای مصرفی در حال افزایش است.

بنا بر این گزارش، ثروتمندان ایران به سمت شرکت ها و سرمایه گذاری خصوصی گرایش دارند.

«بلومبرگ» با اشاره به مساحت ایران که کوچک تر از آلاسکاست اضافه کرد: ایران با این مساحت، ۹ درصد ذخایر نفت جهانی و ۱۵ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد و از این رو، کشور ثروتمندی به شمار می آید.

شاخص سهام بورس تهران در سال ۲۰۰۳ میلادی بیش از دو برابر افزایش یافته است و ارزش بازار ۳۵۰ شرکت ثبت شده در

این بورس، در سه ماهه اول سال ۲۰۰۴ میلادی، ۷ درصد افزایش یافته، به ۳۷ میلیارد دلار رسیده است.

PM ۱۳۸۲/۵/۷ ۶:۴۷:۰۳

کارنامه نظام از منظر اقتصاد اسلامی (۱)

دکتر حسن توانایان فرد

گذشت بیش از ۲۵ سال از برقراری حکومت مسلمین ایران، فرصت خوبی است تا اقتصاد ایران را با معیارها و اهداف مورد تأکید اسلام سنجیده، درجه اهتمام مسؤولان و میزان موفقیت آنان را در تحقق آرمان های اسلامی مشخص کنیم. برای

این منظور وضعیت اقتصاد ایران را در مسایل زیر بررسی می کنیم:

۱ مبارزه با فقر ۲ مبارزه با شکاف طبقاتی ۳ تحریم ربا ۴ نظام مالیاتی ویژه ۵ تخصص گرایی ۶ استقلال ۷ تولید دانش ۸ کرامت دانشمند ۹ تحقیق و توسعه ۱۰ برنامه ریزی

البته تعالیم اسلام منحصر به این موارد نیست، به امید خدا در نوشته های بعدی سایر تعالیم بررسی خواهد شد. به عنوان روش کار، بیان می شود که در هر موضوعی، نخست وضعیت موجود بررسی، سپس وضعیت مطلوب (از دید اسلام) ارایه و با وضعیت موجود مقایسه می شود.

۱ مبارزه با فقر

الف وضع موجود

متأسفانه عملکرد اقتصادی غلط در ایران سبب شده تا به رغم داشتن منابع اقتصادی بسیار غنی و نیروی انسانی بسیار فعال و با استعداد که در المپیادهای علمی، آثار آن را می توان دید فقر جولان دهد. در این مورد محققان(۱) اعلام کرده اند: در حالی که در جهان ۸۰۰ میلیون نفر در گرسنگی مطلق به سر می برند، کشور ما با داشتن تنها یک درصد از جمعیت جهان و در حالی که ۱۷ درصد کل ذخایر گاز جهان و ۹ درصد از ذخایر نفت جهان را داراست، بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱، در ردیف یکصد وپنجاه وسوم از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد(۲) که بیانگر وضعیت اسفبار اقتصادی کشور و گسترش فقر در آن است. این آمار نشان می دهد که ایران از نظر گسترش فقر و ناداری در کنار فقیرترین کشورهای آفریقایی قرار گرفته است. آن هم ایرانی که جمعیت بااستعداد و فعال و ذخایر نفت و گاز آن خیره کننده است.

آقای مهندس جهانگیری وزیر صنایع و معاون نیز

اعلام کرده است که در ایران، درآمد سرانه ۱۵۰۰ دلار است(۳). در حالی که این رقم برای کشورهای همسایه و مشابه ایران به ۱۰ هزار دلار می رسد. البته اگر توجه کنیم، درآمد سرانه رقمی میانگین است که از تقسیم درآمد ملی بر تعداد جمعیت حاصل می شود، می توان دریافت که با توجه به وجود شکاف طبقاتی، درآمد افراد فقیر که تعداد آنها بر اساس آمارهای رسمی دولتی بیش از ده میلیون نفر است، چقدر ناچیز می باشد.

در همین زمینه باید به وضعیت اسفبار کودکان فقیر اشاره کرد که در ایران یک میلیون کودک خردسال دچار سوءتغذیه هستند(۴)، میلیون ها کودک ایرانی فاقد امکانات تحصیلی، بهداشتی و درآمدی مناسب هستند که بعضا مجبور می شوند به گدایی، اعتیاد، تن فروشی روی آورند.

در همین زمینه در همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران، گفته شد که ۶۸ درصد از شاغلان کشور زیر خط فقر زندگی می کنند و همین امر سبب پیدایش روسپی گری، خودکشی و گسترش فرار از خانواده، طلاق، فحشا، اعتیاد و دیگر مفاسد می شود. گسترش فقر سبب شده است که سالیانه ۲۰ هزار نفر در ایران اقدام به خودکشی کنند؛ یعنی در هر پانزده دقیقه یک نفر(۵).

ب معیار اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلام به دو دلیل عمده فقر را تحمل نمی کند؛ اول اینکه وجود فقر متضاد با هدف دین است، زیرا بنا به فرموده حضرت رسول(ص) «کاد الفقر ان یکون کفرا» (۶) یعنی فقر به کفر منجر می شود. چون هدف دین، گسترش ایمان و محو کفر است، لذا اسلام نمی تواند فقر را پذیرا شود. درستی این حدیث شریف را هر یک از ما در زندگی روزمره خویش ملاحظه کرده ایم، حتی وقتی پدر فقیر می شود

و نمی توانـد درآمـد لازم را برای خانواده بیاورد، فرزنـدان و همسـر به او کافر می شونـد اغلب اینگونه است و کلمه «کاد» در حـدیث مـذکور ناظر بر همین حقیقت است وقتی دولت، نتوانـد کار و درآمد مکفی برای مردم به وجود آورد و فقر در جامعه گسترش پیدا کند، مردم به آن دولت کافر شده، با آن مبارزه می کنند.

دلیل دوم آن است که هـدف دین اسـلام، گسترش مکارم اخلاق است که پیامبر اکرم(ص) فرمودنـد: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»(۷) یعنی من مبعوث شـدم تا مکارم اخلاق را گسترش دهم. با توجه به اثر فقر بر گسترش طلاق، از هم پاشـیده شدن نهـاد خـانواده، گسترش فسـاد، فحشـا، اعتیـاد، خودکشـی و دیگرکشـی و غیره می توان دریـافت که اقتصـاد اسـلامی، مخـالف گسترش و وجود فقر به هر انـدازه است، زیرا فساد اجتماعی ضدمکارم اخلاق است. پس هر اندازه فقر در جامعه وجود داشـته باشد، به همان نسبت آن جامعه غیراسلامی خواهد بود.

۲ مبارزه با شکاف طبقاتی

الف وضع موجود

شکاف طبقاتی یعنی فاصـله درآمـد اقشار آسـیب پذیر با اقشار مرفه جامعه؛ به عبارت دیگر شـکاف بین درآمد طبقات محروم که اکثریت جامعه را تشـکیل می دهنـد، با درآمـد گروه های مرفه و ثروتمند را شـکاف طبقاتی می گویند. امروزه برای نشان دادن ناعادلانه بودن توزیع درآمـدها در کشور، از ابزار اقتصـادی به نـام ضـریب جینی (Gini - coefficient) استفاده می شود اگر مقدار ضریب جینی برابر صفر باشد، درآمدها کاملا برابر است و اگر برابر یک باشد، درآمدها کاملا نابرابر است.

ضریب جینی ایران حدود ۴۵/۰ تا ۵۰/۰ است. نویسـنده ای در این باره می نویسد: ضـریب جینی در ایران نسـبت به بسیاری از کشورهای در

حال توسعه بالاست(۸). طبقات پایین درآمدی، نمی توانند نیازهای بهداشتی و درمانی خود را آن طور که شایسته است، با مراکز دولتی تأمین کنند. در کنار بیمارستان های خصوصی کشور، افرادی دیده می شوند که برای درمان خویشاوندان خود، شبها را در کنار خیابان یا سالن های بیمارستان می گذرانند. در پاره ای از مناطق کشور، حتی معمولیی ترین داروها یافت نمی شود، اما ثروتمندان می توانند بهترین متخصصان و امکانات درمانی را در اختیار داشته باشند. در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، کیفیت آب آشامیدنی به گونه ای است که افراد پردرآمد به خرید آب معدنی یا آب های تصفیه شده مبادرت می کنند و عموم مردم، طعم نداری را در آب آشامیدنی خود احساس می کنند.

حتی کیفیت استفاده از هوا نیز دیگر برای کم درآمدها متفاوت است. در شهر تهران، افراد پردرآمد در مناطقی زندگی می کنند که آلودگی هوا به مراتب از نقاط فقیرنشین کمتر است و برای دستیابی به نعمت هوای پاکیزه تر، روزهای تعطیل خود را در مناطق ییلاقی نزدیک شهر خود می گذرانند. آموزش نیز به عنوان یک کالای بخش عمومی کم کم خصوصی شده است. خانوارها برای اطمینان از کیفیت آموزش و شیوه برخورد با فرزندان خود به مدارس غیرانتفاعی روی می آورند و تعداد کسانی که با استقراض، هزینه صدهاهزار تومانی (و گاهی میلیونی) یک ساله فرزند خود را می پردازند، کم نیستند. ای کاش هزینه آموزش به مدارس غیرانتفاعی خلاصه می شد، زیرا کلاس های کنکور، ماجرای دیگری است که خانواده ها برای ساختن آینده ای روشن برای فرزاندانشان، مجبورند گاهی تا چند میلیون تومان صرف آن کنند.

قبولی دانشگاه و تأمین هزینه آن برای آموزش فرزندان که باید کالایی عمومی باشد، خود سرآغاز مشکلات اساسی برای خانوارهای فقیر است.

بی گمان، بسیاری از خانوارهای کم درآمد باید از چنین امکاناتی چشم بپوشند و به این ترتیب، آنان که غنی ترند، شانس بیشتری را برای تربیت فرزندان خود خواهند داشت و این دور تسلسل ادامه می یابد و کم درآمدها. کمتر می توانند شرایطی را که تا به حال با آن دست به گریبان بوده اند، تغییر دهند.

وضعیت حمل و نقل نیز همچون دیگر کالاهای یاد شده است. به سخن واضح تر، انتظار بر این است که افراد جامعه، حتی اگر فقیر باشند، بتوانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند و این در حالی است که کیفیت حمل و نقل شهری، آن قدر پایین است که گاهی استفاده از آن غیرممکن می شود. ایستادن در صف طولانی اتوبوس به عنوان یگانه وسیله ارزان قیمت شهری و ازدحام باورنکردنی مردم، دلیل ساده ای است که خانوارهای کم درآمد شهری را به استفاده از خودروهای مسافربر مجبور می کند. جالب آن است که در چنین شرایط، سازندگان وسایل نقلیه که به دولت تعلق دارند به جای آنکه به دنبال عرضه خودروهای ارزان قیمت باشند، ترجیح می دهند خودروهای بیست یا پنجاه میلیون تومانی را به بازار عرضه کنند که حتی افراد بالاترین دهک های درآمدی نیز به سختی و با اتکا به دارایی های گذشته خود، قادر به خرید آنها هستند.

گواه همه این مطالب را می توان در ارقامی یافت که نشان می دهد، هزینه واقعی (تورم زدوده) میزان مصرف پوشاک و کفش خانوارهای ایرانی طی سال های ۱۳۶۱ ۱۳۷۹ بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته و در همین مدت، هزینه واقعی تحصیل و آموزش ۱۲۴ درصد، بهداشت و درمان ۴۶ درصد و حمل ونقل ۴۳ درصد افزایش پیدا کرده است. (۹) شگفت آور آنکه حتی

وضعیت امنیت جانی افراد کم درآمد جامعه با پردرآمدها متفاوت است. تجربه نشان می دهد که خانوارهای فقیر جامعه در مناطقی زندگی می کنند که بلایای طبیعی همچون زلزله، سیل، رانش زمین و... دیگر از سایر مناطق آنها را تهدید می کند. مهمتر آنکه آسیب پذیری ایشان از چنین تعهداتی به طور عمده از فقر و ناداری آنان در کیفیت ساخت خانه ها و امکانات زندگی ریشه می گیرد(۱۰).

ب معیار اقتصاد اسلامی

در اقتصاد اسلام شکاف بین فقیر و غنی وجود ندارد و کلیه افراد جامعه از مواهب اقتصادی موجود در جامعه به گونه ای برابر(۱۱) استفاده می کنند. بهداشت و آموزش و تسهیلات و خدمات شهری در اختیار همگان با استاندارد برابر قرار می گیرد. به قول علامه طباطبایی(۱۲) در تفسیر المیزان، سرزمین اقتصاد اسلامی دارای دره های عمیق فقر و قله های بلند ثروتمندی نیست، بلکه یک دست است. چرا که به کمک انفاقات و صدقات از قله ثروتمندی وجوه اخذ و به دره فقر ریخته می شود تا شکاف بین فقیر و غنی از بین رود. به همین خاطر در قرآن مجید در این مورد از دو واژه «انفاق» و «صدقه» سخن رفته است، زیرا انفاق یعنی پر کردن شکاف بین فقیر و غنی و صدقه یعنی پرداخت وجوهی که شکاف طبقاتی و به دنبال آن کینه طبقاتی را از بین می برد و دوستی جمعی به وجود می آورد(۱۳).

پاسخ(قسمت دوم)

تنها یک مرور زودگذر از آیات مربوط به انفاق در اسلام، نشان می دهد که اسلام با زراندوزی، تکاثر اموال، ثروتمندی (و نه ثروت)، سرمایه داری (و نه سرمایه) و ایجاد جامعه ای که در آن اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر هستند، به سختی مبارزه می کند و می کوشد تا پردرآمدها،

مازاد نیاز معمول خود را در راه از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه بپردازند.

آیات مربوط به انفاق:

۱ سوره آل عمران آیه ۹۲: «هرگز به نیکی و خوبی نخواهید رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید (در راه محو شکاف بین فقیر و غنی خرج کنید). و هرچه انفاق کنید خدا می داند.»

شرح ثروتمندان به غلط می پندارند که با غارت و استثمار و استعمار مردم محروم می توانند برای خود کاخ و زندگی اشرافی بسازند و از زندگی لذت ببرند.

ثروت اندوزی و غارت منافع مردم، سبب می شود تا فقرا نخست از نظام سرمایه داری که سبب فقر آنها شده است ناراضی شوند و سپس به مبارزه با وضع موجود بپردازند. این مبارزه اشکال مختلف دارد: با کم کاری و حتی بدکاری سعی می کنند انتقام بگیرند، با فرار از کار به بهانه های بیماری و غیره به کار دیگری مثل مسافرکشی می پردازند تا کمبود درآمد خود را جبران کنند، با ایجاد تخریب در ماشین آلات انتقام می گیرند، با ایجاد اعتصاب و ایجاد راه بندان، سرمایه داران را در فشار قرار می دهند تا دستمزد بیشتری بگیرند، به مبارزات مخفی و مسلحانه و حمله و گریزهای نظامی شهری و دستبرد به بانک ها و گاوصندوق کارخانجات می پردازند.

در مجموع سرمایه داران با ایجاد فقر برای کارگردان و کارمندان، امنیت زندگی خود را از دست می دهند و زندگی برای آنها خوشگوار نخواهد بود. لذا آیه شریفه می فرماید «هرگز به نیکی» مورد نظرتان نمی رسید، مگر اینکه شکاف بین فقر و غنا را از بین ببرید.

۲ آیه ۱۷۷ سوره بقره «نیکی آن نیست که رو به جانب شرق یا غرب (به عبادت) بایستید، نیکوکار کسی است که به خدا

و روز قیامت، به فرشتگان، کتاب خدا، و پیامبران مؤمن باشد، و دارایی خود را با آن که دوستش دارد، به خویشان، یتیمان، بینوایان، در راه ماندگان، مددخواهان و در راه آزادی انسان های غیرآزاد دهد...»

۳ آیه ۲۱۹ سوره بقره

مسلمانان که این همه تأکید قرآن را درباره خرج کردن پول در راه خدا شنیدند، از پیامبر(ص) پرسیدند، چه مقدار از دارایی خود را باید بدهند و در پاسخ آنان این آیه آمد: «... و از تو می پرسند چه انفاق کنند، بگو آنچه اضافه است...»

شرح دو آیه فوق الذکر:

قرآن مجید به صراحت تمام، اعلام می کند که نیکی به ذکر و دعا و نماز و عبادات زیاد نیست. اینها همه لازم است، ولی کافی نیست. بلکه باید به هدف انبیاء الهی توجه داشت که آمدند تا فقر و ناداری و اسارت و واماندگی را در جامعه علاج کنند و این ممکن نمی شود، مگر آنکه هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از درآمد ملی برخوردار شود و اگر نظام توزیع جامعه غلط بود مثل وقتی که اقتصاد سرمایه داری یا شبه سرمایه داری حاکم است باید برای از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه و از بین بردن شکاف طبقاتی، هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از مال و ثروتی که به علت غلط بودن نظام توزیع درآمدها در اختیار او قرار گرفته است بردارد و بقیه را در راه از بین بردن فقر و ناداری به طرق اصولی بپردازد.

به همین دلیل است که قرآن مجید می فرماید: ای پیامبر(ص) از تو می پرسند چه انفاق کنند (یعنی تا چه حد از دارایی خود را برای پر کردن شکاف بین

فقیر و غنی بایـد پرداخت کننـد) بگو آنچه مـازاد بر نیاز معمول در جامعه است. شایـد اوحـدی مراغه ای از همین آیه اسـتفاده کرده که می سراید:

آنچه در وجه آش و نان تو نیست بفشان و بده که آن تو نیست

نویسندگان و تصویب کنندگان قانون اساسی فعلی ایران در کتاب شناخت اسلام(۱۴) (که پیش از سال ۱۳۵۷ نوشته بودند) نیز چنین می نویسـند: «دیـد کلی قرآن دربـاره دارایی و امکانات مالی اضافی که یک مسـلمان از دسترنـج خویش از راه حلال به دسـت آورده، این است که بایـد قسـمتی از آن را برای زنـدگی معتـدل خـود و خـانواده اش و بقیه را در راه خـدا و رفـاه خلق صرف کنـد. در غیر این صورت یا به گناه «اسـراف و تبـذیر» یعنی زیاده روی و ولخرجی در زندگی خود و خانواده اش آلوده خواهد شد، یا به گناه بس بزرگ زراندوزی «کنز» یعنی دو انحراف اقتصادی که قرآن به شدت از آن انتقاد کرده است».

بایـد توجه داشت که پر کردن شـکاف طبقـاتی به صورت بنیـادی انجام می شود و نه به صورت سـطحی. به این بیان که اموال ثروتمندان، باید در صـندوقی ذخیره شود و از آن راه برای ایجاد کار و درآمد و یا پرداخت مسـتمری از کارافتادگی و رفع فقر برای کسانی که قادر به انجام هیـچ گونه کار نیسـتند، با برنامه ریزی اصولی و علمی سـرمایه گـذاری شود. قرار دادن صـندوق صدقات که هر کس مبلغ بسـیار اندکی را در آن بریزد و با جمع آوری آنها اقدامات پرداختی سـطحی، آن هم با اذیت و آزار و منت گذاری بر محرومان و در مواقعی آبروریزی آنها و گردن کج کردن ها و غیره که امروزه معمول شده، یک

نوع لوث مفهوم آیات شریفه قرآن مجید در مورد انفاقات و صدقات است.

۳ تحریم ربا

الف وضع موجود

ربـا که همان بهره یا سود ثابت سـرمایه است، عامل عمـده وجود فقر و شـکاف طبقاتی در جامعه به شـمار می آیـد. نظام های بانکی که آلوده به ربا هستند، سبب ورشکستگی واحدهای تولیدی می شوند و از آنجا بیکاری و فقر گسترش پیدا می کند. به علاوه سبب گران شدن و ایجاد تورم نیز می شوند که این نیز به گسترش فقر و شکاف طبقاتی می انجامد.

پس از انقلاب، قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسـید و امروزه بانک های ایران بر اساس این قانون، خود را اسـلامی می داننـد و این در حـالی است که مردم آن را ربوی تشـخیص می دهنـد، آن هم ربوی بـا نرخ ظالمانه که رمق تولیدکننـده را می گیرد و سـبب گسترش بیکاری و فقر می شود و مقامات مذهبی نیز آن را ربوی تشخیص می دهند(۱۵) و در مواردی نظر خود را نیز آشـکارا اعلام می کننـد، حال آنکه بانکها هر سال، روزی را به عنوان روز اسـلامی شـدن بانک ها جشن می گیرند. در حـالی که هم خودشـان و هم مشتریـان آنهـا به غیراسـلامی بـودن آن اذعـان دارنـد. آنچه در زیر می آیـد، پـاره ای از مطـالب نویسندگان در زمینه ربوی بودن نظام بانکی است:

۱ نظام بانکداری اسـلامی، آنگاه که جای بانکداری رژیم پیشـین را گرفت، هرگز قرار نبود در خدمت کسب سود بیشتر و وام دادن با بهره های بالا به افراد خاص باشد. اما امروزه، به یمن رها شدن بانک ها، نه تنها اهرمی در خدمت جامعه برای ممانعت از لغزش نیازمندان به دامن رباخواران نیستند، بلکه خود به الگوهایی تبدیل شده اند که رباخواران برای

توجیه عملکرد خود، آنها را مثال می آورند. امروزه شما به هر رباخواری که اعتراض کنید، می گوید: پس چرا بانک ها بهره های آنچنانی می گیرند.

در حال حاضر بانک ها سودهای قابل توجهی را در ترازنامه خود نشان می دهند که این امر، با هدف بانکداری اسلامی، ناهماهنگ است. بانکداری اسلامی باید بانک را در خدمت رفع حوایج مردم قرار دهد، بدون آنکه به این موضوع بیندیشد که در این راه، چقدر سود عایدش خواهد شد. پر واضح است که عملکرد فعلی بانک ها، اینگونه نیست. الان بانک ها به دنبال آن هستند که بحث «تسهیلات تکلیفی» را هم از بین ببرند و این یعنی آنکه همه تصمیمات، یکسره در اختیار خودشان قرار بگیرد. مشکلی که ما در بانکداری پیدا کرده ایم، بیش از آن که مشکل اجرایی باشد، مشکل دیدگاهی است. بانک ها تصور می کنند که آنها مؤسسات اقتصادی هستند، بنابراین باید به سوددهی بیشتر بیندیشند. در حالی که قانون اساسی بانکداری اسلامی را در خدمت پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه دانسته است.

نقش فعلی بانک ها در اقتصاد کشور و رفع حوایج جامعه، محدود به یک سری تسهیلات تکلیفی و سرمایه گذاری در برخی پروژه های ملی شده که در آن چارچوب ها هم با مشکلاتی روبرو هستیم محدود نمی شود. الان بانک ها اگر به مردم وام می دهند، اولاـ این وام ها در اختیار اقشار نیازمند و محروم جامعه قرار نمی گیرد، چون از طرفی سودهای آن بسیار بالاست و از طرف دیگر، بانک ها چون صرفا به ملاحظات اقتصادی روی آورده اند، ترجیح می دهند به کسانی وام های کلان با بهره های بالا بدهند که اطمینان داشته باشند که قادر به پرداخت اصل و فرع پول هستند. درواقع خلأی که از این رهگذر

در جامعه ایجاد می شود، باعث روی آوردن اقشار نیازمند مردم به رباخواران می شود. در کجای قانون بانکداری بدون ربا، آمده است که بانک ها بیایند سهام مرغوب بورس را به وسیله کارگزاران خود شناسایی و شروع به خرید و فروش آن کنند و با پول هایی که باید صرف رفع حوایج جامعه شود، بورس بازی راه بیندازند، تا از این رهگذر سودهای هنگفت ببرند؟ کجای قانون بانکداری بدون ربا، به بانکها اجازه ایفای نقش های دلالی را داده است. الان این اوراق مشارکتی که با سودهای قابل توجه دستگاه ها منتشر می کنند، فکر می کنید این اوراق را چه کسانی می خرند که به سرعت تمام می شود؟ بانک ها سپرده های مردم را می گیرند و شش، هفت درصد سود می دهند و در مقابل با پول های آنها اوراق مشارکت می خرند و بیست درصد سود می برند. این معاملات کجایش در قانون بانکداری بدون ربا آمده است؟

الان یکی از این مؤسسات اعتباری، کار را به جایی رسانده که اعلام کرده، ۱۵ میلیون وام مسکن می دهد شش ساله ۱۰ میلیون سود می گیرد؛ این یعنی چه؟ یعنی بانکداری بدون ربا؟!(۱۶).

۲ از نظر تئوری بانکداری اسلامی، مشتری شریک بانک است و باید در سود و زیان به صورت مشترک سهم داشته باشد، در حالی که در نظام بانکداری فعلی، سپرده گذاران شرکای خاموشی هستند که امکان حضور در عرصه فعالیت های اقتصادی بانکی و جلسات تصمیم گیری را نیافته و هر ساله بدون توجه به سود و زیان فعالیت های اقتصادی، سود ثابت و یکسانی را دریافت می کنند.

ظرف ۲۳ سال گذشته، همیشه تورم بالاتر از ۱۱ درصد و نزدیک به ۲۰ درصد بوده(۱۷)، در حالی که سود پرداختی به مشتریان همیشه روی

۱۱ تا ۱۷ درصد ثابت بوده است. این یعنی استثمار سپرده گذاران به وسیله بانکها که درواقع یک ربای نامرئی است که بانک ها از سپرده گذاران می گیرند و یک سپرده گذار که برای مدت پنج سال پول خود را نزد بانک حبس می کند، پس از این مدت از صد تومان پولی که روز اول نزد بانک به عنوان سپرده قرار داده است، به علت نرخ تورم تنها ۵/۱۲ تومان دریافت می کند. در دیگر کشورها اگر نرخ بهره ۳ درصد باشد، نرخ تورم ۲ درصد خواهد بود، یعنی یک درصد سود واقعی نصیب سپرده گذار می شود.

همه بانک های دنیا به سپرده ها بهره روزشمار می دهند. البته این امر در قانون بانکداری کشور ما هم نوشته شده، اما تاکنون رعایت نشده است. به عبارت دیگر بانک ها موظف شده اند به سپرده های مردم بر اساس مدت زمان آن سود پرداخت کنند، ولی امروزه اگر مبلغ سپرده پنج ساله، یک روز پیش از اتمام این زمان، از بانک به وسیله سپرده گذار برداشته شود، بانک هیچ گونه سودی به وی پرداخت نمی کند و با کسر سودهای پرداخت شده قبلی، پول اولیه را با ارزش پایین تر به سپرده گذار بازمی گرداند. (این یعنی غارت مشتری و دزدی آشکار بانک از اموال سپرده گذار). به عبارت دیگر سرمایه مردم پس از مدت سپرده گذاری، به شکلی به مردم بازگردانده می شود که نه سودی به آنها داده شده و نه پولشان قدرت خرید چند سال پیش را دارد (۱۸).

پاسخ(قسمت سوم)

۳ حجت الاسلام محمدحسین صادقی به روزنامه «کیهان» می گوید: «عده ای همان موقع که قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد، اعلام کردند که این بانکداری از نظر آنها ربوی است. ذهنیت ها از همان اوایل انقلاب شکل گرفت. مردم

در بانکداری پس از انقلاب با پیش از آن تغییر چندانی نمی دیدند و همیشه این شبهه در اذهان بود که بانکداری ما ربوی است.

بعد هم فعالیت صندوق های قرض الحسنه و شرکت های مضاربه ای آغاز شد. در جریان شرکت های مضاربه ای، کسانی که پولشان را به ربا می دانند، یعنی «رباخوار» بودند، اینگونه خودشان را توجیه می کردند که ما «مضاربه» می کنیم و مضاربه هم یکی از «عقود اسلامی» است، پس کار ما حرام نیست. بعد با این توجیه، سودهای ۷ درصد و ۱۰ درصد می گرفتند که سرانجام چون این روند، یک روند ربوی بود، کارش به نابودی کشید و معلوم شد که نه مضاربه ای در کار بوده و نه «عقد اسلامی»، بلکه هرچه بوده، ربا بوده و بس. به هر حال این فضاها، اندک اندک زمینه از بین رفتن قبح ربا را به عنوان یک فعل حرام فراهم آورد. از طرف دیگر برخی از اختلافات طلبگی که در فتوای برخی از آقایان درباره «ماهیت اسکناس» وجود داشت، به این موضوع دامن زد. به این ترتیب که عده ای از آقایان، معتقد به حرمت ربا در اسکناس و پول نبودند و برخی از معاملات را که دیگران حرام و ربا تلقی می کردند، آنها ربا نمی دانستند. این بود که اصطلاحاتی مثل «هدیه» یا «اجرت» یا امثال آن رایج شد که عملا مفهومی جز ربا نداشت و عده ای هم خود را با این اصطلاحات توجیه کردند، اختلاف فتوا هم که بود و مهم تر از آن سیستم بانکداری که عده ای معتقد بودند ربوی است و مردم هم می گفتند، اگر ربا حرام است، پس چرا بانکها فعالیت های ربوی انجام می دهند. مجموعه این فضاها، به علاوه تنگناهایی

که در مسایـل معیشتی مردم به وجود آمـد، جامعه را به سوی رواج و ترویـج ربا کشانـد و نتیجه اش این شـد که شـما در حال حاضر، شاهد آن هستید و وضعیتی است که رواج ربا آن قدر زیاد شده که نمی شود آن را انکار کرد و نادیده گرفت.

امروزه دیگر نمی توان برای شـرایطی که مردم از بانک ها یک میلیون تومان قرض می گیرنـد و یک ماهه مجبور هسـتند یک میلیون و دویست هزار تومان به بانک پس دهنـد، هیـچ توجیه فقهی تراشـید و یکسـره باید گفت که این کارها رباست و حرام است و جنگ با خداست.»

ب اقتصاد اسلامی

قرآن مجید ربا را به شدت حرام کرده است، لذا در اقتصاد اسلامی هر نوع ربا تحت هر نام از بین خواهد رفت.

قرآن مجید در آیات زیر ربا را حرام اعلام کرده است:

۱ سوره بقره آیه ۲۷۵: کسانی که ربا می خورند، سـر پا نمی مانند؛ مگر مانند کسـی که بر اثر تماس شیطان جن زده (صرعی) شـده انـد. این به خاطر آن است که گفتنـد، داد و سـتد هم مانند ربا است، در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام و اگر کسـی اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (پیش از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست و کار او به خـدا واگذار می شود و اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش اند و همیشه در آن می مانند.

آنچه از این آیات می فهمیم:

این آیه شریفه سخن از جمع دارد و نه فرد و همچنین از ربای بازاری سخن می گوید. بنابراین می توان گفت، اقتصاد

جامعه و ملتی که به ربا آلوده باشند، سرپا نمی ایستد، مگر مانند فرد مصروع که از راه منحرف می شود و گاهی بر زمین می خورد و گاهی سرپا می ایستد. چرا که در این نوع جامعه، دادوستد را با سود و یا با ارزش اضافی همانند ربا آلوده ساخته اند و این دو را یکی می دانند، در حالی که خداوند بیع را که آلوده به ارزش اضافی نیست، حلال اعلام کرده و ارزش اضافی چسبیده به داد و ستد را حرام، پس کسی که دست از رباخواری بردارد، به آرامش دست می یابد و در نزد خدا آمرزیده می شود و گذشته اش به او زیان نخواهد رساند، ولی کسانی که رباخواری را ادامه دهند، در ناآرامی و آتش جاودان خواهند بود.

قانون اقتصادی: در جامعه ای که اقتصاد آن به ربا آلوده باشد مثل نظام سرمایه داری و شبه سرمایه داری یک قانون به نام قانون نوسانات تجاری، به وجود می آید. بر اساس این قانون، اقتصاد جامعه همانند آدم های صرعی بی ثبات است. گاهی سرپاست (دوره رونق اقتصادی) و گاهی به زمین می خورد (دوره رکود اقتصادی) بین دوره رونق و رکود، دوره بحران و بهبود قرار دارد.

صاحب تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور، مطالبی به شرح زیر دارد (۱۹): «... رباخواری سبب می شود که رباخوار ثروتمند شود و ربادهنده فقیر و لذا می توان گفت که ربا، توازن و تعادل اجتماع را به هم می زند و نظمی را که بر راه راست انسانی و روش فطری حکومت قرار دارد، از بین می برد و این همان خبطی است که رباخوار بدان مبتلا می شود، زیرا رباخواری موجب این می شود که نظام داد و ستد

و معاوضه در نظر او مختل شود و دیگر میان خرید و فروش عادی و رباخواری فرق نگذارد و اگر او را به ترک رباخواری دعوت کنند، بگوید: بیع هم مثل رباست و مزیتی بر آن ندارد تا دست از ربا برداریم و بیع کنیم.

۲ سوره بقره آیه ۲۷۶: ترجمه: «خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد.»

آنچه از این آیه می فهمیم:

در این آیه کریمه ربا در مقابل صدقه و «یَمحق» در مقابل «یُربی» قرار داده شده است. خداوند می فرماید: «ربا» که در ظاهر سبب افزایش ثروت است، درواقع باعث کاهش و نابودی ثروت می شود و صدقه دادن که در ظاهر امر کاهش در ثروت را سبب می شود در واقع باعث افزایش ثروت خواهد شد. توجه شود که خداوند برای صدقه دادن، واژه «یربی» را که از همان کلمه «ربا» است را به کار می برد. بنابراین اضافه شدن از طریق صدقه ممدوح است در حالی که همین ارزش اضافی از طریق «ربا» مذموم است. علت آن است که صدقه سبب استقرار عدالت اجتماعی می شود و لذا دوستی اجتماعی را گسترش می دهد در حالی که ربا سبب گسترش اقتصاد ظالمانه می شود و به دشمنی طبقاتی و اجتماعی منجر خواهد شد(۲۰) و این دشمنی به جنگ فقرا علیه سرمایه داران منتهی می شود که خواه، ناخواه ثروت رباخواران نابود خواهد شد، در حالی که دوستی طبقاتی و صلح و توسعه، سبب رشد ثروت خواهد شد.

۳ سوره بقره آیه ۲۷۸ و ۲۷۹: ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای خدا ورزید و آنچه از ربا مانده، واگذارید. اگر مؤمن

هستید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود)، نه ستم می کنیم و نه بر شما ستم وارد می شود.

آنچه از این دو آیه شریفه می فهمیم:

کسانی مؤمن هستند که ربا را از فعالیت های اقتصادی حذف کنند و اگر به نام اسلام، نظام بانکداری ربوی برقرار شود، برقرارکنندگان نه مؤمن هستند و نه کافر، بلکه منافق هستند. به علاوه تقوا داشتن یعنی حفظ سامان ها و از جمله سامان دادن درست و حفظ آن در صحنه اقتصاد، وابسته به حذف ربا از بانک و بازار است.

و اگر چنین نشد و اخذ ربا به هر شکل و تحت هر نام ادامه پیدا کرد، گویی نظام یا فرد رباگیرنده به خدا و رسول خدا «اعلان جنگ» داده اند و مسلم است که بازنده در جنگ با خدا و رسول، رباگیران هستند. به عبارت دیگر قوانین فطری طبیعت، نظام هایی را که آلوده به ربا هستند، محکوم به شکست در فعالیت های اقتصادی کرده است.

امروزه ملاحظه می شود در نظام های اقتصاد سرمایه داری و شبه سرمایه داری دنیا، رکود اقتصادی و نوسانات اقتصادی و شکاف طبقاتی و گسترش فقر، سبب ناکامی این اقتصادها شده است(۲۱) و اینان راهی ندارند، جز کمک گرفتن از غارت منابع و منافع کشورهای دیگر که این امر به جنگ های جهانی و منطقه ای منجر می شود که در قرن بیستم، جنگ اول و دوم جهانی، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ لبنان و در قرن بیست ویکم آن هم در آغاز آن، نایره جنگ جهانی به چشم می خورد. یعنی اقتصاد سرمایه داری جز خون و آتش و مصیبت برای ملل

دنیا چیزی به ارمغان نیاورده است.

در اقتصاد اسلامی با محو ربا، کلیه این بلایای اقتصادی از بین خواهد رفت و دیگر از فقر، تورم، بیکاری، نوسانات اقتصادی و غیره خبری نخواهد بود. چرا که محور واقعی ربا در جامعه، به ایجاد یک نظام اقتصادی منجر می شود که عدل در آن مشخصه اساسی است و این عدل مانع بروز فقر و تورم و دیگر بلایای اقتصاد سرمایه داری می شود.

پی نوشت:

۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲/۸/۸۲ به نقل از دکتر گوئل کهن، استاد علوم ارتباطات www.shahrvand.com/backissues/۶۳۳press.htm

۲ منبع قبلی

۳ منبع قبلی

۴ منبع قبلی

۵ http://alkhoei.org.uk/lectures.htm

۶ وسایل الشیعه: ج ۱۵، ص ۳۶۵ ۳۶۶، ب ۵۵، ح ۲۰۷۵۷.

۷ بحارالانوار: ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۸ منبع قبلی

۹ منبع قبلی

۱۰ http://www.iran-emrooz.de/archiv/nakhjavani/۱۳۸۱/nakhjav۸۱۰۸۱۸.html

۱۱ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی. چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۱۲ منبع قبلی

۱۳ منبع قبلی

۱۴ سیدمحمد حسینی بهشتی، محمد جواد باهنر، علی گلزاده (غفوری)، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپخانه سپهر، صفحه ۵۰۹.

۱۵ به سخنرانی آیت الله مصباح یزدی در نماز جمعه ۱۳/۴/۸۲ در این مورد که جمهوری اسلامی را از رباخوارترین نظام های جهان یاد کردند، مراجعه شود.

۱۶ www.kayhannews.com/۸۱۰۹۱۹/other۵.ht

۱۷ دقت شود این مباحث در جامعه ای فرضی صادق است که در آن اقتصاد اسلامی به گونه ای صد در صد به اجرا درآمده است و ربا کلا وجود ندارد و مالیات های سنگین وجود ندارد و قیمت عدل مستقر است و نه قیمت بازار و لذا تورم وجود نخواهد داشت که نرخ بهره را با نرخ تورم خنثی کنند.

۱۸ www.refahweekly.com/society/rrleerpn.htm

۱۹ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از

نظر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۲۰ به منظور مطالعه بیشتر در این زمینه، به کتاب حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: موسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ مبحث ربا در قرآن، به صفحات ۲۳ الی ۱۵۰ مراجعه شود.

۲۱ حمله عراق جهت غارت منابع نفت آن کشور برای حل مشکل رکود در آمریکا، نشانه همین ناکامی هاست.

کارنامه نظام جمهوری اسلامی از منظر اقتصاد اسلامی را تبیین نمایید

پرسش

کارنامه نظام جمهوری اسلامی از منظر اقتصاد اسلامی را تبیین نمایید

پاسخ(قسمت اول)

کارنامه نظام از منظر اقتصاد اسلامی

نویسنده: دکتر حسن توانایان فرد

منبع: سایت بازتاب ۷/۵/۱۳۸۲به نقل از سایت باشگاه اندیشه

گذشت بیش از ۲۵ سال از برقراری حکومت مسلمین ایران، فرصت خوبی است تا اقتصاد ایران را با معیارها و اهداف مورد تأکید اسلام سنجیده، درجه اهتمام مسؤولان و میزان موفقیت آنان را در تحقق آرمان های اسلامی مشخص کنیم. برای این منظور وضعیت اقتصاد ایران را در مسایل زیر بررسی می کنیم:

۱ مبارزه با فقر ۲ مبارزه با شکاف طبقاتی ۳ تحریم ربا ۴ نظام مالیاتی ویژه ۵ تخصص گرایی ۶ استقلال ۷ تولید دانش ۸ کرامت دانشمند ۹ تحقیق و توسعه ۱۰ برنامه ریزی

البته تعالیم اسلام منحصر به این موارد نیست، به امید خدا در نوشته های بعدی سایر تعالیم بررسی خواهد شد. به عنوان روش کار، بیان می شود که در هر موضوعی، نخست وضعیت موجود بررسی، سپس وضعیت مطلوب (از دید اسلام) ارایه و با وضعیت موجود مقایسه می شود.

۱ مبارزه با فقر

الف وضع موجود

متأسفانه عملکرد اقتصادی غلط در ایران سبب شده تا به رغم داشتن منابع اقتصادی بسیار غنی و نیروی انسانی بسیار فعال و با استعداد که در المپیادهای علمی، آثار آن را می توان دید فقر جولان دهد. در این مورد محققان(۱) اعلام کرده اند: در حالی

که در جهـان ۸۰۰ میلیون نفر در گرسـنگی مطلق به سـر می برنـد، کشور مـا با داشـتن تنها یک درصـد از جمعیت جهان و در حالی که ۱۷ درصد کل ذخایر گاز جهان و ۹ درصد از ذخایر نفت جهان را داراست، بر اساس آمار سازمان ملل

متحد در سال ۲۰۰۱، در ردیف یکصد وپنجاه وسوم از ۱۶۰ کشور جهان قرار دارد(۲) که بیانگر وضعیت اسفبار اقتصادی کشور و گسترش فقر در آن است. این آمار نشان می دهد که ایران از نظر گسترش فقر و ناداری در کنار فقیرترین کشورهای آفریقایی قرار گرفته است. آن هم ایرانی که جمعیت بااستعداد و فعال و ذخایر نفت و گاز آن خیره کننده است.

آقای مهندس جهانگیری وزیر صنایع و معاون نیز اعلام کرده است که در ایران، درآمد سرانه ۱۵۰۰ دلار است(۳). در حالی که این رقم برای کشورهای همسایه و مشابه ایران به ۱۰ هزار دلار می رسد. البته اگر توجه کنیم، درآمد سرانه رقمی میانگین است که از تقسیم درآمد ملی بر تعداد جمعیت حاصل می شود، می توان دریافت که با توجه به وجود شکاف طبقاتی، درآمد افراد فقیر که تعداد آنها بر اساس آمارهای رسمی دولتی بیش از ده میلیون نفر است، چقدر ناچیز می باشد.

در همین زمینه باید به وضعیت اسفبار کودکان فقیر اشاره کرد که در ایران یک میلیون کودک خردسال دچار سوءتغذیه هستند(۴)، میلیون ها کودک ایرانی فاقد امکانات تحصیلی، بهداشتی و درآمدی مناسب هستند که بعضا مجبور می شوند به گدایی، اعتیاد، تن فروشی روی آورند.

در همین زمینه در همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران، گفته شد که ۶۸ درصد از شاغلان کشور زیر خط فقر زندگی می کنند و همین امر سبب پیدایش روسپی گری، خودکشی و گسترش فرار از خانواده، طلاق، فحشا، اعتیاد و دیگر مفاسد می شود. گسترش فقر سبب شده است که سالیانه ۲۰ هزار نفر در ایران اقدام به خودکشی کنند؛ یعنی در هر پانزده دقیقه یک نفر(۵).

ب معیار اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلام به

دو دلیل عمـده فقر را تحمل نمی کنـد؛ اول اینکه وجود فقر متضاد با هـدف دین است، زیرا بنا به فرموده حضـرت رسول(ص) «کـاد الفقر ان یکون کفرا» (۶) یعنی فقر به کفر منجر می شود. چون هـدف دین، گسترش ایمان و محو کفر است، لـذا اسـلام نمی توانـد فقر را پـذیرا شود. درستی این حـدیث شـریف را هر یک از ما در زنـدگی روزمره خویش ملاحظه کرده ایم، حتی وقتی پـدر فقیر می شود و نمی توانـد درآمـد لازم را برای خانواده بیاورد، فرزنـدان و همسـر به او کافر می شوند اغلب اینگونه است و کلمه «کاد» در حـدیث مـذکور ناظر بر همین حقیقت است وقتی دولت، نتواند کار و درآمد مکفی برای مردم به وجود آورد و فقر در جامعه گسترش پیدا کند، مردم به آن دولت کافر شده، با آن مبارزه می کنند.

دلیل دوم آن است که هـدف دین اسـلام، گسترش مکارم اخلاق است که پیامبر اکرم(ص) فرمودنـد: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»(۷) یعنی من مبعوث شـدم تا مکارم اخلاق را گسترش دهم. با توجه به اثر فقر بر گسترش طلاق، از هم پاشـیده شدن نهـاد خـانواده، گسترش فسـاد، فحشـا، اعتیـاد، خودکشـی و دیگرکشی و غیره می توان دریـافت که اقتصـاد اسـلامی، مخـالف گسترش و وجود فقر به هر انـدازه است، زیرا فساد اجتماعی ضدمکارم اخلاق است. پس هر اندازه فقر در جامعه وجود داشـته باشد، به همان نسبت آن جامعه غیراسلامی خواهد بود.

۲ مبارزه با شکاف طبقاتی

الف وضع موجود

شکاف طبقاتی یعنی فاصـله درآمـد اقشار آسـیب پذیر با اقشار مرفه جامعه؛ به عبارت دیگر شـکاف بین درآمد طبقات محروم که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، با درآمد گروه های مرفه

و ثروتمند را شکاف طبقاتی می گویند. امروزه برای نشان دادن ناعادلانه بودن توزیع درآمدها در کشور، از ابزار اقتصادی به نام ضریب جینی (Gini – coefficient) استفاده می شود اگر مقدار ضریب جینی برابر صفر باشد، درآمدها کاملا برابر است و اگر برابر یک باشد، درآمدها کاملا نابرابر است.

ضریب جینی ایران حدود ۴۵/۰ تا ۵۰/۰ است. نویسنده ای در این باره می نویسد: ضریب جینی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای در حال توسعه بالاست(۸). طبقات پایین درآمدی، نمی توانند نیازهای بهداشتی و درمانی خود را آن طور که شایسته است، با مراکز دولتی تأمین کنند. در کنار بیمارستان های خصوصی کشور، افرادی دیده می شوند که برای درمان خویشاوندان خود، شبها را در کنار خیابان یا سالن های بیمارستان می گذرانند. در پاره ای از مناطق کشور، حتی معمولیی ترین داروها یافت نمی شود، اما ثروتمندان می توانند بهترین متخصصان و امکانات درمانی را در اختیار داشته باشند. در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، کیفیت آب آشامیدنی به گونه ای است که افراد پردرآمد به خرید آب معدنی یا آب های تصفیه شده مبادرت می کنند و عموم مردم، طعم نداری را در آب آشامیدنی خود احساس می کنند.

حتی کیفیت استفاده از هوا نیز دیگر برای کم درآمدها متفاوت است. در شهر تهران، افراد پردرآمد در مناطقی زندگی می کنند که آلودگی هوا به مراتب از نقاط فقیرنشین کمتر است و برای دستیابی به نعمت هوای پاکیزه تر، روزهای تعطیل خود را در مناطق ییلاقی نزدیک شهر خود می گذرانند. آموزش نیز به عنوان یک کالای بخش عمومی کم کم خصوصی شده است. خانوارها برای اطمینان از کیفیت آموزش و شیوه برخورد با فرزندان خود به مدارس غیرانتفاعی روی می آورند و تعداد کسانی

که با استقراض، هزینه صدهاهزار تومانی (و گاهی میلیونی) یک ساله فرزند خود را می پردازند، کم نیستند. ای کاش هزینه آموزش به مدارس غیرانتفاعی خلاصه می شد، زیرا کلاس های کنکور، ماجرای دیگری است که خانواده ها برای ساختن آینده ای روشن برای فرزاندانشان، مجبورند گاهی تا چند میلیون تومان صرف آن کنند.

قبولی دانشگاه و تأمین هزینه آن برای آموزش فرزندان که باید کالایی عمومی باشد، خود سرآغاز مشکلات اساسی برای خانوارهای فقیر است. بی گمان، بسیاری از خانوارهای کم درآمد باید از چنین امکاناتی چشم بپوشند و به این ترتیب، آنان که غنی ترند، شانس بیشتری را برای تربیت فرزندان خود خواهند داشت و این دور تسلسل ادامه می یابد و کم درآمدها. کمتر می توانند شرایطی را که تا به حال با آن دست به گریبان بوده اند، تغییر دهند.

وضعیت حمل و نقل نیز همچون دیگر کالاهای یاد شده است. به سخن واضح تر، انتظار بر این است که افراد جامعه، حتی اگر فقیر باشند، بتوانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند و این در حالی است که کیفیت حمل و نقل شهری، آن قدر پایین است که گاهی استفاده از آن غیرممکن می شود. ایستادن در صف طولانی اتوبوس به عنوان یگانه وسیله ارزان قیمت شهری و ازدحام باورنکردنی مردم، دلیل ساده ای است که خانوارهای کم درآمد شهری را به استفاده از خودروهای مسافربر مجبور می کند. جالب آن است که در چنین شرایط، سازندگان وسایل نقلیه که به دولت تعلق دارند به جای آنکه به دنبال عرضه خودروهای ارزان قیمت باشند، ترجیح می دهند خودروهای بیست یا پنجاه میلیون تومانی را به بازار عرضه کنند که حتی افراد بالاترین دهک های درآمدی نیز به سختی و با

اتکا به دارایی های گذشته خود، قادر به خرید آنها هستند.

گـواه همه این مطـالب را می تـوان در ارقـامی یـافت که نشـان می دهـد، هزینه واقعی (تورم زدوده) میزان مصـرف پوشـاک و کفش خانوارهـای ایرانی طی سال های ۱۳۶۱ ۱۳۷۹ بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته و در همین مدت، هزینه واقعی تحصـیل و آموزش ۱۲۴ درصـد، بهداشت و درمان ۴۶ درصـد و حمل ونقل ۴۳ درصـد افزایش پیـدا کرده است. (۹) شـگفت آور آنکه حتی وضـعیت امنیت جانی افراد کم درآمـد جامعه با پردرآمدها متفاوت است. تجربه نشان می دهد که خانوارهای فقیر جامعه در منـاطقی زنـدگی می کننـد که بلایـای طبیعی همچون زلزله، سـیل، رانش زمین و... دیگر از سایر مناطق آنها را تهدیـد می کنـد. مهمتر آنکه آسـیب پـذیری ایشـان از چنین تعهـداتی به طور عمـده از فقر و نـاداری آنـان در کیفیت سـاخت خـانه هـا و امکانات زندگی ریشه می گیرد(۱۰).

ب معیار اقتصاد اسلامی

در اقتصـاد اسـلام شـکاف بین فقیر و غنی وجـود نـدارد و کلیه افراد جـامعه از مواهب اقتصـادی موجود در جـامعه به گونه ای برابر(۱۱) استفاده می کنند. بهداشت و آموزش و تسهیلات و خدمات شهری در اختیار همگان با استاندارد برابر قرار می گیرد. به قول علامـه طباطبایی(۱۲) در تفسـیر المیزان، سـرزمین اقتصـاد اسـلامی دارای دره های عمیق فقر و قله های بلنـد ثروتمنـدی نیست، بلکه یک دست است. چرا که به کمک انفاقات و صـدقات از قله ثروتمنـدی وجوه اخذ و به دره فقر ریخته می شود تا شکاف بین فقیر و غنی از بین رود. به همین خاطر در قرآن مجیـد در این مورد از دو واژه «انفاق» و «صـدقه» سـخن رفته است، زیرا انفاق یعنی پر کردن شکاف بین فقیر و غنی و

صدقه یعنی پرداخت وجوهی که شکاف طبقاتی و به دنبال آن کینه طبقاتی را از بین می برد و دوستی جمعی به وجود می آورد(۱۳).

تنها یک مرور زودگذر از آیات مربوط به انفاق در اسلام، نشان می دهد که اسلام با زراندوزی، تکاثر اموال، ثروتمندی (و نه ثروت)، سرمایه داری (و نه سرمایه) و ایجاد جامعه ای که در آن اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر هستند، به سختی مبارزه می کند و می کوشد تا پردرآمدها، مازاد نیاز معمول خود را در راه از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه بپردازند.

پاسخ(قسمت دوم)

آیات مربوط به انفاق:

۱ سوره آل عمران آیه ۹۲: «هرگز به نیکی و خوبی نخواهید رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید (در راه محو شکاف بین فقیر و غنی خرج کنید). و هرچه انفاق کنید خدا می داند.»

شرح ثروتمندان به غلط می پندارند که با غارت و استثمار و استعمار مردم محروم می توانند برای خود کاخ و زندگی اشرافی بسازند و از زندگی لذت ببرند.

ثروت اندوزی و غارت منافع مردم، سبب می شود تا فقرا نخست از نظام سرمایه داری که سبب فقر آنها شده است ناراضی شوند و سپس به مبارزه با وضع موجود بپردازند. این مبارزه اشکال مختلف دارد: با کم کاری و حتی بدکاری سعی می کنند انتقام بگیرند، با فرار از کار به بهانه های بیماری و غیره به کار دیگری مثل مسافرکشی می پردازند تا کمبود درآمد خود را جبران کنند، با ایجاد تخریب در ماشین آلات انتقام می گیرند، با ایجاد اعتصاب و ایجاد راه بندان، سرمایه داران را در فشار قرار می دهند تا دستمزد بیشتری بگیرند، به مبارزات مخفی و مسلحانه و حمله و گریزهای نظامی شهری و دستبرد به بانک ها و

گاوصندوق کارخانجات می پردازند.

در مجموع سرمایه داران با ایجاد فقر برای کارگردان و کارمندان، امنیت زندگی خود را از دست می دهند و زندگی برای آنها خوشگوار نخواهد بود. لذا آیه شریفه می فرماید «هرگز به نیکی» مورد نظرتان نمی رسید، مگر اینکه شکاف بین فقر و غنا را از بین ببرید.

۲ آیه ۱۷۷ سوره بقره «نیکی آن نیست که رو به جانب شرق یا غرب (به عبادت) بایستید، نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت، به فرشتگان، کتاب خدا، و پیامبران مؤمن باشد، و دارایی خود را با آن که دوستش دارد، به خویشان، یتیمان، بینوایان، در راه ماندگان، مددخواهان و در راه آزادی انسان های غیرآزاد دهد...»

۳ آیه ۲۱۹ سوره بقره

مسلمانان که این همه تأکید قرآن را درباره خرج کردن پول در راه خدا شنیدند، از پیامبر(ص) پرسیدند، چه مقدار از دارایی خود را باید بدهند و در پاسخ آنان این آیه آمد: «... و از تو می پرسند چه انفاق کنند، بگو آنچه اضافه است...»

شرح دو آیه فوق الذکر:

قرآن مجید به صراحت تمام، اعلام می کند که نیکی به ذکر و دعا و نماز و عبادات زیاد نیست. اینها همه لازم است، ولی کافی نیست. بلکه باید به هدف انبیاء الهی توجه داشت که آمدند تا فقر و ناداری و اسارت و واماندگی را در جامعه علاج کنند و این ممکن نمی شود، مگر آنکه هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از درآمد ملی برخوردار شود و اگر نظام توزیع جامعه غلط بود مثل وقتی که اقتصاد سرمایه داری یا شبه سرمایه داری حاکم است باید برای از بین بردن فقر و محرومیت در جامعه و از بین بردن شکاف

طبقاتی، هر کس به اندازه نیاز معمول خود، از مال و ثروتی که به علت غلط بودن نظام توزیع درآمدها در اختیار او قرار گرفته است بردارد و بقیه را در راه از بین بردن فقر و ناداری به طرق اصولی بپردازد.

به همین دلیل است که قرآن مجید می فرماید: ای پیامبر(ص) از تو می پرسند چه انفاق کنند (یعنی تا چه حد از دارایی خود را برای پر کردن شکاف بین فقیر و غنی بایـد پرداخت کننـد) بگو آنچه مازاد بر نیاز معمول در جامعه است. شاید اوحدی مراغه ای از همین آیه استفاده کرده که می سراید:

آنچه در وجه آش و نان تو نیست بفشان و بده که آن تو نیست

نویسندگان و تصویب کنندگان قانون اساسی فعلی ایران در کتاب شناخت اسلام(۱۴) (که پیش از سال ۱۳۵۷ نوشته بودند) نیز چنین می نویسند: «دید کلی قرآن درباره دارایی و امکانات مالی اضافی که یک مسلمان از دسترنج خویش از راه حلال به دست آورده، این است که بایـد قسمتی از آن را برای زندگی معتدل خود و خانواده اش و بقیه را در راه خدا و رفاه خلق صرف کند. در غیر این صورت یا به گناه «اسراف و تبذیر» یعنی زیاده روی و ولخرجی در زندگی خود و خانواده اش آلوده خواهد شد، یا به گناه بس بزرگ زراندوزی «کنز» یعنی دو انحراف اقتصادی که قرآن به شدت از آن انتقاد کرده است».

بایـد توجه داشت که پر کردن شکاف طبقاتی به صورت بنیادی انجام می شود و نه به صورت سطحی. به این بیان که اموال ثروتمندان، باید در صندوقی ذخیره شود و از آن راه برای ایجاد کار و درآمد و

یـا پرداخت مسـتمری از کارافتـادگی و رفع فقر برای کسـانی که قادر به انجام هیـچ گونه کار نیسـتند، با برنامه ریزی اصولی و علمی سـرمایه گـذاری شود. قرار دادن صـندوق صـدقات که هر کس مبلغ بسـیار انـدکی را در آن بریزد و با جمع آوری آنها اقـدامات پرداختی سـطحی، آن هم با اذیت و آزار و منت گذاری بر محرومان و در مواقعی آبروریزی آنها و گردن کج کردن ها و غیره که امروزه معمول شده، یک نوع لوث مفهوم آیات شریفه قرآن مجید در مورد انفاقات و صدقات است.

۳ تحریم ربا

الف وضع موجود

ربـا که همان بهره یا سود ثابت سـرمایه است، عامل عمـده وجود فقر و شـکاف طبقاتی در جامعه به شـمار می آیـد. نظام های بانکی که آلوده به ربا هستند، سبب ورشکستگی واحدهای تولیدی می شوند و از آنجا بیکاری و فقر گسترش پیدا می کند. به علاوه سبب گران شدن و ایجاد تورم نیز می شوند که این نیز به گسترش فقر و شکاف طبقاتی می انجامد.

پس از انقلاب، قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسـید و امروزه بانک های ایران بر اساس این قانون، خود را اسـلامی می داننـد و این در حـالی است که مردم آن را ربوی تشـخیص می دهنـد، آن هم ربوی بـا نرخ ظالمانه که رمق تولیدکننـده را می گیرد و سـبب گسترش بیکاری و فقر می شود و مقامات مذهبی نیز آن را ربوی تشخیص می دهند(۱۵) و در مواردی نظر خود را نیز آشـکارا اعلام می کننـد، حال آنکه بانکها هر سال، روزی را به عنوان روز اسـلامی شـدن بانک ها جشن می گیرند. در حالی که هم خودشان و هم مشتریان آنها به غیراسلامی بودن آن اذعان دارند. آنچه در زیر می آید، پاره ای از

مطالب نویسندگان در زمینه ربوی بودن نظام بانکی است:

۱ نظام بانکداری اسلامی، آنگاه که جای بانکداری رژیم پیشین را گرفت، هرگز قرار نبود در خدمت کسب سود بیشتر و وام دادن با بهره های بالا به افراد خاص باشد. اما امروزه، به یمن رها شدن بانک ها، نه تنها اهرمی در خدمت جامعه برای ممانعت از لغزش نیازمندان به دامن رباخواران نیستند، بلکه خود به الگوهایی تبدیل شده اند که رباخواران برای توجیه عملکرد خود، آنها را مثال می آورند. امروزه شما به هر رباخواری که اعتراض کنید، می گوید: پس چرا بانک ها بهره های آنچنانی می گیرند.

در حال حاضر بانک ها سودهای قابل توجهی را در ترازنامه خود نشان می دهند که این امر، با هدف بانکداری اسلامی، ناهماهنگ است. بانکداری اسلامی باید بانک را در خدمت رفع حوایج مردم قرار دهد، بدون آنکه به این موضوع بیندیشد که در این راه، چقدر سود عایدش خواهد شد. پر واضح است که عملکرد فعلی بانک ها، اینگونه نیست. الان بانک ها به دنبال آن هستند که بحث «تسهیلات تکلیفی» را هم از بین ببرند و این یعنی آنکه همه تصمیمات، یکسره در اختیار خودشان قرار بگیرد. مشکلی که ما در بانکداری پیدا کرده ایم، بیش از آن که مشکل اجرایی باشد، مشکل دیدگاهی است. بانک ها تصور می کنند که آنها مؤسسات اقتصادی هستند، بنابراین باید به سوددهی بیشتر بیندیشند. در حالی که قانون اساسی بانکداری اسلامی را در خدمت پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه دانسته است.

نقش فعلی بانک ها در اقتصاد کشور و رفع حوایج جامعه، محدود به یک سری تسهیلات تکلیفی و سرمایه گذاری در برخی پروژه های ملی شده که در آن چارچوب ها هم با مشکلاتی روبرو هستیم

محدود نمی شود. الان بانک ها اگر به مردم وام می دهند، اولا این وام ها در اختیار اقشار نیازمند و محروم جامعه قرار نمی گیرد، چون از طرفی سودهای آن بسیار بالاست و از طرف دیگر، بانک ها چون صرفا به ملاحظات اقتصادی روی آورده اند، ترجیح می دهند به کسانی وام های کلان با بهره های بالا بدهند که اطمینان داشته باشند که قادر به پرداخت اصل و فرع پول هستند. درواقع خلأی که از این رهگذر در جامعه ایجاد می شود، باعث روی آوردن اقشار نیازمند مردم به رباخواران می شود. در کجای قانون بانکداری بدون ربا، آمده است که بانک ها بیایند سهام مرغوب بورس را به وسیله کارگزاران خود شناسایی و شروع به خرید و فروش آن کنند و با پول هایی که باید صرف رفع حوایج جامعه شود، بورس بازی راه بیندازند، تا از این رهگذر سودهای هنگفت ببرند؟ کجای قانون بانکداری بدون ربا، به بانکها اجازه ایفای نقش های دلالی را داده است. الان این اوراق مشارکتی که با سودهای قابل توجه دستگاه ها منتشر می کنند، فکر می کنید این اوراق را چه کسانی می خرند که به سرعت تمام می شود؟ بانک ها سپرده های مردم را می گیرند و شش، هفت درصد سود می دهند و در مقابل با پول های آنها اوراق مشارکت می خرند و بیست درصد سود می برند. این معاملات کجایش در قانون بانکداری بدون ربا آمده است؟

الان یکی از این مؤسسات اعتباری، کار را به جایی رسانده که اعلام کرده، ۱۵ میلیون وام مسکن می دهد شش ساله ۱۰ میلیون سود می گیرد؛ این یعنی چه؟ یعنی بانکداری بدون ربا؟!(۱۶).

۲ از نظر تئوری بانکداری اسلامی، مشتری شریک بانک است و باید در سود و زیان به صورت مشترک

سهم داشته باشد، در حالی که در نظام بانکداری فعلی، سپرده گذاران شرکای خاموشی هستند که امکان حضور در عرصه فعالیت های اقتصادی بانکی و جلسات تصمیم گیری را نیافته و هر ساله بدون توجه به سود و زیان فعالیت های اقتصادی، سود ثابت و یکسانی را دریافت می کنند.

ظرف ۲۳ سال گذشته، همیشه تورم بالاتر از ۱۱ درصد و نزدیک به ۲۰ درصد بوده(۱۷)، در حالی که سود پرداختی به مشتریان همیشه روی ۱۱ تا ۱۷ درصد ثابت بوده است. این یعنی استثمار سپرده گذاران به وسیله بانکها که درواقع یک ربای نامرئی است که بانک ها از سپرده گذاران می گیرند و یک سپرده گذار که برای مدت پنج سال پول خود را نزد بانک حبس می کند، پس از این مدت از صد تومان پولی که روز اول نزد بانک به عنوان سپرده قرار داده است، به علت نرخ تورم تنها ۵/۱۲ تومان دریافت می کند. در دیگر کشورها اگر نرخ بهره ۳ درصد باشد، نرخ تورم ۲ درصد خواهد بود، یعنی یک درصد سود واقعی نصیب سپرده گذار می شود.

همه بانک های دنیا به سپرده ها بهره روزشمار می دهند. البته این امر در قانون بانکداری کشور ما هم نوشته شده، اما تاکنون رعایت نشده است. به عبارت دیگر بانک ها موظف شده اند به سپرده های مردم بر اساس مدت زمان آن سود پرداخت کنند، ولی امروزه اگر مبلغ سپرده پنج ساله، یک روز پیش از اتمام این زمان، از بانک به وسیله سپرده گذار برداشته شود، بانک هیچ گونه سودی به وی پرداخت نمی کند و با کسر سودهای پرداخت شده قبلی، پول اولیه را با ارزش پایین تر به سپرده گذار بازمی گرداند. (این یعنی غارت مشتری و دزدی آشکار بانک از اموال

سپرده گذار). به عبارت دیگر سرمایه مردم پس از مدت سپرده گذاری، به شکلی به مردم بازگردانده می شود که نه سودی به آنها داده شده و نه پولشان قدرت خرید چند سال پیش را دارد (۱۸).

۳ حجت الاسلام محمدحسین صادقی به روزنامه «کیهان» می گوید: «عده ای همان موقع که قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد، اعلام کردند که این بانکداری از نظر آنها ربوی است. ذهنیت ها از همان اوایل انقلاب شکل گرفت. مردم در بانکداری پس از انقلاب با پیش از آن تغییر چندانی نمی دیدند و همیشه این شبهه در اذهان بود که بانکداری ما ربوی است.

پاسخ(قسمت سوم)

بعد هم فعالیت صندوق های قرض الحسنه و شرکت های مضاربه ای آغاز شد. در جریان شرکت های مضاربه ای، کسانی که پولشان را به ربا می دانند، یعنی «رباخوار» بودند، اینگونه خودشان را توجیه می کردند که ما «مضاربه» می کنیم و مضاربه هم یکی از «عقود اسلامی» است، پس کار ما حرام نیست. بعد با این توجیه، سودهای ۷ درصد و ۱۰ درصد می گرفتند که سرانجام چون این روند، یک روند ربوی بود، کارش به نابودی کشید و معلوم شد که نه مضاربه ای در کار بوده و نه «عقد اسلامی»، بلکه هرچه بوده، ربا بوده و بس. به هر حال این فضاها، اندک اندک زمینه از بین رفتن قبح ربا را به عنوان یک فعل حرام فراهم آورد. از طرف دیگر برخی از اختلافات طلبگی که در فتوای برخی از آقایان درباره «ماهیت اسکناس» وجود داشت، به این موضوع دامن زد. به این ترتیب که عده ای از آقایان، معتقد به حرمت ربا در اسکناس و پول نبودند و برخی از معاملات را که دیگران حرام و ربا تلقی می کردند،

آنها ربا نمی دانستند. این بود که اصطلاحاتی مثل «هدیه» یا «اجرت» یا امثال آن رایج شد که عملا مفهومی جز ربا نداشت و عده ای هم خود را با این اصطلاحات توجیه کردند، اختلاف فتوا هم که بود و مهم تر از آن سیستم بانکداری که عده ای معتقد بودند ربوی است و مردم هم می گفتند، اگر ربا حرام است، پس چرا بانکها فعالیت های ربوی انجام می دهند. مجموعه این فضاها، به علاوه تنگناهایی که در مسایل معیشتی مردم به وجود آمد، جامعه را به سوی رواج و ترویج ربا کشاند و نتیجه اش این شد که شما در حال حاضر، شاهد آن هستید و وضعیتی است که رواج ربا آن قدر زیاد شده که نمی شود آن را انکار کرد و نادیده گرفت.

امروزه دیگر نمی توان برای شرایطی که مردم از بانک ها یک میلیون تومان قرض می گیرند و یک ماهه مجبور هستند یک میلیون و دویست هزار تومان به بانک پس دهند، هیچ توجیه فقهی تراشید و یکسره باید گفت که این کارها رباست و حرام است و جنگ با خداست.»

ب اقتصاد اسلامی

قرآن مجید ربا را به شدت حرام کرده است، لذا در اقتصاد اسلامی هر نوع ربا تحت هر نام از بین خواهد رفت.

قرآن مجید در آیات زیر ربا را حرام اعلام کرده است:

۱ سوره بقره آیه ۲۷۵: کسانی که ربا می خورند، سر پا نمی مانند؛ مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان جن زده (صرعی) شده اند. این به خاطر آن است که گفتند، داد و ستد هم مانند ربا است، در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام و اگر کسی اندرز الهی به او

رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (پیش از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می شود و اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش اند و همیشه در آن می مانند.

آنچه از این آیات می فهمیم:

این آیه شریفه سخن از جمع دارد و نه فرد و همچنین از ربای بازاری سخن می گوید. بنابراین می توان گفت، اقتصاد جامعه و ملتی که به ربا آلوده باشند، سرپا نمی ایستد، مگر مانند فرد مصروع که از راه منحرف می شود و گاهی بر زمین می خورد و گاهی سرپا می ایستد. چرا که در این نوع جامعه، دادوستد را با سود و یا با ارزش اضافی همانند ربا آلوده ساخته اند و این دو را یکی می دانند، در حالی که خداوند بیع را که آلوده به ارزش اضافی نیست، حلال اعلام کرده و ارزش اضافی چسبیده به داد و ستد را حرام، پس کسی که دست از رباخواری بردارد، به آرامش دست می یابد و در نزد خدا آمرزیده می شود و گذشته اش به او زیان نخواهد رساند، ولی کسانی که رباخواری را ادامه دهند، در ناآرامی و آتش جاودان خواهند بود.

قانون اقتصادی: در جامعه ای که اقتصاد آن به ربا آلوده باشد مثل نظام سرمایه داری و شبه سرمایه داری یک قانون به نام قانون نوسانات تجاری، به وجود می آید. بر اساس این قانون، اقتصاد جامعه همانند آدم های صرعی بی ثبات است. گاهی سرپاست (دوره رونق اقتصادی) و گاهی به زمین می خورد (دوره رکود اقتصادی) بین دوره رونق و رکود، دوره بحران و بهبود قرار دارد.

صاحب تفسیر المیزان، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر

آیه مذکور، مطالبی به شرح زیر دارد (۱۹): «... رباخواری سبب می شود که رباخوار ثروتمند شود و ربادهنده فقیر و لذا می توان گفت که ربا، توازن و تعادل اجتماع را به هم می زند و نظمی را که بر راه راست انسانی و روش فطری حکومت قرار دارد، از بین می برد و این همان خبطی است که رباخوار بدان مبتلا می شود، زیرا رباخواری موجب این می شود که نظام داد و ستد و معاوضه در نظر او مختل شود و دیگر میان خرید و فروش عادی و رباخواری فرق نگذارد و اگر او را به ترک رباخواری دعوت کنند، بگوید: بیع هم مثل رباست و مزیتی بر آن ندارد تا دست از ربا برداریم و بیع کنیم.

۲ سوره بقره آیه ۲۷۶: ترجمه: «خداوند، ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد.»

آنچه از این آیه می فهمیم:

در این آیه کریمه ربا در مقابل صدقه و «یَمحق» در مقابل «یُربی» قرار داده شده است. خداوند می فرماید: «ربا» که در ظاهر سبب افزایش ثروت است، درواقع باعث کاهش و نابودی ثروت می شود و صدقه دادن که در ظاهر امر کاهش در ثروت را سبب می شود در واقع باعث افزایش ثروت خواهد شد. توجه شود که خداوند برای صدقه دادن، واژه «یربی» را که از همان کلمه «ربا» است را به کار می برد. بنابراین اضافه شدن از طریق صدقه ممدوح است در حالی که همین ارزش اضافی از طریق «ربا» مذموم است. علت آن است که صدقه سبب استقرار عدالت اجتماعی می شود و لذا دوستی اجتماعی را گسترش می دهد در حالی که

ربا سبب گسترش اقتصاد ظالمانه می شود و به دشمنی طبقاتی و اجتماعی منجر خواهد شد(۲۰) و این دشمنی به جنگ فقرا علیه سرمایه داران منتهی می شود که خواه، ناخواه ثروت رباخواران نابود خواهد شد، در حالی که دوستی طبقاتی و صلح و توسعه، سبب رشد ثروت خواهد شد.

۳ سوره بقره آیه ۲۷۸ و ۲۷۹: ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای خدا ورزید و آنچه از ربا مانده، واگذارید. اگر مؤمن هستید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود)، نه ستم می کنیم و نه بر شما ستم وارد می شود.

آنچه از این دو آیه شریفه می فهمیم:

کسانی مؤمن هستند که ربا را از فعالیت های اقتصادی حذف کنند و اگر به نام اسلام، نظام بانکداری ربوی برقرار شود، برقرارکنندگان نه مؤمن هستند و نه کافر، بلکه منافق هستند. به علاوه تقوا داشتن یعنی حفظ سامان ها و از جمله سامان دادن درست و حفظ آن در صحنه اقتصاد، وابسته به حذف ربا از بانک و بازار است.

و اگر چنین نشد و اخذ ربا به هر شکل و تحت هر نام ادامه پیدا کرد، گویی نظام یا فرد رباگیرنده به خدا و رسول خدا «اعلان جنگ» داده اند و مسلم است که بازنده در جنگ با خدا و رسول، رباگیران هستند. به عبارت دیگر قوانین فطری طبیعت، نظام هایی را که آلوده به ربا هستند، محکوم به شکست در فعالیت های اقتصادی کرده است.

امروزه ملاحظه می شود در نظام های اقتصاد سرمایه داری و شبه سرمایه داری دنیا، رکود اقتصادی و نوسانات اقتصادی و شکاف طبقاتی و گسترش فقر، سبب

ناکامی این اقتصادها شده است(۲۱) و اینان راهی ندارند، جز کمک گرفتن از غارت منابع و منافع کشورهای دیگر که این امر به جنگ های جهانی و منطقه ای منجر می شود که در قرن بیستم، جنگ اول و دوم جهانی، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ لبنان و در قرن بیست ویکم آن هم در آغاز آن، نایره جنگ جهانی به چشم می خورد. یعنی اقتصاد سرمایه داری جز خون و آتش و مصیبت برای ملل دنیا چیزی به ارمغان نیاورده است.

در اقتصاد اسلامی با محو ربا، کلیه این بلایای اقتصادی از بین خواهد رفت و دیگر از فقر، تورم، بیکاری، نوسانات اقتصادی و غیره خبری نخواهد بود. چرا که محور واقعی ربا در جامعه، به ایجاد یک نظام اقتصادی منجر می شود که عدل در آن مشخصه اساسی است و این عدل مانع بروز فقر و تورم و دیگر بلایای اقتصاد سرمایه داری می شود.

پی نوشت:

۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۲/۸/۸۲ به نقل از دکتر گوئل کهن، استاد علوم ارتباطات www.shahrvand.com/backissues/۶۳۳press.htm

۲ منبع قبلی

۳ منبع قبلی

۴ منبع قبلی

۵ http://alkhoei.org.uk/lectures.htm

۶ وسایل الشیعه: ج ۱۵، ص ۳۶۵ ۳۶۶، ب ۵۵، ح ۲۰۷۵۷.

۷ بحارالانوار: ج ۱۶، ص ۲۱۰.

۸ منبع قبلی

۹ منبع قبلی

۱۰ http://www.iran-emrooz.de/archiv/nakhjavani/۱۳۸۱/nakhjav۸۱۰۸۱۸.html

۱۱ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی. چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۱۲ منبع قبلی

۱۳ منبع قبلی

۱۴ سیدمحمد حسینی بهشتی، محمد جواد باهنر، علی گلزاده (غفوری)، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپخانه سپهر، صفحه ۵۰۹.

۱۵ به سخنرانی آیت الله مصباح یزدی در نماز جمعه ۱۳/۴/۸۲ در این مورد که جمهوری اسلامی را از رباخوارترین نظام های جهان یاد کردند، مراجعه شود.

۱۶

www.kayhannews.com/۸۱۰۹۱۹/other۵.ht

۱۷ دقت شود این مباحث در جامعه ای فرضی صادق است که در آن اقتصاد اسلامی به گونه ای صد در صد به اجرا درآمده است و ربا کلا وجود ندارد و مالیات های سنگین وجود ندارد و قیمت عدل مستقر است و نه قیمت بازار و لذا تورم وجود نخواهد داشت که نرخ بهره را با نرخ تورم خنثی کنند.

www.refahweekly.com/society/rrleerpn.htm ۱۸

۱۹ حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمد حسین طباطبایی، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ صفحه ۱۸۷

۲۰ به منظور مطالعه بیشتر در این زمینه، به کتاب حسن توانایان فرد فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی، ناشر: موسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول ۱۳۶۱ مبحث ربا در قرآن، به صفحات ۲۳ الی ۱۵۰ مراجعه شود.

۲۱ حمله عراق جهت غارت منابع نفت آن کشور برای حل مشکل رکود در آمریکا، نشانه همین ناکامی هاست.

در حالیکه اسلام تنها شامل ابعاد عبادی فردی نیست و ابعاد اقتصادی را نیز دارا می باشد چرا مسئولین، اقتصاد اسلامی را اجرا نمی کند و تنها به شعار دادن اکتفا می کنند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود نمی بخشند؟

پرسش

در حالیکه اسلام تنها شامل ابعاد عبادی فردی نیست و ابعاد اقتصادی را نیز دارا می باشد چرا مسئولین، اقتصاد اسلامی را اجرا نمی کند و تنها به شعار دادن اکتفا می کنند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود نمی بخشند؟

پاسخ

همانگونه که شما متذکر شده اید اسلام دینی همه جانبه است وبه همه ابعاد سیاسی, اجتماعی, فرهنگی, اقتصادی و... افراد وجامعه توجه دارد واز یک جانبه گرایی بشدت احتراز دارد ولی درجامعه گاهی ممکن است بنا به دلایلی یکی از ابعاد موردتوجه ویژه قرار گیرد وابعاد دیگر فراموش یا مورد بی توجهی قرار گیرد.درشرایط کنونی نیز کم وبیش شاهداین افراط وتفریط ها از جانب طبقات مختلف هستیم ولی قدرمسلم آن است که پس از انقلاب اسلامی همه مسولین نظام بیشترین سعی وتلاش وهم و غم خویش را صرف فعالیتهای اقتصادی نموده اند تا توانسته اند اقتصاد بیمارکشوری انقلاب کرده را اداره کنند . هشت سال جنگ تحمیلی را که سرمایه های عظیم وکلان کشور را می بلعید به خوبی اداره کنند, بازسازی راعلی رغم هزینه های سنگین وکمر شکن آن بدون کمک خارجی با آبرومندی به سامان برسانند وعلاوه بر آن درجهت توسعه فعالیتهای زیربنایی مثل برق رسانی به روستاهای بالای ۲۰ خانوار وتامین آب آشامیدنی بهداشتی برای روستاها و ... گامهای بلند واساسی را بردارند .

این درحالی است که به اعتراف متخصصان اقتصادی, اقتصاد کشور ما بیمار است وازنشانه های بیماری آن, تک محصولی بودن صادرات ایران واتکای شدید به فروش نفت, پرداخت یارانه, عدم تولید محصولات کشاورزی درحد نیاز,نبودتکنولوژی وفن آوری صنعتی درابعد مختلف و ... است .بیشتر این عوامل , ریشه

درقبل ازانقلاب دارد, این که یک کشوری افروزه از توسعه اقتصادی وصنعتی محروم باشد, باید اسباب آن را درچند دهه گذشته جست وجو کرد .

علاوه بر مشکلات متعددی که برشمرده شد وریشه آن دررژیم گذشته است مشکلات متعدد جدیدی نیز برای دولت های بعد از انقلاب پیش آمده است که وقوع جنگ تحمیلی وتحریم اقتصادی که هنوز نیزادامه دارد واز ورود تکنولوژی ودستیابی به دانش فنی جلوگیری می کنند ونیز بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ سیل, زلزله و ... از آن جمله است .

مضاف بر آن فقرفرهنگی,تهاجم فرهنگی وتهدیدهای دشمنان برای ترویج اشرافی گری, وتجمل گرایی وزندگی مصرفی نیز دستیابی به اهداف عالیه توسعه را کند می کند .افزایش سطح توقعات جامعه درحالی که متناسب با آن از رشد وتوسعه

مناسب برخوردارنگردد نه تنها به توسعه کمک نمی کند بلکه از موانع توسعه بشمار می رود.

مضاف براینها نظام جمهوری اسلامی ومسولان رده های مختلف نیز دچار کاستی ها وتقصیرهای فراوانی بوده اند وغالباً بجای آنکه به ریشه یابی علل وعوامل مشکلات بپردازند وزمینه های گرایش های غیر معقول ومصرف گرارا شناسایی ودرمان کنند ترجیح دادند با انتساب مشکلات جامعه به دشمنان خارجی خودشان را باگناه وبری از خطا جلوه دهند . این دیدگاه درتاریخ معاصر ایران همیشه به کشوراطمه زده است . ومسولان کمتر زمینه های نفوذ دشمن را بررسی کرده اند وحال آنکه دشمن بدون وجود زمینه مساعد ومناسب قادر به نفوذ وتغییر ارزشهای یک جامعه نخواهد بود. نکته آخر وپایانی این که باو رشما مبنی بر توام بودن شعار(علم) وعمل باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل گردد وتک تک اعضای جامعه را از انسانهای

عملگرای متعهد ومخلص استقبال نمایند وافراد حراف فاقدعمل را طرد نمایند . اگر کارو تلاش, قدرست و ارزش والای خود را در جامعه بیابد بسیاری از مشکلات بوجود مرتفع خو.......شد.

آقا ی دکتر میر باقری رئیس سازمان ملی جوانان دریک مصاحبه مطبوعاتی اعلام Ø□ه ۴۵...Ə... درصد جوانان کشور آرزوی خدمت به مردم را دارند و۲۹ر درصد آرزوی پول دارشدن و۷ درصد آرزوی مشهور شدن را دارند (۱) باید تلاش کرد نزدیک به ۱۰۰ درصد جوانان آرزو داشته باشند به مردم خدمت کنند وشهرت وثروت برای آنان اصل واساس نباشد بلکه درمرتبه دوم قرارگیرد . دراین صورت درآینده نزدیک نسلی از مسولان خدوم وخدمتگزار برمصادر امور تکیه خواهند زد وبا همت وتلاش وصف ناپذیری مشکلات را یکی پس از دیگری حل خواهند کرد.

ایران از نظر جمعیت جوان دومین کشور دنیا پس از اردن است(۲) وسرمایه جوانی, سرمایه ای بسیارغنی وارزشمنداست وهرکشوری که بتواند ازاین سرمایه عظیم برخوردار گردد مدارج عالیه تعالی وتکامل را سپری خواهد کرد. جوان با تدبیر و شور ونشاط جوانی می تواند بسیاری از گره های مختلف سیاسی, اجتماعی, فرهنگی, اقتصادی و ... راباز کند وشما وامثال شما باید تلاش و کوشش کنید تا این نسل که درآینده بسیارنزدیکی سکاندار اداره کشور خواهد شد از قابلیتهای مختلف فنی علمی برخوردار گردند دراین صورت بستر توسعه همه جانبه با کمک این سرمایه گرانقدر که در توسعه مهم ترین واساسی ترین سرمایه هستند , فراهم خواهد شد.

هرکس که می خواهد کاری که وظیفه اش هست انجام دهد باید اول تأمین شود وبعد از او کار بخواهند. چرا اقتصاد ما یک اقتصاد بیمار است؟ چرا جلوی این تورم گرفته نمی شود؟ چرا باید اینقدر هزینه ها سنگین باشد که مردم رو به اعمال خلاف بیاورند؟

پرسش

هرکس که می خواهد کاری که وظیفه اش هست انجام دهد باید اول تأمین شود وبعد از او کار بخواهند. چرا اقتصاد ما یک اقتصاد بیمار است؟ چرا جلوی

این تورم گرفته نمی شود؟ چرا باید اینقدر هزینه ها سنگین باشد که مردم رو به اعمال خلاف بیاورند؟

پاسخ

ازجنابعالی که به فراگیری دانش حسابداری وحسابرسی اشتغال دارید همین انتظار می رودکه به مسائل مالی واقتصادی توجه وعنایت ویژه ای داشته باشید. هر چند سایر مردم نیز به بحث عدالت ودادگستری درنظام جمهوری اسلامی عمیقاً توجه والتفات دارند و خواستار اجرای عدل علوی هستند ولی شما که با مسایل مالی آشنایی دقیق تری دارید اهمیت وضرورت آنر بیشتر درک می کنید، مانیز با همه وجود همانند شماخواستار اجرای قانون عدالت هستیم.

عدالت همراه با اقامه نماز دو نشانه مهم جامعه اسلامی است وبا این دو نشانه می توان جامعه اسلامی را شناخت وآن را از جوامع غیر اسلامی جدا ساخت. اگر درجامعه ای نماز خوانده نشود ومردم، اهل نماز نباشند، آن جامعه اسلامی نیست. البته منظور پیدا شدن شماری تارک نماز که دربرابر نمازگزاران ناچیزند نیست، بلکه مقصود عدم حضورنماز است درزندگی واجتماع، به طور عام، وعدم مسجد وجماعت، وفروافتادن بانگ اذان...اگر درجامعه ای عدالت نیز حضور نداشته باشد، وآثار عدالت درجامعه وشئون حیاتی واقتصادی ومعیشتی افراد وخانواده ها درهمه قشرها دیده نشود، ودرسیاست ومدیریت، وقانونگزاری وقضاوت، وبرنامه ریزی واجرا، ودربرخوردها وبرخورداری ها، عدالت ملاک نباشد، ودرمسکن وبهداشت، وتحصیل وکار، وسفر واستراحت، اصل عدالت اجرا نشود، وامکانات دراین زمینه ها درمیان عموم مردم تقسیم نگردد، ودر راه صیرورت متعالی انسانی، عدالت میزان نباشد، واصل اساسی عدالت درذات برنامه ها وبرنامه ریزیها حضور نداشته باشد، ومردم هم ازشرایط وامکانات "تزکیه وتعلیم" که هدف اصلی قرآن کریم است برخوردار نباشند، وتبعیض وتفاوت بیداد

کند....به یقین چنین جامعه ای اسلامی نیست. اگر درجامعه ای مردم بسیاری برای رسیدن به اهداف قرآنی توان نیابند، از فشار نیازمندی وفراموش شدگی ، همچنین زیادی ساعتهای کار واستثمارشدن، نتوانند به تعلیم وتربیت بلکه تکالیف دینی خود بپردازند، آیا آن جامعه چگونه قرآنی واسلامی به شمار خواهد آمد؟

عدالت رکن عمده جامعه اسلامی است. وروشن است که هیچ چیز بدون رکن خود پدیدار نخواهد گشت وتحقق نخواهد یافت. امام باقر"ع" می فرمایند : پیامبر "ص" (هنگامی که خواست جامعه اسلامی را بنیاد گذارد)، سنت های جاهلیت را از میان برد، واز آغاز، جامعه اسلامی را با عدالت بنیاد گذارد."استقبل الناس بالعدل" "۲"

وامام علی بن ابیطالب علیه السلام می فرماید :"العدل رأس الایمان""۳" (سر ایمان اجرای عدالت است)

از این تعلیم بزرگ می فهمیم که : اگر ایمان (دین داشتن، عمل به دین)را به پیکری همانند کنیم، سرآن پیکر عدالت است. وآیا پیکر بی سر چه خواهد بود؟ میته ، مردار...واگر جامعه ای میته و مردار شد، یعنی به حیات عدل زنده نبود، وبا روح عدالت جان نیافت، دیگر از چه ارزشی سخن می توان گفت؟ پس بفهمیم که "ان الله یأمر بالعدل" را وبفهمیم "العدل رأس الایمان" را و بفهمیم "العدل حیاه الاحکام" را.

اگر عدالت باشد فقر نیست. درقرآن کریم آمده است : "ان الله یأمر بالعدل..." "۴" (خداوند بطور قطع اجرای عدالت را واجب کرده است) وچون ما درباره فهم معارف واصول ومسائل ومبانی قرآنی به نص خود قرآن مأموریم که به معصوم (اهل الذکر) مراجعه کنیم، ومقصود قرآنی را دراحادیث و تعالیم آنان بجوییم، به حدیثهایی عجیب وتعلیم هایی عظیم

می رسیم. دراینجا یکی از آن احادیث که در"کافی" آمده است کافی است. امام صادق "ع" فرمود : "ان الناس یستغنون اذا عدل بینهم ..."5" (مردمان اگر عدالتی درمیان باشد، همه بی نیاز خواهند گشت.)

این حدیث به صراحت می گوید اگر عدالت باشد فقر نیست، واگر فقر باشد عدالت نیست. جامعه سرمایه داری وتکاثر وتبعیض جامعه عدل نیست. وجامعه فاقد عدل جامعه ای قرآنی نیست. درجامعه به هر میزان فقر ومحرومیت وفاصله های معیشتی وکمبود داشتن وحرمان دیدن وجود داشته باشد، به همان میزان ظلم وجود دارد .

وباید همزمان با یکدیگر فریاد بزنیم مدعیان مسلمانی به کمک محرومان بشتابید، ای معتقدان به خدا، آنان را حذف نکنید، و ای باور داران به قبر وقیامت، اندکی به مشکلات آنان بیندیشید، و ای امت قرآن، اقامه قسط وعدل وتأمین زندگی سالم برای همه افراد را، درپناه قسط وعدل، وجهه همت خویش سازید، و ای انقلاب کردگان انقلابی باشید، شاید بدین گونه خدا ازما راضی گردد، ودل امام زمان"ع" شاد شود، وآبروی دین خدا محفوظ ماند، وجامعه دستخوش تزلزل های زیان خیز نگردد، وتا خداوند رحمان، تاریکی های سخت تر ازجهنم قبر وقیامت ما را، با نور حاصل از این عمل صالح وفریضه بزرگ (رسیدگی به خلق خدا وخدمت به آنان)، به روشنی بدل سازد، وراهی به سوی نجات ورهایی، درآن گذرگاههای مخوف وپرگرفتاری، درپیش همه بگشاید.

مجلس و وکلا باید نسبت به این وظیفه بسیار مهم همواره حساس باشند واحساس مسؤلیت خدایی وسنگینی بکنند. دولتمردان ومسولان اجرایی باید درراه انجام دادن دقیق این وظایف از هیچ کوششی دریغ نورزند، بلکه نباید تا به انجام تکلیف یقین پیدا نکرده اند

آرام بگیرنـد. وثروتهـایی که متعلق به قشرهای ملت است بایـد به خود آنان باز گردد. صـدقه سری دادن مطرح نیست، تأمین آبرومنـدانه مقصود است. مسؤلاـن قضـایی بایـد بـا اسراف ها وتبـذیرها وحیف ومیل ها وغارتها وچپاول ها و... با نهایت دقت وبراساس عدالت وقسط رسیدگی و برخورد نمایند.

امثال من وشـما نبایـد حقایق راکتمان کنیم، وتعالیم اسـلامی وزندگی بزرگان دین وسـیره حکومت امیرمؤمنان را تا حد امکان گوشـزد کنیم واز حاکمـان ومسؤلاـن بخواهیم خود را به سیره و منش علوی محـک بزننـد . مـا موظفیم یـاد آوری کینم پیامبر اکرم"ص" دولت را مسؤل مستقیم فقر فقیران و حرمان محرومان و بی اعتقادی وبی ایمانی ساقط شدگان می داند : "ولم یفقر هم فیکفرهم" حاکم اسلامی نباید مردم رافقیر کند تا کافرشان سازد."۶" پس تزریق این اصل که فقر ومحرومیت اصلی است ثـابت، وحضـور آن درجـامعه به صـورت یـک جریـان مسـتمر و پـذیرفته قابـل قبـول است، ودین اسـلام قبـول دارد که فقیران ومسـتمندان درجامعه بسـر ببرند ، درکنار آنان، توانگران درناز وتعمت غرق باشـند، اینان هرچه می خواهند داشته باشند وآنان هر چه می خواهند نداشته باشند، حتی اندکی دارو برای کودکی مشرف به مرگ؟

این چگونگی نه اسـلام است ونه دیـد اسـلامی. واین وضـعیت نتیجه فرعونیت مـالی وقـارونیت غنـا وتکاثر است، وهمسویی با قارونها، نه آیین انبیایی محمـدی، خداوند مهربان عادل، کسـی را بدون روزی ووسایل معیشت خلق نکرده است، "نحن قسـمنا بینهم معیشـتهم فی الحیاه الدنیا" "۷" (مـا درزنـدگی دنیـا، روزی وامکانات معیشت را درمیان همه خلق تقسـیم کرده وبه همه داده ایم.)پس روزی وامکانات برای همه و به اندازه همه هست.

البته با درجاتی متفاوت، اما نه درحد وجود وعدم، وتکاثرو فقر واتراف ومحرومیت لیکن دراین میان حق قشرهایی به وسیله ایادی توانمند وصاحب قدرت وصاحب نفوذ ومرتبط غصب می گردد وبه سرقت می رود. وافزون طلبی وتمتع ومال دوستی وتنعم پرستی آنان طبقات ضعیف ومحروم را درآتش محرومیت درمی افکند ومی سوزاند.

ما باید این تعالیم وحقایق را گاه گاهی، براساس تکلف شرعی، بنویسیم وبگوییم ویادآوری کنیم، تا ارزشهای اسلامی مصون بماند، تا جوانان انقلابی وغیور ودیگر آگاهان وعدالت خواهان ازدین حق سرخورده نشوند وبا همت والا از طریق رسانه ها وبیان حقایق ونیز مشارکت درصحنه های مختلف مثل انتخابات و ...به تحقق به این اهداف یاری ومدد رسانند.

ما نباید فراموش کنیم تا هنگامی که جامعه به وضعیت مطلوب اسلامی، یعنی جامعه منهای فقر نرسیده است، ما نسبت به همه محرومان ومستمندان مسئولیت داریم، وباید برای رها ساختن همه آنان از چنگال فقر ومحرومیت اقدام کنیم، بلکه باید گفت این مسؤلیت درباره بینوایان جهان ومستمندان عالم وجود دارد. مسلمان باید درباره مسلمان محروم درهر جا که باشد حساس باشد وخود را مسؤل بداند، وتا آنجا که می تواند برای رسیدگی به محرومان وضعیفان ومستمندان ونجات آنان کمک کند، چون همه بندگان خدایند - اگرچه خود جاهل باشند یا غافل یا منکر

درخاتمه مجدداً ضمن تأیید گفتار دلسوزانه شمایادآوری می کنیم ما وظیفه داریم هرآنچه از دستمان ساخته است از بیان حقایق، اعتراض، انتقاد ونیز انتخاب افرادی شایسته ولایق برای وکالت مجلس، شوراها و ...به تحقق این امر کمک کنیم مسلم بدانید اگر بتوانیم با یک بسیج عمومی وامر به معروف ونهی ازمنکر زشتی اتراف وثروت

انـدوزی نامشـروع ونیز اجرای عـدالت وعـدالتخواهی ورسـیدگی به محرومـان ومستضـعفان را درجـامعه به ارزش هایی متعالی تبـدیل کنیم گـام بلنـدی دراین راسـتا برداشـته ایم. بـدانیم که فشـار افکار عمومی در بسـیاری از زمینه ها بسـیار کارساز است. مأیوس نباشـیم که عمل کوچک ما تأثیری نـدارد عمل فردی ما هرچنـد کوچک باشـدماننـد آن سـنگ کوچک دردریا موج ایجاد می کنـد واگر این امواج زیاد شود تأثیر فراوان خواهند داشت دانشـجوی ارجمند این نکته نیز قابل توجه وتعمق است که علی رغم این مسایل به جرأت می توان ادعا کرد نظام جمهوری اسلامی نسبت به بسیاری از نظام های موجوددنیا نزدیک ترین نظام به نظام عدل علوی است اگر چه با آن نظام فاصله بسیارزیادی دارد.

(۱) هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمه ....(سوره جمعه/۲و...)

(۲) التهذیب شیخ طوسی،ج۶، ص۱۵۴

(۳) غررالحکم، ص۳۹

(۴) سوره نحل/۹۰

(۵) کافی، ج۳، ص۵۶۸

(۶) اصول کافی، ج۱، ص۴۰۶

سوره زخرف/۳۲

چرا در جامعه ای که خمس وزکات داده می شود مالیات گرفته می شود؟

پرسش

چرا در جامعه ای که خمس وزکات داده می شود مالیات گرفته می شود؟

پاسخ

ابتـدا بایـد درمورد سؤال جنابعـالی مختصـری در خصوص مالیات دراسـلام وانواع آن اشاره ای بنمائیم وسـپس به اصل جواب سؤال شما بپردازیم.

درحکومتهـای قبـل از اسـلام وحکومت قبل از انقلاب اخیرایران و بسـیاری از حکومت های طاغوتی واسـتعمارگر جهان چنین رسم بود که مالیاتهـای سـنگینی برطبقـات فقیر ومتوسـط می بسـتند وپادشاهـان و درباریان واعیان واشـراف از پرداخت هر نوع مالیات معاف بودنـد ویا با نیرنگهای قانونی خود را معاف می کردند. طبقات فقیر با محرومیت در خدمت اشـراف وثروتمندان زنـدگی می کردند. و درباریان واشـراف با گرفتن مالیات، خون طبقه محروم را می مکیدند وبیشتر آنها را صـرف بنای کاخها وتجملات خود می کردند.

اسلام این وضع را به کلی دگرگون ساخت و چند نوع مالیات برثروتمندان برای مصلحت فقرا واز بین بردن فقر در جامعه براساس عدالت اجتماعی مقرر داشت که در هیچ یک از مکتب های جدید نظیر آن یافت نمی شود.امتیاز دیگر مالیات اسلام این است که پرداخت آن از عبادات مهم است و اداره کنندگان ومسئولین تبلیغات اسلامی ودینی با بالا بردن نیروی انسان وروح انسانیت وانسان دوستی ومبارزه با تجمل پرستی واسراف وتبذیر، کاری می کنند که ثروتمندان خود با میل واشتیاق نسبت بر پرداخت آن مبادرت ورزند، بنابراین حکومت اسلامی در کمترموردی احتیاج به اعمال زور برای دریافت مالیات خواهد شد.

درقانون اسلام چند گونه مالیات است که بعضی ازآنها به طور اجبار گرفته می شود وبعضی به طور اختیار دریافت می شود آن مالیاتها که به طور اجبار گرفته می شود به دو گونه است :

مالیات سالانه

وهمیشگی وآن در وقتی است که کشور درآرامش است ومورد تهاجم اجانب نیست یا انقلابی در داخل کشور نیست.

مالیات فوق العاده وآن در وقت جنگ وبحرانهای دیگر است. این مالیات که در این موقع گرفته می شود، میزان محدودی ندارد ومالیات غیر محدود باید آنرا نامید زیرا بسته به نظر دولت اسلامی است.

واین چون مالیات غیر مستقیم است البته در وقتی گرفته می شود که مالیات مستقیم (که به آن اشاره خواهد شد) از عهده جلوگیری از انقلاب کشور برنیاید. در این موقع دولت هر قدر احتیاج داشت از مردم می گیرد، اگر صلاح دانست بعنوان قرض والا به عنوان مالیات غیر مستقیم و فوق العاده به مقدار نیازمندی کشور والتبه از روی تقسیم عادلانه دریافت آن انجام می گیرد حتی اگر نیازمند تمام اموال توده شد، مقدار زائد از مخارج ضروت را ازآنها می گیرد وبرای استقلال کشور اسلامی خرج می کند چنانکه در این موقع تمام افراد توده(مردم) به عنوان نظام اجباری باید درجبهه های جنگی حاضر شوند وبرای استقلال کشور اسلامی فدا کاری کنند.

(مالیات مستقیم) :

اما مالیاتهای مستقیم که برای اداره کشور و هزینه های احتیاطی ومصالح کشوری ولشکری به طور اجبار باید مردم به دولت بدهند چند گونه است :

۱. خراج : مالیاتی که از اراضی خراجیه گرفته می شود وآن اراضی کشورهائی است که دولت اسلامی آنها را فتح کرده ودرآنوقت که فتح کرده آن اراضی آباد بوده اند یعنی افتاده و موات نبوده اند.

۲. مالیات ۲۰٪ که همان خمس می باشد (توضیح مفصل آن در رساله های عملیه وکتب فقهی آمده است)

۳. مالیات جنس :که همان زکات می

باشد(توضیح مفصل این مطلب نیز در رسانه های عملیه و...)

۴. جزیه : که این مالیات برنفوس واراضـی است که از اهل ذمه (یهودیها ومسـیحیها که در پناه اسلام به سرمی برند) گرفته می شود هر طور و هر قدر که دولت مقتضی بداند.

۵. ارث بلا وارث : از درآمـدهائی که دولت به طور اجبار می گیرد، ارث کسانی است که بمیرنـد و وارث نداشـته باشـند، چه مسلم باشندو چه کـافرحربی باشـند یـا ذمی، کـه در ایـن صـورت کلیه امـوال آنهـا (پس از مرگ) ضـبط دولت می شـود. و درمصالح مردم وکشور خرج می گردد.

با مراجعه به تاریخ اسـلام ومتون فقهی به منابع مالی بر می خوریم که برای تأمین هزینه ها ومخارج دولت اجرای برنامه ها وراه اندازی خدمات عمومی در سطح وسیع کفایت می کنند.

ازدیدگاه حضـرت امام خمینی"ره" خمس به عنوان مالیات در اختیار حاکم اسلامی قرار می گیرد : وحکومت برمبنای مصالح اجتماعی نحوه توزیع وهزینه سازی آنرا تعیین می کنـد، در این راسـتا کلیه نیازمنـدان از جمله گروههای سه گانه متذکر درآیه ۴۱ از سوره انفال می بایستی تأمین شوند.

حضرت امام خمینی"ره" می فرمایند :"مالیاتهائی که اسلام مقرر داشته وطرح بودجه ای که ریخته نشان می دهد تنها برای سد رمق فقرا وسادات فقیر نیست بلکه برای تشـکیل حکومت وتأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً خمس یکی از درآمـدهائی هنگفـتی است که به بیت المـال می ریزد، طبق مـذهب مـا از تمـام منـافع کشـاورزی، تجـارت، منـابع زیرزمینی و روزمینی ویا به طور کلی از کلیه منافع و عواید بطرز عادلانه ای گرفته می شود، به طوری که از سبزی فروشی درب این

مسجد تا کسی که به کشتیرانی اشتغال دارد یا معدن استخراج می کند همه را شامل می شود.

منظور از چنین مالیاتی فقط رفع احتیاج سید و روحانی نیست، بلکه قضیه مهمتر از اینهاست اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند باید با همین مالیاتهائی که داریم یعنی خمس وزکات که البته مالیات اخیر زیاد نیست، جزیه وخراجات....اداره می شود""۱"

پس معلوم می شود خمس وزکات هم جزء مالیات است منتهی به طور عادلانه توسط حاکم اسلامی برای نیازمندان وفقرا وسادات نیازمند وتشکیل حکومت اسلامی ومخارج آن مصرف می شود. واین کاری است که قبلاً هم بوده ومورد تأیید ائمه معصومین "ع" می باشد.

واما درخصوص سؤال شما عرض می کنیم که خمس وزکات حقی شرعی می باشد که مانند روزه ونماز واز طرف شارع مقدس برکسانی که شرایط آن را دارند واجب شده است که آیات وروایات ودلائل زیادی"۱" هم بر آن اقامه شده که به نظر می رسد الآن جای بحث آنها نباشد.

واما مالیات حقی حکومتی است که جهت هزینه های تأمین امنیت وحفظ کشور از تجاوزات داخل وخارج است تا مردم، کشور، ناموس واموالشان درامنیت کامل باشند وهمچنین برای کشیدن جاده ها، ساختن مدارس وبیمارستانها وسایرنیازهای اجتماع می باشد."۲"

بیان این نکته نیز لازم است که بزرگان دین ما فرموده اند در صورتیکه ضرورتی برای جامعه اسلامی پیش آید وهیچ راهی برای حل آن، جز مالیاتهای جدید نباشد، حکومت اسلامی می تواند به مقدار لازم مالیات وضع کند ورعایت عدالت دینی در این امر واجب می باشد."۳" وهمچنین باید به این نکته توجه داشته باشیم که مالیات هیچگاه جزء خمس وزکات حساب نمی شود، ونمی توان آنرا

به جای خمس وزکات محسوب داشت هر چند ممکن است طبق نظر حاکم شرع و ولی فقیه عادل گاهی اوقات مورد مصرف آنها یکی شود وآنهم نیست مگر به خاطر مصلحت جامعه و مسلمانان، زیرا که مالیات مانند مال الاجاره ی منزل با اجرت دکتر وکارگر است. اگر شما مثلاً کارگری را استخدام کنید که کوچه شما را تمیز کند آیا هزینه ی آن ازباب خمس حساب می شود یا مؤونه سال شما است؟ مصارف مالیات همه از این قبیل است."۴"

در آخر ضمن آرزوی موفقیت درعلم وعمل خالصانه برای جنابعالی به استفتائی از مقام معظم رهبری "حفظه ا..." (ج۲،اجوبه الاستفتائات ص۳۵۵) اشاره می نمائیم :

س ۹۰۴ بعضی از افراد و شرکت ها و مؤسسات خصوصی ودولتی برای فرار از پرداخت مالیات وعوارضی که دولت مستحق دریافت آن است. از راههای مختلف مبادرت به مخفی کردن بعضی حقایق می کنند، آیا این کار برای آنها جائز است؟

جواب خودداری کردن از اجرای قوانین دولت اسلامی جمهوری اسلامی وعدم پرداخت مالیات وعوارض وسایر حقوق قانونی دولت اسلامی برای هیچکس جائز نیست.

منابع : رساله نوین،مسائل اقتصادی،ترجمه وتوضیح عبدالکریم بی آزادشیرازی،ص۶۹ به بعد،تقریباً عین مطالب و فشرده آن (۱)و (۲) کتاب بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی"ره"، ص۱۳۷به بعد

(۳)،(۴)،(۵)،(۶) فلسفه اسرار احکام، ج۲،محمد وحیدی،به نقل از تفسیرنمونه ج۸،وسائل الشیعه ج۶، الفردوس الاعلی ص۵۴

۱ با اینکه ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد ولی هنوز اقتصاد ما الگو گرفته از غرب و بانک جهانی است لطفا بفرمایید چرا به مسائل کاربردی پرداخته نمی شود و برنامه اقتصاد اسلامی ارائه و اجرا نمی شود ؟ لطفا توضیح دهید

پرسش

۱ با اینکه ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد ولی هنوز اقتصاد ما الگو گرفته از غرب و بانک جهانی است لطفا بفرمایید چرا به مسائل کاربردی پرداخته نمی شود و برنامه اقتصاد اسلامی ارائه و اجرا نمی شود ؟ لطفا

توضیح دهید

پاسخ

دلایلی که به ذهن من می رسد اینها است: (ممکن است ادله دیگری هم وجود داشته باشد، خودتان هم فکر کنید)

۱ برای این که در یک جامعه اقتصاد اسلامی اجرا شود، لازم است افرادی که با مفاهیم، موضوعات و احکام اسلامی آشنا هستند، در آن جامعه حضور داشته باشند. متأسفانه جامعه ما در ۲۵ سال گذشته از این نظر با کمبود شدید نیروهایی فکری متخصص در اقتصاد اسلامی مواجه بوده است.

۲ علاوه بر این، برای این که یک نظام اقتصادی در یک جامعه حکمفرما شود، باید پیشاپیش مجموعه ای منظم و مدون از آموزه های آن نظام در اختیار برنامه ریزان اقتصادی جامعه باشد. با توجه به این که تقریبا در تمامی طول حیات اسلام، نظام اقتصادی آن مورد غفلت بوده و به جز در دوره ای کوتاه در صدر اسلام، نظام اقتصادی اسلامی در جامعه جریان نداشته است، لذا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دست دولتمردان از این نظر خالی بود و مجموعه ای منظم و مدون که به آن ها بگوید برای حاکم ساختن اقتصاد اسلامی چه باید بکنند در اختیار نداشتند. از آن زمان تاکنون در این زمینه کارهایی شده است و مطالعات خوبی درباره اقتصاد اسلامی به انجام رسیده ولی از نتایج مطالعات مزبور برای اسلامی کردن اقتصاد ایران بهره برداری بایسته نشده است. چرا بند ۳ را ببینید.

۳ در بند قبل گفتیم که در۲۵ ساله گذشته تلاش های نظری برای اسلامی کردن اقتصاد ایران انجام شده ولی در مرحله عملی مورد بهره برداری قرار نگرفته است. علت های بلا استفاده ماندن تحقیقات مزبور و در نتیجه

جدا ماندن اقتصاد ایران از اقتصاد اسلامی از این قرارند:

اولاـ در بخشهایی از تاریخ بعد انقلاب، متأسفانه سکان اقتصاد کشور در دست کسانی بوده است که اعتقاد به چیزی به نام اقتصاد اسلامی نداشته اند و لذا به تحقیقاتی که در این زمینه انجام می شده وقعی نمی نهادند.

ثانیا بروز مسائلی جدید در عرصه اقتصاد بین الملل که طبعا آثار آن در ایران هم ظاهر می شد، در پاره ای از موارد نتایج تحقیقات قبلی را تحت الشعاع قرار می داد و کارایی آن ها کاهش می یافت. به عنوان مثال: قانون بانکداری بدون ربا که هنوز هم به طور کامل و دقیق اجرا نشده، با مسئله جدیدی در اقتصاد بین الملل مواجه شده که قادر به پاسخگویی به آن نیست و برای مواجهه با آن باید تحقیقات جدیدی انجام شود، این مسأله جدید، رواج روز افزون تجارت الکترونیک و پول الکترونیک است که به هر حال، ملاحظات خاص خودش را دارد و باید احکام اسلامی آن مورد مطالعه قرار گیرد.

۴ دلیل دیگر برای حاکم نشدن اقتصاد اسلامی این است که در جامعه ما متأسفانه زمینه فرهنگی لازم برای رواج اقتصاد اسلامی ایجاد نشده است. نمی توان یک نظام اقتصادی را به جامعه ای که به لحاظ فرهنگی هنوز آماده پذیرش آن نیست، تحمیل کرد. در این زمینه (فرهنگ سازی برای اقتصاد اسلامی) متأسفانه خیلی کم کار کرده ایم و کارنامه قابل قبولی نداریم.

۵ با این همه، یک نقطه روشن و امیدوارکننده وجود دارد و آن اراده جدی مسئولان نظام (مسئولان رده بالا) در همه سالهای پس از پیروزی انقلاب برای اسلامی کردن اقتصاد ایران

است. اگر این اراده نمی بود، همین قـدر هم که پیش رفته ایم، جلو نمی رفتیم. و اگر این شـعله همچنان فروزان بمانـد انشاءالله می توان امیدوار بود که تدابیر جدی برای فرهنگ سازی، نظریه پردازی و اجرای اقتصاد اسلامی اتخاذ شود.

انشاءالله

نوسازی صـــنعتی در کشور ایران , کره و ژاپن تقریبا همزمان شروع شده است ولی آنها به پیشرفت اقتصادی دست یافته اند و ما هنوز مصرف کننده ایم ؟

پرسش

نوسازی صنعتی در کشور ایران , کره و ژاپن تقریبا همزمان شروع شده است ولی آنها به پیشرفت اقتصادی دست یافته اند و ما هنوز مصرف کننده ایم ؟

پاسخ

این مسئله دارای علل و عوامل متعددی است اگر در روند سازندگی کشورهایی مانند ژاپن و کره که طی چندین دهه خود را از مرز یـک کشـور عقب افتـاده به کشورهـای توسـعه یـافته رسانـده انـد, مطـالعه ای صورت گیرد الگویی از اسـتراتژی آن ها استخراج می گردد که کم و بیش مراحل زیر را در بر دارد:

۱- اصلاحات وسیع با اولویت دادن در تخصیص منابع به نظام های آموزشی و تربیتی ;

۲- تلاش سازمان یافته برای دست یابی به علم و تکنولوژی جدید و بومی سازی آن در چهار چوب نیازهای جامعه خود;

۳- حرکت در چهار چوب برنامه ای منظم برای سامان دهی زیرساخت های اقتصادی ;

۴- بازسازی بخش خصوصی توسط دولت در چهار چوب مصالح ملی ;

۵- توجه به ارزش های ملی و هویت فرهنگی در انتخاب الگوی توسعه ;

۶- شناخت دقیق واقعیات جامعه و درک امکانات و محدودیت های کشور;

در اقدامات این کشورها عمدتا" بهبود نقش انسانها در توسعه مورد توجه بوده است ; لذا اصلاحات را از نهادهای آموزشی و فرهنگی شـروع کرده و به موازات آن نهادهـا و ساختارهـای اجرایی را اصـلاح کرده انـد. ژاپنی ها زمانی که استراتژی توسـعه خود را ترسـیم می نمودنـد, آینـده کشور را بر محور سه رشـته عمـده الکترونیک , انفورماتیک و بیوتکنولوژی سازمان دادند. این انتخاب بر اساس درک درست محدودیت های اساسی این کشور در زمینه مواد خام و انرژی و سمت گیری بر بنای

امکانات موجود بود ; زیرا در این سه رشته تکیه گاه اساسی سرمایه های انباشته شده انسانی بود که ژاپنی ها سطح بسیار بالایی از آن را دارا بودند. (موئمنی , فرشاد, کالبدشناسی یک برنامه توسعه , ص ۴۴) در انتقال تکنولوژی و صنایع , بدون نیروی انسانی کار آمد و دانش لازم چیزی جز وارد کردن دستگاه , فن و تکنسین خارجی نخواهد بود, که خود به آفت مهارت زدایی از جمعیت بومی می انجامد ; بنابراین مسئله اساسی سازگاری انتقال تکنولوژی با توسعه درون زاست توسعه ژاپن در زمینه های گوناگون از جمله صنعت بر آیند تقلید فنون وارداتی بیگانه نبود بلکه حاصل دو فرایند موازی و مستمر فرایندهای انطباق و نوآوری بود. تجربه ژاپن به خوبی نشان داد که از یک طرف انتقال تکنولوژی لزوما" مستلزم تقلید صرف نیست و از سوی دیگر باید بر مبنای وفاق ملی توانایی ها و امکانات محلی چشم دوخت و به مشارکت مردم در اجرای توسعه درون زا توجه داشت . رعایت این نکات باعث رشد و نوآوری در عرصه های گوناگون صنعت , تکنولوژی و... در جوامعی مانند ژاپن , کره و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا شده است ; در مقابل عدم پیشرفت و مشکلاتی که برخی از جوامع مانند ایران دارند بر اثر رعایت موارد فوق می باشد نگاهی گذرا به الگوهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی این واقعیت را آشکار می سازد که عدم انتخاب الگوهای صحیح و مناسب کشور را در مدارهای توسعه نیافتگی نگه داشته است . منابع در آمدی نفت این فرصت را فراهم ساخت که با

دلارهای نفتی اولویت اقدامات توسعه ای رژیم گذشته بدون توجه به نظام های فرهنگی و اصلاحات ساختاری از ساخت فیزیکی جامعه شروع شود. در آمدهای حاصل از صدور نفت خام در کنار وابستگی و فساد رژیم شاهنشاهی آثار نامطلوب متعددی در برداشت ; از قبیل : ۱- ایجاد نظام بزرگ دولتی مصرف کننده منابع و مخرب سازندگی و توسعه ; ۲- به وجود نیامدن نظام های آماری و اطلاعات برای شناخت تحولات جامعه در ابعاد مختلف به عنوان پشتوانه برای نظام های برنامه ریزی ; ۳- به وجود نیامدن نظام های نظارتی و ارزش یابی ; ۴- عدم شکل گیری بخش خصوصی سالم و فعال در خدمت منابع ملی ; ۵- عدم انتقال علم و فن آوری مناسب با ساختارهای مختلف اقتصادی , سیاسی , مدیریتی و فرهنگی . متاسفانه این روند بعد از انقلاب اسلامی خصوصا" بعد از جنگ تحمیلی ادامه یافت آثار نامطلوب خود را بر بخش های اقتصادی , صنایع و... بر جای نهاد. امید می رود با توجه به بازنگری ها اقداماتی در زمینه پیشرفت بخش صنعت و سایر بخش های کشور در حال اقدام می باشد شاهد پیشرفت و نوآوری های جدید متناسب با نیازها وارزش های جامعه باشیم .

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- محمد تقی نظر پور, ارزشها و توسعه , ص ۹۳

۲- فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد, ص ۵۴۹

۳- حسن بنیانیان , مدلی بر آسیب شناسی انقلاب اسلامی , ص ۱۴۳)

بیمه

آیا بیمه عقد لازم است یا جایز؟

پرسش

آیا بیمه عقد لازم است یا جایز؟

پاسخ

این مسئله نیز در فقه مطرح است که اصل در همه عقود، لزوم است. اصل اولی در همه عقدها لازم بودن است، مگر اینکه دلیلی بر جایز بودن داشته باشیم. بنابراین اگر ما معامله بیمه را معامله بی مانعی تشخصی دهیم، معامله غیر قابل برگشت هم هست؛ یعنی بیمه گر یا بیمه گزار حق ندارد بعد از بستن قرارداد معامله، آن را بهم بزند، مگر دو طرف حاضر بشوند که در این صورت اسم آن می شود اِقاله یا تقائُل، یعنی دو طرف می خواهند معامله را بهم بزنند. دو طرف، هر عقد لازمی را می توانند بهم بزنند، ولی خاصیت عقد لازم این است که یک طرف به تنهایی نمی تواند آن را بهم بزند. پس، از جمله خصوصیات عقد بیمه اگر بیمه را یک عقد جداگانه بدانیم این است که عقد لازم است.

چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود ؟

پرسش

چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود ؟

پاسخ

آنچه که بیمه را یک عمل معقول و مشروع می،کند، نفس تعهد بیمه گر است. در بیمه، بیمه گر متعهد می شود که درصورت وقوع حادثه یا بروز خسارت ،آن را جبران کند یا فلان مبلغ پول بدهد. این تعهد بیمه گر برای بیمه گذار ارزش دارد؛ یعنی بیمه گذار آدمی است که اگر این تعهد نباشد، همیشه یک حالت دلهره دارد که اگر حریقی بیاید و مال التجاره من از بین برود من خاک نشین خواهم شد، اگر من فوت بکنم ورثه من چنین خواهند شد. یک حالت ناراحتی و اضطرابی دارد، دنبال کسب اطمینان می گردد. کار بیمه گر این است که به او تأمین می دهد؛ یعنی وقتی او متعهد شد که در صورت وقوع حادثه یا بروز خسارت، من جبران می کنم، آن اضطراب و ناراحتی بیمه گزار را از بین می برد . در زبان عربی بیمه را تأمین می گویند و این لغت بسیار خوبی بوده که برایش انتخاب کرده اند.

بیمه گر به بیمه گزار تأمین می دهد، امنیت خاطر می دهد. همین عمل ارزش دارد. اصلاً ارزش کار بیمه گر که در متن معامله قرار گرفته، پولی نیست که بعدها می خواهد بپردازد که بگویید این پول مجهول است و چون مجهول است، عقد باطل است. آنچه که در اینجا ارزش دارد این است که بیمه گر متعهد می شود. این تعهد برای بیمه گزار ارزش دارد. بیمه گزار پول را در ازای این تعهد می دهد. ولی این تعهد، یک تعهد خالی نیست، تعهدی است که «اَلْمُؤْ مِنونَ عِنْدَ شُروطِهِمْ» هر کس که تعهدی کرد باید به تعهد خود وفا

کند. لهذا فقها گفته اند اگر ما بخواهیم بیمه را داخل در یکی از عقود معمول درآوریم، نزدیکترین مسئله فقهی به مسئله بیمه، مسئله ضمان است، کتاب الضمان: (کتاب ضمانت) چون ضمانت تعهد است.

چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود ؟

پرسش

چه چیز باعث شده است تا بیمه، عملی معقول و مشروع به شمار رود ؟

پاسخ

آنچه که بیمه را یک عمل معقول و مشروع می،کند، نفس تعهد بیمه گر است. در بیمه، بیمه گر متعهد می شود که درصورت وقوع حادثه یا بروز خسارت ،آن را جبران کند یا فلان مبلغ پول بدهد. این تعهد بیمه گر برای بیمه گذار ارزش دارد؛ یعنی بیمه گذار آدمی است که اگر این تعهد نباشد، همیشه یک حالت دلهره دارد که اگر حریقی بیاید و مال التجاره من از بین برود من خاک نشین خواهم شد، اگر من فوت بکنم ورثه من چنین خواهند شد. یک حالت ناراحتی و اضطرابی دارد، دنبال کسب اطمینان می گردد. کار بیمه گر این است که به او تأمین می دهد؛ یعنی وقتی او متعهد شد که در صورت وقوع حادثه یا بروز خسارت، من جبران می کنم، آن اضطراب و ناراحتی بیمه گزار را از بین می برد . در زبان عربی بیمه را تأمین می گویند و این لغت بسیار خوبی بوده که برایش انتخاب کرده اند.

بیمه گر به بیمه گزار تأمین می دهد، امنیت خاطر می دهد. همین عمل ارزش دارد. اصلاً ارزش کار بیمه گر که در متن معامله قرار گرفته، پولی نیست که بعدها می خواهد بپردازد که بگویید این پول مجهول است و چون مجهول است، عقد باطل است. آنچه که در اینجا ارزش دارد این است که بیمه گر متعهد می شود. این تعهد برای بیمه گزار ارزش دارد. بیمه گزار پول را در ازای این تعهد می دهد. ولی این تعهد، یک تعهد خالی نیست، تعهدی است که «اَلْمُؤْ مِنونَ عِنْدَ شُروطِهِمْ» هر کس که تعهدی کرد باید به تعهد خود وفا

کند. لهذا فقها گفته اند اگر ما بخواهیم بیمه را داخل در یکی از عقود معمول درآوریم، نزدیکترین مسئله فقهی به مسئله بیمه، مسئله ضمان است، کتاب الضمان: (کتاب ضمانت) چون ضمانت تعهد است.

آیا بیمه نوعی قمار نیست؟

پرسش

آیا بیمه نوعی قمار نیست؟

پاسخ

فقها هیچ احتمال نداده اند که بیمه داخل در باب قمار بشود و وجهی هم ندارد که ما بیمه را داخل در باب قمار بدانیم. صرف به خطر انداختن، ملاک قمار نیست. گفتیم [برای صحت یک معامله] باید آن استثناها وجود نداشته باشد. در با ب معاملات، ریشه استثناها آن چیزی است که در آیه قرآن آمده که قمار هم یکی از مصداقهای آن است: «وَلا تَأكُلوا اَمْوالَكُم بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ» بقره/۱۸۸ مقصود این است که وقتی پول شما در میان شما گردش می کند، بیهوده گردش نکند؛ یعنی توأم باشد با یک هدف عقلایی به اصطلاح فقها. انسان یک وقت می بخشد؛ بخشیدن در مواردی یک کار انسانی است؛ یعنی یک نیاز انسانی است. انسان در موردی می خواهد که جود کرده باشد. این یک کار بیهوده نیست. یا وقتی انسان جنس خودش را به طرف می فروشد، در مقابل پول می گیرد. یا انسان پول می دهد در مقابل از معلم درس می گیرد. باز پول بیهوده گردش نکرده. ولی در مورد قمار و امور شبه قمار، پول از دست طرف بیرون می رود بدون اینکه چیزی کسب کرده باشد. از نظر شارع این پول بیهوده بیرون رفته است.

ولی در مورد بیمه اینطور نیست. بیمه یک هدف عقلایی دارد. انسان تأمین می گیرد و در مواردی اگر خسارتی یا حادثه ای پیش آید غیر از تأمین، پول هم می گیرد و بنابر این پولی که بیمه گزار می دهد هرگز مصداق «وَلا تَأكُلوا اَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ» نیست.

ربا و قرض الحسنه

دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.

پرسش

دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.

پاسخ

یکی دیگر از کارهای مالی، که قرآن، به شدت، مسلمانان را از دست زدن به آن نهی فرموده، ربا خواری است. معامله ربوی، کم و بیش در همه زمان و در همه جوامع وجود داشته است و امروزه نیز وجود دارد به ویژه در عصر پیامبر اسلام این عمل

رواج بسیار داشته و یکی از مفاسد اقتصادی جامعه جاهلی بوده است.

برخورد قرآن با پدیده ربا خواری، بسیار تند و تهدید آمیز است و ما در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

(الذین یأکلون الربوا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا و احل الله البیع و حرم الربوا فمن جائه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون) (۱)

((کسانی که ربا می خورند نمی ایستند (یا در قیامت از قبر بر نمی خیزند) مگر همانند کسی که با تأثیر شیطان دیوانه شده باشد این که (اینان) مرتکب ربا خواری می شوند، بدان علت است که می گویند (و معتقدند) که خرید و فروش هم مثل رباست و (چون خرید و فروش حلال است پس ربا هم حلال است) در صورتی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا خواری را حرام و منع کرده است. پس آن کسی که اندرز خداوند به او رسیده و (تحت تأثیر آن موعظه و اندرز) به این عمل زشت پایان داد، خداوند از گذشته او در گذرد و در پایان، سر و کارش با خدا باشد

و هر کس که به این عمل باز گردد، همراه آتش خواهد بود و در آن جاودان بماند.))

در جای دیگر می فرماید:

(یمحق الله الربوا و یربی الصدقات و الله لا یحب کل کفار اثیم) (۲)

((خداوند سود ربا خواری را نابود کرد و صدقات را فزونی بخشید و او مردم بی ایمان و گنهکار را دوست نمی دارد.))

و در آیه دیگر آمده است:

(یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین * فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رئوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون) (۳)

((ای کسانی که ایمان دارید، تقوای خدا پیشه کنید و دنباله ربا خواری را اگر واقعاً ایمان دارید، رها کنید و هر گاه ربا خواری را ترک نکردید در واقع به جنگ با خدا و رسول بر خاسته اید و اگر پشیمان شدید، سرمایه اصلی شما مال خودتان باشد که در این صورت، نه کسی به شما و نه شما به کسی ستم می کنید.))

خداوند در یکی از آیات مذکور، در یک تشبیه یا در ضمن یک مثال، می گوید: ربا خوار جز همانند کسی که شیطان با او تماس حاصل کرده و دیوانه اش نموده است، بر نخیزد.

در تفسیر این آیه و تحلیل این تشبیه بعضی از مفسران گفته اند: منظور این است که ربا خوار در قیامت سر از قبر بر نمی دارد مگر همانند شخص دیوانه. او مبهوت، متحیر و دیوانه محشور می شود؛ ولی بعضی دیگر گفته اند: این حالات بهت و دیوانگی، در همین دنیا برای ربا خوار حاصل می شود؛ یعنی

کسانی که به ربا خواری عادت کننـد، در واقع، حالتی جنون آمیز پیدا خواهند کرد و دائماً در فکر چک و سفته هسـتند، حتی در خیابان هم که راه می روند، گویی در عالم دیگر سـیر می کنند و متوجه خود و اطرافشان نیسـتند، بلکه همه هوش و حواس و فکر خود را به پول و سرمایه و سودش سپرده اند و ممکن است حالتشان در قیامت هم تحقق عینی همین وضع روحی در این عـالم باشـد قرآن با این تشبیه، مسـلمانان را متوجه می کنـد که با دست زدن به ربا خواری، خود را به این وضع مبتلا نکننـد تا عقل و هوش از سر آنها نرود.

پاورقی۱: بقره ۲۷۵

پاورقی۲: بقره ۲۷۶

پاورقی۳: بقره ۲۷۸ و ۲۷۹

رباخواری چه زیانها و خسارتهایی را بدنبال دارد؟

پرسش

رباخواری چه زیانها و خسارتهایی را بدنبال دارد؟

پاسخ

رباخواری، تعادل اقتصادی را در جامعه ها به هم می زند و ثروتها را در یک قطب اجتماع جمع می کند، زیرا جمعی بر اثر آن فقـط سود می برنـد و زیانهای اقتصادی همه متوجه جمعی دیگر می گردد و اگر می شـنویم و می بینیم فاصـله میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان روز بروز بیشتر می گردد یک عامل آن همین است و بدنبال آن بروز جنگهای خونین است/

رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیونـدها را سـست می کنـد و بذر کینه و دشـمنی را در دلها می پاشد و در واقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول را می بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد/

اینجاست که بدهکار می فهمد که رباخوار، پول را وسیله بیچاره ساختن او و دیگران قرار داده است/

درست است که ربادهنـده در اثر احتیاج تن به ربا می دهد اما هرگز این بی عدالتی را فراموش نخواهد کرد و حتی کار بجایی می رسـد که فشار پنجه رباخوار را هر چه تمامتر بر گلوی خود احساس می کنـد، این موقع است که سراسـر وجود بدهکار، به رباخوار لعنت و نفرین می فرستد و تشنه خون او می شود/

این است که می گوییم رباخاری از نظر اخلاقی، اثر فوق العاده بـدی در روحیه وام گیرنده می گذارد و کینه او را دل خودش می یابد و پیوند تعاون و همکاری اجتماعی را بین افراد و ملتها سـست می کندو در روایت اسلامی که در ضمن جمله کوتاه و پر معنایی، به اثر سؤ اخلاقی ربا اشاره شده است:

در کتاب وسائل الشیعه در مورد علت تحریم ربا می خوانیم:

هشام بن سالم می گوید: امام

صادق(ع) فرمودند:

«خداوند ربا را حرام کرده تا مردم از کار نیک امتناع نورزند».{۱}

[۱].وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۲/

وظایف مردم و دولت در مقابله با رباخواری چیست

پرسش

وظایف مردم و دولت در مقابله با رباخواری چیست

پاسخ

وظیفه مردم و دولت در مقابله با پدیده شوم رباخواری امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی است زیرا رباخواری از عوامل فساد در جامعه و به مخاطره افتادن عدالت اقتصادی و ایجاد اختلاف طبقاتی و گسترش فقر به شمار می رود.

امام علی ع) در نامه خود به مالک اشتر وظیفه حاکم را نظارت بر تجار و صاحبان صنایع می داند و می فرماید: "به کار آنان بنگر چه در آن جا باشند که به سر می بری و یا در شهرهای دیگر با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی اند که بخیل اند و در پی احتکارند. به سود خود می اندیشند و کالا را به هر بها که خواهند می فروشند و این سود جویی زیانی برای همگان است "۱[۱]

بر این اساس در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب رشوه اختلاس سرقت قمار... و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق ردکند و در صورت معلوم نبودن به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. متأسفانه این اصل قانون اساسی به درستی اجرا نشده است و باید اجرای آن را از دستگاه حکومتی مطالبه کرد.

وظیفه مردم نیز، امر به معروف و نهی از منکر با در نظر گرفتن مراحل و مراتب آن است اگر دولت در این راستا قصوری دارد این عذر و دلیل موجهی برای بی تفاوتی مردم نمی شود؛ زیرا مسئولیت

نهی از منکر تنها متوجه دولت نیست بلکه عموم مردم اعم از دولتمردان و آحاد جامعه در قبال گناه شرعاً مسئولیت دارند.
[۱]نهج البلاغه نامه ۵۳.

در خصوص رواج ربا که عامل اصلی آن عملکرد بسیار بد بانکها و کارمزدهای سنگین می باشد، چرا کاری صورت نمی دهید؟!

پرسش

در خصوص رواج ربا که عامل اصلی آن عملکرد بسیار بد بانکها و کارمزدهای سنگین می باشد، چرا کاری صورت نمی دهید؟!

پاسخ

ربا یک کار حرام است و از گناهان کبیره شمرده می شود، ولی آنچه در بانک ها صورت می گیرد، در قالب عقود اسلامی است. در این قالب ربایی وجود ندارد، چون بانک ها در نظام جمهوری اسلامی بر مبنای رعایت ضوابط اسلامی و در قالب عقود اسلامی مثل مضاربه و جعاله با شهروندان قرار داد می بندند. در قراردادهایی که مبنای آن عقد اسلامی است، اضافه ای که داده یا گرفته می شود، ربا تلقی نمی گردد. در عین حال طرف های قرار داد با بانک باید بر اساس آن عنوانی که پول را دریافت کرده یا می سپارند، عمل نمایند، مثلاً وام مضاربه را برای همان مورد به کار اندازند.

امّا از بُعد دیگر به نظر می رسد میزان کارمزدها و درصدهایی که بانک ها بابت مشارکت و عقود اسلامی می گیرند، اگرچه به لحاظ شرعی اشکالی ندارد، امّا به لحاظ میزان بالای آن، بر مردم فشار وارد می کند. امید است برنامه ریزان اقتصادی در راستای حمایت از حقوق مردم، میزان سود بانکی را کاهش و تسهیلات بانکی را با نرخ معقول و مناسب در اختیار مردم قرار دهند.

دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

پرسش

دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

پاسخ

اساساً قرآن سود گرفتن از قرض را ظلم می داند. و می دانیم که ظلم، یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوّز. البته مجوز طبیعی نه مجوز قانونی. در واقع عدل هم یعنی به هر مستحقی آنچه را که استحقاق دارد دادن. و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می کند و به قول ما اصلاً نامشروع می داند.

«اَلَّذینَ یُنْفِقونَ اَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرّاً وَ عَلانِیَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنونَ» بقره/۲۷۴ این آیه از انفاق و نیکوکاری شروع می شود و از همین جا گفتیم استشمام می شود که نظر به همان وامهای به اصطلاح درماندگی

است. بعد بلافاصله می فرماید:

«لَّذينَ يَأْكُلونَ الرِّبوا لا يَقومونَ اِلاّ كَما يَقومُ الَّذى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِكَ بِاَنَّهُمْ قالوا اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبوا وَاَحَلَّ اللهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبوا» بقره/۲۷۵ آنها که ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند کسی که شیطان او را مس کرده؛ یعنی مانند مجنون و جن زده و آدمی که عقل و هوش و فکرش را از دست داده. قرآن می خواهد بگوید، رباخواری کأنّه تأثیری در فکر و هوش می کند، انسان را دیوانه می کند. این به موجب آن است که گفتند: «اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبوا» گفتند چه فرقی می کند که انسان خرید و فروش کند یا ربا بخورد «وَاَحَلَّ اللهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبوا» ولی این جور نیست، خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام.

«فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهى فَلَهُ ما

سَلَفَ وَاَمْرُهُ اِلَی الله» مقصود این است که اگر موعظهای درباره ربا بیاید و منتهی بشود یعنی از این ساعت دیگر توجه به دستور بکنـد، «فَلَهُ ما سَلَفَ» گذشته ها همه محو شـده، گذشـتهها گذشـته. «وَاَمْرُهُ اِلَی الله» یعنی در دنیا از او پس نگیریـد. «وَ مَنْ عادَ فَاُولئِکَ اَصْحابُ النّارِ هُمْ فیها خالِدونَ» کسانی که بعد از نزول این آیه بخواهند ربا بگیرند مستحق آتشاند. «یَمْحَقُ اللهُ الرِّبوا وَ یُرْبِی الصَّدَقاتِ» خـدا ربا را محو می کنـد (در واقع یعنی بی برکتی را متوجهش می کند) و به عکس صدقات را نمو می دهد. «وَاللهُ لا یُحِبُّ کُلَّ کَفّارٍ اَثیمٍ» در اینجا رباخوار به کَفّار و اثیم تعبیر شده.

دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

پرسش

دیدگاه قرآن در مورد ربا چیست؟

پاسخ

اساساً قرآن سود گرفتن از قرض را ظلم می دانـد. و می دانیم که ظلم، یعنی گرفتن چیزی بـدون حق و بـدون یک مجوّز. البته مجوز طبیعی نه مجوز قـانونی. در واقع عـدل هم یعنی به هر مسـتحقی آنچه را که اسـتحقاق دارد دادن. و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می کند و به قول ما اصلاً نامشروع می داند.

«اَلَّذینَ یُنْفِقونَ اَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرّاً وَ عَلانِیَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنونَ» بقره/۲۷۴ این آیه از انفـاق و نیکوکاری شـروع می شود و از همین جا گفتیم استشـمام می شود که نظر به همان وامهای به اصـطلاح درمانـدگی است. بعد بلافاصله می فرماید:

«لَّذینَ یَأْکُلونَ الرِّبوا لا یَقومونَ اِلاّ کَما یَقومُ الَّذی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِکَ بِاَنَّهُمْ قالوا اِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبوا وَاَحَلَّ اللهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبوا» بقره/۲۷۵ آنها که ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند کسـی که شـیطان او را مس کرده؛ یعنی مانند مجنون و جن زده و آدمی که عقـل و هوش و فکرش را از دست داده. قرآن می خواهـد بگویـد، رباخواری کأنّه تأثیری در فکر و هوش می کنـد، انسان را دیوانه می کنـد. این به موجب آن است که گفتنـد: «اِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبوا» گفتنـد چه فرقی می کند که انسان خرید و فروش کند یا ربا بخورد «وَاَحَلَّ اللهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبوا» ولی این جور نیست، خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام.

«فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَهٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهی فَلَهُ ما

سَلَفَ وَاَمْرُهُ اِلَی اللهِ» مقصود این است که اگر موعظهای درباره ربا بیاید و منتهی بشود یعنی از این ساعت دیگر توجه به دستور بکنـد، «فَلَهُ ما سَـلَفَ» گذشـته ها همه محو شـده، گذشـته ها گذشـته. «وَاَمْرُهُ اِلَی اللهِ» یعنی در دنیا از او پس نگیرید. «وَ مَنْ عادَ فَاُولئِکَ اَصْـحابُ النّارِ هُمْ فیها خالِدونَ» کسانی که بعد از نزول این آیه بخواهند ربا بگیرند مسـتحق آتش اند. «یَمْحَقُ اللهُ الرِّبوا وَ یُرْبِی الصَّدَقاتِ» خـدا ربـا را محو می کنـد (در واقع یعنی بی برکـتی را متوجهش می کنـد) و به عکس صـدقات را نمو می دهد. «وَاللهُ لا یُحِبُّ کُلَّ کَفّارٍ اَثیمٍ» در اینجا رباخوار به کَفّار و اثیم تعبیر شده.

دیدگاه فقها در مورد ربای معاملی چیست؟

پرسش

دیدگاه فقها در مورد ربای معاملی چیست؟

پاسخ

میان فقها اختلاف است. در هر مذهبی از مذاهب اهل تسـنن یک نظر است و در میان شـیعه هم، معروف یک نظر است. بحثی که در میان فقها مطرح است این است که آیا ربای معاملی، مثل ربای قرضـی در مطلق اشـیاء حرام است؟ بعضـی گفته انـد: بله در مطلق اشـیاء حرام است. بعضـی هم محـدودش کرده اند. معروف در میان شـیعه این است که در مورد مکیل و موزون حرام است؛ یعنی در مورد اجناسـی که با کیل و وزن فروخته می شونـد، ربای معاملی جاری است و در غیر اینها ربای معاملی جاری نیست. البته شک نیست که در بعضـی چیزها اساساً ربای معاملی معنی ندارد، مثل اسب، چون ارزش اسب به کمیت آن نیست و ربـا به کمیت بر می گردد. بسـا هست که ارزش یـک اسب معـادل است بـا ده اسب دیگر. در مورد چیزهایی که ارزش آنها تابع کمیتشان نیست، معنی نـدارد که ربای معاملی حرام باشـد. و گاهی نتیجه معکوس می دهد؛ مثلاً اگر بگوییم یک اسب را با دو اسب معامله کردن ربا است، معنایش این است که کسی که یک اسب می دهد و دو اسب می گیرد، ربا خورده است در حـالی که بسا هست که یک اسب به تنهایی بیش از دو اسب ارزش داشـته باشـد و آن که ربا خورده است آن کسـی است که یک اسب گرفته نه آن کسی که دو اسب گرفته است.

بنابراین آن طور که بعضـی اهل تسـنن گفته اند که در مطلق اشـیاء ربای معاملی هست، حرف درستی نیست. در واقع آنچه که در فقه

شیعه و فقه اهل تسنن در این باره آمده، همه، تفاسیری است بر یک سلسله روایاتی که از پیغمبر اکرم رسیده است. اگر انسان ابتدا به آن سلسله روایات که از پیغمبر اکرم در مورد ربای معاملی رسیده توجه کند بعد روایات شیعه را ببیند که در مقام توضیح آنهاست، مطلب کاملاً روشن می شود و علت اشتباه هم این بوده که به روایات نبوی که در کتب اهل سنت است توجه نشده. در نتیجه به این مطلب رسیدهاند که فقط مکیل و موزون خصوصیت دارد و مثلاً در معدود، ربای معاملی جاری نیست. فقهایی که گفتهاند فقط در مکیل و موزون ربا هست، مثلاً اگر صد من گندم را بفروشیم به صد و بیست من، رباست، ولی در معدودات ربا نیست، گفتارشان قهراً این شبهه را به وجود می آورد که اگر هزار تومان اسکناس به هزار و صد تومان اسکناس فروخته شود ربا نیست، چون اسکناس مکیل و موزون نیست و معدود است. قهراً این سؤال پیش می آید که حکمت و فلسفه حرمت ربا هر چه باشد، چه فرقی است میان «مکیل و موزون» و معدود؟ البته معدودهایی که ملاک ارزش آنها کمیت نیست؛ مثل اسب همین طور است، ولی میان معدودهایی که ارزش آنها به کمیت است و مکیل و موزون، در این جهت فرقی نیست. نتیجه این شده که گفتهاند اجناسی که مورد معامله واقع میشود دو قسم است: یا مکیل و موزون است ویا چنین نیست، و ربای معاملی در مکیل و موزون جایز نیست، در غیر مکیل و موزون جایز است. دو مقدمه هم که اینجا ثابت شد:

یکی اینکه اسکناس خودش مالیت دارد، پس خودش می تواند طرف معامله واقع شود. اسکناس مثل ورقه سفته نیست. سفته را می گویند سند است ولی اسکناس خودش پول است و لذا سند سفته را نمی شود خرید و فروش کرد ولی اسکناس را می شود. مقدمه دوم اینکه ربای معاملی اختصاص دارد به مکیل و موزون و در غیر آن جاری نیست. در معدوداتی هم که ارزش آنها به کمیتشان بستگی دارد، ربای معاملی مانعی ندارد. نتیجهای که می گیرند این است که پس خرید و فروش اسکناس بلامانع است.

دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.

پرسش

دیدگاه قرآن را در باره ربا خواری بیان فرمایید.

پاسخ

یکی دیگر از کارهای مالی، که قرآن، به شدت، مسلمانان را از دست زدن به آن نهی فرموده، ربا خواری است. معامله ربوی، کم و بیش در همه زمان و در همه جوامع وجود داشته است و امروزه نیز وجود دارد به ویژه در عصر پیامبر اسلام این عمل رواج بسیار داشته و یکی از مفاسد اقتصادی جامعه جاهلی بوده است.

برخورد قرآن با پدیده ربا خواری، بسیار تند و تهدید آمیز است و ما در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

(الذین یأکلون الربوا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا و احل الله البیع و حرم الربوا فمن جائه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون) (۱)

((کسانی که ربا می خورند نمی ایستند (یا در قیامت از قبر بر نمی خیزند) مگر همانند کسی که با تأثیر شیطان دیوانه شده باشد این که (اینان) مرتکب ربا خواری می شوند، بدان علت است که می گویند (و معتقدند) که خرید و فروش هم مثل رباست و (چون خرید و فروش حلال است پس ربا هم حلال است) در صورتی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا خواری را حرام و منع کرده است. پس آن کسی که اندرز خداوند به او رسیده و (تحت تأثیر آن موعظه و اندرز) به این عمل زشت پایان داد، خداوند از گذشته او در گذرد و در پایان، سر و کارش با خدا باشد

و هر کس که به این عمل باز گردد، همراه آتش خواهد بود و در آن جاودان بماند.))

در جای دیگر می فرماید:

(یمحق الله الربوا و یربی الصدقات و الله لا یحب کل کفار اثیم) (۲)

((خداوند سود ربا خواری را نابود کرد و صدقات را فزونی بخشید و او مردم بی ایمان و گنهکار را دوست نمی دارد.))

و در آیه دیگر آمده است:

(یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مؤمنین * فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رئوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون) (۳)

((ای کسانی که ایمان دارید، تقوای خدا پیشه کنید و دنباله ربا خواری را اگر واقعاً ایمان دارید، رها کنید و هر گاه ربا خواری را ترک نکردید در واقع به جنگ با خدا و رسول بر خاسته اید و اگر پشیمان شدید، سرمایه اصلی شما مال خودتان باشد که در این صورت، نه کسی به شما و نه شما به کسی ستم می کنید.))

خداوند در یکی از آیات مذکور، در یک تشبیه یا در ضمن یک مثال، می گوید: ربا خوار جز همانند کسی که شیطان با او تماس حاصل کرده و دیوانه اش نموده است، بر نخیزد.

در تفسیر این آیه و تحلیل این تشبیه بعضی از مفسران گفته اند: منظور این است که ربا خوار در قیامت سر از قبر بر نمی دارد مگر همانند شخص دیوانه. او مبهوت، متحیر و دیوانه محشور می شود؛ ولی بعضی دیگر گفته اند: این حالات بهت و دیوانگی، در همین دنیا برای ربا خوار حاصل می شود؛ یعنی

کسانی که به ربا خواری عادت کننـد، در واقع، حالتی جنون آمیز پیدا خواهند کرد و دائماً در فکر چك و سـفته هسـتند، حتی در خیابان هم که راه می روند، گویی در عالم دیگر سـیر می کنند و متوجه خود و اطرافشان نیسـتند، بلکه همه هوش و حواس و فکر خود را به پول و سرمایه و سودش سپرده اند و ممکن است حالتشان در قیامت هم تحقق عینی همین وضع روحی در این عـالم باشـد قرآن با این تشبیه، مسـلمانان را متوجه می کنـد که با دست زدن به ربا خواری، خود را به این وضع مبتلا نکننـد تا عقل و هوش از سر آنها نرود.

پاورقی۱: بقره ۲۷۵

پاورقی۲: بقره ۲۷۶

پاورقی۳: بقره ۲۷۸ و ۲۷۹

با توجه به آیه ۲۴۵ سوره بقره اهمیت و جایگاه قرض الحسنه و تفاوت آن با صدقه را بنویسید.

پرسش

با توجه به آیه ۲۴۵ سوره بقره اهمیت و جایگاه قرض الحسنه و تفاوت آن با صدقه را بنویسید.

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: "مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِض ُاللَّه َقَرْضًا حَسَـنًا فَیُضَعِفَه ُلَه ُأَضْعَافًا کَثِیرَه ًوَاللَّه ُیَقْبِض ُوَیَبْصُطُوَ إِلَیْه ِ تُرْجَعُون َ; (بقره ۲۴۵) کیست آن کس که به]بنـدگان خـدا وام نیکویی دهـد تا]خـدا[آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که]در معیشت بندگان تنگی و گشایش پدید می آورد; و به سوی او بازگردانده می شوید."

منظور از "قرض الحسـنه در آیه مذکور، دادن وام و انفاق کردن و... به برادر دینی می باشد برخی از مفسران برای حسنه شدن قرض مواردی رابیان کرده اند، از جمله

۱. قرض الحسنه از مال حلال و سالم باشد.

۲. بی منت بی ریا و همراه با عشق و ایثار پرداخت شود.

۳. برای مصرف ِ ضروری باشد.

۴. سریع پرداخت شود.

۵. قرض دهنده خداوند متعال را بر این توفیق شکرگزار باشد.

و...(ر.ك مجمع البیان مرحوم طبرسی ، ج ۹، ص ۳۹۰، مؤسـسه الاعلمی للمطبوعات بیروت / تفسـیر نور، محسن قرائتی ج ۱،

ص ۴۸۳ ۴۸۴، مؤسسه در راه حق)

اما فرق قرض الحسنه با صـدقه در قرض الحسـنه انسان مالی را که به دیگری می دهد، دوباره پس از مدتی پس می گیرد و بر قرض گیرنـده نیز واجب است در وقت معین مال قرض گرفته شـده را به صاحبش برگردانـد، ولی در صـدقه چنین نیست یعنی چیزی که صدقه داده شد، چنین نیست که دوباره به دست صاحبش برگردد، بلکه چون این مال بخشش

بدون عوض است بر صدقه گیرنده نیز لازم نیست صدقه را برگرداند و یا در عوض آن کاری انجام دهد.

۲. در ثواب نیز این دو با هم تفاوت دارند، زیرا ثواب صدقه نزد خداوند متعال ده برابر است ولی پاداش قرض الحسنه هجده برابر می باشد. در روایتی از امام صادق چنین می خوانیم "بر در بهشت نوشته شده است که پاداش صدقه ده برابر، ولی پاداش قرض دادن هجده برابر است "(وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۱۶، ص ۳۱۸، نشر مؤسسه آل البیت .)

اهمیت و جایگاه قرض الحسنه

قرض الحسنه نسبت به صدقه از جایگاه بالاتری برخوردار است بعضی از جهت های امتیاز آن قرض الحسنه عبارت است از:

۱. در قرض الحسنه مال به دست کسی می رسد که به آن نیاز دارد، زیرا انسان بی نیاز قرض نمی گیرد، برخلاف صدقه که ممکن است به دست انسان بی نیاز بیفتد. امام صادق در این باره می فرماید: "پاداش قرض از این رو از پاداش صدقه بیش تر است که قرض گیرنده جز از روی نیاز قرض نمی گیرد، ولی صدقه گیرنده گاهی با این که نیاز ندارد، صدقه می گیرد." (همان)

۲. در قرض الحسنه عزّت نفس قرض گیرنده از بین نمی رود، ولی صدقه گیرنده با گرفتن صدقه به گونه ای رفته عزت نفس خود را از دست می دهد و نفس او به پستی می گراید.

۳. قرض الحسنه سبب می شود که شخص قرض گیرنده به تلاش و فعالیت وادار شود تا بتواند قرض خود را ادا کند، که این خود باعث

رونق اقتصادی و شکوفایی خلاقیت ها و استعدادها می شود، ولی در صدقه گیرنده از آن جا که انگیزه ای برای رد مال ندارد چنین تلاشی مشاهده نمی شود. البته این موارد و موارد دیگر، تنها امتیاز قرض الحسنه را در شرایط مساوی اثبات می کند و گرنه گاهی اوقات رفع معضلات اجتماعی در انفاق و صدقات منحصر است

چه راههائی برای جلوگیری از رباخواری پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راههائی برای جلوگیری از رباخواری پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

گسترش دادن قرض الحسنه ها و نیز بیان مفاسد ربا و گناه آن، از جمله راه های جلوگیری از رباخواری است.

سایر مباحث اقتصاد

آیادرجامعه اسلامی که ازافراد جامعه مالیاتهای شرعی دریافت می شود دریافت مالیاتهای دولتی ضرورتی دارد یا نه ؟

پرسش

آیادرجامعه اسلامی که ازافراد جامعه مالیاتهای شرعی دریافت می شود دریافت مالیاتهای دولتی ضرورتی دارد یا نه ؟

پاسخ

ضرورت دریافت مالیاتهای دولتی را براساس نیاز حکومت باید بررسی نمود، آنچه مشخص است اینکه اگر مالیتهای شرعی مثل خمس وزکوه و . . . کاملا دریافت شود ونیازهای دولت وحکومت اسلامی با آنها برطرف شود ، مالیات دولتی ضرورتی ندارد کمااینکه حضرت امام (ره) دریک سخنرانی خود درسال ۱۳۵۸ فرمودند : "اگر یک روزی هم انشاءالله توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم دیگر درمالیاتها هم هیچ ا حتیاج به اینکه یک چیز دیگری زائد برآن باشد ، نداشته باشیم " وخود ایشان درسال ۶۰ بااستناد به مخارج یک روز جنگ اصرار برگرفتن مالیات دارند که نیازهای نظام برطرف شود ، کما اینکه روایتی دارد که " وضع امیر المؤمنین (ع) علی الخیل العتاق الراعیه فی کل فرس فی کل عام دینارین وجعل علی البرازین دینارًا " حضرت برگله اسبهای نجیب که دربیابان می چرند دو اسب ۲ دینار درهرسال وبراسبهای معمولی یک دینار مالیات وضع نمود" ۱

۱) وسا ئل الشیعه ، چاپ جدید ، ج ۶ ، ص ۵۱

در صورتیکه قیمت نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سقف خود رسیده است و درآمد ایران از صادرات نفت و دیگر اجناس بالا رفته است این درآمدها به کجا می رود که سوب سیدها برداشته شود و قیمت مصالح ساختمان و دیگر اجناس به حدی رسیده که دیگر ساخت و ساز انجام نمی شود ک

پرسش

در صورتیکه قیمت نفت در بازارهای جهانی به بالاترین سقف خود رسیده است و درآمد ایران از صادرات نفت و دیگر اجناس بالا رفته است این درآمدها به کجا می رود که سوب سیدها برداشته شود و قیمت مصالح ساختمان و دیگر اجناس به حدی رسیده که دیگر ساخت و ساز انجام نمی شود که خود باعث بیکاری تعداد زیادی از مردم شده است؟

پاسخ

اگر چه قیمت نفت نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته و درآمد ایران از صادرات آن نیز بالا رفته است ولی این افزایش در مقایسه با تورم جهانی که در طی سالیان متمادی وجود داشته است ناچیز است. لابد شما شنیده اید که در رژیم گذشته روزانه ۶/۰۰۰/۰۰۰ شبکه نفت صادرات می شده و بشکه ای بیش از ۳۰ دلار به فروش می رفته است این در حالی است که صادرات نفت ایران روزانه به ۲/۰۰۰/۰۰۰ بشکه کاهش یافته و قیمت ها هم نسبت به آن زمان کاهش یافته است در حال حاضر که همه می گویند قیمت ها بالا رفته نسبت به ۲۵ سال قبل هنوز هم پایین است. هنوز هم نفت ایران بشکه ای ۳۰ دلار به فروش نمی رسد بلکه در شرایط مطلوب ۲۷۲۸ و حتی اگر بالاتر هم بشود باز نسبت به قبل از انقلاب اسلامی پایین است. آیا در طول ۲۵ سال گذشته تورم جهانی چند درصد بوده است آیا متناسب با تورم قیمت نفت در طول این سالیان بالا رفته است قطعاً خواهید گفت نه تنها نسبت به افزایش قیمت ها و تورم قیمت نفت بالا نرفته بلکه به نسبت آن زمان هم قیمت ها کاهش یافته و هم میزان صادرات به یک سوم تنزل یافته است. تازه

اگر فرض بگیریم که تورم جهانی وجود نداشته و قیمت ها ثابت مانده اند و نفت هم به همان قیمت آن زمان فروخته شود و باز هم درآمد ایران از صادرات نفت به یک سوم کاهش یافته زیرا میزان صادرات هم تقلیل یافته است بنابراین نه تنها درآمد ایران نسبت به ربع قرن گذشته افزایش نیافته بلکه کاهش نیز یافته است. از یک طرف درآمد نفتی به یک سوم تقلیل یافته و از سوی دیگر تورم جهانی وجود داشته است. مضاعف بر همه اینها جمعیت ایران نسبت به آن زمان حدوداً سه برابر شده است.

حال تصور کنید اداره کشور با شرایط مذکور چقدر سخت و مشکل خواهد بود. مشکل عمده و اساس بیکاری و ... در اینجاست که درآمدهای ارزی تنزل یافته، تورم افزایش یافته و جمعیت هم به صورت سرسام آوری افزایش یافته است، طبیعی است که کشور دچار بحران می شود: بحران ازدواج جوانان یکی از آنهاست. سن ازدواج بالا رفته و به مرز ۳۰۳۵ سال رسیده است. سالانه ۵۰۰ هزار جوانان از ازدواج باز می مانند. مسکن و سرپناه زندگی برای جوانان و افرادی که تازه تشکیل خانه می دهند با نداشتن شغل و درآمد مناسب از دیگر مشکلات عمده است. و بالاتر از همه شغل و رفع بیکاری. دولت در شرایط کنونی با توجه به میزان درآمدش، تورم جهانی و افزایش آمار جوانان جویای کار قادر نیست پاسخگوی قشر عظیمی از جوانان و ... بیکار باشد و درآمد و امکانات دولت درحدی نیست که بتواند برای این سیل گسترده و وسیع بیکاران شغل و کار ایجاد کند. حتی اگر هم بودجه مملکت را بطور کامل صرف

ایجاد اشتغال نماید باز هم افراد بیکار صاحب کار نمی شوند و بودجه فعلی کشور جوابگوی این مهم نیست تازه آیا امکان دارد تمام بودجه را صرف اشتغال زایی کرد. پس نیازهای اساسی مردم و خدمات مورد نیاز مصرفی چه میشود؟

آیا می توان یارانه نان را حذف کرد، در این صورت قحطی و گرسنگی جان بسیاری از افراد را تهدید خواهد کرد. مضاف بر همه اینها که توصیه می کنیم درباره آن تعمق و تفکر کنید اقتصاد کشور ما اقتصاد بیماری است و به این سادگی ها هم بیماری آن بر طرف نمی شود، رفع کسالت و بیماری از پیکره اقتصاد کشور مستلزم عزم ملی و تلاش همگانی است که امیدواریم روزی محقق شود. البته دولت و مسئولان با همه مشکلات تلاش می کنند بخشی از فشارها را از مردم بردارند و همانطور که شنیده اید در دولت و قوه قضاییه مصمم هستند با افزایش قیمت های بی رویه مقابله نمایند. امیدواریم تلاشهای دولت و ملت برای احیاء اقتصاد بیمار کشور روزی نتیجه و ثمر دهد. انشاء ا...

آیا این گرانی باعث نمی شود که فشار برطبقه مستضعف بیاید وعده ای از مردم بدبین بشوند؟

پرسش

آیا این گرانی باعث نمی شود که فشار برطبقه مستضعف بیاید وعده ای از مردم بدبین بشوند؟

پاسخ

مسأله گرانی عوامل متعددی دارد از جمله:

۱- تاثیر تورم جهانی بر اقتصاد داخلی.

۲- از نظر اقتصادی توسعه یکی از عوامل مهم تورم است زیرا سرمایه گذاری های کلانی را می طلبد ولی در عین حال گریزی از آن نیست و بدیهی است بدون آن آینده شکوفایی نمی توان داشت.

۳- تحریم اقتصادی و موانع متعددی که استکبار جهانی فرا راه رشد اقتصادی کشورمان ایجاد می کند.

۴- کاهش تولید نفت و کاهش بسیار شکننده قیمت آن .آن هم با توجه به این که اقتصاد ما اتکای بیش از حد به نفت دارد.

۵- مخارج سنگین بازسازی.

۶- الگوی نامناسب مصرف و گرایش شدید جامعه به تجمل و اسراف.

۷- کاهش ارزش ریال در برابر دلار.

۸- رشد بی رویه جمعیت و افزایش شدید «تقاضا» در حالی که سطح «عرضه مناسب» با آن نتوانسته رشد کند.

۹- افزایش نقدینگی در بین مردم. اینها همه عواملی است که روی هم رفته می تواند اقتصاد یک جامعه را فلج کند وچنان

فشاری بر جامعه وارد آورد که نظام زندگی انسان ها را به کلی واژگون سازد.

در برابر این مشکلات دولت فعالیت بسیاری نموده و بیش از هر چیز بر گسترش تولید داخلی تکیه کرده که نقش مهمی در شکوفایی آینده اقتصاد ایفامی کند. البته در میان خدمات بسیار دولت گاهی برخی از سیاست های نامناسب نیز تاثیر منفی داشته ولی در محاسبه کلی و مقایسه مشکلات و نتایج حاصله می توان نتیجه گرفت که در کل دولت توانسته است اقتصاد جامعه را از پرتگاهخطرناک سقوط نجات بخشد.

آیا کاهش در معاملات بازار بورس امریکا, باعث رکود در معاملات بورس کشورهای معتبرمی شود؟

پرسش

آیا کاهش در معاملات بازار بورس امریکا, باعث رکود در معاملات بورس کشورهای معتبرمی شود؟

پاسخ

در جهان پیشرفتهء فعلی گرچه کشورها از یکدیگر جدا و دارای مرزهای جغرافیایی هستند, اما همان طور که ارتباطات و فرهنگ ها مرز نمی شناسد, اقتصاد در تمامی کشورها متأثر از یکدیگر است , گو این که مرزهای جغرافیایی تا حدی مانع تأثیر گذاری می شود. بازار بورس هر کشور, مربوطه به همان کشور است , اما غیر مستقیم برسایر بازارها اثر می گذارد, مثلاً اگر در بازار بورس امریکا یا لندن , سهام کارخانهء ماشین سازی در معرض فروش گذارده شود, در کشورهای دیگر که به آن ها وابستگی دارند, تأثیر می گذارد.

نقدینگی چیست ؟

پرسش

نقدینگی چیست ؟

پاسخ

نقدینگی و پول هر کشور یا هر شخص حقیقی یا حقوقی , معیار ارزش و توانمندی اقتصادی است . درزمان های قدیم به جای پول , غلّات و تنباکو و بسته های چای و گوسفند و غیره , معیار سنجش و واحد ارزش درمبادلات بود ولی به علت مشکلات فراوان , به جای آن ها طلا۔و نقره را انتخاب کردند و ارزش هر چیزی را با طلا ونقره می سنجیدند. در زمان های اخیر پول معیار ارزش قرار گرفت . پول چه اسکناس و چه چک باید از پشتوانه ءمالی برخوردار یا ارزش واقعی داشته باشند.(۱)

پاورقی ۱.دکتر باقر قدیری , کلیات علم اقتصاد, ص ۱۹۳

رابطهء قیمت نفت با بازار طلا و ارز چگونه است ؟

پرسش

رابطهء قیمت نفت با بازار طلا و ارز چگونه است ؟

پاسخ

قیمت نفت و نوسانات آن رابطهء مستقیمی با تقاضا دارد. هر چه کشورها و شرکت های تقاضا کننده وهر جامعه به صنعت و تکنیک های مربوط به نفت بیش تر باشد, قیمت نفت بیش تر خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل قیمت نفت , کمبود این مایهء حیاتی است هر چه مقدار نفت در بازار کم تر یافت شود, قیمت نفت بالا می رود.

عدم امنیت حمل و نقل و مشکلات آن از عوامل گرانی قیمت نفت است .

بازار طلا ـ و ارز, مقدار ارزش بازار و وسیلهء مبادله و داد و ستد می باشد و باعث ارزش و توان اقتصادی هر کشوراست . بنابراین رابطهء قیمت نفت با بازار طلا و از رابطهء مستقیم است .

افزایش و کاهش ارزش سهام به چه بستگی دارد؟

پرسش

افزایش و کاهش ارزش سهام به چه بستگی دارد؟

پاسخ

تقاضا و عدم تقاضا; نقدینگی موجود; امنیت اقتصادی ; رقابت و عدم رقابت ; بنیه و توانایی اقتصادی مردم ; بازار داشتن سهام عرضه شده ; توزیع صحیح و کارآمد; ضریب فزاینده یا ضریب افزایش صادرات وواردات .(۱)

(پاورقی ۱.دکتر باقر قدیری , کلیات علم اقتصاد.

در مورد بازار بورس و سهام توضیح دهید و حکم شرعی آن را بیان کنید.

پرسش

در مورد بازار بورس و سهام توضیح دهید و حکم شرعی آن را بیان کنید.

پاسخ

بورس سازمانی است برای خرید و فروش یا مبادله اوراق بهادار یا کالاها.

در جهان سرمایه داری، بورس یکی از وسائل مهم تسهیل تأمین سرمایه برای شرکت های صنعتی و بازرگانی است. در بورس کالا، اغلب معاملاتی که روی کالاها می شود، به صورت قول و وعده و تعهد است، زیرا غالباً کالای مورد معامله در دسترس خریدار نمی باشد. خریدار و فروشنده به وسیله دلال مخصوص، تعهداتی می کنند و چند روز بعد هر یک از طرفین معامله، به وسیله همان دلال، موضوع تعهد خود را به دیگری تسلیم می نماید.

در بعضی کشورها در یک بورس، انواع کالاها مورد معامله واقع می شود، ولی پاره ای کشورهای دیگر برای هر کالای قابل توجه، بورس مخصوصی دارند، مانند بورس پنبه، بورس حبوبات، بورس سهام و غیره(۱)

قبل از این که بازار بورس تشکیل شود، این گونه معاملات غالباً بین فروشنده ها و خریدارها درمیدانی یا در پیاده رو خیابان ها انجام می شد، که به بازارچه سهام پیاده رو معروف شده بود. الان هم در خارج از ساختمان بورس و در اطراف آن دلالان معاملاتی می کنند.(۲)

در بازار بورس اگر معامله براساس معاملات اسلامی مانند خرید و فروش، نقد، نسیه، سلف، صرف، مضاربه، مشارکت، جعاله و اجاره صورت بگیرد. معاملات اشکال شرعی نخواهد داشت، ولی اگر بر اساس آنها نباشد، مجاز نخواهد بود.

پی نوشت ها:

۱ - دائرهالمعارف بزرگ فارسی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲ - همان، ص ۳۷۱.

آیا در صدر اسلام مسئله مالیات مثل زمان فعلی بود؟

پرسش

آیا در صدر اسلام مسئله مالیات مثل زمان فعلی بود؟

پاسخ

مالیات های زمان فعلی با آن چه که در صدر اسلام وجود داشت، تا حدودی تفاوت دارد، توضیح مالیات های اسلامی را به صورت کلی می توان بر دو دسته تقسیم نمود:

۱ - مالیات های مستقیم؛ یعنی مالیات هایی که نسبت یا مقدار یا مورد وضع آن یا ترکیبی از این ها به نوعی مستقیماً از طرف شارع مشخصی معین گردیده است، مثل "خمس"، "زکات"، "خراج" و "جزیه".

۲ - مالیات های تبعی؛ یعنی مالیاتی که حاکم اسلامی می تواند در شرایط خاص وضع نماید و مورد یا مقدار، یا نسبت خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است. فقط تابع هزینه های ضروری دولت و امثال آن است. (۱)

در صدر اسـلام به ویژه در زمان پیامبر (ص) به جهت نوپایی و کوچک بودن دولت اسلامی، مالیات ها محدود بود و در همان نوع اول مانند خمس غنایم، زکات طلا و نقره، انعام (چارپایان) ثلاث (گوسفند و شتر و گاو) و غلات اربعه، فی ء (انفال)، خراج، جزیه و فدیه بود.

اما بعد که به تدریج دولت اسلام توانمند می گردید و متناسب با آن هزینه ها و مخارج آن فزونی می گرفت، دولت ها یا حاکمان اسلامی به تناسب موقعیت ها به مالیات های قسم دوم رو آوردند. از جمله این که در زمان پیامبر (ص) امام علی (ع) از اسب های خاص مالیات می گرفتند.

مالیات هایی که امروزه در قوانین مدنی ایران وجود دارد، عمدتاً مالیات های نوع دوم است که در زمان پیامبر (ص) چندان مطرح نبود.

در مورد تحولات مالیاتی در اسلام به کتاب "بیت المال پیدایش و تحولات آن"، تألیف "خوله شاکر الدخیلی"، ترجمه سید محمد صادق عارف، مراجعه نمایید.

پی نوشت ها:

۱ – مقدمه ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام، س م. ر. مدرسی، ص ۲۰ و ۲۱.

به خمس و زکات نمی توان امر ملک را تمشیت داد و در شرع اسلام وضع مالیات ناقص است

پرسش

به خمس و زکات نمی توان امر ملك را تمشیت داد و در شرع اسلام وضع مالیات ناقص است

پاسخ

این اعتراض از نادانی برخاسته است زیرا که خراج چیز دیگر است و زکات چیز دیگر وهر یک مصرفی جداگانه دارد . زکوه صدقه است برای فقرا و قرض داران و در راه ماندگان و خیرات دیگر و هر کس می تواند پل و کاروانسرا بسازد و مهمان بپذیرد و از زکوه محسوب دارد . و اما خراج برای مصالح دولت است مانند : مشاهره قضاه و روسای کشور و لشکر ودبیران و مرزداران و برید و هر چه امام مصلحت داند و اینها نه خمس است و نه زکوه و هرگز ائمه علیهم السلام از شیعیان خود خراج طلب نمی کردند بلکه خراج رامردم بخلفا می پرداختند و خمس را به امام ; و زکوه تفصیلی دارد . و در کتب فقه گویند خراج و حصه سلطان بر زکوه مقدم است یعنی اگر کسی در زمین خراجی گندم یا جو یا خرما یا مو داشته باشد باید اول خراج سلطان را بیرون کند واز مابقی اگر بحد نصاب رسد زکوه بپردازد و اگر یکی از این چهار محصول نباشدمانند باغ میوه و سبزی و برنج و حبوب و خانه و کاروانسرا و دکاکین و مراتع درزمین خراجی باید خراج آنرا بپردازد و زکوه ندارد و مقدار خراج بسته بنظر امام است هر چه مصلحت داند . شیخ مفید در رساله مقنعه فرماید : هر زمینی که بشمشیر گرفته شود امام می تواند بمردم آنجا یا غیر ایشان واگذاردبهر چه صلاح بیند و قبول کننده

بتوانـد بپردازد نصف محصول یـا ثلث یـا ثلثین , و هرزمینی که مردم آن بـا امـام صـلح کننـد بر مالکیت زمین , بهمان نحو که باامام صلح کردند خواهند بود و شرط امام بر همه مردم نافذ است و امت باید بدان راضی شوندو ائمه بعد از آن نمی توانند بر شرط او بیفزایند یا از آن بکاهند , و هر زمینی که مردمش بی جنگ تسلیم شوند یا از آنجا جلای وطن کنند آن زمین از انفال و مال امام است هر چه خواهد کند . و یونس بن ابراهیم از یحیی بن اشعث کندی از مصعب بن یزید انصاری روایت کرد که امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام عمل چهار روستای مدائن را بمن سپرد :بهقباذات , نهر شیر , نهر جویر , نهر ملک (کـذا) و مرا فرمود بر هر بر هرجریب زمین غلیظ که کشتزار باشـد یک درم و نیم و بر هر زمین میانه یکـدرم و برزمین خفیف دو ثلث درم خراج نهم ; و بر هر جریب موستان ده درم و بر هر جریب نخلستان و آنچه نخل و درختان دیگر آمیخته دارد هم ده درم و هر درخت خرما که دوراز ده است بحساب نیاورم و برای راهگذر گذارم . انتهی بتلخیص . و علامه در منتهی فرماید : این زمین (یعنی عراق) بغلبه گرفته شد , عمر بن الخطاب آن را فتح کرد و سه تن بدانجا فرستاد : عمار یاسر برای نماز و ابن مسعود قاضی و والی بیت المال وعثمان بن حنیف بر مساحت زمین ۰۰۰۰ و عثمان زمین را مساحت

کرد در انـدازه مساحت او خلاف است ساجی گوید سـی و دو میلیون (هزار هزار) و ابوعبیده گوید سـی و شـش هزار هزار (میلیون) جریب برآمد و بر هر جریب موستان ۸ درم , و بر درخت ویونجه ۶ درم و بر گندم ۹ درم , و بر جو ۲ درم مقرر کرد , و به عمر نوشت و عمرامضاء کرد . و روایت کنند که خراج عراق بعهد عمر ۱۶۰ میلیون درم بود و بزمان حجاج نقصان یافت تا هیجده میلیون و چون عمر بن عبدالعزیز خلیفه شد سال اول سـی میلیون و سال دوم خلافتش به شـصت میلیون رسید و گفت اگر زنـده مانـدم سـال دیگر آنرا بمقـدار زمـان عمر رسانم اما همان سال بمرد انتهی . و شـیخ در مبسوط با انـدک اختلافی در الفـاظ همین مطـالب را آورده است . و در خراجیه محقق ثانی از قطب راونـدی روایت کرده است که زمین از اقصـی خراسان تاکرمان و خوزستان و همدان و قزوین و حوالی آن بشمشیر فتح شده است و آن را به مبسوط شیخ نسبت داده .

مشخصات سرمایه داری چیست؟

پرسش

مشخصات سرمایه داری چیست؟

پاسخ

مشخصات سرمایه داری مجموعآ به قرار زیر است:

الف. مالکیت فردی (سوسیالیستها حتی مارکس بکلی با مالکیت فردی به طور مطلق مخالف نیستند.)

ب. مالکیت موروثی (بعضی از سوسیالیستها با ارث به اولاد مخالف هستند.)

ج. طبیعی بودن – نه ظالمانه بودن – اختلاف افراد در ثروت و مالکیت.

د. مالک شدن ثروت به وسیله ابزار تولید، به عبارت دیگر منفعت از طریق سرمایه.

ه . مالک شدن ثروت به وسیله استخدام نیروی طبقه کارگر و اجرت دادن به آنها و برقرار شدن نظام کارگر و کارفرما.

و. مالکیت به وسـیله ربا، به اینکه سرمایهداری به سرمایهدار دیگری قرض ربوی بدهد و دومی به وسیله نظام کارگر و کارفرما تولید کند و سود سرمایهدار و اجرت کارگر را بدهد و ما بقی از خود او باشد. (ربای انتاجی)

ز. مشـروع بودن تشـکیل «تراست» و تشـکیل «کارتل» و در نتیجه اسـتثمار تولید کننده و مصـرف کننده. از نظر اسـلام تشـکیل «تراست» قطعآ ممنوع است و تشکیل «کارتل» چون به منظور تضییق مضاربه و بازار سیاه از لحاظ فروشنده است ممنوع است.

ح. لازمه رژیم سـرمایهداری این است که امور اقتصادی جامعه دربست در اختیار افراد معینی قرار بگیرد، نه تنها افرادی ثروت داشـته باشـند و افرادی نداشـته باشـند، بلکـه افرادی قـادر باشـند اقتصـاد اجتمـاع را بـه هر شـکلی کـه بخواهنـد درآورنـد، یعنی دیکتـاتوری اقتصـادی باشـد، هر چه بخواهنـد از وسائـل تجملی و مخرب و غیره اگر نفع خودشـان باشـد یـا خیال کننـد به نفع

اجتماع است تولیـد کننده ولی عامه مردم محکوم آنها باشـند؛ سـرنوشت اقتصادی اجتماعشان در اختیارشان باشد. این که همه افراد جامعه حق دارند که سرنوشت اقتصادی

اجتماع خود را در دست بگیرند همانطوری که حق دارند سرنوشت سیاسی اجتماع خود را در دست بگیرند، مطلب جداگانهای است از استثمار افراد و از اینکه تولیدات باید به نفع جامعه باشد نه به سود افراد.

ط. رژیم سرمایهداری مالکیت وسائل تولید، چه طبیعت و چه سرمایه را جایز می شمارد.

ی. جایز شمردن رباخواری

یا. هدف تولید، منافع افراد نه مصالح عموم.

یب. در سرمایهداری منعی برای قطع رابطه ثروت و کار نیست. به عبارت دیگر سود کار نکرده را چه به صورت ارث و چه به صورت ارزش اضافی و درآمد مدیریت کارخانه تچویز می کند.

یج. عملاً تعیین نرخ کارگر به دست کارفرماست.

ید. لازمه سرمایهداری این است که گروهی به قیمت بدبختی گروه دیگر خوشی داشته باشند.

یه. در رژیم سرمایهداری عملاً بردگی و غلامی در کار است، زیرا به قول فیلیسین شاله:

منحصر شدن داراییها به اشخاص معدودی در به کار واداشتن کارگران آزاد همان تأثیر را داشته است که شلاق در غلام. رنجبر که چیزی ندارد مجبور است فوراً مشغول کار شود والا از گرسنگی خواند مرد.... (سرمایهداری و سوسیالیسم ص ۳۵)

یو. تسلط بر سیاست و حاکمیت ملی

یز. جنگافروزی به خاطر استفاده

یح. رقابت و مسابقه برای پر کردن جیب خود.

روابط اقتصادی چند نوع است؟

پرسش

روابط اقتصادی چند نوع است؟

پاسخ

روابط اقتصادی دو نوع است: روابط تکوینی و طبیعی ، و روابط اعتباری و قانونی (و به عبارت دیگر دو نوع اقتصاد داریم: اقتصاد طبیعی و اقتصاد برنامه ای). روابط طبیعی عبارت است از یک سلسله روابط علّی و معلولی که خواه ناخواه در امور اقتصادی پیش میآید، مثل روابط مربوط به عرضه و تقاضا و بها در اقتصاد آزاد و مبادله ای: تورّم پول، افزایش و کاهش

قیمتهـا، بیکاری، بحران اقتصادی، سود، ضـرر، مزد، مالیات، و امثال اینها. اما روابط اعتباری و قرار دادی عبارت است از قوانین مربوط به حقوق و مالکیتهای شخصی یا اشتراکی .

عوامل تولید کننده ثروت چند چیز است؟

پرسش

عوامل تولید کننده ثروت چند چیز است؟

پاسخ

عامل تولید کننده ثروت گاهی یک چیز و گاهی دو چیز و گاهی سه چیز می باشد؛ به این ترتیب:

الف. ثروتهایی که فقط طبیعت در تولیـد و ایجاد آنها دخالت دارد؛ مانند میوه های جنگلی، گلهای صـحرایی، گیاهان دارویی و علف هایی که به درد حیوانات اهلی می خورد.

ب. ثروتهایی که طبیعت به علاوه کار و کوشش انسان در ایجاد آنها دخالت داشته است، مانند درختی که به دست یک انسان کاشته می شـود؛ تخـم یـک درخـت دیگر یـا قلمـه یـک درخـت دیگر را در زمین می کـارد و درخت می گردد. این درخت محصولی است از قوای طبیعت و به کوشـش انسانی که قصـد تولیـد داشـته است. از این قبیل است دامداری، مرغداری و امثال اینها.

ج. ثروتهـایی که (از) طبیعت به علاوه کار به علاوه سـرمایه که خود محصولی از کار و طبیعت است به وجود می آیـد. از این قبیل است محصولات کشاورزی ماشینی حتی غیر ماشینی، و همچنین منسوجات،کفش، داروهای شیمیایی، قند، شکر، نان.

آیا جزیه مالیات عادلانه ای است؟

پرسش

آیا جزیه مالیات عادلانه ای است؟

پاسخ

جزیه یک نوع کمک مالی است از طرف «اهل ذمه» به دولت اسـلامی در برابر مسئولیتی که به منظور تأمین امنیت بر عهده می گیرد، پرداخت می گردد. «جزیه» مالیـات دولتی است که از مسـلمانان تحت عنـاوین مختلف: زکات، خمس، صـدقات و غیره دریـافت می شود و لـذا افراد نـاتوان، دیوانگـان، کودکـان و زنان از پرداخت جزیه معاف هسـتند، زیرا «جزیه»ماننـد مالیات بر درآمد است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«جرت السنه ان لا تؤخذ الجزیه من المعتوه ولا من المغلوب علی عقله» (وسائل الشیعه، ۱۱، ابواب جهاد عدو، باب ۵۱، حدیث ۱/۱۰۰)

[سنت بر این جاری است که جزیه از افراد علیل و ناقص العقل دریافت نشود].

«جزیه انـدازه ثابت و معینی نـدارد، بسته به قدرت و امکانات «اهل ذمه» است. از امام صادق علیه السـلام درباره اندازه «جزیه» سئوال شد، فرمود:

«ذلک الی الامام یأخذ من کل انسان منهم ماشاء علی قدر ماله و ما یطیق» (وسائل الشیعه، ج۱۱/۱۱۴)

[این بسته به نظر امام است. پیش از آنکه میزان جزیه را تعیین کند، به وضع آنان رسیدگی می کند، تا میزان جزیه کاملاً عادلانه تعیین گردد].

«جرجی زیدان» مورخ معروف مسیحی در کتاب «تاریخ تمدن اسلام» می نویسد: «رومیها هر جا را که می گشودند، بر مردم آن نقاط مالیات مقرر می داشتند و میزان مالیات آنها خیلی بیشتر از جزیه مسلمانان بود. مثلاً هنگامی که رومیان کشور «گل» (فرانسه امروز) را تسخیر نمودند، برای هر نفر سالانه نه تا پانزده لیره معین کردند که مقدار آن درست هفت برابر جزیه مسلمانان می شد و این مالیات از تمام طبقات و همه مردم بدو استثناء گرفته می شد و حتی غلامان زر خرید نیز از

دادن آن معاف نبودند».

از این حکم معلوم می شود، در اخذ «جزیه» نیز حال «اهل ذمه» مراعات شده است و این از کمال مدارا و مسالمت و عفو و گذشت مسلمانان حکایت می کند..

«محمد بن مسلم» می گوید: از امام صادق علیه السلام سئوال کردم: «اهل ذمه» چه چیز باید بدهند تا خون و مال آنان حفظ بشود؟

فرمود: «خراج (اگر صاحب یا متصرف اراضی مزروعی باشد).و اگر از آنها «جزیه» (مالیات سرانه) اخذ شود، دیگر از بابت زمین خراج نمی پردازند و اگر از بابت زمین «خراج» و مالیات اراضی بپردازند، از «جزیه» مالیات سرانه معاف می گردند» (وسائل الشیعه، ج ۱۱، حدیث۳/۱۱۴-۱۱۵)

از این روایت معلوم می شود «اهل ذمه» یا «جزیه» و مالیات سرانه می پردازند، و یا «خراج» و مالیات اراضی. و لذا بر حکومت اسلامی جایز نیست از اقلیتهای مذهبی غیر از یکی از دو (جزیه یا خراج) مالیات دیگری اخذ نماید، چناچه محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: از «اهل ذمه»، غیر از «جزیه» مالیات از اموال و چهارپایان آنها دریافت می شود؟ فرمود نه.

بنابراین مقدار «جزیه» در برابر مسئولیتهائی که حکومت اسلامی موظف به انجام آن است، بسیار ناچیز است. «اهل ذمه» با پرداخت مبلغی سالیانه، علاوه بر اینکه امنیت کامل خود را تأمین می کنند، از هرگونه وظیفه ای در مورد امور دفاعی و لشکری معاف هستند و همچنین مالیاتهائی که بر طبق قانون اسلام، تحت عناوین مختلف، خود مسلمانان باید به حکومت اسلامی بپردازند، به آنها تعلق نمی گیرد.

مسئولیت مسلمانان در برابر حکومت اسلامی به مراتب سخت تر و بیشتر از «اهل ذمه» است، زیرا مسلمانان موظف هستند به عنوان خمس، زکات، خراج و صدقات مبلغی به حکومت

بپردازنـد و در موقع لازم به خـدمت سـربازی حاضـر شونـد، در صورتی که اهـل ذمه بـا پرداخت مبلغی نـاچیز از تمـام مزایای حکومت اسلامی استفاده می کنند و با مسلمانان در یک ردیف قرار می گیرند، در حالی که مسئولیت حکومت از نظر تأمین امنیت و ایجاد وسائل رفاه و آسایش عمومی نسبت به همه یکسان است.

صندوق پول و بانک تجارت چیست؟

پرسش

صندوق پول و بانک تجارت چیست؟

پاسخ

صندوق بین المللی پولی، یکی از مؤسسات مالی زیر نظر سازمان ملل است. به نسبتی که کشورها در آن سرمایه گذاری بکنند و شـرایط حرکت به سـمت توسـعه اقتصادی را مورد توجه قرار دهنـد، می تواننـد از آن وام دریافت کنند. و بهره بانکی خاص خود را دارد.

بانک جهانی یک مؤسسه مالی مستقلی است که بـدون سپرده گـذاری به میزان اعتبار اقتصادی جهانی کشورها و حرکت در جهت توسعه اقتصادی، وام در اختیار کشورها قرار می دهد و بهره بانکی آن متفاوت از صندوق بین المللی است.

بنابراین صحیح در سؤال باید این باشد که صندوق بین المللی پول و بانک جهانی چیست؟

در خصوص کلمه تجارت که در سؤال آمده است باید اشاره کنم که سازمانی نیز به نام سازمان تجارت جهانی (wto) وجود دارد که هر کشوری به آن بپیونـدد قوانینی خـاص گمرکی دارد که بیشتر به تسـهیل در امر صـادرات و واردات می پردازد در این سازمان کشورهایی که ضعیف هستند از نظر اقتصادی اگر بدون محاسبه وارد شوند بشدت ضربه خواهند خورد.

راه های جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران چیست ؟

پرسش

راه های جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران چیست ؟

پاسخ

- جـذب سـرمایه گـذاری خـارجی تـابع متغیرهـای گونـاگونی است . برای جـذب آنهـا در درجه اول تعیین الگویی مناسب با مقتضیات و مصالح عالیه نظام جمهوری اسلامی لازم است . برخی از موانع سرمایه گذاری های خارجی عبارتند از:

الف) تبعیت برخی کشورها از سیاست های آمریکا,

ب) عدم ثبات کافی در سیاست های اقتصادی ایران ,

ج) تضادهای فرهنگی .

طبیعی است برای جذب سرمایه های خارجی مبارزه با هر یک از موانع لازم است , لیکن رفع برخی از موانع یا خارج از اراده ئ ما است یا توفیق ما در آن اندك می باشد و یا مبتنی بر شرایطی است که برای ما چندان مطلوب نیست . آنچه بیش از همه از سوی ما قابل انجام است و باید بر آن جدیت ورزید, بند ((ب)) می باشد.

لطفاً بفرمایید هنگام ورود به محل کسب خواندن چه آیاتی مناسب است

پرسش

لطفاً بفرمایید هنگام ورود به محل کسب خواندن چه آیاتی مناسب است

پاسخ

آداب کسب و تجارت یکی از مباحث مهم و شیرین کتاب های فقهی و حدیثی است خوب است که هر کاسبی دست کم یک دور این مبحث را مطالعه کند. معمولاً فقها و محدثین در ابتدای این مبحث حدیث معروف حضرت علی را خطاب به کاسب ها و تجار ذکر می کند. حضرت در این حدیث سه بار می فرمایند: "تفقه سپس تجارت و تفقه سپس تجارت (الکافی شیخ کلینی ، ج ۵، ص ۱۵۰، دارالکتب الاسلامیه) یعنی ابتدا آداب و احکام تجارت و کسب را یاد بگیرید و سپس به آن اقدام کنید تا مبادا در دام حرام و شبهات بیفتید. آیات و اذکاری که مناسب از پیش از ورود به محل کسب خوانده متعدد است در یکی از روایت ها حضرت امام صادق توصیه می کنند پیش از ورود به محل کسب این دعا را بخوانید:"اللهم اِنّی اسألک من خیرها و خیر اهلها و اعوذبک من شرها و شر اهلها اللهم انی اعوذبک من ان اَظْلِم او اُظَلَم او ابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی عَلی ـ اللهم انی اعوذبک من شر ابلیس و جنوده و شر فسقه العرب و العجم و حسبی الله لا ـ اله الا ـ هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم خدایا من از تو بازار خوب و اهل خوب آن را می خواهم و از بازارش و اهل شر آن به تو پناه می برم و از این که ظلم کنم یا کسی به من ظلم کند یا تجاوز از حد کنم یا کسی به من ستم کند

به تو پناه می برم خدایا از شرّ ابلیس و لشکریان او شرّ فساق عرب و عجم به تو پناه می برم خداوند مرا کفایت می کند، هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او صاحب عرش بزرگ است "(وسایل الشیعه شیخ حرعاملی ، ج ۱۷، ص ۴۰۸، مؤسسه آل البیت) در دعای دیگری در کتاب مستدرک نقل شده است هنگامی که خواستی وارد مغازه گردی سوره توحید را بیست و یک مرتبه می خوانی پس می گویی "اللهم یا واحد یا احد یا من لیس کمثله احد اسألک بفضل قل هو الله احد ان تبارک لی فیما رزقتنی و ان تکفینی شر کل احد".(مستدرک الوسایل محدث نوری ج ۱، ص ۵۷، مؤسسه آل البیت) در پایان بی مناسبت نیست که همه ما توصیه زیر از حضرت صادق را به گوش جان بسپریم آن حضرت در روایتی می فرمایند: "چه می شود که بازرگانان بعد از این که به منزل برمی گردند بیش از خواب سوره ای از قرآن را تلاوت کنند تا با تلاوت هر آیه ای ده پاداش نصیبشان شده و ده گناه از آنان محو شود."(الکافی کلینی ، ج ۲، ص ۶۱۱، دارالکتب الاسلامیه)

اهمیت و ارزش کشاورزی را از دیدگاه قرآن بیان کنید؟

پرسش

اهمیت و ارزش کشاورزی را از دیدگاه قرآن بیان کنید؟

پاسخ

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است و یکی از اهرم های استقلال اقتصادی هر کشور است استقلال سیاسی نیز تا حد فراوانی به آن وابسته است از این رو، دین اسلام به کشاورزی اهمیت ف........Ş...jداده و برای آن ارزش بالایی برشمرده است

از آن جا که قرآن کریم برای ....بشر به کمال حقیقی و سعادت واقعی است آن چه در این هدف هدایت انسان لازم بوده بیان کرده است بدین جهت آیاتی که درباره کشاورزی و زراعت در قرآن وجود دارد، در راستای همان هدف است در چندین آیه به کشاورزی و زراعت اشاره شده است

"أَلَم ۥتَرَ أَن َاللَّه ـ أَنزَل ـ مِن ـ السَّمَآءِ مَآءً فَسَلَکَه ۥ یَنَبِیع ـ فِی الاْ ـ ?رْض ِ ثُم َ یُخْرِج ُ بِه ِی زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَنُه ۥ ثُم َ یَهِیج ُ فَتَرَغ ه ُ مُصْفَرًّا ثُم َ یَجْعَلُه ۥ حُطَمًا إِن َ فِی ذَلِکَ لَذِکْرَی ـ لاِ ?وْلِی الاْ ?لْبَب ِ ;(زمر،۲۱) مگر ندیدی خدا از آسمان آبی فرو آورد، پس آن را به چشمه هایی که در]طبقات زیرین زمین است راه داد، آن گاه با آن کشتزاری را که رنگ های آن گوناگون است بیرون می آورد، سپس خشک می گردد، آن گاه آن را زرد می بینی سپس خاشاکش می گرداند. قطعاً در این]دگرگونی ها[برای صاحبان خرد عبرتی است "

"أَوَ لَم ۥیَرَوْاْ أَنَّا نَسُوق ُ الْمَآءَ إِلَی الاْ ?رْض ِ الْجُرُزِ فَنُخْرِج ُ بِه ِی زَرْعًا تَأْکُل ُ مِنْه ُ أَنْعَمُهُم ۥ وَ أَنفُسُهُم ۥ أَفَلاَ یُبْصِرُون َ ;(سجده ۲۷) آیا ننگریسته اند که ما باران را به سوی زمین بایر می رانیم و با آن کشته ای را بر می آوریم که دام هایشان

و خودشان از آن می خورند؟ مگر نمی بینند؟

"أَفَرَءَیْتُم مَّا تَحْرُثُون ءَأَنتُم تَزْرَعُونَه أَم نَحْن الزَّرِعُون لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَه حُطَمًا فَظَلْتُم تَفَكَّهُون ;(واقعه ۶۳۶۵) آیا آن چه را کشت می کنید ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را]بی یاری ما[زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت می کنیم اگر بخواهیم قطعاً خاشاکش می گردانیم پس در افسوس]و تعجّب می افتید."

از این آیات استفاده می شود که نزول باران و رویش گیاهان و درختان به دست خداست و کار کشاورز بذرافشانی و ایجاد زمینه رویش گیاه است پس باید کشاورز در کارش به خدا توکل داشته باشد، و این یکی از بالاترین ارزش های کشاورزی است

روایات فراوانی در اهمیت کشاورزی از پیامبر و امامان نقل شده است که برخی از آن ها چنین است

حضرت امیرالمؤمنین می فرماید: هر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور کند.(ر.ک علامه مجلسی ، بحارالانوار، مؤسسه الوفأ، بیروت ج ۱۰۰، ص ۶۵.)

حضرت رسول اکرم می فرماید: وظیفه شماست که به تربیت گوسفند و کشاورزی بپردازید که رفت و آمد هر دو خیر و برکت است (ر.ک همان ج ۶۱، ص ۱۲۰.)

امام صادق می فرماید: هیچ عملی نزد خدا از زراعت محبوب تر نیست (ر.ک همان ج ۱۰۰، ص ۶۹.)

و نیز آن حضرت می فرماید: کشاورزان گنج های مردمند. غذای پاکیزه را که خداوند ارزانی داشته است زراعت می کنند و آنان در روز قیامت برترین مقام را دارند و به خدا نزدیک ترند و آنان را به نام "مبارک ها" صدا می زنند.(

ر.ک فروع کافی ثقه الاسلام کلینی ج ۵، ص ۲۶۱، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۱، ص ۱۶۲۱۶۵، دارالکتب الاسلامیه)

من و چند نفر از دوستان شروع به انجام تحقیقی با موضوع "تحقیق و بررسی آیات قرآنی در ارتباط با کشاورزی با استفاده از تفاسیر و کتاب های علمی مربوطه کرده ایم خوشحال می شدیم اگر شما در این رابطه ما را یاری کنید و همچنین پیشنهادی در ارتباط با چگونگی بهتر انج

پرسش

من و چند نفر از دوستان شروع به انجام تحقیقی با موضوع "تحقیق و بررسی آیات قرآنی در ارتباط با کشاورزی با استفاده از تفاسیر و کتاب های علمی مربوطه کرده ایم خوشحال می شدیم اگر شما در این رابطه ما را یاری کنید و همچنین پیشنهادی در ارتباط با چگونگی بهتر انجام دادن این تحقیق ارایه دهید؟

پاسخ

خرسندیم از این که جوانانی چون شما در راه تحقیق و نشر معارف قرآن کریم گام نهادید. به امید موفقیت شما و همه خادمان قرآن کریم

به طور کلی در تمام دین های الهی به موضوع زراعت فلاحت باغداری دامداری و نیز طبیعت توجه شده ولی به ویژه در اسلام و قرآن کریم که مکمّل سیره گذشته ادیان و آخرین آن هاست برای این امر اهمیت قابل توجهی داده شده است

در قرآن کریم به طور مکرّر و بـا جنبه اهمیت به عوامـل مهم کشاورزی اشاره شـده است هم چنین به توصـیف و تعریف باغ و بوستان که از پدیده های کشاورزی می باشد، پرداخته شده است

در قرآن کریم افزون بر موضوع های یاد شـده از بسیاری از گیاهان به ویژه از آن ها که مورد پرورش و کشت و کار قرار می گیرنـد نـام برده می شود، چه گیاهـانی که در وصف بهشت یـاد شـده است و چه آن هـا که در روی زمین معمولی کشت می گردد. جـالب آن است که بیشتر این گیاهـان همـان هـا هسـتند که هم اکنون نیز به خوبی به کشت آنهـا مبادرت می شود و از اهمیت و واقعیت آن ها چندان کاسته نشده است

همین قدر یادآور می شود که

در قرآن مجید در حدود ۵۵۰ آیه وجود دارد که به نحوی با موضوع کشاورزی در ارتباط می باشد و این تعداد آیه شاید ۹۸ درصد کل ِ آیات قرآنی را در بر می گیرد.

به هر حال موضوع یاد شده جای تحقیق دارد و می طلبد که خادمان و محققان قرآن کریم از آن غفلت نکنند.

پیشینه تحقیق متأسفانه در عین اهمیت این موضوع با امکاناتی که در اختیار ما بود، به کتاب یا مقاله مستقلی در زمینه یاد شده با ویژگی تطبیق آیات و تفاسیر با کتب و موضع های علمی کشاورزی دست نیافتیم جز این که موضوع "کشاورزی در قرآن را در برخی کتاب ها می توان دید. این کتاب ها را به چند بخش می توان تقسیم کرد:

۱. کتاب های تفسیری در بسیاری از تفاسیر در ذیل برخی آیات به موضوع زراعت و کشاورزی اشاره شده است برخی از این موضوع ها عبارتند از:

کشاورزان (قصه گفتگوی سلیمان غ با کشاورزان ، تفسیر کشف الاسرار، ذیل آیه ۱۷ نمل

اهمیت کشاورزی تفسیر المنیر، ذیل آیه ۲۶۱ سوره بقره تفسیر نمونه ذیل آیه ۵ سوره نحل

آداب زراعت تفسیر المنیر، ذیل آیه ۶۴ سوره واقعه

کیفیت لقاح در گیاهان تفسیر پرتوی از قرآن ذیل آیه ۳۷ آل عمران

زوجیت نباتات تفسیر الکاشف ذیل آیه ۳ رعد; تفسیر المیزان همان تفسیر نمونه ذیل آیه ۷ شعرا;

شگفتی های آفرینش گیاهان تفسیر کبیر فخر رازی ذیل آیه ۷ طه

کیفیت تلقیح درختان با باد، تفسیر مراغی ذیل آیه ۲۲ حجر;

اهمیت غذاهای

گیاهی تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۲ عبس (ر.ک فرهنگ موضوعی تفاسیر (بر اساس بیست دوره تفسیر قرآن از شیعه و اهل سنت مرکز فرهنگ و معارف قرآن مدخل "گیاهان ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

۲. کتاب های با عنوان اقتصاد در قرآن در ضمن برخی کتاب ها با عنوان یاد شده به موضوع کشاورزی نیز اشاره شده است از جمله

خطوط کلی اقتصادی در قرآن و روایات جعفر خوش نویس مترجم مهدی انصاری کتابخانه امیرالمؤمنین اراک

۳. کتاب های مستقل درباره کشاورزی و گیاهان در قرآن ۱. کشاورزی و دامداری در اسلام جعفر شیخ الاسلامی انتشارات اسلامی

۲. گیاهان درقرآن دکتر محمد اقتدار حسین ترجمه احمد نمائی بنیاد پژوهش های اسلامی (مشهد);

۳. النباتات فی القرآن الکریم جمال الدین حسین مهران مکتبه الانجلو مصریه

در ضمن کتاب های دیگری با عناوین زیر موجود است که شاید در تحقیق شما موثر باشد:

۱. تغذیه در قرآن دکتر محمد خوانساری انتشارات واقفی مشهد ۱۳۷۷;

۲. التداوی بالاعشاب احمد مصطفی هدا للنشر و الطباعه ۱۹۹۹;

۳. مع الطب فی القرآن محمد محمود عبدالله، الرشید، بیروت ۱۹۹۶;

۴. الغذا الشافی من القرآن دکتر موسی الخطیب دارالجیل بیروت ۱۹۹۵;

۵. عالج نفسک بالقرآن و الاعشاب محمد نبیه دارالبیان العربی

۶. الطب القرآنی محمد محمود عبدالله، دارالکتب العلمیه

در پایان چند نکته شایان توجه است

۱. به کارگیری ابزار علمی برای فهم معانی قرآنی

کـاری بس دشوار و ظریف است زیرا علم ثبـات نـدارد و بـا پیشـرفت زمان گسترش و دگرگونی پیـدا می کنـد و چه بسا یک نظریه علمی چه رسد به فرضـیه که روزگای حالت قطعیت به خود گرفته باشد، روزدیگر چون سرابی محو و نابود گردد. آری اگر دانشـمندی با ابزار علمی که در اختیار دارد و قطعیت آن برایش روشن است توانست از برخی ابهامات قرآنی پرده بردارد، کاری پسـندیده است مشـروط بر آن که با کلمه "شاید" نظر خود را آغاز کند، تا اگر در آن نظریه علمی تحولی ایجاد گردد، به قرآن صدمه ای وارد نشود.

حاصل آن که هرگز نباید میان دیدگاه های استوار دین و فراورده های ناپایدار علم پیوند ناگسستنی ایجاد نمود.

۲. مطالعه کتاب های اعجاز علمی در قرآن و طبیعت در قرآن در غنا بخشیدن به تحقیق شما نقش مؤثری خواهد داشت

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و... نمی شود؟

پرسش

علت وجود تعطیلات رسمی چیست ؟ آیا موجب رکود اقتصادی و... نمی شود؟

پاسخ

هر چنـدتعطیلات بیش از اندازه را می توان یکی از عوامل موثر در عقب ماندگی رکود اقتصادی و صـنعتی و... دانست . اما با بررسـی دقیق می توان به این نتیجه دست یافت که وجودتعطیلات رسـمی به این اندازه (مثلا" ۲۵ روز) نمی تواند عامل مهمی در وجودمشکلات و عقب ماندگی های جامعه تلقی شود به دلایل ذیل :

اولا", در بسـیاری از کشورهای پیشـرفته , تقریبا" مشابه این تعطیلات به صورت رسـمی وجود دارد مثلا" در آلمان در حـدود ۱۹ روز تعطیل رسـمی می باشد که در حدود ۷۶ درصد آن تعطیل مذهبی می باشد (حدد ۱۵ روز), (فرامرز رفیع پور, توسیعه و تضاد, ص ۳۰۷) بنابراین نفس این مقدار تعطیلات نمی تواند مانع عمده ای در توسعه باشد.

ثانیا", اهمیت دادن به اعیاد مـذهبی (مانند عید قربان , فطر, غدیرخم و...) و عزاداری , سالروز, رحلت یا شـهادت بزرگان دین (ماننـد رحلت رسول اکرم (ص), عـاشورا و...) نقش بسـیار زیادی در گسترش فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه اسـلامی دارد و خود از تعظیم شـعائر بوده که در قرآن کریم خداونـد بر آن توصـیه فرموده است (حج , آیه ۳۲) و ائمه معصومین (ع) نیز بر آن تائکید نموده اند. امام باقر(ع) در زمینه برپایی عزا برای امام حسین (ع) دستور می فرمایند: ((که برای امام حسین (ع) ندبه و عزاداری و گریه کنند و به اهل خانه خود دسـتور دهد که بر او بگریند و مراسم عزاداری برپا کنند)), (کامل الزیارات , ص ۱۷۵). و

همچنین از ائمه اطهار(ع) وارد شـده است که شـیعیان ما در عزای ما محزون و در شادی ما شاد می باشـند. برای این روزها در کتب روایی اعمـال و آداب مخصوص وارد شـده (ماننـد نمـاز در روزهای عیـد و..) که نشانگر اهتمام ائمه اطهار به این روزها می باشـد, بنـابراین اگر چه از لحـاظ اقتصـادی در روزهـای تعطیـل , جـامعه در ظـاهر پیشـرفتی نـدارد, ولی از لحاظ معنوی و فرهنگی تـاثیر بسـیاری در پیشـرفت و ترقی جـامعه دارد که غیرمسـتقیم می توانـد اثرات آن به بخش های مادی جامعه از قبیل اقتصادی , صـنعتی و... نیز سـرایت کرده و باعث شـکوفایی و پیشـرفت آنها می شود. به عنوان نمونه بیشترین مشـکل در بخش های اداری و دولتی ما نبود وجـدان کاری می باشد که باعث ایجاد یک نظام اداری غیرکارآمد همراه با بازدهی خیلی پایین و سـایر مشـکلات شـده است . در صـورتی که دسـتگاه هـای فرهنگی و رسـانه هـای عمـومی بتواننـد بر اثر آمـوزه هـایی که در بزرگـداشت مراسـم مـذهبی و... بـه افراد می آموزنـد, بـاعث تقـویت ایمـان , تقـوا, تعهـد و... افراد جـامعه شونـد, بسـیاری از مشـکلات اداری , اقتصادی و... جامعه حل خواهـد شـد و در تقویت انگیزه و میزان کارآیی نیروهای تولیـدی و... بسـیار موثر خواهـد بود, لـذا در کشورهـای پیشـرفته به نقش مـذهب برای کـارکرد بخش های دیگر جامعه و نهایتا" نظام اجتماعی بسـیار تـوجه می شـود و بسـیاری از روزهـای مهم و اعیـاد مـذهبی خود را به صورت تعطیـل رسـمی درآورده انـد, (فرامرز رفیع پور, توسعه و تضاد, ص ۳۰۷).

ثالثا", چرا وقتی سخن از کثرت تعطیلات می آید

بلافاصله تعطیلات مذهبی را نشانه رویم . مگر تعطیلات باستانی نوروزی را نمی توان کاهش داد. یکی از سیاست های دولت شهید رجایی همین مسائله بود, ولی متائسفانه حتی برای یک سال هم نشد که تعطیلات سیزده روز نوروزی را در مراکز آموزشی به ۵ روز تقلیل دهند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹